

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

[www.karnil.com](http://www.karnil.com)

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

# روان شناسی زن

در نهج البلاغه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# روان شناسی زن در نهج البلاغه

نویسنده:

مریم معین الاسلام

ناشر چاپی:

بهشت بینش

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	روان شناسی زن در نهج البلاغه
۸	مشخصات کتاب
۸	طلیعه سخن
۱۰	فصل اول: ساختار مفهومی
۱۰	لحظه ای با علی (علیه السلام) و نهج البلاغه
۱۲	پیشینه ی روان شناسی زن
۱۳	فصل دوم: هویت مشترک و جنسیت متفاوت
۱۳	درآمدی بر تفاوت های زن و مرد
۱۴	هویت انسانی، زنان و مردان
۱۷	فصل سوم: خاستگاه تفاوت ها
۱۷	اشاره
۱۷	الف) وراثت و تفاوت های جنسیتی (نگره ی فروید)
۱۷	ب) محیط و تفاوت های جنسیتی (نگره ی کارل گلیکان)
۱۹	ج) خود آگاهی و تفاوت های جنسیتی (نگره ژان پیاژه)
۲۰	نقد نگره ها
۲۱	د) نگره ی روان شناختی دینی و تفاوت های جنسیتی
۲۳	چکیده سخن
۲۳	فصل چهارم: تفاوت های زنان و مردان از منظر روان شناختی
۲۳	اشاره
۲۵	تفاوت های جسمی
۲۵	تفاوت در جسم و غدد
۲۷	تفاوت های جنسی

- ۲۷ ..... تفاوت در عدد و هورمون ها و نیازهای جنسی
- ۲۸ ..... تفاوت در روابط جنسی
- ۲۹ ..... تفاوت های روانی زن و مرد
- ۲۹ ..... تفاوت های عاطفی
- ۳۱ ..... تفاوت در برخورد با تنش ها
- ۳۳ ..... تفاوت در نیازها
- ۳۵ ..... تفاوت های عقلی
- ۳۵ ..... تفاوت در عقل عملی و نظری
- ۳۶ ..... تفاوت زن و مرد در تصمیم گیری
- ۳۸ ..... تفاوت زن و مرد از نظر توانایی های شناختی
- ۴۲ ..... تفاوت در نگرشها
- ۴۲ ..... تفاوت در شیوه های مدیریتی
- ۴۳ ..... تفاوت در دین باوری
- ۴۳ ..... تفاوت درگروش به دین
- ۴۸ ..... فصل پنجم: جایگاه عقل و عاطفه ی زنان از دیدگاه امام علی (علیه السلام) و روان شناسان
- ۴۸ ..... اشاره
- ۴۸ ..... مفهوم عقل
- ۴۹ ..... مفهوم عاطفه (عواطف)
- ۴۹ ..... زن در بستر عقل و عاطفه
- ۵۳ ..... مشورت با زنان از منظر روان شناختی علی (علیه السلام)
- ۵۴ ..... فصل ششم: پذیرش تفاوت ها و سیر کمال انسانی
- ۵۴ ..... پذیرش تفاوت ها و نقش آن در زندگی
- ۵۵ ..... اشاره
- ۵۶ ..... پذیرش تفاوت ها و آکسیر عشق

- ۵۷ ..... قضاوت های آزادانه در سایه ی پذیرش تفاوت ها
- ۵۸ ..... تفاوت ها و شادی آفرینی در زندگی
- ۵۹ ..... پذیرش تفاوت ها و حلّ مشکلات
- ۶۱ ..... پذیرش تفاوت ها و ایجاد جاذبه ی دو سوپه
- ۶۲ ..... پذیرش تفاوت ها و آرامش روانی
- ۶۳ ..... نقش تفاوت ها و ایجاد تعادل
- ۶۶ ..... نقش های اجتماعی زنان و تعادل
- ۶۸ ..... فصل هفتم: تفاوت زن و مرد، راز تکامل
- ۶۸ ..... الف- تفاوت زن و مرد، راز تکامل
- ۶۹ ..... ب- جلوه های ویژه روانی زنان
- ۶۹ ..... اشاره
- ۷۰ ..... ۱- بینش درونی
- ۷۳ ..... ۲- تناسب و دمسازی
- ۷۴ ..... ۳- همدلی و هم احساسی
- ۷۶ ..... ۴- ارتباط گرایی
- ۸۱ ..... ۵- خود آرای، جلوه ای اختصاصی
- ۸۳ ..... فصل هشتم: آسیب های روانی زنان
- ۸۳ ..... اشاره
- ۸۴ ..... آسیب شناسی روانی زنان
- ۸۵ ..... افسردگی ارمغان برا برنگری
- ۸۷ ..... یائسگی و افسردگی از دیدگاه روانی
- ۹۰ ..... حجاب و آسیب های روانی
- ۹۲ ..... نتیجه
- ۹۴ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

### مشخصات کتاب

سرشناسه: معین الاسلام مریم - ۱۳۳۱ عنوان و نام پدید آور: روان شناسی زن در نهج البلاغه مریم معین الاسلام ناهید طیبی  
 مشخصات نشر: قم بهشت بینش ۱۳۸۱. مشخصات ظاهری: ۲۶۱ ص نمودار شایک: ۹۶۴-۹۳۸۳۴-۹-۲؛ ۹۶۴-۹۳۸۳۴-۹-۲-۹  
 وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: پشت جلد به انگلیسی. Maryam Moin Aleslam, Nahid Taiyebi.  
 woman Psychology in Nahj Albalage. یادداشت: کتابنامه ص ۲۶۱ - ۲۵۶؛ همچنین به صورت زیر نویس موضوع:  
 علی بن ابی طالب ع، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق نهج البلاغه -- زنان موضوع: زنان -- روانشناسی شناسه افزوده: طیبی  
 ناهید، . - ۱۳۴۲ رده بندی کنگره: ۹/۰۹/۳۸/BP ز/۹۶۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۴۸۵۱

### طلیحه سخن

روان شناسی یکی از شاخه های برجسته ی علوم انسانی است که همواره مورد نظر اندیشمندان و بزرگان قرار داشته است. آن چه بیش از هر چیز ذهن انسان های دین باور را در رابطه با شناخت روح و روان آدمی به خود مشغول می سازد این است که روح از ناشناخته های بشر بوده و قرآن کریم به طور صریح این نکته را بیان می فرماید: *يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا* ۱ و درباره روح از تو می پرسند بگو: «(روح از) سنخ (فرمان پروردگار من است و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است» از سویی آگاهی از علوم ناشناخته بشری توسط انبیاء و اولیاء الهی میسر خواهد بود و از گذر کلام و عمل آن ها برخی از زوایای پنهان دانش آشکارا خواهد شد. چنان که می بینیم حضرت علی «علیه السلام» می فرماید: ۱. سوره ی اسری، آیه ی ۸۵. *أَيُّهَا النَّاسُ، سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَأَنَّا بَطَّرِقِ السَّمَاءَ أَعْلَمُ مَنِّي بَطَّرِقِ الْأَرْضِ* ۱ ای مردم پیش از آن که مرا نیابید آن چه می خواهید پرسید که من به راه های آسمان از طرق زمین آشناترم. بنابراین شناخت روان انسان و زوایای پیدا و پنهان آن از طریق اولیاء الهی و ائمه معصومین (علیهم السلام) ممکن است و شیعیان که شاگردان مکتب این بزرگواران هستند آموزه های آنان را به اهل دانش و بینش ارائه می دهند. اینک که در سال پر شکوه امام علی «علیه السلام» بر آن شدیم تا خوشه ای از خرمن علم و دانایی و بینش حضرت را تحت عنوان «روان شناسی زن در نهج البلاغه» برگرفته و به شیعیان شیفته آن امام همام تقدیم کنیم، ذکر نکاتی ضروری به نظر می رسد: الف) بنابر نظرهای روان شناسان بسیاری از نظریه های روان شناسی غرب و شرق متأثر از حالات و انفعالات دوران کودکی نظریه پردازان بوده و آن ها همواره تحت تأثیر مسایل درونی خویش بوده اند. روان شناسانی مثل یونگ، فروید، آدلر، آلپورت و... با توجه به حالات دوران کودکی خود نظریه پردازی کرده اند. ۲ از این رو روان شناسان دیگری که همزمان با آن ها بوده اند با نظریه های آنان مخالفت کرده و حتی نقطه مقابل آراء آن ها را بیان کرده اند. چنانکه برخی از روان شناسان می گویند: «تصور هر نظریه پرداز از انسان در مطالعه ی وی از عملکرد انسان تأثیر می گذارد و موجب می شود که بعضی از عوامل و مکانیسم های این عملکرد به طور کامل بررسی شود و به بعضی از آن ها اصلاً توجهی نشود.» ۳ این تأثیر و تأثر متقابل تصورات و نظریه های ارائه شده باعث تغییر و تحولات زیادی در نظریه های روان شناسی و روانکاوی شده است. به گونه ای که در ۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹. ۲. روان شناسی شخصیت، یوسف کریمی و روان شناسی کمال، دو آن شولتس، ترجمه ی گیتی خوشدل، ص ۱۶-۱۹. ۳. روان شناسی کمال (الگوهای شخصیت سالم)، ص ۲۷۱. بیش تر زمان ها شاهد نظریات متفاوت و نقض فرضیه های روان شناسان از سوی یکدیگر هستیم. اما از آن جا که زبان امیرالمؤمنین علی «علیه السلام» از یک سو زبان اُمی است و به عبارتی تکیه بر وحی و زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد و از سویی دیگر متصل به عقل انسانی است، نظریه های آن حضرت



در مورد انسان با توجه به این دو شاخصه از استحکام خاصی برخوردار است و زبان آن امام زبانی اُمّی است که در بجه های تخصص را گشوده است. برخی می نویسند: «وقتی علی (علیه السّلام) از تاریخ سخن می گوید نمودهای بنیادین از فلسفه ی تاریخ را برملا می سازد، وقتی از جامعه سخن می گوید دریچه های جامعه شناسی را می گشاید و آن هنگام که از روان شناسی سخن می گوید بستری می گسترد که در آن مجهولاتی از روان انسانی را معلوم می سازد. این است که می گویم زبان علی (علیه السّلام) زبانی است که از یک سو به وحی الهی متصل است و از سوی دیگر به عقل جزئی نگر انسان. او با اتکاء به وحی راه تخصص را می پوید. ما امروز بیش از هر چیز دیگر به ندیشه گری نیاز داریم که با اتکال به وحی راه تخصص را بیوید و دریچه های علوم را به زبان اُمّی رسول خدا (صلّی الله علیه و آله) متصل سازد.»<sup>۱</sup> دقت در نگره های امام علی (علیه السّلام) با توجه به ویژگی های ذکر شده در کیفیت نظریه پردازی حضرت، انسان سر در گم امروزی را از وادی تحیر و تردید می رهاند و برای دردهای کهنه او درمان های متناسب با شاکله ی وجودی او، و نه مقابل طبیعت و فطرتش، فرا راه وی قرار می دهد. نکته قابل توجه در مورد سخنان حضرت این که از آنجا که حالات و انفعالات درونی و شخصی در ایراد نظریه های روانی امام نقشی نداشته است، هرگز مورد نقض قرار نگرفته و آن چه را که دیگران با توجه به فعالیت های مستمر در آزمایشگاه های گوناگون و مراکز مختلف روان درمانی و روان کاوی و صرف ۱. آفات شخصیت، عباس نصر، ص ۳۸ و ۳۹. سال ها وقت در یک موضوع یافته اند، حدود ۱۴۰۰ سال پیش به صورت کامل تر در نظر امام علی (علیه السّلام) شناخته شده و مطرح گردیده است. ب) در میان علوم روان شناسی آن چه کمتر از همه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است روان شناسی زنان است که گاه با افراط گروه های فمینیستی و زمانی دیگر با تفریط از سوی افراد بی اطلاع، مورد بی مهری قرار گرفته و آنگاه که از روان شناسی زن از دیدگاه نهج البلاغه سخن به میان می آید با نظرهایی سطحی و نا آگاهانه روح و روان زن محکوم شده و بینش عمیق حضرت امیر (علیه السّلام) در مورد روان شناسی زنان ناشناخته می ماند. ما بر آن شدیم تا در این مختصر دیدگاه های کارشناسانه حضرت علی (علیه السّلام) در مورد روان شناسی زنان و مسایل ناشناخته آنان را بررسی کنیم و با نظریه های جدید سده های اخیر تطبیق کرده و گرد و غبار غربت را از کلام این بیکرانه با شکوه، نهج البلاغه، بزدایمیم. ج) آن چه در ابتدای مباحث روان شناسی زنان به ذهن افراد خطور می کند، سخنی از تفاوت های زن و مرد است. بی شک روان شناسی تفاوت های فردی به عنوان یکی از شاخه های مهم و اصلی علم روان شناسی از زوایای گوناگون به بحث تفاوت ها نگرسته است اما تفاوت زن و مرد سر سلسله ی مبحث تفاوت هاست. از این رو ما در نوشتار خود به بحث تفاوت ها خواهیم پرداخت و نظر گاه های نهج البلاغه و روان شناسان غرب و شرق را در این زمینه بررسی خواهیم کرد زیرا در سایه سار شناخت و پذیرش تفاوت هاست که آدمی می تواند ابعاد و زوایای روانی زنان را مورد بحث و بررسی قرار داد. د) لازم به ذکر است که تقدیم مباحث تخصصی و علمی روان شناسی امروز به خاطر ایجاد بستر و زمینه مناسبی برای درک بهتر مطالب امام امیرالمؤمنین (علیه السّلام) است. و همانگونه که حضرت، مقتدای ما در اعمال است در کلام و سخن نیز مقتدا و امام است و دیگر گفتار و نوشتارها مأوم اندیشه و بیان آن بزرگوار خواهد بود. ه) نکته ی قابل توجه در مباحث روان شناسی این است که با تحقیق و دقت در مباحث جدید علم روان شناسی می یابیم که برخی نظریه پردازان روان آدمی، روح و روان انسان را تنها در مکانیسم ها، واکنش ها، غرایز طبیعی و رفتارهای توجیه شده توسط عوامل غیر اختیاری مورد بررسی قرار داده و حقایقی چون وجدان، عشق، ارزش ها و... را نادیده گرفته اند. برخی از آن ها با نگره ی اومانیسیم (انسان محوری) به مسایل روانی انسان ها نگرسته و نسخه های درمانی خویش را نیز با همین تصور ارائه می دهند. اریک فروم، روان شناس معروف می گوید: «سنت بررسی روح آدمی با توجه به تقوا و سعادت وی در روان شناسی به کنار نهاده شد. روان شناسی اکادمیک که میکوشید به علوم طبیعی و روش های آزمایشگاهی توزین و شمارش تأسی جویید، با همه چیز جز روح سروکار داشت. هم چنین می کوشید جنبه هایی از انسان را که می توان آن ها را در آزمایشگاه ها تحت بررسی قرار داده آشکار سازد و مدّعی بود که وجدان، داوری، ارزش

ها و شناسایی خیر و شر مفاهیمی ماورای طبیعی و خارج از قلمرو روان شناسی است.» ۱ اریک فروم معتقد است که این روان شناسی فقط به مکانیسم واکنشی سازی ها و غرایز علاقمند بوده و به پدیده های بسیار ویژه ی انسانی مثل عشق، منطق، وجدان و ارزش ها کاری نداشته است و بیش تر به مسایل ناچیزی، آن هم به صورت موهوم توجه می کنند و شاید به همین جهت باشد که برخی از روان شناسان معاصر پیشنهاد کرده اند که نام علم روان شناسی به رفتارشناسی تغییر یابد. ۲ اینک با توجه به این مطلب می توان به عظمت و جامعیت روان شناسی اسلامی پی برد و روان آدمی را با نگاهی به تمامی زوایای آن و نه تنها بر اساس رفتارهای ظاهری افراد، بررسی کرد. در بسیاری از موارد که روان شناسی جدید سکوت کرده است می توان از متون اسلامی به ویژه نهج البلاغه یاری گرفت و ۱. روان کاوی و دین، اریک فروم، ترجمه ی نظریان، ص ۱۳. ۲. قرآن و روان شناسی، محمد عثمان نجاتی، عباس عرب، ص ۲۸. مباحث جدید روان شناختی را مطرح کرد. ما پس از این مختصر، در شاخه های دیگر روان شناسی گلوازه های آسمانی علوی را جستجو کرده و به شیفتگان علم و دانایی ارائه خواهیم داد. (و در پایان از زحمات خالصانه مرحوم حجه الاسلام و المسلمین محمددشتی که عمر خویش را در تبیین نهج البلاغه و شناساندن آن به جامعه ی اسلامی گذرانده است تشکر و قدردانی می کنیم. امید آن داریم که این مختصر در نگاه سلیمان منظر اهل بیت (علیهم السلام) بار یابد و مورد پذیرش آنان، به ویژه حضرت امیر (علیه السلام) قرار گیرد. مریم معین الاسلام- ناهید طیبی تابستان ۱۳۸۰

## فصل اول: ساختار مفهومی

### لحظه ای با علی (علیه السلام) و نهج البلاغه

پیش از آن که بر دریای بیکران نهج البلاغه گام اندیشه و بینش نهیم و مرواریدهای معرفت و هدایت را یکی پس از دیگری بیابیم، بجاست قدری از دریا و صدفی که مروارید آفرین این دریا است، سخن گوئیم. گرچه از علی سخن گفتن جز در بند کشیدن حقیقتی بزرگ در زنجیر واژه ها نیست و هرگز نمی توان به بلندای معرفت آن پیشوای روشن بین دست یافت اما نگرستن به افقی چنین بلند و با شکوه نیز لطفی دارد نگفتنی! ما از علی چه گوئیم وقتی که پیشتازان مکاتب مادی گری می گویند: «پیشوا علی بن ابیطالب، بزرگ بزرگان، یگانه نسخه ای است که نه شرق و نه غرب، نه در گذشته و نه امروز صورتی مطابق این نسخه ندیده است.» ۱ و یا دانشمند مسیحی لبنانی، سلیمان کتیانی بر این باور است: «به این سان فرصتی رخ نمود تا در تاریخ ترین شبی که طولانی ترین سیاهی اعصار و قرون را بر خود پیچیده است و آدمی را به ۱. صوت العدالة الانسانیة، جرج جرداق، ص ۱۹. (به نقل از شبلی شمیل) زیر خروارها نابخردی و ستم و انحراف به گور سرد خاموشی و فراموشی خوابانده بود. مردی به وجود آید با گنجینه های گرانبار از مواهب و استعداد و فضایل که نمی شود کسی بدان دست یابد و همطراز نوابغ و قهرمانان نشود.» ۱ از آن سو محمد عبده، روحانی و دانشمند اهل تسنن می گوید: کلام علی بن ابیطالب هو اشرف الکلام و ابغیه بعد کلام الله تعالی و کلام نبیه (علیه السلام) ۲ سخن علی بن ابیطالب شریف ترین و بلیغ ترین (شیواترین) سخن بعد از کلام خدا و رسول اوست. او بر این باور است که اسلوب کلام علی جامع ترین است و محتوا و معانی آن جلیل ترین و واژه ها و کلمات به کار رفته در نهج البلاغه زیباترین واژه ها است. شاید بتوان تعبیر علامه محمد تقی جعفری (قدس سره) در مورد امام علی (علیه السلام) را گرانقیمت ترین سخن بعد از کلام ائمه در مورد عظمت و بزرگی آن حضرت دانست که: «علی نماینده رسالت های کلی تاریخ است که به وسیله ی پیامبران عرضه شده است. و این شایستگی علی به مقام نمایندگی رسالت های کلی نه تنها از طرف صاحب نظران جهان تشیع بلکه از طرف همه ی فرق و مذاهب اسلامی و غیر اسلامی بدون کمترین ابهامی ابراز شده است.» ۳ استاد شهید آیت الله مطهری نیز تعبیر بسیار لطیف و زیبایی در مورد مقام امام علی (علیه السلام) دارد و می فرماید: «پشتوانه ی عشق به علی (علیه السلام) پیوند جان ما با حضرت حق

است. ۴ آری، سخن از علی به گستره ی همه تاریخ نیاز به زمان می طلبد و به اندازه ی همه ۱. امام علی، مشعلی و دژی، سلیمان کتانی، ترجمه ی جلال الدین فارسی، ص ۱۱. ۲. نهج البلاغه، محمد عبده، ج ۱، ص ۶. ۳. ترجمه و شرح نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، ج ۱، ص ۱۷۱. ۴. ر. ک جاذبه و دافعه ی علی (علیه السلام)، شهید مطهری. دریاها مرکب، جهت نوشتار. اگر بوعلی سینا می گوید: «علی جان هستی است و مردم همه جسم» ۱ و اگر ابن ابی الحدید، علی (علیه السلام) را رئیس فضیلت ها دانسته و می گوید: «من چه بگویم درباره مردی که همه ی فضیلت ها به او منتهی می شود» ۲ و اگر... و اگر... همه و همه به خاطر تحیر و سرگردانی در بلندای روحی و روانی این بشرِ اسطوره ای است که رفتار و گفتار او پیام آور حریت و عدالت و آزادگی است. به یقین علی (علیه السلام) سفیری است برای هدایت بشر و از جنس انسان ها و در میان آن هاست. و الگویی برجسته و تکامل یافته برای تمامی عصرها و نسل ها. اکنون پس از آشنایی مختصر با سخنان اندیشمندان در مورد علی (علیه السلام) به بحث در مورد نهج البلاغه می نشینیم. نهج البلاغه عصاره ی اندیشه و احساس والای حضرت امیر است که برای تمامی دردهای بشری نسخه های کامل و درمانگر پیچیده است. در نهج البلاغه برای بیماری اجتماعی، سیاسی، روانی و... درمان های اساسی نهفته است که جهت استخراج این مبانی، تلاش پیگیر پژوهشگران ضروری است. روی سخن نهج البلاغه با انسان است و تربیت و هدایت او همواره مورد توجه حضرت علی (علیه السلام) بوده است. تعالی و تکامل بشری دغدغه اصلی و اساسی حضرت امیر (علیه السلام) در خطبه ها، نامه ها و حکمت هاست چراکه نهج البلاغه سفینه هدایت است و ساحل نجات. علامه ی جعفری (قدس سره) در مورد ویژگی های نهج البلاغه می گوید: «نهج البلاغه تنها کتاب دیروز و امروز نیست، بلکه کتاب فردا هم هست. زیرا تشریح انسان و جهان در نهج البلاغه به طور جاودانی انجام گرفته است و قوانینی که در روش انسان و جهان فرموده است ساخته ۱. ترجمه ی نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، ج ۱، ص ۱۸۱. ۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۱۷. شده ی زمان و مکان نیست تا محدود به چهار دیوار عصری و حداکثر قرنی بوده باشد.» ۱ او بر این عقیده است که حقایق عالیه ای که درباره ی انسان و جهان در نهج البلاغه مورد توجه قرار گرفته است به گونه ای است که در آن موضوع مفروض بالاتر از آن را نمی توان تصور کرد. جامعه شناسی علی (علیه السلام) جامع ترین قوانین اجتماعی را به جامعه تحویل می دهد و بینش سیاسی حضرت راهگشای سیاستمداران در هر زمان و مکان است و آنگاه که به مبانی روان شناختی انسان می پردازد تمامی فرضیه ها و تئوری های ارائه شده از سوی روان شناسان مشهور عربی و شرقی در مقابل او زانو می زنند. نکته مهم و قابل ذکر این که بسیاری از مبانی و مفاهیم روان شناسی صادره از حضرت علی (علیه السلام) که در کتابهای روایی وجود دارد هنوز توسط بشر امروز کشف نشده است و در آینده این گنجهای پنهانی یکی پس از دیگری به دست اندیشه بشر خواهد رسید. برای مثال در میان اختلال ها و امراض بشر نوعی بیماری به نام سایکوسوماتیکس وجود دارد که به بررسی آثار بیماری های روانی در جسم انسان می پردازد. و از آن به «عوارض روان تنی» تعبیر می شود. در بیماری های سایکوسوماتیک معمولاً ضایعه تشریحی مخصوصی در مغز موجود نیست و شخصیت آدمی نیز از بین نرفته ولی مشکلات و ناراحتی های فرد سبب تحریک هیپوتالاموس شده و از آن راه عدم تعادل واضحی در دستگاه های مختلف بدن ایجاد کرده است. ۲ از این رو بسیاری از ناراحتی های جسمی ناشی از استرسهای روانی است و برخی از اختلالات دستگاه های بدن نیز ریشه روانی و عصبی دارد. مثلاً کودکان آنگاه که برای اولین بار وارد محیط مدرسه می شوند اگر زمینه ی قبلی فراهم نشده باشد استرس های روانی در آنان موجب ادرار غیر اختیاری می شود و اختلالات دستگاه گوارش در موارد بسیاری در حالت های بحرانی و حساس زندگی به ۱. نگاهی به علی (علیه السلام) و سیاست و...، محمد تقی جعفری، ص ۶۵ و ۶۶. ۲. نابسامانی های روانی، دکتر علی پریور. وجود می آید. روان شناسان عدم امنیت روانی و سازش نداشتن با درون خود و نداشتن برنامه صحیح در زندگی را علت های اصلی نابسامانی روانی می دانند. تأثیر مشکلات روانی بر جسم را علی (علیه السلام) با تعبیر ساده و زیبایی چنین بیان می فرماید: مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ، وَصَيَفَحَاتِ وَجْهِهِ كَسَىٰ شَيْءٍ كَسَىٰ فِي دَلِّهِ مَا لَا يَرَىٰ. (کسی چیزی را در دل پنهان نکرد جز آن که در

لغزش های زبان و رنگ رخساره اش آشکار خواهد شد. ۱ روان شناسان ایجاد آرامش روانی و داشتن خلوتی برای کنار آمدن با خود و ابراز احساسات را از جمله درمان های بیماری های سایکوسوماتیک می دانند و حضرت علی (علیه السلام) همه درمان های موجود را در جمله آسمانی؛ «لَا يُؤْنِسُنَكَ إِلَّا الْحَقُّ»<sup>۲</sup> آورده و می فرماید: «جز پیوند به خداوند متعال چیزی تو را آرام نمی کند». آن چه امروزه از حضرت علی (علیه السلام) می بینیم و می خوانیم موجی از بیکران علم اوست. بسیاری از علوم نهفته در سینه او به علت نبودن ظرفیت انسان های آن عصر بیان نشده و برخی نیز در تیررس حوادث تاریخی فرار گرفته و به دست ما نرسیده است. حضرت با دست مبارک اشاره به سینه خود کرده و می فرماید: هَا إِنَّ هَا هُنَا لَعِلْمًا جَمًّا (وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ) لَوْ أَصِيبَتْ لَهُ حَمَلَةٌ! «بدان که در اینجا (سینه ی حضرت) علم فراوانی است که اگر افراد لایق (با ظرفیت) می یافتیم به آن ها تعلیم می دادیم.»<sup>۳</sup> بنابراین بشر به علت بی لیاقتی مردم کم ظرفیت در آن زمان، از داشتن و ۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۶. ۲. همان، حکمت ۱۳۰/۳. همان، حکمت ۱۴۷/۷. دانستن تمام علوم پنهانی در سینه علی (علیه السلام) محروم شد؛ از سخنان کسی که امیر کلام بود و آنگونه که خود می فرمود ریشه ی درخت سخن در وجودش دویده است و سایه های آن به سر او گسترده است. وَإِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ، وَفِينَا تَنْشَبُتْ عُزُوقُهُ، وَعَلَيْنَا تَهْدَلُتْ غُصُونُهُ ۰ همانا ما امیران سخن می باشیم، درخت سخن در ما ریشه دوانده، و شاخه های آن بر ما سایه افکنده است. ۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳/۱.

### پیشینه ی روان شناسی زن

دانش روان شناسی از اوایل قرن نوزدهم به عنوان یک رشته علمی قابل تعلیم و تعلم در مجامع علمی و فرهنگی مطرح شد و پیش از آن به گونه ای منسجم و نظام یافته نبود. اگرچه در میان کتاب ها و سخنان اندیشمندان نظریه های روانی وجود داشته است ولی به مرحله ی رشته ی علمی دانشگاهی نرسیده و نظرها در حواشی فلسفه و سیاست و جامعه شناسی و... بیان می شده است. روان شناسی زن به عنوان یکی از شاخه های برجسته علم روان شناسی نیز پس از گسترش این علم با آن همراه شده است. روان نویسند: «مطالعه ی جنسیت و تفاوت های جنسی همواره مورد توجه و علاقه ی پژوهشگران بوده است. برخلاف پژوهش های نخستین که اغلب با سوگیری همراه بود، رشته ی نوین روان شناسی زن را می توان مربوط به اواخر دهه ی ۱۹۶۰ دانست.»<sup>۱</sup> بنابراین مطلب سابقه روان شناسی زن در عرب به کمتر از نیم قرن می رسد. در حالی که با مروری بر سخنان ائمه معصومین (علیهم السلام) در می یابیم که زوایای روحی ۱. روان شناسی زن، دکتر شکوه نوایی نژاد، ص ۱۴. و روانی زن از چهارده قرن پیش مورد توجه پیشوایان دینی بوده است و با اندک مطالعه و مقایسه سخنان آن بزرگواران با روان شناسی جدید می بینیم که عمدتاً سخنان برگرفته از وحی و بر اساس فطرت و طبیعت بشری که قرن ها پیش از طریق پیشوایان دینی و دین باوران بیان شده است امروزه با نظرهای روان شناسان بزرگ مطابقت دارد و حتی روان شناسی امروز نسبت به آموزه های صدر اسلام حرفی است از هزاران. گفتنی است که مباحث زنان پیشینه ای به اندازه ی ۲۴۰۰ سال در تاریخ بشری دارد: یعنی از زمان افلاطون مباحث مربوط به شخصیت و تفاوت ها و انگاره های علمی در مورد نقش زنان مطرح بوده است. البته احتمال می رود پیش از آن زمان هم مطرح بوده و به صورت مدون به دست بشر امروز نرسیده است ولی روان شناسی زن به صورت سازمان یافته دانشی جوان و نوپا است. افلاطون مباحث مربوط به زنان را در کتاب «جمهوریّت» خود بیان کرده است و پس از وی ارسطو نظریه های خویش را که دقیقاً مقابل نگره های افلاطون بوده است در کتاب «سیاست» می آورد. بنابر نظریه افلاطون، زنان و مردان از نظر کیفی مشابه یکدیگر هستند ولی از نظر کمی تفاوت هایی دارند. به عبارت دیگر او زن و مرد را از نظر استعداد مشابه دانسته و در نتیجه نسخه ای برای تشابه وظایف و حقوق زن و مرد می پیچد و معتقد است همانگونه که به مردان تعلیمات جنگی داده می شود به زنان هم باید داده شود. ۱ آن چه امروز در جهان غرب و پست مدرنیسم دیده می شود بازگشتی است به نظریه های افلاطون و تمدن یونان باستان.

گویا نه تنها در عرصه ادب و فرهنگ ۲ بلکه در تمامی علوم پس از سیر در ادوار گوناگون، صاحبان رأی به دوره های اولیه بر می گردند و سخنان پیشینیان را با رنگ و لعاب جدید و مدرن بیان می کنند. نکته قابل توجه این است که افلاطون اگرچه معتقد به تشابه کیفی زن و ۱. بولتن اندیشه (ویژه زن) شماره ۱۲-۱۵، مهر و دیماه ۱۳۷۶، ص ۴۱. ۲. مانند «سبک بازگشت» در سبکهای شعر فارسی و دیگر ادبیات جهان. مرد است، آری از نظر کمی یعنی جسمی، روحی و مغزی زن را متفاوت از مرد دانسته و در تمام این موارد کیفی و کمی زن را ناتوان تر از مرد می داند و می گوید: «زنان در هر رشته ای از رشته ها از مردان ناتوان تر هستند.» او می گوید: «طبیعت، زن و مرد را یکسان مورد لطف و عنایت خود قرار داده است و در جامعه هیچ امتیاز خاصی به دلیل مرد یا زن بودن صرف نداریم» در قرن نوزدهم همین سخنان در آثار جان استوارت میل، فیلسوف و اقتصاددان انگلیسی مشاهده می شود. او نظریه های خود را در کتاب «درباره موضوع زن» مطرح کرده و اصل برابری کامل را که تا حدودی واگویه کردن نظریه افلاطون است برای بشریت وضع می کند. در مقابل نظرگاه افلاطون، نگرش ارسطو وجود دارد. او معتقد است که تفاوت زن و مرد منحصر به مسایل کمی نیست و آن ها از نظر کیفی هم متفاوت هستند. زن و مرد دارای استعدادهای متفاوت بوده و حتی فضائل اخلاقی آن ها هم در بسیاری از موارد با هم تفاوت دارد او بر این باور است که یک خلق و خو می تواند برای مرد فضیلت باشد، ولی برای زن فضیلت به حساب نیاید. گفتنی است که تفاوت زن و مرد از جهت فضیلت ها در دین اسلام صریحاً بیان شده است. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: خیارُ خِصالِ النِّسَاءِ شِراؤُ خِصالِ الرِّجالِ. الزَّهْوُ وَالْجُبْنُ وَالْاِبْخُلُ ۱. «خصلت های نیک زنان، خصلت های بد مردان است مانند تکبر، ترس، و بخل». دیدگاه های ارسطو تا دهه ی ۱۹۷۰ میان اندیشمندان و صاحبان نظریه مثل فرانسویس بیکن، دکارت، لاک، نیچه، روسو و... مورد توجه بود و از این سال به ۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴. بعد طرفداران نگره ی برابر نگرانه به زنان تحت عنوان نهضت اجتماعی زنان ۱ به گونه ای منسجم و برنامه ریزی شده به مخالفت با پیشینیان پرداختند. ۲. نگرش های اندیشمندان به زن همواره مبتنی بر انگاره های فلسفی هر زمان و متأثر از روح حاکم بر اندیشه ها بوده است. برای مثال آن جاکه سایه تفکر «اومانیستی» بر سر انسان می افتد و مبنای این تفکر توجه به انسان مادی و زمینی است و موضوعات دیگر بر همین پایه تحلیل و ارزیابی می شوند؛ زن با توانایی ها و جلوه های زمینی اش مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و طرفداران حقوق زن با سلاح برابری و تشابه به جنگ ارزش های انسانی و دینی و فرهنگی می آیند. و نیز تفکر و اندیشه ای که مبتنی بر «فردگرایی» است هرگز نمی تواند زن را با ویژگی های خاص زنانه که لازمه ی تکامل خود او و جامعه و خانواده اش است تعریف کند. این اندیشه که از قرن هفدهم میلادی با تعبیر «ملکیت» در هم می آمیزد، تصریح می کند که زندگی فرد به خود او تعلق دارد و این زندگی دارایی خود فرد است و به خداوند جامعه و دولت تعلق ندارد. ۳. اکنون با توجه به این نگرش چگونه می توان ویژگی های روان شناختی زن را با نوع دوستی، عشق، دیگر خواهی، ایثار و... تعریف کرد؟ آیا صفات آسمانی و خداگونه زن همچون عطوفت، مهربانی (پرورشگری) و همدلی و همسازی در چنین مکاتبی قابل تبیین خواهد بود؟ هرگز! ۲.۱. feminism. روان شناسی زن، شکوه نوایی نژاد، ص ۳۰۱۴. در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، محمد رضا زیبایی نژاد و محمد تقی سبحانی، ص ۲۹.

## فصل دوم: هویت مشترک و جنسیت متفاوت

### درآمدی بر تفاوت های زن و مرد

پاره ای از محققان علم روان شناسی بر این باورند: «وقتی از روان شناسی تفاوت های فردی صحبت می کنیم، به خوبی می دانیم که انسان ها از نظر ویژگی های جسمی (قد، وزن، رنگ مو و...) و خصوصیات روانی (استعدادها و شخصیت) تفاوت دارند. موضوع روان شناسی تفاوت های فردی، شناسایی و مطالعه ی تفاوت های افراد است.» ۱ این تفاوت ها گاه در رفتار افراد یک گروه نسبت به

یکدیگر بررسی می شود که آن را تفاوت های درون گروهی می گویند و گاه در رفتار افراد یک گروه نسبت به گروه دیگر دیده می شود که به تفاوت های بین گروه ها (برون گروهی) مشهور است مانند تفاوت میان گروه دختران و گروه پسران. تفاوت های زن و مرد از نظر جنسی، رشد، حواس و هم چنین هوش و سایر توانایی های ذهنی و دیگر مسایل مثل نوع پرخاشگری و نوع علاقه ها و رغبت های آن ها از مواردی است که روان شناسان با صراحت بیان کرده و نه تنها ۱. روان شناسی تفاوت های فردی، دکتر حمزه گنجی، ص ۱۶. وجود آن ها را عامل ضعف تلقی نکرده بلکه تفاوت ها را لازمه کمال و تعالی می دانند. در دنیای امروز در پرتو مطالعات عمیق پزشکی، روانی و اجتماعی تفاوت های فراوان تری بین زن و مرد کشف شده است که در دنیای قدیم برای افراد ناشناخته بود. در قدیم ارزیابی تفاوت های زن و مرد تنها در این جهت بود که یکی درشت اندام تر بوده و دیگری اندام ریزتری دارد، از نظر حنجره و نوع آواز یکی خشن تر و دیگری نازک تر است و... و تفاوت عمده ی این ها را در عقل و احساسات می دانستند اما امروزه تفاوت های بیش تری بین زن و مرد کشف شده است و معلوم شده که دنیای زن و مرد در بسیاری از موارد با هم متفاوت است و نه تنها یکی عقلانی تر و دیگری عاطفی تر است بلکه اصلاً دنیاهای جداگانه ای دارند. از این رو روان شناس مشهور آمریکایی «پروفسور ریک» که سالیان دراز به تحقیق پیرامون مسایل زنان و مردان پرداخته بر این باور است که دنیای مرد با دنیای زن به طور کلی فرق می کند اگر زن نمی تواند مانند مرد فکر کند یا عمل نماید از این روست که دنیای آن ها با هم فرق می کند. «اریک فروم» نیز پس از بررسی تفاوت دنیای زن و مرد می گوید که زن و مرد می توانند یکدیگر را بفهمند و مکمل یکدیگر باشند ولی هیچگاه یکی نمی شوند و این به علت تفاوت هایی است که در وجود آن ها نهادینه شده است. به طور کلی دوگانگی زن و مرد به دو عامل غیر قابل انکار جسم و روان بر می گردد. از این رو پرداختن به بحث روان شناسی زنان بدون توجه به تفاوت ها امکان پذیر نخواهد بود. در این نوشتار سعی بر این است که بحث تفاوت ها کاملاً تبیین شود و ضرورت وجود تفاوت ها و نقش آن ها در تکمیل حیات و ایجاد عشق و جذب و انجذاب بین زن و مرد مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت توجه خوانندگان عزیز را به دیدگاه های ارزشمند مولای متقیان علی (علیه السلام) و بیان تفاوت ها از منظر ایشان جلب می کنیم. زیرا این بحث در اندیشه بلند و تابناک حضرت علی (علیه السلام) از جایگاه بالایی برخوردار است و اندیشه گران و روان شناسان غرب و شرق نیز در عصر حاضر پس از مطالعات و تحقیقات فراوان به گونه ای جدی از آن ها بحث می کنند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با توجه عمیق به این تفاوت ها اگرچه زن و مرد را دارای هویت واحد انسانی دانسته و بیان کرده است اما تفاوت های جسمانی و روانی و احساسات زن و مرد را نیز بیان کرده و به تبیین محدوده تفاوت ها بین این دو پیکره ی جهان هستی پرداخته است. برای مثال تعبیر زیبای حضرت علی (علیه السلام) به یقین زیباترین تحلیل را در عین کوتاه بودن برای تفاوت ها به همراه دارد، که: **وَلَا تَمْلِكُ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيْحَانَةٌ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ** «کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار، زیرا زن چونان شاخه ی گل است نه قهرمان خشن.» از جمله مباحثی که پیش از بررسی تفاوت ها و نقش آن ها باید مورد توجه قرار گیرد بحث هویت مشترک انسانی زن و مرد است به همین جهت در این فصل بخشی را تحت عنوان هویت مشترک قرار می دهیم. ۱. نهج البلاغه، نا مه ۳۱/۱۸.

## هویت انسانی، زنان و مردان

آن چه از آیات و روایات استنباط می شود یکسان بودن هویت انسانی زن و مرد است. بنابر نقل مفسران، زن و مرد از یک گوهر و ذات خلق شده اند و مبدأ قابل آفرینش همه افراد یک چیز است و گوهر زن و مرد یکی است نه این که زن فرع بر مرد و یا زاید و طفیلی وی باشد بلکه خداوند اولین زن را از همان ذات و اصلی آفریده است که همه مردها و زن ها را از همان اصل خلق کرد. قرآن کریم با عبارت: «خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها...» ۱ و نیز با جمله ی: «والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً...» ۲

تصریح به یکسانی هویت زن و مرد کرده است. برخی از روان شناسان نفس را به معنای روح، جان و روان دانسته و بر این -----  
 ۱. سوره نساء، آیه ی ۱. ۲. سوره ی نحل، آیه ی ۷۲. باورند که روح و روان زن و مرد یکسان است. از  
 طرفی پاره ای از روان شناسان غربی مانند: موریس دبس و اریک فروم، روان شناسان معروف فرانسوی، می گویند: «روح جنسیت  
 ندارد و کتب زیادی روابط زن و مرد را مورد تحقیق قرار داده و نتیجه گیری همه ی آن ها یکسان بوده است.»<sup>۱</sup> مفسر معاصر، آیت  
 الله جوادی آملی، با اشاره به آیه اول سوره ی نساء می گوید: «منظور از نفس در این کریمه همانا گوهر و ذات و اصل و واقعیت  
 عینی شیء است و مراد از آن معنای روح، جان و روان و مانند آن نیست... پس روان نیست که مباحث علم النفس کهن یا تازه را به  
 آیه ربط داده و یا تحقیق درباره آیه ی محل بحث را با آیات ناظر به پیدایش نفس و نفخ آن در انسان و رجوع آن به سوی  
 پروردگار و دیگر مباحث قرآنی مرتبط به احکام روح انسانی وابسته دانست.»<sup>۲</sup> به نظر می رسد برای تحلیل و تحقیق عمیق پیرامون  
 این مسئله در درجه اول باید بین هویت انسانی و روان افراد چه زن و چه مرد تفاوتی عمده قائل شد. هرگز در متون علمی و دینی،  
 روان با هویت انسانی به عنوان موضوع واحد تلقی نشده و نمی شود. همانگونه که گفته شد زن و مرد از نظر هویت انسانی و گوهر  
 و اصل ذات یکسان بوده و هیچ تفاوتی در ماده ی اولیه خلقت آن ها نیست اما از نظر روانی نه تنها زن و مرد با هم متفاوت هستند  
 بلکه مردان با یکدیگر و زنان با همجنس های خود تفاوت هایی دارند که این تفاوت ها در پشبرد آن ها به سوی کمال بسیار مؤثر  
 است و پاسداشت این اختلافهای فردی و گروهی برای بهسازی جامعه ضروری است. برخی می نویسند: «در اغلب تحقیقات روان  
 شناسی جدید در رابطه با زن و مرد به طور ----- ۱. مقدمه ای بر روان شناسی زن، سید  
 مجتبی هاشمی رکاوندی، ص ۳۹. ۲. زن در آینه ی جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، ص ۳۴. یکسان و بدون تفاوت برخورد  
 می شود به این معنا که انسان به عنوان یک موجود جاندار مستقیم القامه دارای ساختار جسمی و روانی خاص مورد بررسی قرار می  
 گیرد نه مرد یا زن.»<sup>۱</sup> با توجه به فطرت و طبیعت زن و خلقت حکیمانه الهی و بررسی تفاوت های زن و مرد می بینیم که این سخن  
 با واقعیت سازگاری ندارد. در واقع روان زن و مرد متفاوت بوده و آنگونه که از نظر کارشناسان گفته شد دنیای این دو متفاوت  
 است و هرگاه از ابعاد روانی زن سخن به میان آمد باید با در نظر گرفتن عواطف و انفعالات و حالات زنانه او بحث شود تا نتیجه ای  
 مطابق با حقیقت و واقعیت حاصل شود نه نتایجی ساختگی و مجعول چنان که الکیس کارل، فیزیولوژیست و پزشک مشهور، می  
 گوید: «اختلاف زن و مرد تنها به شکل ظاهری آن ها نیست بلکه نتیجه ی عمیق تر است که از تأثیر مواد مترشحه ی غدد تناسلی در  
 خون ناشی می شود به طوری که تک تک سلول های بدن به ویژه سلول های سیستم عصبی زن و مرد نشانه ی جنسی بر روی خود  
 دارند.»<sup>۲</sup> بنابراین زن و مرد در اصل ذات و گوهر خلقت دارای هویتی مشترک هستند اما از نظر روانی و جنسی تفاوت های بسیاری  
 دارند و البته این تفاوت ها هرگز به معنای عیب و نقص برای یکی و کمال برای دیگری نیست و هر تفاوتی برای فرد، خود نمودی  
 از کمال است. وجود این تفاوت ها برای رسیدن به یک تعادل مطلوب در جامعه انسانی ضروری است و نقش بسیار مؤثری دارد که  
 در آینده به آن خواهیم پرداخت. برخی از نویسندگان در مورد هویت زن می نویسند: «هویت زن بر اساس اصل انسانیت و  
 مسئولیت هایی که از این رهگذر متوجه او می گردد مانند مرد خواهد بود با این تفاوت که به دو جهت وضع فیزیکی وی و  
 وضعیت خلقی و روانی او برخی از شرایط و ----- ۱. مقدمه ای بر روان شناسی زن، ص ۳۸ و  
 ۲. ۳۹. ۰۲ انسان موجودی ناشناخته، الکیس کارل، ترجمه ی پ. د، ص ۱۰۰. مسئولیت های حیاتی وی با موقعیت مرد تفاوت می  
 یابد. میتوان گفت خدای متعال بر اساس عدل و حکمت خویش برای زیستن و حرکت هر یک حد و معیاری معین فرموده است.  
 (من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه) ۱ و طبیعی است که هر کس از حدّ توان و مسئولیت خویش تجاوز کند در وهله اول برای خود  
 مشکلات فراهم کرده و به خویشتن ستم کرده است.»<sup>۲</sup> در مجموع می توان گفت اگر با نگاهی کلان و از منظر بالایی به ماهیت و  
 هویت انسانی بنگریم می بینیم که انسان اعم از مرد و زن دارای دو عنصر یا دو بعد اساسی است که کلیه ی رفتارها و غرایز و

خواسته های وی به نوعی در این دو بعد مطرح می شود. الف) جنبه مادی- که محسوس و ملموس تر است- با تمام مشتقات و جلوه هایش. ب) جنبه ی معنوی با تمام مشتقات و جلوه ها و خواص آن. مرحوم علامه جعفری بر این باور است که علوم روانی، و مشاهدات تاریخی به خوبی اثبات می کنند که بدون هماهنگی کردن این دو بعد و تنظیم آن ها در مجرای زندگی نه تنها رشد و کمال را برای فرد و اجتماع نمی توان انتظار داشت بلکه ناهماهنگی مزبور به اختلالات همه شئون انسانی منجر خواهد شد. در واقع عنصر معنوی برای تعدیل و صیقلی کردن عوامل و پدیده های مادی است که پیرامون آدمی را فرا گرفته است و زن و مرد از نظر موجودیت این دو عنصر در وجودشان مشترک هستند. ۳. بنابراین زنان و مردان دارای هویت مشترک بوده و از این جهت هیچگونه تفاوتی با یکدیگر ندارند. هر انسانی دارای «من» (خود، شخصیت) است و نوعی خود آگاهی نسبت به «من» خود دارد. ----- ۱. سوره طلاق، آیه ی ۱. ۲. شخصیت زن مسلمان، بنت الهدی صدر، ترجمه ی صادقی اردستانی، ص ۱۰۸.

۳. انسان و رسالت انسانی (در تکاپوی معرفت ۵)، استاد محمد تقی جعفری، ص ۵۲. و هر انسانی چه مرد و چه زن دارای منش (کاراکتر) است که نمایانگر شخصیت اوست و تمامی استعدادها و توانش های خود را صرف به تکامل رساندن این «من» خود می کند. به عبارت دیگر او برای رسیدن به من عالی که به زبان دین مرحله انسان کامل است و ایده آل و آرمان هر انسان آرمانگراست تلاش و کوشش می کند. وجدان و اندیشه در فلسفه و هدف هستی و هیجانات و عواطف درونی در وجود همه انسان ها هست و آن ها به تناسب وظیفه ای که بنا است در عالم هستی داشته باشند تفاوت هایی در میزان و کیفیت این موارد دارند ولی از نظر ماهیت و چستی دارای تعریف یکسانی می باشند. حضرت علی (علیه السلام) در خطبه اول نهج البلاغه آنگاه که از خلقت انسان سخن به میان می آورد هیچ گونه اشاره ای به تفاوت ماهوی بین زن و مرد نداشته و می فرماید: **تَمَّ جَمَعَ سَبِّحَانَهُ مِنْ حَزْنِ الْأَرْضِ وَسَهْلَهَا، وَعَذْبِهَا وَسَبِّحَهَا، تَزْيِيَهُ سِنَّهَا بِالْمَاءِ حَتَّى خَلَصَتْ، وَلَاطَهَا بِالْبَلَّةِ حَتَّى لَزَبَتْ، فَجَبَلَ مِنْهَا صَوْرَةَ ذَاتِ أَخْنَاءٍ وَوُضُولٍ، وَأَعْضَاءٍ وَفُضُولٍ، أَجْمَدَهَا حَتَّى اسْتَمْسَكَ، وَأَصْلَدَهَا حَتَّى صَلَّيْلَتْ، لَوْقَتٍ مَعْدُودٍ، وَأَمِدٍ مَعْلُومٍ** «سپس خداوند مقداری خاک از قلمت های سخت و نرم زمین، خاک های مستعد، شیرین و شوره زار آن گرد آورد و آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد و با رطوبت آن را به هم آمیخت تا به صورت موجودی چسبناک در آمد و از آن صورتی دارای اعضاء و جوارح و پیوستگی ها و گسستگی ها آفرید. آن را جامد کرد تا محکم شود و صاف و محکم و خشک ساخت تا وقتی معلوم و سرانجامی معین.» ۱ پس از بیان ظرائف خلقت در جسم به روح انسان پرداخته و با لطافت تمام می فرماید: ----- ۱. نهج البلاغه، خ

۱/۲۴ و ۲۵. **تَمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ فَمَثَلَتْ إِنْسَانًا ذَا أَذْهَانٍ يُجِيلُهَا، وَفَكْرٍ يَتَصَيَّرُ بِهَا. وَجَوَارِحٍ يَخْتَدِمُهَا، وَأَدْوَاتٍ يُقَلِّبُهَا، وَمَعْرِفَةٍ يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَالْأَذْوَابِ وَالْمَشَامِ، وَالْأَلْوَانِ وَالْأَجْنَاسِ، مَعْجُونًا بِطَبِئَةِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ، وَالْأَشْبَاهِ انْمُؤْتَلَفَةِ، وَالْأَضْدَادِ الْمُتَعَادِيَةِ، وَالْأَخْلَاطِ الْمُتَبَايِنَةِ، مِنَ الْحَرِّ وَالْبُرْدِ، وَالْبَلَّةِ وَالْجُمُودِ.** ۱ «و آنگاه از روح خود در او دمید پس به صورت انسانی دارای نیروی عقل که وی را به تکاپو می اندازد در آمد و دارای افکاری که به وسیله آن در موجودات تصرف نماید. به او جوارحی بخشید که به خدمتش پردازد و ابزاری عنایت کرد که وی را به حرکت آورد و نیروی اندیشه به او بخشید که حق را از باطل شناخته و هم چنین ذائقه، شامه و وسیله ی تشخیص رنگ ها و اجناس مختلف را در اختیار او قرار داد و...» ممکن است گفته شود که حضرت امیر (علیه السلام) در این خطبه شریفه از خلقت حضرت آدم (علیه السلام) سخن می گوید و هنگام خلقت آدم، حوا خلق نشده بود که ما در این بیانات، زن و مرد را مرجع کلام حضرت و یا آدم (علیه السلام) و حوا را به عنوان نماینده هایی برای زنان و مردان تلقی کرده و در نتیجه از هویت انسانی مشترک زن و مرد سخن بگوییم. اگرچه این اشکال با نظر به خطبه اول ظاهراً وارد است، ولی اگر به دیگر خطبه ها و سخنان حضرت علی (علیه السلام) توجه کنیم می یابیم که در این خطبه شریفه تنها خلقت حضرت آدم منظور نبوده است. برای مثال در خطبه ی ۲۳۴ نهج البلاغه امام منشأ تفاوت های مردم را برای یاران خویش بیان کرده و می فرماید: **إِنَّمَا فَرَّقَ بَيْنَهُمْ مَبَادِي طَبِئِهِمْ، وَذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا فَلَقَهُ مِنْ سَبِّخِ أَرْضٍ وَعَذْبِهَا، وَحَزْنِ تَرْبِيَةٍ وَسَهْلِهَا، فَهَمَّ عَلَى حَسَبِ قُرْبِ أَرْضِهِمْ يَتَفَارِقُونَ** -----



۱. همان. «آن چه بین آن ها تفاوت به وجود آورده است آغاز سرشت آن هاست. چه این که آن ها از قطعه ای از زمین شور و شیرین و سفت و سست ترکیب یافته اند و بر حسب نزدیک بودن به خاکشان با هم نزدیکند.» اکنون با توجه به خطبه یاد شده در می یابیم که همه ی افراد انسانی اعم از زن و مرد در خطبه اول مورد نظر حضرت بوده اند و در این قسمت از خلقت که اصل و جوهره ی اصلی انسان آفریده شده است زن و مرد یکسان بوده و تفاوتی ندارند. و تفاوت های فردی بین مردان و زنان و هم چنین تفاوت های موجود در گروه مردان با هم و در گروه زنان با یکدیگر در برخی از موارد به سرشت آن ها که زبان امروز از آن به وراثت تعبیر می کند باز می گردد و در مواردی دیگر به محیط خانواده و جامعه و دوستان فرد و ما در آینده این بحث را پی می گیریم. نتیجه ی نهایی در این بحث مهم و بنیادین این است که زبان دین با زبان علم جدید مطابقت داشته و در هر دو مورد هویت مشترک انسانی برای زن و مرد در نظر گرفته شده است. و چون ارزش گذاری برای افراد بر اساس انجام تکالیف و وظایف ویژه ی آن هاست و زنان و مردان در ذات و گوهر اولیّه یکسانند ابتداءً هیچ یک بر دیگری برتری ندارد. - همان، خطبه ی ۲۳۴.

## فصل سوم: خاستگاه تفاوت ها

### اشاره

یکی از مباحث مهم در علوم گوناگون از جمله روان شناسی، جامعه شناسی و زیست شناسی، بررسی علت و در واقع خاستگاه اولیه تفاوت هاست. بدیهی است که افراد با توجه به نگرشهای متفاوت نظریاتی مطابق با انگاره های خویش می دهند. نکته قابل ذکر این است که به گفته روان شناسان اگرچه مذکر و مؤنث بودن واقعیتی بیولوژیکی است، پذیرش یا عدم پذیرش خود به عنوان مذکر یا مؤنث موضوعی روانی است که به وسیله آن چه کودک در باره ی خویش به عنوان مرد یا زن احساس می کند تعیین می گردد. ۱ در این بحث مجموعاً می توان به مواضع زیر نظر داشت: ۱. برای خوشبختی و موفقیت آفریده شده ایم، دکتر موریل جیمز و دوروتی جُنگوارد، ترجمه ی دکتر حسن قاسم زاده، ص ۲۶۰.

### الف) وراثت و تفاوت های جنسیتی (نگره ی فروید)

تفاوت ها برخاسته از ذات خلقت است و فرهنگ و جامعه هیچ گونه تأثیری در این تفاوت ها ندارند. از جمله روان شناسانی که با این تفکر به ارائه نظریه های خویش پرداخته اند. زیگموند فروید، روانکاو اطریشی، است. بنابر این نگره ی روان کاوی، جنسیت در بیان رفتار انسان نقش بسیار مهمی را ایفاء می کند. دختر و پسر در طول دو سال نخست زندگی مشابه یکدیگر بوده ولی در مراحل رشد روانی جنسی به گونه ای متفاوت رشد خواهند کرد. فروید به تأثیر عوامل « برون زیستی » مثل خانواده، مدرسه، جامعه هیچ گونه اعتقادی نداشته و در تفاوت های جنسیتی زن و مرد وضعیت زیستی را تعیین کننده می داند.

### ب) محیط و تفاوت های جنسیتی (نگره ی کارل گلیکان)

تفاوت های جنسیتی دختر و پسر حاصل یادگیری اجتماعی است. این گروه از روان شناسان که امروزه طرفداران بسیار پیدا کرده اند بر این باور هستند که دختران به خاطر رفتارهای زنانه و پسران برای رفتارهای مردانه مورد تشویق قرار می گیرند و این تشویق یا تنبیه در صورت انجام کار غیر جنسیتی باعث تقویت رفتارهای جنسیتی در دختران و پسران می شود. از طرفی الگوگیری از رفتار دیگران و در واقع برداشت عملی از آن ها موجب انجام کارهای خاص جنسیتی می شود. این که دختری در برابر انجام رفتارهای

ویژه ی زنانه پاداش دریافت کرده و مورد توجه قرار گیرد او را به انجام کارهای زنانه می کشاند از سویی دختر بچه ها از مادر الگو گیری می کنند و همانند سازی آن ها از مادر باعث رفتارهای جنسیتی آن ها می شود. کارل گلیکان و همکارانش در دانشگاه هاروارد چهارچوب رشدی زنان را در نظر گرفته و صورت های مختلف «خود» زنان، روابط و اخلاقیاتشان را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. متخصصان بالینی مرکز استون که در مورد «خود رابطه ای» زنان تحقیق می کنند دیدگاه های قابل توجهی را در خصوص خود اید آلی و مسیرهای بالیدگی زنان ارائه می دهند. عمده ی دیدگاه های آنان عبارتست از این که: اصل پیوند جویی و برقراری ارتباط سازمان دهنده ی اصلی تجارب زنان بوده و جهت درک آن ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این صاحب نظران اتفاق نظر دارند که تفاوت های جنسیتی ظرفیت های فردی، آسیب پذیری ها و توانمندی ها ناشی از محیط اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جامعه می شود. و چنین عواملی موجب شکل گیری ویژگی های متفاوتی در دو جنسیت (زن و مرد) می گردد. ۱ بنابر نظر فوق که مبتنی بر بنیادهای زن نگرانه (فمینیستی) است محیط اجتماعی و هنجارهای فرهنگی باعث بروز رفتارهای زنانه در زنان و مردانه در مردان می شود. نانسی چادورو (۱۹۸۹) با همین دیدگاه به مسئله نگریسته و می گوید: «فرآیندهای شکل گیری هویت های جنسی زنان با مردان متفاوت بوده و منجر به (خود متفاوت)، نیرومندی الگوی متفاوت و علائق عاطفی متفاوت می شود. جایگاه زنان در یک پیوند و رابطه از فرهنگ جامعه ناشی شده که موجب سلطه پذیری او می شود.» در نگره ی یادگیری اجتماعی آنگونه که گفته شد محیط و فرهنگ نقش عمده داشته و تشویق و تنبیه برای تقویت این رفتارهای متفاوت جنسیتی بسیار مؤثر دانسته شده است. البته این نگره مورد تأیید بسیاری از پژوهشگران قرار نگرفته است. برای مثال ژاکلین و مکوبی می گویند: «حتی اگر پسر بچه ها و دختر بچه ها برای رفتارهای متفاوت خود مورد تشویق یا تنبیه والدین قرار بگیرند باز هم احتمال همسانی در اجتماعی شدن هر دو جنس وجود خواهد داشت!»<sup>۲</sup> نکته مهم و قابل توجه که در نگره ی یادگیری اجتماعی مطرح شده است الگو برداری از رفتار دیگران است. بنابراین نظریه دختران و پسران تیپ شناسی جنسی را همانند دیگر رفتارها یاد می گیرند و از خود رفتاری زنانه یا مردانه نشان می دهند. آن ها با مشاهده رفتارها و تقلید از دیگران می توانند رفتارهایی را بیاموزند و شبیه همان رفتار را از خود نشان دهند. ----- ۱. روان شناسی افسردگی زنان، دناکرولی، ترجمه بهزاد رحمتی، ص ۲۱ و ۲۲. ۲. همان، ص ۲۲. برخی در این مورد می نویسند: «چون دختران با ماهیت تیمارگرانه ی آغازین (مثل مادرشان) همانندسازی پیوسته ای کرده اند به همین دلیل فاصله گیری آن ها نسبت به این خصیصه (ماهیت غم خوارانه و تیمارگرانه) در مقایسه با پسران کمتر است.» و در جای دیگر نیز می نویسند: «.. به علاوه چون دختران همانند سازی های خود را با مادرانشان سرکوب و زایل نمی سازند نه تنها ماهیت تیمارگرانه را طرد نمی کنند بلکه به طریقه های تعدیل یافته گرایش ها و ارزشهای مادری را تکرار می کنند و به این سان موجبات حقارت خودشان را براساس موازین فرهنگی جامعه فراهم می کنند!!» در حالی که با اندک دقت در رفتارهای ناخود آگاه دختران و زنان می بینیم که این هویت تیمارگری و مهر ورزی به عنوان یک خصیصه ذاتی در آن ها نهادینه شده است. مؤسسه ی گلیکان که پیش از این درباره ی آن سخن گفتیم در حاصل نتایج خود مطلبی را ارائه می کند که در بردارنده ی همین مضامین است، آن ها می گویند: «بر اساس دل بستگی آغازین دختران به مادر، هویت جنسی زنان براساس پیوندهای پایدار شکل می گیرد، در حالی که هویت جنسی مردان بر اساس هرچه دورتر شدن از این ارتباط شکل می گیرد.»<sup>۱</sup> تأثیرات اجتماعی در جنسیت بیش از این که مورد توجه روان شناسان باشد از زبان جامعه شناسان مطرح می شود که برای خانواده و جامعه بیش از حد متعارف اهمیت قابل هستند. پارسونز، جامعه شناس آمریکایی، در این زمینه معتقد است که خانواده مانند تمام گروه ها دو وظیفه به عهده دارد که یکی فراهم ساختن لوازم مورد نیاز و دیگری پرداختن به نیازهای عاطفی و اجتماعی اعضای خانواده است. به اعتقاد او این دو وظیفه مهم ترین کنش های خانواده هستند. -----

----- ۱. همان، ص ۲۲. در این سیستم وظیفه تأمین در آمد خانواده به عهده ی پدر و یکپارچگی اجتماعی عاطفی آن به عهده ی مادر

است. اما پیامد این دو وظیفه پیدایش انواع شخصیتی مختلف است. در این تقسیم بندی، پدر مهارت گرا، تسلط طلب و قاطع و کنترل کننده است و مادر، عاطفی گرا، مهربان، مراقبتگر و صادق. ۱ و این پدیده باعث می شود که پدر جهت گیری مردانه و مادر جهت گیری زنانه پیدا کند. در رابطه با نظرهای این جامعه شناسان و روان شناس ها نکاتی به نظر می رسد که توجه به آن ها ضروری است: ۱- با این توجه افراطی به نقش محیط و والدین در تفاوت ها و رفتارهای جنسیتی چگونه می توان فرضیه های فیزیولوژیستی در مورد وراثت را نادیده گرفت؟ آن هم نظریه هایی که با آزمایش های گوناگون علمی و تجربی ثابت شده است. روان شناسان می نویسند: «زیست شناسان بر این عقیده اند که زن و مرد تفاوت های بنیادی دارند و تفاوت های آن ها در درجه ی اول ارثی است نه محیطی. آن ها معتقد هستند که هر سلول بدن زن با هر سلول بدن مرد تفاوت دارد. به قول استادبهاد اگر اوضاع اجتماعی موجب تفاوت زن و مرد می شود فقط آنچنان را آنچنان تر می کند.» ۲- کارشناسان زیستی نقش کروموزم ها در ایجاد تفاوت ها را بسیار مهم و تعیین کننده می دانند و بر این باور هستند که کروموزوم Y نه تنها در تعیین جنسیت مؤثر بوده بلکه باعث روند رشد متفاوت بین دختر و پسر می شود. وجود کروموزوم Y باعث سرعت تقسیم سلولی و تبدیل بخش داخلی گوناد (غده ی تناسلی) در هفته ششم یا هفتم زندگی جنین به بیضه می شود و این کروموزوم نه تنها موجب نر بودن جنین شده بلکه ویژگی های جنس نر را نیز به او می دهد. برای مثال جنین پسر در مقابل آسیب های روانی و جسمی نسبت به دختر -----

----- ۱. روان شناسی زنان، خدا رحیمی و جمعی از نویسندگان، ص ۴. ناتوان تر بوده و تعداد مرگ و میر در دوران جنینی در میان جنین های پسر بیش از دختران است. این که جنین های پسر نسبت به جنین های دختر در مواجهه با ناراحتی های هنگام تولد مانند کمبود اکسیژن و... آسیب پذیرتر هستند، نمایانگر تفاوت های وراثتی دختر و پسر است. شایان ذکر است که آسیب پذیری جنس نر در تمام دوران زندگی به چشم می خورد. آماری که در مورد افزایش طول عمر زنان نسبت به مردان ارائه شده است و این که در هنگام پیری ۳۰٪ مردان از انجام فعالیت های اصلی روزانه ی خود عاجز هستند در حالی که این آمار در مورد زنان رقم ۹٪ را نشان می دهد نمایانگر همین تفاوت هاست ۱ و میزان آسیب پذیری مردان نسبت به زنان را می رساند. در زندگی خانوادگی حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه ی زهرا (علیها السلام) می بینیم که بر اساس شناخت روان و نیازهای زن و مرد تقسیم کار صورت می گیرد نه بر اساس گرایش های یکسویه در مورد نقش جامعه در رفتارهای جنسیتی. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «حضرت فاطمه (سلام الله علیها) کارهای منزل را با حضرت علی (علیه السلام) این گونه تقسیم کردند که: خمیر کردن آرد و نان پختن و تمیز کردن و جارو زدن به عهده ی فاطمه باشد و کارهای بیرون منزل مانند جمع آوری هیزم و مواد اولیه ی غذایی را علی (علیه السلام) انجام دهد.» ۲ و این تقسیم کار با رهنمود پیامبر گرامی اسلام انجام شد که برگرفته از وحی الهی بوده و با روان و طبیعت آدمی سازگاری دارد. نکته ی جالب این است که واکنش حضرت زهرا (سلام الله علیها) نسبت به این تقسیم کار و -----

----- ۱. همان، ص ۱۹۴. ۲- نهج الحیاء (فرهنگ سخنان حضرت زهرا (سلام الله علیها))، محمد دشتی، حدیث ۹۵. روات و محدثین این حدیث به شرح زیر است: الف- ابوالعباس الحمیری، عن سندی بن محمد، عن ابي البختری عن ابي عبدالله (عليه السلام) عن ابيه (عليه السلام) قال: ... ب- عن سيف عن نجم عن ابي جعفر (عليه السلام) قال: ... ج- عن جعفر بن محمد عن ابيه (عليهم السلام) قال: ... د- عبدالله بن جعفر في قرب الاسناد عن السندی بن محمد عن ابي البختری عن ابي عبدالله عن ابيه (عليهم السلام) قال: ... ذکر دلیل این عمل دارای اهمیت زیادی است. حضرت می فرماید: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ تَحْمَلُ رِقَابَ الرِّجَالِ ۱ «جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است باز داشت.» ----- ۱. بحار الانوار، علامه

مجلسی (قدس سره)، ج ۴۳، ص ۸۱ و وسایل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۴، ص ۲۳

تفاوت‌ها برخاسته از تفکر و اندیشه‌ی فرزندان است. آن‌ها مسئولیت اصلی شکل دادن به رفتار جنسیتی خود را بر عهده دارند. بنابراین عقیده که ژان پیاژه، روان‌شناس سوئیسی طراح آن است کودکان رفتارها و مفاهیم نقش‌های جنسیتی را همانگونه می‌آموزند که دیگر مفاهیم اخلاقی را فرا می‌گیرند. لورنس کهلبرگ بر اساس نگره‌ی رشدی شناختی پیاژه یادگیری‌های جنسیتی و تفاوت‌ها در رفتار دختران و پسران را این‌گونه بیان می‌کند: «بیش‌تر کودکان تا سه سالگی در نامگذاری جنسی خود کاملاً دقیق هستند، در چهار سالگی کودکان می‌توانند به طور دقیق افراد را به عنوان مذکر و مؤنث دسته‌بندی کنند. پس از آن کودکان، خود را از لحاظ جنسیتی دسته‌بندی کرده به تدریج برتری‌های سیستماتیک جنسیتی خود را ابراز می‌کنند. کودکی که خود را دختر بچه می‌داند به اشیاء و فعالیت‌های زنانه گرایش پیدا می‌کند، زیرا این اشیاء و فعالیت‌ها با هویت جنسی کودک هماهنگی و همخوانی دارد.»<sup>۲</sup> در این نگره نوعی هویت‌شناسی مورد نظر است. این که شناخت و تشخیص جنسیت از سوی دختر یا پسر مبتنی بر چیست و آیا این شناخت از ضمیر ناخودآگاه فرد بر می‌خیزد و یا محصول آموزه‌های اجتماعی است؟ مطرح نمی‌شود.<sup>۲</sup>

روان‌شناسی زن، شکوه نوابی نژاد، ص ۵۷. برخی در انتقاد به این نظریه می‌نویسند: «بنابر این نظریه دختر بچه نخست هویت جنسیتی محکمی به دست می‌آورد و سپس برتری خود را نسبت به فعالیت‌های زنانه ابراز می‌کند. یعنی نخست باید بداند دختر است و سپس نسبت به برتری عروسک بر ماشین اظهار نظر کند. از آن جا که هویت جنسیتی تا سه سالگی شکل نمی‌گیرد، پس بر اساس این نگره کودک نباید رفتارهای قالبی جنسیتی را پیش از این سن نشان دهد در حالیکه همه‌ی ما بارها شاهد رفتارهای قالبی پسرانه و یا دخترانه پیش از سن سه سالگی بوده‌ایم.»<sup>۱</sup> همانگونه که پیش از این گفتیم وجود کروموزوم Y نه تنها نرینه بودن جنین را معین می‌کند، بلکه ویژگی‌های جنس نر را نیز به جنین نر می‌دهد. پس حالات زنانه در دختران و مردانه در پسران به یقین پیش از این که آن‌ها قادر به شناخت هویت جنسی خویش شوند و با تفکر و اندیشه تپ شخصیتی جنس خود را شکل دهند و ابزار و اسباب بازی ویژه‌ی جنسیتی را انتخاب کنند در آن‌ها پدید می‌آید و در اوایل کودکی به صورت‌های گوناگون جلوه می‌کند و این نکته به نگره مزبور خدشه وارد می‌کند. این سه نگره همواره مورد توجه روان‌شناسان در ادوار گوناگون بوده است و موافقان و مخالفان به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته‌اند. از سال ۱۹۸۲ صاحب‌نظران در مباحث روانی زنان با ترکیب نظریه دوم (یادگیری اجتماعی) و سوم (نگره‌رشدی-شناختی) سعی در ارائه طرح و نظریه‌ی جدیدی کرده و (طرح‌واره‌ی جنسیتی) را بیان کردند. در این طرح‌واره چنین آمده است که: «کودکان، جنسیت را به عنوان اصل سازماندهی شناختی در ساختار، هدایت و دریافت واقعیت به کار می‌گیرند یعنی کودکان مایلند تا آگاهی‌هایشان را درباره خود و جهان اطراف بر مبنای تعاریف موجود مردانگی و زنانگی در جامعه سازماندهی کنند و این تپ‌شناسی جنسی ----- ۱. همان، ص ۵۸. پدیده‌ای اکتسابی است یعنی کودکان در جامعه می‌آموزند مرد بودن و زن بودن در بردارنده چه معنایی است.»<sup>۱</sup> جان گری، روان‌شناس برجسته در این مورد سخنی دارد که ذکر آن خالی از لطف نیست او می‌نویسد: «عده‌ای ممکن است بگویند «تفاوت‌ها به فرهنگ و تمدن‌های مختلف مربوط می‌شود» این بی‌معناست. البته بدیهی است که شرایط فرهنگی و خانوادگی در به وجود آوردن تفاوت‌ها بین دو جنس تأثیر دارند ولی در تفاوت‌های اصلی هیچ تأثیری ندارند. از دید علمی تفاوت‌های زن و مرد در اثر تفاوت در برنامه‌های ژنتیک (DNA) آن‌هاست و برنامه‌ی فرهنگی به آن اضافه می‌شود.»<sup>۲</sup> ----- ۱. روان‌شناسی زنان، ژانت هاید، بهزاد رحمتی، ص ۹۹. ۲. زنان مردان روابط، جان گری، محمود ساعتچی، ص ۷۰.

### نقد نگره‌ها

به نظر می‌رسد در «نگره‌ی روانکاوی» مانند دیگر نظریات فروید که برای وراثت و غریزه و به ویژه غریزه‌ی جنسی بیش از حد

اهمیت قائل است و نقش محیط فرهنگی و جامعه نادیده گرفته می شود،<sup>۳</sup> به نقش مهم و حیاتی محیط و فرهنگ بی مهری شده است و این نظریه به صورت افراطی به نقش وراثت در تفاوت های بین زن و مرد پرداخته است. از سوی دیگر در نگره ی «یادگیری اجتماعی» بیش از حد معمول و منطقی به نقش اجتماعی و فرهنگی در ایجاد تفاوت ها پرداخته شده است و حتی بدیهی ترین مبانی فیزیولوژیستی و تفاوت های زیستی دختر و پسر نادیده گرفته شده است. رفتارهای جنسیتی کودکان در ابتدای تولد اگرچه کمرنگ است ولی نمی توان آن ها را انکار کرد و بدیهی است که این رفتارهای متفاوت جنسیتی ناشی از کروموزم هاست. و در نظریه ی سوم، رشدی- شناختی، می بینیم که به یک نیروی ویژه ی عقلانی در ۳. ر. ک نظریه های شخصیت یا مکاتب روان شناسی، دکتر علی اکبر سیاسی، ص ۱۳-۴۵. وجود کودکان اشاره می شود که باعث هویت شناسی و تشخیص جنسیت و در نتیجه رفتار جنسیتی می شود. این نظریه نیز مشکلاتی دارد از جمله این که تفاوت های رفتاری جنسیتی پیش از فرا رسیدن زمان تعقل و تفکر در کودکان نادیده گرفته شده است. و ما شاهد این تفاوت های رفتاری، در دوران نوزادی و کودکی هستیم که یا باید این دوره را از زندگی افراد محسوب نکنیم که این محال است و یا به عنوان دوره ای استثنایی که تفاوت های رفتاری بدون درک و شناخت فرد صورت می یرد معرفی کنیم و این مطلب در نگره ی رشدی- شناختی بیان نشده است! نگره ی طرح واره ی جنسیتی نیز با نگاه برابرنگرانه به موضوع نگرسته و به نظر می رسد پیش از اثبات مباحث نظری در رفتارهای جنسیتی به ارائه راه حل پرداخته و تمام هم و غم این نظریه پردازان ایجاد تشابه بین زن و مرد، کمرنگ کردن تفاوت های جنسیتی و ایجاد بستری مناسب برای داشتن جامعه دو جنسیتی است. ساندرابم که یکی از نظریه پردازان نگره ی طرح واره ی جنسیتی است می گوید: «افراد دو جنسیتی میزان توانمندی بیش تری دارند و از قیدهای کلیشه ای جنسی رهایی یافته اند به زبان دیگر قوه مانور یک فرد دو جنسی بیش تر از اختصاصات تک جنسیتی می باشد. زیرا به خوبی از پس موقعیتهای بر می آید.»<sup>۱</sup> در آزمایش های ساندرابم اشخاص دو جنسیتی (آندروژین) با اعتماد به نفس مردانه به پرسش های آزمون پاسخ داده و به طور مستقل رفتار می کنند. بنابراین، طرح واره ی جنسیتی نیز اشکالات خاص خود را دارد از جمله این که بدون توجه به طبیعت و فطرت زن برای او نسخه می پیچد و به قول معروف به خاطر زیبایی ابروان نگره ی خود، چشمان آن را کور می کند و موهبت های طبیعی را در نظر نگرفته و به راه حل های مصنوعی و غیر منطقی می پردازد. ----- ۱. روان شناسی زنان، ژانت هاید، ص ۹۹.

## د) نگره ی روان شناختی دینی و تفاوت های جنسیتی

اکنون که افراط و تفریط در نظریات سه گانه و طرح واره ی جنسیتی مشاهده شد با توجه به نگره های روان شناختی در دین مبین اسلام و این که نظریه های دینی مبتنی بر طبیعت و فطرت بشری است و نظریات پیشوایان دینی آمیزه ای از آموزه های وحیانی و عقل بشری است به بررسی خاستگاه تفاوت های رفتاری و جنسیتی می پردازیم. نظریه های اسلام که برخاسته از کتاب و سنت است پاره ای از تفاوت های جنسیتی را ناشی از غریزه و وراثت دانسته و با تعبیر «إِنَّ الْعَرْقَ دَسَّاسٌ» حساسیت مسایل ژنتیکی را بیان می فرماید از سوی دیگر با روایت: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ إِلَّا أَنْ أَبَوَاهُ يَهُودَانَهُ أَوْ نَصْرَانَهُ»<sup>۱</sup> نقش سازنده ی محیط و به ویژه والدین در فرآیندهای رفتاری فرد را مشخص کرده و از سوی دیگر نقش جامعه و نیز حکومت بر تربیت و الگودهی رفتاری را نیز بیان می کند. روایات فوق هم به تأثیر وراثت در جنسیت اشاره کرده و هم جایی برای نقش آفرینی محیط باقی می گذارد. زیرا برخوردهای افراد دیگر از نظر روانی در پذیرش نوع جنسیت بسیار مؤثر است. رفتارهای جنسیتی افراد اگرچه از محیط تأثیر می پذیرد و نوع اسباب بازی و نگرش تربیتی والدین و فرهنگ جامعه نقش مهمی در بروز رفتارهای جنسیتی دارند اما برخی از این رفتارها در نهاد انسان نهفته است و همزمان با ظهور نمایه های جنسیتی در او نهادینه شده است. اسلام بر هر سه نظریه روان کاوی، یادگیری اجتماعی و نگره ی رشدی- شناختی توجه داشته و برای هر یک از «وراثت»، «محیط و فرهنگ اجتماعی» و «خود آگاهی

« جایگاه ویژه ای قایل است. این که درصد تأثیر این عوامل چه مقدار ۰۱ اصول کما فی، کلینی، ج ۲، ص ۱۴، باب ۶، حدیث ۴. است از موضوع بحث خارج بوده و ما به تأثیر عمیق هر یک بر انسان اشاره کر دیم. در سیره ی عملی حضرت علی (علیه السّلام) می بینیم که بعد از رحلت همسر خویش، فاطمه زهرا (علیها السّلام) با برادر خود عقیل که دارای علم الانساب است و از خصوصیات فردی و قبایل آگاهی دارد سخن گفته و نقش خانواده را بیان می فرماید و طالب دختری از خانوادای شجاع، فهیم و رزم آور می گردد و عقیل در پاسخ برادر و مولای خود می گوید: تَزَوَّجَ أُمُّ الْبَنینِ الْکَلَابِیَّةُ فَإِنَّهُ لَیْسَ فِی الْعَرَبِ أَشْجَعُ مِنْ آبَائِهَا «با امّ البنین کلابیه ازدواج کن، زیرا شجاع تر از پدران و اجداد وی در عرب نیست»<sup>۱</sup> تأثیر تربیت خانوادگی در سلامت روانی افراد همواره مورد نظر اسلام بوده و هست و بر آن تأکید فراوان شده است اگر چه نقش وراثت نیز نادیده گرفته نشده است. یکی دیگر از مواردی که پیشوایان دینی و بویژه حضرت امیر(علیه السّلام) برای آن اهمیت زیادی قائل شده اند نقش دوستان در رفتارهای افراد است. حضرت می فرماید: وَاحْذَرِ صَحَابَةَ مَنْ یَفِیْلُ رَأْیَهُ، وَیُنْکِرُ عَمَلَهُ، فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ. وَاسْکُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جِمَاعُ الْمُشْرِئِینَ، وَاحْذَرِ مَنَازِلَ الْعُقَلْبَةِ وَالْجَفَاءِ وَقَلَّةِ الْأَعْوَانِ عَلَی طَاعَةِ اللَّهِ. «از دوستی با بیخردان، و خلافکاران بپرهیز، زیرا هر کس را از آن که دوست اوست می شناسند، و در شهرهای بزرگ سکونت کن زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است، و از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافلند، و به یکدیگر ستم روا می دارند، و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی کنند، بپرهیز...»<sup>۲</sup> ۱۲. قمر بنی هاشم، عبدالرزاق مقرر، ص ۲۶. ۲. نهج البلاغه، نامه ی ۶۹/۹. بنابر آن چه بیان شد رفتارهای جنسیتی و تفاوت های موجود بین رفتارهای افراد در درجه اول از وراثت و غرایز طبیعی ناشی می شود و در اوایل خلقت انسان این تفاوت ها به گونه ای کمرنگ مشاهده می شود. سپس در محیط خانواده و تحت تأثیر فرهنگ اجتماعی رنگ بیش تری یافته و بیش از پیش محسوس می شوند، و دوستان و همراهان و نیز خود آگاهی های افراد که موجب بروز رفتارهای جنسیتی می شوند از نظر دین اسلام در اینگونه رفتارها بسیار مؤثر هستند. به هر حال اسلام با نگاهی جامع نگرانه به تمامی ابعاد زندگی بشر نگرسته و نقش سازنده ی هر یک را تبیین می کند و هر گز برای اثبات یک قضیه از نفی قضایای دیگر سود نمی جوید و به یقین همین نکته نمایانگر کمال دین است. حضرت علی (علیه السّلام) با توجه به نقش وراثت و محیط در تربیت اخلاقی و روانی انسان ها می فرماید: حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ کَرَمِ الْمَآءِرِ ۱ «سجایای اخلاقی دلیل بر وراثت های پسندیده است» و نیز با تأکید بر نقش خانواده و در واقع برون دادهای روانی بر کودکان می فرماید: «کسی که ریشه ی خانوادگی اش شریف است در حضور و غیاب و در هر حال دارای فضیلت و صفات پسندیده است.»<sup>۲</sup> بنابراین تفاوت های جنسیتی هم به وراثت بر می گردد و هم با تأثیرپذیری از محیط شکل می گیرد. روان شناسان در بحث شخصیت افراد که در واقع نمودی از رفتارهای روانی و جنسیتی آن هاست می نویسند: «از لحظه ای که یک سلول جنسی نر (اسپروماتوزوئید) با یک سلول جنسی ماده (اوول) در جریان عمل لقاح ترکیب می شود نخستین سنگ ۱. غررا لحکم، آمدی، ص ۳۷۹. ۲. همان، ص ۳۲۷. بنای شخصیت فرد گذاشته می شود.»<sup>۱</sup> پس تفاوت های شخصیتی زن و مرد از هنگام لقاح سلول های جنسی نر و ماده آغاز می شود ولی در اکمال و شکل گیری آن خانواده و محیط نقش بسزایی دارند. در مورد منشأ تفاوت افراد انسانی سخن زیبایی از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السّلام) بیان شده است که توجه به آن ضروری است. جمعی از اصحاب امام (علیه السّلام) می گویند: خدمت امیرمؤمنان بودیم در آن جا سخن از تفاوت های مردم به میان آمد امام (علیه السّلام) فرمود: «آن چه بین آن ها تفاوت بوجود آورده آغاز سرشت آن هاست، چه این که آن ها از قطعه ای از زمین شور و شیرین و سفت و سست ترکیب یافته اند و بر حسب نزدیک بودن خاکشان با هم نزدیکند و به مقدار فاصله ی خاکشان با یکدیگر متفاوت هستند. افرادخوش منظر غالباً سست عقلند و بلند قدان کم همت، پاکیزه عملان بد منظرند و کوتاه قدان خوش فکر و عمیق اند. آن ها که نهادی پاک دارند اعمالشان نیز پاک است. کسانی که عقلشان حیران است افکارشان پراکنده است و سخنوران قوی القلبند.»<sup>۲</sup> امروزه در روان شناسی تفاوت های فردی می بینیم که ویژگی های غالب برای افراد خاصی در نظر گرفته می شود و این به معنای

انحصار این ویژگی ها برای افراد مذکور نیست و ممکن است افرادی برای مثال کوتاه قد باشند ولی خوش فکر نباشند این غلبه در کلام امام علی (علیه السلام) کاملاً مشهود است و در دیگر سخنان حضرت نیز تذکر و ویژگی های غالب به چشم می خورد. آن چه از کلام امام برداشت می شود این است که سرشت و طبیعت افراد در تفاوت های آن ها بسیار مؤثر است و نمی توان نقش وراثت و غرایز طبیعی را نادیده گرفت و از سوی دیگر نقش خانواده و محیط اجتماعی در تربیت و تعدیل و صیقلی کردن تفاوت ها و استفاده بهینه از تفاوت های طبیعی بین افراد انسانی ۱. روان شناسی شخصیت، دکتر یوسف کریمی، ص ۱۲. ۲. نهج البلاغه، خطبه ی ۲۳۴. چه زن و چه مرد نیز تثبیت شده است. حضرت علی (علیه السلام) در نامه ای به امام حسن مجتبی (علیه السلام) با اشاره به همین نکته، می فرماید: **وَإِنَّمَا قَلْبُ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ. فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ** «قلب جوان همچون زمین خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود می پذیرد بنابراین من در تعلیم و ادب تو پیش از آن که قلبت سخت شود و فکرت به امور دیگر مشغول شود مبادرت ورزیدم.» ۱ گفتنی است که تأثیر محیط هم در مرحله جزئی و محدود که شامل محیط خانواده و محل زندگی فرد است مورد نظر اسلام بوده و هم در مراحل کلان که رنگ و لعاب سیاسی - اجتماعی به خود می گیرد. حضرت علی (علیه السلام) در مورد تأثیر محیط از منظر کلان در کیفیت رفتارهای افراد می فرماید: **بَلَّادُكُمْ أَنْتُمْ بِلَادِ اللَّهِ تُرَبُّونَ: أَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ، وَأَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهَا تَسْعَةُ أَغْشَارِ الشَّرِّ، الْمُحْتَبَسُ فِيهَا بِذَنْبِهِ، وَالْخَارِجُ بِعَفْوِ اللَّهِ.** «شما (اهل بصره) از همه جا به آب نزدیکتر هستید و از آسمان دورتر ۹۰٪ بدی ها در محیط شما است. کسی که در آن جا باشد گرفتار گناه و کسی که رخت بر بندد مشمول عفو خداست.» ۲ این سخنان زمانی بیان می شود که مردم بصره در جنگ جمل با پیروی از کینه توزان، اوضاع سیاسی نامناسبی را پدید می آورند. بدیهی است که وضعیت نابسامان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر جامعه ای زمینه ای فراهم می سازد برای آسیب زایی روانی افراد. در تاریخ بشر به وضوح دیده شده است که تحولات سیاسی - اجتماعی موجب تحولات اخلاقی، روانی شده و دروغاها ی سیاسی همواره عده ای قربانی شده و یا ظهور کرده اند. ۱. همان، نامه ۲۲/۴۱. ۲. همان، خطبه ی ۱۳.

### چکیده سخن

اسلام نسبت به کلیه امور نگاهی اعتدال آمیز داشته و تمام عواملی که هر یک به گونه ای افراطی در نظریات روان شناسان و کارشناسان مطرح می گردد به صورت نسبی در رفتارهای جنسیتی مؤثر می داند. و از دیدگاه روان شناختی دینی هیچ یک از امور به طور مطلق و قطعی تأثیرگذار در رفتار افراد نمی باشند و از این رو نقش وراثت و امور زیستی در جای خود قابل بررسی بوده همانگونه که نقش محیط خانواده و گروه همسالان و نیز خود آگاهی های افراد در بنای شخصیتی آن ها نادیده گرفته نمی شود. همان گونه که حضرت امیر (علیه السلام) با اشاره به این رویه ی اعتدال در تعالیم و دستورهای دینی می فرماید: **أَلَا وَإِنَّ شَرَائِعَ الدِّينِ وَاحِدَةٌ وَسُبُلُهُ قَاصِدَةٌ.** «آگاه باشید که آبشخورهای دین یکی است و راه های آن همه معتدل و مستقیم و نزدیک است.» ۱ با توجه به نظریه اسلام در مورد تفاوت های جنسیتی می بینیم که نگاه اعتدال آمیز دین در این نگره کاملاً مشهود است. ۱. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۲۰

### فصل چهارم: تفاوت های زنان و مردان از منظر روان شناختی

#### اشاره

پیش از این گفتیم که بنابر مفاهیم دینی و مبانی جدید علمی در دانش روان شناسی بین زن و مرد اختلاف های رفتاری، روانی و

جسمی وجود دارد که به هیچ عنوان قابل انکار نبوده و امری مسلم است. بستر عواطف و هیجانات زنان با مردان متفاوت است، نوع برخورد آنان با شکست ها و پیروزی ها و تمایلات روحی و روانی و حتی شیوه های کاربرد عقل و احساسات و ادراکات در این دو پیکره ی جامعه بشری کاملاً متفاوت است. خانم کلیود السون روان شناس معروف می گوید: «چندی پیش به من مأموریت داده شد که تحقیقاتی درباره عوامل روانی زن و مرد به عمل آورم که به این نتایج رسیده ام: الف) تمام زن ها علاقمندند که تحت نظر شخص دیگری کار کنند و به طور خلاصه از مرئوس بودن و تحت نظر رئیس کار کردن، لذت بیش تری می برند تا فرمان دادن. ب) تمام زن ها می خواهند احساس کنند که وجودشان مؤثر و مورد نیاز است. به عقیده من این دو نیاز روحی زن از این واقعیت سرچشمه می گیرد که خانمها در گیر «احساسات» و آقایان تابع محاسبه و عقل معاش هستند... معمولاً مردان عملی تر فکر می کنند، متأملانه قضاوت می کنند، سازمان دهنده بهتری هستند و راحت تر هدایت می کنند و خانم ها به علت این که حساس تر از آقایان هستند باید این حقیقت را قبول کنند که به نظارت آقایان در زندگی احتیاج دارند. کارهایی که تفکر مدام احتیاج دارد زن را کسل و خسته می کند.»<sup>۱</sup> اینک که ضرورت تفاوت ها و خاستگاه آن ها را بررسی کردیم به تفاوت های موجود بین زن و مرد پرداخته و در این راستا از سخنان گهربار حضرت علی (علیه السلام) و کارشناسان روان شناسی بهره می جویم. حضرت امیر (علیه السلام) در نامه ای به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید: «وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ، وَكَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَتِهِ» «کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار، که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش.»<sup>۲</sup> این سخن اشاره ای است ظریف و لطیف که با توجه به روحیات زنان، توانایی های آن ها و تفاوت های موجود بین زن و مرد بیان شده است. زیرا تحمیل عملی که خارج از توان طبیعی زن باشد او را افسرده می کند و سبب ایجاد اضطراب و آسیب های روانی دیگری می گردد. چه در روایت فوق بار سنگین معنوی و روانی در نظر باشد و چه بار سنگین مادی. فیزیولوژیست ها در مورد تفاوت در قدرت عضلانی زن و مرد می نویسند: «قدرت عضلانی زن و مرد به گونه ای متفاوت است که کارکرد بدن آن ها را متفاوت می کند. تستوسترون (هورمون ویژه جنس نر) اثر سازنده بر قدرتی در تولید پروتئین در سراسر بدن دارد و رشد بافت های عضلانی را تحریک می کند و بر قدرت بدنی مرد می افزاید. از این رو توده ی عضلانی بدن مرد به طور متوسط ۵۰ درصد بیش تر از بدن زن

-----<sup>۱</sup> مسایل ازدواج و حقوق خانواده، علی اکبر بابازاده، ص ۲۷۸. <sup>۲</sup> «نهج البلاغه: نامه ی - ۳۱/

۱۱۸. است و برای انجام کارهای سنگین توانایی بیش تری می یابد.»<sup>۱</sup> و نیز معتقدند که چون لگن مرد شکل قیفی دارد برای تحمل بارهای سنگین آمادگی بیش تری دارد.<sup>۲</sup> اگر زنان اهداف ویژه ی مردانه را برای خود در نظر گیرند و با همان قدرتی که مردان در امور اجتماعی وارد عمل می شوند به کار پردازند- همانگونه که در تحقیق ۲۵ ساله ۱۰۰ کشور جهان آمده است و ما در بحث افسردگی به آن خواهیم پرداخت- دچار اضطراب خواهند شد و اختلالات روانی شدید بر آن ها عارض می شود. از این رو تأکید دین باوران با توجه به شناختی که نظریه پردازان دینی و پیشوایان ما به زوایای روحی و روانی و توانش افراد دارند بر این است که زنان بر حسب توان و نیروی خود هدفی را برگزیده و به کار پردازند و آن چه که پیش از این بیان شد زیباترین جلوه ی روان شناختی است که در نگره های حضرت مشاهده می شود. اینک با توجه به مقدمه فوق بحث تفاوت های زن و مرد را در ابعادی گوناگون پی می گیریم: الف) تفاوت های جسمی: تفاوت در کروموزم ها تفاوت در جسم و غدد و ب) تفاوت های جنسی: تفاوت در غدد و هورمون ها، تفاوت در روابط جنسی ج) تفاوت های روانی: تفاوت های عاطفی، تفاوت در برخورد با تنش ها، تفاوت در نیازها د) تفاوت های عقلی: تفاوت در عقل عملی و نظری، تفاوت در تصمیم گیری، تفاوت در توانایی های شناختی، تفاوت در نگرشها، تفاوت در شیوه های مدیریتی ه) تفاوت در دین باوری: تفاوت در گروهش به دین، تفاوت در وظایف و تکالیف -----

-----<sup>۱</sup> فیزیولوژی پزشکی، آرتور گاتیون و جان هال، فرخ شادان، ج ۲، ص ۱۵۰۳. <sup>۲</sup>



تفاوت های جسمی زن و مرد اگرچه خارج از بحث ما به نظر می رسد ولی به علت رابطه ی تنگاتنگ جسم و روان به گونه ای مختصر از بعضی تفاوت ها سخن می گوئیم. مرد به طور متوسط درشت اندام و زن کوچک اندام است. مرد بلندتر و زن کوتاه تر است. مرد خشن تر است و زن ظریف تر و صدای مرد کلفت تر و خشن تر است و صدای زن نازکتر و لطیف تر. به عبارت دیگر مردان از سه سطح تقابلی زیر و بمی آهنگی برخوردار هستند، در حالی که زنان دارای چهار سطح هستند. رشد بدنی زن سریع تر و رشد بدنی مرد کندتر است. حتی گفته می شود جنین دختر از جنین پسر سریع تر رشد میکند. مقاومت زن در مقابل بسیاری از بیماری ها از مقاومت مرد بیش تر است. بنابر نظر فیزیولوژیست ها میزان کلسترل (LDL) در خون مرد بیش تر از زن است و این مقدار کلسترول در مقدار چربی موجود در گردش خون و نیز رسوب پلاک های ----- ۱. روان شناسی رشد بزرگسالان در فراخنای زندگی، علی اکبر شعاری نژاد، ص ۲۵. آنزواسلکروزی اثر زیادی دارد و به همین جهت بیماری های قلبی و سکتته مغزی در مردان بیش تر از زنان است. ۱. کلسترول زیاد در خون موجب کاهش پاسخ «آنتی بادی» ها در بدن و در نتیجه آسیب پذیری دستگاه ایمنی بدن مرد می شود. از طرفی استروژن (هورمون ویژه ی زنان) مقاومت طبیعی بدن را در برابر بیماری های سوخت بالا می برد. ۲. زن زودتر از مرد به بلوغ می رسد و زودتر از مرد هم از نظر تولید مثل از کار می افتد. گفتنی است که تغییرات جسمی تأثیر بسزایی در روح فرد دارد و از این گذر توجه به تفاوت های جسمی برای روان شناسی تفاوت های روانی امری ضروری است. پرفسور استارلینگ می نویسد: «سلول های تناسلی به هنگام بلوغ نه تنها تخم و نطفه تولید می کنند بلکه هورمون هایی نیز می سازند که داخل خون می شود و موجب تغییرات جسمی و روانی می گردد، در این سن نه تنها جسم نیروی تازه ای می گیرد، بلکه روح و اخلاق نیز به هزاران نوع متأثر می شود.» ۳. برخی از تفاوت های جسمی زن و مرد نیاز به اثبات علمی نداشته و بسیار مشهود است و برخی با استفاده از ابزار آزمایشگاهی و اطلاعات علمی شناخته می شوند. برای مثال زنان عموماً کوتاه قدرتر از مردان هستند. این کوتاهی در نیم تنه ی بالا- بیش تر مشاهده می شود و شاید حکمت آن ایجاد سهولت در شیر خوردن کودک باشد. قد مرد ۱/۲۳ قد زن است و نیم تنه بالای زن نسبت به کل قد او ۴۸/۰ است در حالی که در مردان این نسبت ۵/۰ اعلام شده است. ----- ۱. فیزیولوژی بدن انسان، ج ۱، ص ۴۹۸. ۲. همان، ج ۳، ص ۱۵۷۸. ۳. ر. ک روان شناسی زن، سید مجتبی هاشمی رکاوندی. شانه ی مردان پهن تر از زنان است و زنان باسن پهن تری نسبت به مردان دارند که شاید به علت بارداری توسط آنان باشد. به این معنی که حمل طفل و حفظ آن در زهدان با تکیه بر این عضو بدن خواهد بود. اندازه ی شانه مرد ۱/۱۲ برابر شانه زن است و باسن زنان ۱۸/۱ برابر باسن مردان است. زنان از نظر لطافت پوست، گوشت و استخوان نسبت به مردان ظریف تر و لطیف تر هستند. در واقع سختی بافت زیرجلدی و پوست سراسر بدن مرد ضخیم تر است ۲ و زنان به علت هورمون استروژن بدن کم مویی نسبت به مردان دارند. ۳. تفاوت های جسمی میان نوزاد پسر و دختر به غیر از تفاوت در آلت تناسلی را می توان در موارد زیر مشاهده کرد: - هنگام تولد پسران کمی بلندتر و سنگین تر از دختران هستند. ----- ۱. ر. ک: تفاوت های فردی، دکتر حمزه گنجی، ص ۱۹۹-۲۰۲. ۲. زمینه ی زیست شناختی روان شناسی، محمد حسن امیر تیموری، ص ۳۲۲. ۳. کلیات فیزیولوژی پزشکی، ویلیام اف، گانونگ، فرخ شادان، ج ۲، ص ۸۴۱. - استخوان بندی دختران رشد یافته تر از پسران است. استخوان بندی پسران در حدود ۶ هفتهگی تازه به اندازه ی دختران به هنگام تولد رشد می یابد. - پسران در رشد حرکتی کندتر از دختران هستند یعنی دیرتر از دخترها می نشینند، می خندند و راه می روند. ۱ برخی با اشاره به تأثیرپذیری جسم و روح از یکدیگر در مورد تفاوت های زن و مرد می نوشتند: «وقتی رفتار جنسی به طور مستقیم

تحت تأثیر سیستم غددی و عصبی قرار داشته باشد به تدریج در طی ادوار متوالی رشد جسمانی تفاوت ها و تصادهای شدیدی بین زن و مرد ایجاد می کند. و از طرفی می دانیم که بین روح و جسم رابطه و تأثیر متقابل وجود دارد یعنی همان طور که حالات روحی بر جسم اثر می گذارد، تحولات جسمی نیز روح را از خود متأثر می کند. ۲- دختران زودتر از پسران دوره بلوغ را پشت سر می گذارند و رشد استخوانی و جسمانی آن ها زودتر اتفاق می افتد و احتمالاً این سرعت رشد استخوانی در رشد کلامی نیز تأثیر می گذارد. - زنان عمر طولانی تری نسبت به مردان دارند. ضمن این که بیش از مردان بیمار می شوند. البته چنان که گفته شد مقاومت آن ها در برابر بیماری ها بیش از مردان است. لازم به ذکر است که وجود هورمون استروژن علت اصلی طولانی تر بودن عمر زن به حساب می آید. ۳- بررسی های تطبیقی و بین المللی در کشورهای پیشرفته نشان می دهد که عمر زنان طولانی تر از مردان است. این نسبت در ایالات متحده ی آمریکا ۷/۷، در فنلاند ۵/۸ و در یونان ۵/۳ و در کشورهای در حال توسعه نیز حداقل ۳ سال به سود زنان در هندوستان و دیگر کشورها گزارش ----- ۱- بر گرفته از روان شناسی زنان، ص ۲۷. ۲- مقدمه ای بر روان شناسی زن، ص ۵۲. ۳- جلوه های زندگی یک زن، جوان بورس آنکو، منیژه بهزاد، ص ۱۲. شده است. ۱- (وینگارد و دیگران ۱۹۸۴) میزان مرگ و میر و امید به زندگی در زنان و مردان بازتابی از تفاوت های زیستی آن هاست که همیشه مورد توجه اندیشمندان بوده است. وجود چنین آمار و اطلاعاتی مهمترین دلیل برای رد نظریات کسانی است که با نگاهی برابر نگرانه به زن نگریسته و تفاوت ها را یا به صورت کامل رد می کنند و یا آن ها را کم رنگ دانسته و موقعیت اجتماعی را عامل اصلی تفاوت ها می دانند. تفاوت های اساسی فیزیولوژیک (وظایف اعضای داخلی بدن) و بیولوژیک (تولید مثل و رشد و نمو) بین زن و مرد را در موارد زیر مشاهده می کنیم: - تارهای صوتی مردان، کلفت و ضخیم تر از زنان است و این نکته باعث ظرافت کلامی در زنان شده است. زنان نازک تر و لطیف تر از مردان سخن می گویند. در روایات می خوانیم که حضرت آدم (علیه السلام) پس از مشاهده ی حوا و شنیدن صدای نازک و ظریف او می گوید: «ما أَحْسَنَ خَلْقَتِكَ!» ۲- این سخنان نمایانگر کشش خاصی است که توسط تفاوت های جسمی از نظر طبیعی بین زن و مرد ایجاد می شود. - خون مردان غلیظ تر از زنان بوده و ۲۰٪ گلبول قرمز بیش تری دارند به عبارت دیگر محدوده ی طبیعی گلبول های قرمز در مردان که به طور متوسط ۴/۵ و در زنان ۸/۴ میلیون در هر میکرولیتر است. ۳- از این رو اکسیژن بیش تر کسب کرده و نیروی بیش تری نیز دارند و نفسهای آن ها عمیق تر از زنان است. وجود هورمون استروژن در کاهش چربی خون مؤثر است و از این رو بیماری های ناشی از تنگی عروق و تصلب شرایین در میان زنان کمتر است. ۴- استخوان بندی مردان محکم تر از زنان است. اگرچه همان گونه که پیش از ----- ۱- روان شناسی زنان، شکوه نوایی نژاد ص ۱۱۵. ۲- بحارا لانوار، علامه مجلسی، ج ۱۵، ص ۳۳. ۳- بیماریهای خون و سرطان اصول طب داخلی هاریسون، محمدرضا اسدی، ص ۱۷. ۴- کتاب نقد (فمنیزم)، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۷۹. (ر. ک مقاله ی تفاوت های بیولوژیک زن و مرد، سید هادی حسینی، ص ۲۴۴. این گفتیم استخوان بندی دختران در دوره ی جنینی و حتی بعد از آن رشد یافته تر از پسران است اما از استحکام کمتری برخوردار است. - لگن خاصره ی زنان هنگام راه رفتن به حرکت در می آید و نوعی حالت خاص و انجام حرکات موزون به آن ها می دهد. - زنان یک لایه ی چربی زیر پوست خود دارند که در زمستان آن ها را گرم نگه می دارد و در تابستان مانع از نفوذ بیش از حد گرما در بدن آن ها می شود و با وجود این لایه چربی کمتر احساس گرما می کنند. این لایه ی اضافی چربی باعث ذخیره ی انرژی در زنان شده و استقامت آن ها را نسبت به مردان بیش تر می کند. شاید بالا بودن ضریب تحمل زنان در مواجهه با بیماری ها و در نتیجه برخورداری از طول عمر بیش تر در مقایسه با مردان از دیگر آثار این لایه چربی باشد. - خانم ها در ادراک شنوایی توان بالایی دارند به گونه ای که از هر ۱۰۰ محرک صوتی تمام آن ها را می شنوند. در واقع زنان تمامی صداها را می شنوند و آقایان تنها صداهای انتخاب شده را می شنوند. البته این ضعف آقایان به علت ضعف شنوایی نیست بلکه به خاطر برخورداری از پالایه و صافی مغزی آن هاست. ۱ از آن جا که در برابر هر ادراک صوتی پاسخی داده می شود

شیدن زیاد در زنان حالات عصبی ایجاد می کند. برخی می نویسند: «بنابر عقیده کورسو حساسیت سمعی زنان کمی بیش تر از مردان است و با بالا رفتن سن آن ها، خصوصاً در مورد فرکانس های قوی، با سرعت کمتری تقلیل یافته و دیرتر ضعیف می شود. هم چنین می توان خاطر نشان کرد که بر حسب نظریه ی اولیک، ادراک همزمان در زنان فراوان تر و شایع تر است. ۲» - حس بینایی مردان از زنان بهتر است. ۳ نسبت نابینایان مادرزادی در جنس نر بیش تر است و نزدیک بینی شدید در مردان شایع تر و فراوان تر است... زنان در ----- ۱. روان شناسی زن و مرد، دکتر محمد مجد، ص ۲۰۵۱. روان شناسی اختلافی زن و مرد، روزه پیره، دکتر محمد حسین سروری، ص ۶۱. ۳. زنان از دید مردان، گری بنوات، محمد جعفر پوینده، ص ۶۹. برابر تاری و خیرگی چشم حساس ترند، زیرا زمان واکنش آن ها طولانی تر است. «دوبوآ» ملا-حظه کرده است که زنان در برابر تحریکات رنگ سریع تر از مردان پاسخ می دهند. ۱ - حس تشخیص طعم غذا در زنان ظریف تر از مردان است. اگرچه در گذشته معتقد بودند که در حس بویایی زن و مرد تفاوت خاصی که به علت تفاوت جنسیت باشد، دیده نشده است ولی امروزه می گویند: قدرت بویایی مردان بسیار ضعیف تر از زنان است. بسیاری از مردان بوها را نمی شناسند. از این رو مسئول فروش عطر در بیش تر نقاط جهان زنان هستند و البته زنان هنگام بارداری حس بویایی قوی تری پیدا می کنند. ۲ و هورمون استروژن در زنان بر حساسیت حس بویایی آنان می افزاید. ۳ - در زمینه ی حرکتی، مردان به جز از نظر مهارت یدی، برتر از زنان هستند و زمان واکنش آن ها نسبت به زنان کوتاه تر است. ۴ - از نظر حس لامسه چنان که پیش از این بیان شد پوست زنان از مردان لطیف تر بوده و نسبت به لمس و درد حساسیت بیش تری دارند. بافت روپوست زنان نازکتر از مردان است. از این رو نسبت به ضربه ها و فرورفتگی و برآمدگی های سطحی مقاومت کمتری از خود نشان می دهند. از آن جا که موضوع این کتاب روان شناسی زنان است، تفاوت های جسمی دیگر را به فرصتی دیگر وامی گذاریم و به مباحث اصلی می پردازیم. ----- ۱.

روان شناسی اختلافی زن و مرد، ص ۶۰ و ۶۱. ۲. روان شناسی زن و مرد، ص ۵۵. ۳. آیا به راستی مردان از زنان برترند، کوت هورین، محمود بهزاد، ص ۳۲. ۴. روان شناسی اختلافی زن و مرد، ص ۶۸.

## تفاوت های جنسی

### ? تفاوت در عدد و هورمون ها و نیازهای جنسی

زن و مرد از نظر جنسی دارای تفاوت های غیر قابل انکار و پذیرفته شده ای هستند و غده ی تناسلی در مرد که باعث تولید هورمون جنسی مردانه (تستوسترون) می شود، بیضه است و در زن تخمدان ها مولد هورمون های جنسی زنانه (استروژن و پروژسترون) هستند. وجود این هورمون های زنانه و مردانه موجب تمایز در صفات جنسی زن و مرد، تفاوت در قدرت عضلانی و ترکیب استخوانها و حالات مختلف روانی و... می شود. ۱ پیش از این گفتیم که وجود کروموزم Y باعث سرعت تقسیم سلولی و تبدیل بخش داخلی گوناد (غده تناسلی) در هفته ی ششم یا هفتم زندگی جنین به بیضه می شود. بنابراین تفاوت جنسی زن و مرد از نظر کیفیت و غده ی تناسلی از هفته ششم یا هفتم ایجاد می شود. پرولاکتین، اکسی توسین و ریلاکسین نیز از هورمون هایی هستند که در جنس مرد نقش چندان شناخته شده ای ندارند و در جنس زن ----- ۱. ر. ک کتاب نقد (فمنیزم)، شماره ۱۷، ص ۲۲۱-۲۵۱. وظایف مهم بر عهده دارند، برای مثال پرولا-کتین رفتار مادرانه را به وجود می آورد. ۱ به عبارت دیگر وجود کروموزم Y موجب تبدیل گوناد به بیضه شده و عدم آن موجب می شود که گوناد به تخمدان تبدیل شده و تمایز جنسیتی حاصل شود. امروزه ثابت شده است که مغز در اوایل رشد در جهت نر یا ماده شدن متمایز می شود و این تمایز در جنین انسان از ثلث دوره ی جنینی صورت می گیرد و آن قسمت از مغز که تمایز جنسی پیدا می کند هیپوتالاموس است. محققان

علم زیست شناسی دریافته اند که سلول بعضی از بخشهای هیپوتالاموس در زنان درشت تر از سلول های همان بخش ها در مردان است. البته کیفیت ارتباط نرون های این بخش نیز در جنس های متمایز متفاوت است بعضی از این بخش ها در مقابل استروژن و بعضی دیگر در مقابل آندروژن ها حساسیت دارند. تفاوت های رفتار جنسی و نقش جنسی از هنگام تولد شروع می شود. هر چه کودک بیش تر رشد می کند، بر این تفاوت ها نیز افزوده می شود تا آن که در زمان بلوغ به بیش ترین حد خود می رسد و دو جنس دختر و پسر را کاملاً از یکدیگر متمایز می سازد. منظور از «نقش جنسی» ویژگی ها و وظایفی است که فرهنگ، جامعه، بزرگسالان و طبیعت زیستی از هر یک از دو جنس مرد یا زن انتظار دارد. ۲. از نظر علمی ثابت شده است که با توجه به رشد نقش جنسی دوره دوم کودکی می توان رفتار جنسی دوره ی بزرگسالی فرد را پیش بینی کرد. ----- ۱.

همان، ص ۲۲۶. ۲. روان شناسی رشد، دکتر سوسن سیف و دیگران، ج ۱، ص ۳۳۹ زنان و مردان از نظر اعضای تناسلی داخلی نیز با یکدیگر متفاوت هستند. قسمت های داخلی دستگاه تناسلی زن عبارتند از: تخمدان ها، لوله های رحمی (لوله های فالوپ) رحم (زهدان) و مهبل (واژن) که در درون لگن کوچک قرار گرفته اند و با اعضای تناسلی داخلی مرد کاملاً متمایز است و به گونه ای متفاوت عمل می کند. زمانی که زن از برقراری روابط جنسی بهره ی طبیعی را نگیرد در برقراری مجدد آن بی رغبت شده و رفتارهای نابهنجار روانی و جنسی از خود نشان می دهد و کانون خانواده با مشکل اساسی برخورد می کند. زن و مرد هر دو در روابط جنسی نیاز به اطمینان و تضمین دارند. اما این نیاز در آن ها متفاوت است مردان فکر می کنند شایستگی لازم را داشته اند که توانسته اند رابطه ی زناشویی برقرار کنند و شادی و نشاط همسرشان آن ها را نسبت به این احساس شایستگی مطمئن تر می کند. ولی زنان نیازمند به مهر و محبت و توجه از سوی همسرشان هستند آن ها برای احساس اطمینان، نیاز مستقیم به عشق و ابراز عشق دارند و مردان باید با ابراز محبت از طریق جمله های عاطفی این نیاز را بر آورده کنند. این که مردان همسرشان را دوست داشته باشند ولی ابراز نکنند در واقع امکان احساس دوست داشتن را از آنان گرفته اند و برای -----

۱. روان شناسی زناشویی، حسین نجاتی، ص ۱۱۹. همین نیاز روانی است که پیامبر گرامی اسلام سفارش به ابراز کلامی عشق نسبت به همسر کرده و می فرماید: «این که مردی به همسرش بگوید (دوستت دارم) هرگز از قلب او خارج نمی شود.» ۱ جان گری می گوید: «بیش تر مردان از گفتن چنین جمله ای (من دوستت دارم) اکراه دارند، آن ها فکر می کنند تکرار همسرشان را زده یا خسته می کند امّا گفتن این جمله هیچگاه اثر بد ندارد. زمانی که مرد این جمله را به زبان می آورد مثل این است که به همسرش این امکان را می دهد که فرآیند دوست داشتنش را احساس کند.» ۲ قاعدگی، یائسگی و بارداری از نمایه های متمایز بین زن و مرد است که هر یک به گونه ای با تفاوت های جنسی زن و مرد در ارتباط است.

### تفاوت در روابط جنسی

یکی دیگر از تمایزها و تفاوت های جنسی زن و مرد تفاوت آن ها در اعضای تناسلی خارجی است. ۳ وجود دوره ی ماهیانه (گشن خواهی) در زنان و فقدان این دوره در مردان از دیگر تفاوت های بارز و ثابت شده ی جنسی بین زن و مرد است. این دوره که در چهار مرحله تخریب، تشکیل فولیکول، اوولاسیون و ترشح در طول ۲۸ روز صورت می گیرد در تمامی بانوانی که دارای سلامت جسمی و روانی هستند اتفاق می افتد و عامل مهم باروری در آن هاست. مردان این دوره را نداشته و ترشح آندروژن ها و هورمونهای فعال کننده ی هیپوفیز در آن ها تقریباً وضع ثابتی دارد. اینک که با تفاوت های فیزیولوژیستی جنسی بین زن و مرد آشنا شدیم دانستن این نکته ضروری است که این تفاوت ها نقش بسیار مؤثری در روابط جنسی بین -----

۱. قول الرجل لا مرءه «انی احبک»، لایذهب من قلبها ابداً. ۲. زنان، مردان، روابط، ص ۱۹۰. ۳. ک: روان شناسی زناشویی، ص ۱۱۳-۱۲۵. آن ها ایفاء می کنند. احکام دین مبین اسلام نیز بر اساس این تفاوت های اساسی و مهم وضع شده است. پاره ای از

روان شناسان تفاوت در روابط جنسی را این گونه بیان می کنند: «در برقراری رابطه ی جنسی مرد در جهت رسیدن به ارضای مورد تمایل جسم خویش نوازش زن را متوقف می کند در حالی که زن علاقمند به ادامه ی نوازش های اوست حتی حالت جسمی زن و مرد نیز چنین نیازی را ضروری نموده است. مردان دو یا سه دقیقه وقت لازم دارند تا در مرز نهایی این رابطه قرار گیرند در حالی که آمارها نشان می دهد که میانگین مدت آمادگی برای زنان ۱۸ دقیقه یعنی ۶ برابر مردان است.»<sup>۱</sup> اسلام با در نظر گرفتن این تفاوت در رفتارهای جنسی، یکی از حقوق مسلم مرد بر زن را تمکین و برآوردن نیاز جنسی مرد در سریع ترین فرصت می داند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) با عبارت «ان تجیه الی حاجته و ان کانت علی قتب»<sup>۲</sup> در پاسخ به کسی که از حق مرد بر زن می پرسد، در واقع به نیاز فوری مرد در مسایل جنسی اشاره می فرماید. از سوی دیگر زمان زیادی که زنان برای رسیدن به ارضاء کامل نیاز دارند مورد توجه پیامبر گرامی اسلام بوده و حضرت با توجه به این نکته روان شناسی می فرماید که هر لهوی باطل است مگر سه چیز که یکی از آن ها ملاعبه با زن هنگام جماع است و این یک حق است برای زنان (... و ملاعبه امراته فانهن حق)<sup>۳</sup>. و در روایت دیگر با مزمت ترک ملاعبه می فرماید: سه عمل جفا محسوب می شود: ... و سوم، ارتباط جنسی مرد با زن قبل از ملاعبه و مداعبه است (و مواقعه الرجل اهله قبل الملاعبه)<sup>۴</sup>. بنابراین کلیه ی احکام دین بر اساس طبیعت و سرشت افراد و وظیفه اصلی آن ها در زندگی وضع شده است و این نشانگر کمال دین است. اگر مردان به تفاوت روابط جنسی بین زن و مرد آگاهی نداشته باشند همسر خویش را سرد و بدون احساس می پندارند و دچار اختلال در روابط جنسی می شوند. در حالی که اگر این تفاوت ها را درک کنند و بدانند که زنان برای رسیدن به مرز نهایی لذت جنسی ۶ برابر آن ها به زمان نیاز دارند، این فرصت را در اختیار زن گذاشته و از روابط جنسی که لذت یکسویه دارد می پرهیزند. و زنان نیز با رسیدن به ارضاء کامل جنسی، دچار آسیب های روانی نمی شوند.

۱. جلوه های زندگی یک زن، ص ۱۶۰. ۲. وسایل الشیعه، ج ۲۵، ص ۱۵۸. ۳. همان، ص ۱۹، ح ۲۵۱۸۶. ۴. همان، ح ۲۵۱۸۷.

## تفاوت های روانی زن و مرد

### تفاوت های عاطفی

از نظر روانی، احساسات زن جوشان تر از مرد است و زنان سریع الهیجان تر از مردها هستند. زنان محتاط تر، مذهبی تر، پر حرف تر و ترسو تر و تشریفاتی تر از مردان هستند. ۱. زنان به ارتباط های عاطفی علاقه نشان می دهند و احساس محبت در دختران بیش از پسران است. ۲. زنان در علوم استدلالی و مسایل خشک عقلانی به پای مردها نمی رسند ولی در ادبیات، نقاشی و سایر مسایلی که با ذوق و احساسات مربوط است دست کمی از مردها ندارند. قدرت کتمان مردها بیش تر از زنان است. احساسات زن صلح جویانه و بزمی و احساسات مرد مبارزانه و جنگی است. جینا لمبروزو می گوید: «زنان به سوی امور زنده (غیرانتزاعی) و سودمند تمایل دارند. زنان ----- ۱. جلوه های زندگی یک زن، ص ۱۶۲، ۱۶۳. ۲. روش های پیشرفته روابط زناشویی، جان گری، فرشته صالحی، ص ۲۴- دیگر خواه هستند و از تصور این که زحمت آن ها موجب راحتی دیگران است خرسند شده و به هر رنجی تن می دهند. ولی مرد قیدی به مفید بودن اعمال خود برای دیگران نداشته و تنها منظورش آن است که خرسندی خاطر خویش را فراهم سازد.»<sup>۱</sup> گفتنی است که صفات ذکر شده توسط خانم لمبروزو به صورت مطلق و برای همه ی مردان و زنان صادق نیست بلکه صفت عالی زنان و مردان چنین است از این رو اگر در هر زمانی استثناهایی به وجود آمد از موارد نقض این قضایا نبوده و جزء غیر غالب ها محسوب می شوند. برای مثال بسیاری از مردان بزرگ و اولیاء الهی که عمر خویش را صرف خدمت به بشریت کرده اند و با مؤلفه های اخلاقی و دینی زندگی می کنند این صفات را با این شهرت که بیان شد ندارند. جان

گری می گوید: «زن فقط احتیاج به گفتگو دارد و به نتیجه نمی اندیشد در حالی که مرد احساس می کند او توقع حل مشکلات را دارد.»<sup>۲</sup> شاید یکی از دلایل جواز دادن وعده ی دروغ به همسر از نظر شرع مقدس اسلام، ارضاء همین نیاز روانی زنان است. زنان نیاز به گفتگو با همسر دارند و حتی اگر همسرشان به وعده هایش عمل نکنند آن ها با صِرف حرف زدن با او آرامش می یابند و در واقع پاسخی برای سؤال همیشگی خویش می یابند که «آیا او مرا دوست دارد؟» روان شناسان میگویند زنان حسابگر بزرگی هستند. آن هادر باطن حساب همه چیز را دارند. می پندارند یک روز باید همه ی حسابها تسویه شود.<sup>۳</sup> این ویژگی زنان در روایات نیز به چشم می خورد آن جاکه حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: -----<sup>۱</sup>. روان شناسی زن، جینالمبروزو، پری حسام شهرئیس، ص ۵-۸. ۲. زنان، مردان، روابط، ص ۲۴. ۳. همان، ص ۴۱. وَلَا تَحْمَلُوا النِّسَاءَ اثْقَالَكُم وَاسْتَغْنُوا عَنْهُنَّ<sup>۱</sup> «بارهای زندگی خویش را بر دوش زنان مگذارید و تا می توانید خود را از آنان بی نیاز کنید زیرا آن ها بسیار منت گذارند و نیکی را کفران می کنند.» زن در مورد اموری که علاقمند به آن هاست و یا موجب ترس او می شوند زودتر و سریع تر تحت تأثیر احساسات خویش قرار می گیرد. در واقع منشأ رفتارهای زنان احساسات و عواطف آن هاست. از دیدگاه روان شناسان و متخصصان فن، زنان در تحمّل مسئولیت های سنگین و بارهای ثقیل و طاقت فرسا نسبت به مردان متفاوت بوده و آثار روانی تحمیل مسئولیت های بیش از حدّ توان زنان در جسم و روح آن ها کاملاً مشهود است. جان گری می گوید: «زنان چون دارای دید بسیار باز و گسترده هستند احتیاجات دیگران آن ها را خیلی زود کلافه می کند. زنان در آن واحد حواس خود را به چندین موضوع و مشکل معطوف می دارند و یکی از عواملی که باعث کلافه شدن زنان می شود این است که خیلی سریع توانایی خود را در تعیین اولویت امور از دست می دهند و نمی دانند کدام یک از مسایل را زودتر بررسی کنند... این حالت سبب می شود که زودتر از مردان مغشوش و آشفته شوند و در یک لحظه احساس می کنند توانایی انجام هیچ کاری را ندارند.»<sup>۲</sup> ولی مردان به علت هوشیاری و درایت مرکزی مصمم تر از زنان بوده و کارآیی مثبت تری در انجام تکالیف سنگینی که به عهده دارند خواهند داشت. بسیاری از روان شناسان علت افسردگی در زنان را تحمیل وظایف و انتخاب اهدافی بیش از حد توان آن ها و یا کمتر از توانش آنان ذکر کرده اند. از این رو حضرت علی (علیه السلام) به پیروان خویش در قالب نامه ای به امام حسن (علیه السلام) توصیه می فرماید که بر زنان بیش -----<sup>۱</sup>. غررالحکم و دررالکلم، ص ۸۲۶. ۲. زنان، مردان، روابط، ص ۱۱۵. از توان آن ها بارهای سنگین روحی و روانی حمل نکنید که آن ها موجوداتی لطیف بوده و محتاج به مراقبت هستند. جینالمبروزو، روان شناس غربی می گوید: «آن چه زن را به اتخاذ مهمترین تصمیمات خود بر می انگیزد احساسات قلبی اوست نه مقدمات عقلی... در عالم انفعالات که ظاهراً عالمی مرموز است زن می تواند سیر و گردش نموده به خوبی در آن عالم نفوذ کند حال آن که مرد فقط در عالم منافع سیر می نماید.»<sup>۱</sup> شناخت دنیای احساسات و عواطف زنان و محدوده ی تأثیر آن بر دنیای بیرون نخستین گام به سوی شناخت واقعی زن و روان شناسی زنان است. حضرت امیر(علیه السلام) با شناخت عمیق و آگاهی نسبت به این دنیای مرموز و ناشناخته خطاب به لشگری که آماده ی روبرو شدن با دشمن، در صفین بودند فرمود: وَلَمَّا تَهَيَّجُوا النِّسَاءَ بِأَدْوَى، وَإِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ، وَسَبَبْنَ أَمْرَاءَكُمْ، فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقُوَى وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ؛ إِنْ كُنَّا لَنُؤْمَرُ بِالْكَفِّ عَنْهُنَّ وَإِنَّهُنَّ لَمَشْرُكَاتٌ؛ وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لَيَتَنَاوَلُ الْمَرْوَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالْفَهْرِ أَوْ الْهَرَاوَةِ فَيَعْبُرُ بِهَا وَعَقْبُهُ مِنْ بَعْدِهِ. «زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هرچند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند، که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند، در روزگاری که زنان مشرک بودند مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم، و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب دستی به زنی حمله می کرد، او و فرزندانش را سرزنش می کردند.»<sup>۲</sup> به عبارت دیگر حضرت در این سخنان اشاره به کم بودن نیروی تحمل زنان در مواجهه ی با دشمن کرده و می فرماید آن ها زودتر از مردان تحت تأثیر احساسات خود واقع شده و به هیجان می آیند و تصمیمات آن ها و رفتارهایشان بر اساس -----<sup>۱</sup>. روح زن، جینا لمبروزو، ج ۱، ص ۱۹ و ۲۰. ۲. نهج البلاغه، نامه ی ۱۴. عواطف و احساسات آن

هاست که غلبه بر عقل و اندیشه زنان دارد. در طبیعت، مرد بنده ی شهوت خویشان است و زن در بند محبت مرد. مرد می خواهد شخص زن را تصاحب کند و در اختیار بگیرد و زن می خواهد دل مرد را تسخیر کند. پرفسور ریک در این مورد می گوید: «زن و مرد از نظر ترکیب به کلی با هم فرق می کنند، علاوه بر این احساس این دو موجود هیچ وقت مثل هم نخواهند بود و هیچگاه یک جور در مقابل حوادث و اتفاق ها عکس العمل نشان نمی دهند.»<sup>۱</sup> او مقایسه ای میان روحیه ی زن و مرد کرده و تفاوت های روانی آن ها را یافته و می گوید: «برای مرد خسته کننده است که دائم نزد زنی که دوستش دارد به سر ببرد اما هیچ لذتی برای زنان بالاتر از این نیست که همیشه در کنار مرد مورد علاقه ی خویش به سر برند. (البته این موضوع با توجه به فرهنگ و اعتقادات در بین افراد متفاوت است.) خوشبختی از نظر مردها به دست آوردن مقام شخصیتی قابل احترام در اجتماع است ولی برای یک زن خوشبختی یعنی به دست آوردن قلب یک مرد و نگاهداری او برای تمام عمر. یک مرد همیشه می خواهد که زن مورد علاقه اش را به دین و ملیت خود در آورد و برای یک زن همان قدر که تغییر دادن نام خانوادگی بعد از ازدواج آسان است. عوض کردن دین و ملیت به خاطر مردی که دوستش دارد آسان است.»<sup>۲</sup> با توجه به همه سونگری، در قوانین شرع مقدس اسلام و نکته روان شناسی فوق که پس از سالها تحقیق و پژوهش به دست آمده است می توان رمز جایز نبودن ازدواج زن با مرد غیر مسلمان و حتی غیر شیعه را درک کرد. بنابر دین مبین ----- ۱. ر. ک بولتن اندیشه «ویژه زن»، شماره ی ۱۲-۱۵، ۱۳۷۶. ۲. همان. اسلام مردان می توانند با اهل کتاب و غیر شیعه ازدواج کنند ولی زنان مجاز به چنین پیوندی نیستند. ۱ به راستی زنان با روحیه دیگر خواهی و وفاداری که نسبت به همسر خویش دارند اگر با غیر مسلمان ازدواج کنند بنا به نظر پرفسور ریک به همان مقدار که تغییر نام خانوادگی برای آن ها آسان است دین و ملیت خود را هم تغییر می دهند. ولی مردان بنا بر نظر روان شناسان خواستار این هستند که زن مورد علاقه خود را به دین خویش در آورند و یا تأثیری که روی روان زنان دارند می توانند چنین کاری را انجام دهند و این گونه به شمار مسلمانان اضافه خواهد شد. حضرت امیر (علیه السلام) در این زمینه سخن زیبایی می فرماید: «زنان، آرمانشان مردان هستند.»<sup>۳</sup> زنان و مردان از نظر نوع استفاده از مکانیزمهای دفاعی متفاوت هستند و از نظر شخصیتی زنان حسودتر و کنجکاوتر از مردان هستند و اعتماد به نفس کمتری دارند. در هر حال نمود عاطفی زنان بیش تر از مردان است. برخی می نویسند: «نقطه ی افتراق و تمایز بین زنان و مردان در دوست داشتن، در نمایش محبت و دوستی است.»<sup>۳</sup> البته احساس خشم هم در زنان بیش از مردان است و نمایش آن هم بیش تر است. ----- ۱. تحریر الوسيله، حضرت اما(قدس سرّه، باب النکاح. ۲. کافی، ج ۵، ص ۸۱. ۳. روان شناسی زن و مرد، دکتر محمد مجد، ص ۱۱۹.

### تفاوت در برخورد با تنش ها

یکی از مسایل مهم در رابطه با زندگی فردی و اجتماعی افراد، چگونگی برخورد آن ها هنگام مقابله با سختی ها و تنش هاست. در زندگی با توجه به گستردگی روابط انسانی و تفاوت های فردی ناگزیر شاهد بروز حالت های غیر طبیعی و تنش زا هستیم که با تنش زدایی افراد اندیشمند و آگاه بر طرف می گردد. تفاوت زن و مرد در مواجهه با این حالات یکی از مباحث جالب روان شناسی و جامعه شناسی است که با در نظر گرفتن این تفاوت ها می توان به حل مشکلات ناشی از آن پرداخت. روان شناسان می گویند: «زمانی که مرد تحت فشار و تنش است تعداد مراکز توجه او افزایش می یابد و حتی نسبت به سایرین بی اعتنا می شود. این حالت مردان باعث می شود که ظاهراً آن ها را خود خواه و بی مبالا نشان دهند. اما زنان در مواقع تنش هوشیار می شوند و در مورد آن هایی که دوست دارند هوشیارتر به نظر می رسند. مردی که مشکل شغلی دارد روی کار خود متمرکز می شود گویا خانواده را فراموش می کند اما زنی که در محل کارش مضطرب است در این حالت نیازها و خواسته های خانواده اش را بیش تر احساس می کند. شوهر متمرکز می شود در حالی که زن گسترده تر و بازتر به مسایل می نگرد.»<sup>۱</sup> پیش از این در مورد شیوه ی کار مرد و زن

و نگرش آن‌ها به جهان هستی و مسایل اطراف آن‌ها سخن گفتیم و دانستیم که مردان بر روی یک موضوع به ویژه اگر مربوط به شغل و امور مردانه باشد متمرکز می‌شوند ولی زنان هر چیزی را با محیط اطراف آن می‌سنجند و به تناسب اهمیت بیش تری می‌دهند. در رابطه با چگونگی برخورد با تنش‌های موجود در زندگی این ویژگی‌های مردانه و زنانه حرف اول را می‌زنند. ما با مشاهده‌ی برخوردهای زنان در هر سطح و از هر نژاد که باشند می‌بینیم که حتی در اوج مشکلات و مصایب و سختی‌ها هرگز از وظایف تربیتی خویش غافل نمی‌شوند. آن‌ها در هر حالتی رفتار فرزندان را کنترل می‌کنند و به میهمان‌های تازه از راه رسیده و دوستان خود توجه دارند. حتی به نظم موجود در مکانی که نشسته‌اند توجه دارند اگرچه آواری از مصیبت‌ها و مشکلات بر سر آن‌ها فرو ریخته باشد. زنان در مجالس عزاداری و سوگواری عزیزانشان و در محافل شادی و جشن‌ها -----

----- ۱. زنان، مردان، روابط، ص ۷۳ و ۷۴. هرگز از پذیرایی شرکت‌کنندگان غافل نمی‌شوند و از طریق گوناگون و با تذکرات مکرر به خدمتگذاران در مجلس سعی در حفظ آبروی خویش دارند. حتی آن‌گونه که «جان‌گری» می‌گوید در سختی‌ها و تنش‌ها دید آن‌ها گسترده‌تر می‌شود و بیش از پیش به تحلیل مسایل می‌پردازند از طرفی در چنین مجالسی اگر رفتار مردان را مورد توجه قرار دهیم می‌بینیم که در مصیبت‌ها و یا شادی متمرکز شده و کمتر متوجه مسایل پیرامون خود هستند. در واقع مردان احساس غمگینی عمیقی دارند و تفاوت عمده‌ی آن‌ها با زنان در غم و شادی، کیفیت نمود آن است. به عبارتی زنان غم و شادی خود را بیش‌تر می‌نمایانند ولی در مردان کمتر نمود دارد. اگرچه زنان بیش از مردان افسرده می‌شوند ولی این افسردگی سطحی است در حالی که افسردگی مردان عمقی است و سریع‌تر رو به افسردگی می‌گذارند. در هر حال نمایش عاطفه در زن قوی‌تر است ولی در مرد عمیق‌تر است از این رو زنان قهرهای طولانی دارند و همه مظاهر عاطفه را از شادی و نفرت و خشم و دوست داشتن و ترس و... در کوتاهترین مدت بروز می‌دهند. ۱. زنان با درک این حالات و پذیرش تفاوت‌ها می‌توانند از بروز ناراحتی‌های احتمالی در خانواده جلوگیری کنند به این معنا که با شناخت تفاوت‌های زن و مرد هنگام مواجهه با مرارت‌ها و تنش‌ها، این حالت متمرکز مرد را هرگز مقیاس و میزانی برای مقدار عشق و علاقه همسرانشان نسبت به خود نمی‌دانند و اگر مورد بی‌توجهی او قرار گرفتند این را حمل بر دوست نداشتن نکرده و رنجشی برای آن‌ها ایجاد نمی‌شود و مهم‌تر از همه این که سعی می‌کنند به نیازهای مردان در هنگام برخورد با مشکلات توجه بیش‌تری کرده و این نیازها را برآورده کنند. مردان در مواجهه با تنش‌ها برخوردهایی مثل، کناره‌گیری از جامعه، سکوت و غرغر کردن را از خود نشان می‌دهند و زنان در این حالات و اماندگی خاصی از خود نشان می‌دهند و کلافه شده و دچار خشم شدید می‌شوند و از کوره در می‌روند. البته برخی از روان‌شناسان امروزه در مورد تفاوت زن و مرد در این ----- ۱. ر. ک روان‌شناسی زن و مرد، ص ۱۰۹. مورد می‌نویسند: زنان در این مواقع نیاز به بیان احساسات دارند و اگر نتوانند احساسات خود را ابراز کنند کلافه می‌شوند و واکنش‌های زیادی را از خود نشان می‌دهند و افسرده و فرسوده می‌شوند و زنان در این حالت نیاز به توجه و احترام همسر داشته و می‌خواهند که احساساتشان از سوی همسر درک شود. نیاز حقیقی زن در مواقع سختی‌ها و تنش‌ها، محبت و عشق است نه موعظه و امر و نهی. در حالی که مردان در چنین حالات بحرانی نیاز به فرصت برای بررسی و سنجش عمل خویش دارند. آن‌ها در پی یافتن نقطه کور در کارهای نا موفق خود هستند و تا زمانی که راه حلی برای رفع مشکلات پیدا نکنند و علت شکست و ناکامی خویش را نیابند آرامش نخواهند یافت. بدیهی است که با توجه به تفاوت نیازهای افراد و تفاوت رفتارها هر یک از زن و مرد باید برخوردی متناسب با نیاز طرف مقابل انجام دهد و این برخورد صورت نمی‌گیرد مگر در سایه شناخت تفاوت‌ها و نیازها. تفاوت در رشد اخلاقی زن و مرد که در نوع برخورد با تنش‌ها تأثیر بسزایی دارد یکی از مباحث مهم در این بخش از سخن است. اندیشه اخلاقی زنان به طور عمده به روابط فردی توجه دارد و با احساس مسئولیت نسبت به دیگران همراه است و جنبه‌ی از خود گذشتگی دارد ۱ و این تفاوت اخلاقی همواره باید مورد نظر قرار بگیرد. راه حل‌هایی برای تنش زدایی ۱. پیش از بروز بحران و تنش در زندگی، زن و مرد در



مورد کیفیت رفتاری خود هنگام مواجهه با بحران ها صحبت کنند تا به نیازهای یکدیگر در آن حالت پی برده و شناخت اجمالی نسبت به هم پیدا کنند. ۲. پس از شناخت نیازها در هنگام مواجهه با تنش و بحران هر یک از مرد و زن سعی کنند در صدد رفع نیاز طرف مقابل بر آیند به عبارت دیگر مردان با ابراز محبت و عشق به همسران خود و گوش دادن به سخنان آن ها و درک احساساتشان نیاز آن ها را بر آورده سازند تا تبدیل به «خوددرگیری» و «خودآزاری» نشود. و در مقابل زنان نیز در حالت های بحرانی که برای مردان رخ می دهد سعی کنند با ایجاد فضای آرام و ساکت به آن ها فرصت علت یابی و حل مشکل را بدهند. این زمان دهی باعث می شود که مرد خود را باز یافته و به زندگی عادی خود بازگردد و عامل مؤثر در این بازگشت را همسر خویش دانسته و به احساس او احترام گذارد. ۳. پس از مواجهه با هر تنش و برقراری روابط عادی بین زن و مرد سعی کنند رفتارهای خویش را بررسی کرده و نقطه ضعف ها و نقاط قوت را یافته و به رفع و یا تقویت آن ها پردازند. -----

۱. ر. ک کتاب نقد، شماره ی ۱۷، ۱۳۷۹، ص ۲۳۵.

### تفاوت در نیازها

یکی از نیازهای مشترک زن و مرد عشق است که بسیار اهمیت داشته و در زن و مرد به طور مساوی وجود دارد اما زنان و مردان در کیفیت ابراز عشق و محبت تفاوت هایی دارند که به نیازهای متفاوت آن ها مربوط می شود. نیازهای متفاوت زن و مرد عبارت است از: - مردان نیاز دارند که مورد اعتماد همسرشان قرار گیرند و در مقابل زنان بیش تر نیازمند به مراقبت از سوی همسر خویش هستند و برای انجام کارها و تصمیم گیری های خود به حمایت او احتیاج دارند. - زنان نیازمند به درک احساسات درونی شان از سوی همسر هستند. دوست دارند که به سخنان آن ها گوش داده شود و همسرشان آن ها را درک کند و مردها به پذیرش از سوی همسر نیاز دارند. در واقع مردان برای این که اعتماد به نفس پیدا کرده و مردانه به تدبیر امور پردازند، نیازمند به پذیرش همسرشان هستند. و اگر زنان مردها را پذیرا باشند، مردها هم آن ها را درک می کنند و نیازهای درونی هر دو به صورت غیر مستقیم پاسخ داده می شود. - مردان نیازمند به ستایش از طرف همسر خویش هستند و همواره در انتظار واژه هایی هستند که در آن ها به نوعی از آن ها قدردانی و سپاسگزاری شده باشد و متقابلاً زنان به احترام نیازمند هستند. زنان دوست دارند که مورد احترام همسر و دیگران قرار گیرند و به سخن و سلیقه و رفتار آنان احترام گذاشته شود. جان گری می گوید: «چون زنان و مردان نمی دانند که نیازهای عاطفی اصلی آن ها نسبت به یکدیگر متفاوت است مرتکب اشتباه مشترک می شوند یعنی آن چه را که برای خود می خواهند برای دیگری هم می خواهند.» ۱ عدم شناخت تفاوت در نیازها از دیر زمان موجب بحران های خانوادگی و اجتماعی می شده است. در رفتارهای عادی افراد می بینیم که مثلاً چون علاقه ی خود به غذا یا فیلم با کتاب خاصی را می بینند آن را تعمیم داده و برای ابراز علاقه به کسی که دوست دارند از همین مواردی که مورد علاقه ی خودشان است استفاده می کنند در حالی که ممکن است طرف مقابل هیچ گونه علاقه و میلی به این موارد نداشته و گاه در حد تنفر از آن ها روی گردان باشد و این مشکل ساز خواهد بود. در مورد تفاوت نیازهای زن و مرد بارها دیده شده است که چون مراقبت و ادراک از نیازهای اصلی زنان است برای جلب محبت و عشق شوهر، سعی می کنند بیش تر از گذشته به مراقبت از شوهر پردازند در حالیکه مردها از این که مورد مراقبت قرار گیرند ناراحت می شوند و در مورد این رفتار همسرشان قضاوت های منفی و نابجا خواهند داشت زیرا که عدم درک و شناخت تفاوت ها باعث قضاوت های منفی شده و این قضاوت ها رفتارسازی نادرستی برای انسان ها خواهند داشت. بنابراین برای ممانعت از بحران ها و مشکلات فراوان در زندگی باید نیازهای متفاوت زن و مرد را شناخته و به ارضاء آن ها پردازیم. روان شناسان در مثالی ساده این مشکل را بررسی کرده و می گویند: «مثلاً اگر زن ناراحت شود، مرد به او فرصت می دهد تا مسایل را مورد بررسی قرار دهد و کاملاً او را فراموش می کند در واقع مرد به همسرش اعتماد می کند و او را پذیرفته است. (اعتماد و پذیرش از -----

----- ۱. زنان، مردان، روابط، ص ۳۱۵. نیازهای خاص مردان است) ولی زن این رفتار را به عنوان رهاسازی و دفع از خود تعبیر می کند و شدیداً احساس بی اهمیتی و بی مهری می کند و چون زن و مرد از هیچ یک از تفاوت های یکدیگر آگاهی ندارند لذا نیازهای عاطفی زن و مرد تأمین نمی شود. ۱ و آنگاه که زن برای برآوردن نیازهای همسرش تلاش می کند در عوض مرد هم با حمایت متقابل نیاز او را پاسخ خواهد گفت. باید توجه داشت که نیازهای ما در صورتی بر آورده می شوند که نیازهای دیگران را پاسخ دهیم. زنان نیاز به ارزیابی نقطه نظرهایشان از سوی دیگران داشته و دوست دارند دنیا را آنگونه که می خواهند ببینند و این بینش و شناخت آن ها مورد توجه دیگران باشد نه این که دیگران به آن ها بگویند دنیا را چگونه ببینند. زنان وقتی به حالت تعادل خواهند رسید که مردان به حرفهای آن ها گوش دهند و مردان برای رسیدن به کمال مطلوب باید به نیازهای زنانه توجه داشته باشند. گوش دادن به حرفهای زنان یعنی درک احساسات آن ها و احترام به ایده آل ها و آرمان هایشان. زنان نیاز به احساس امنیت در رابطه با حقوق و شایستگی های خود دارند. آن ها به آرزوها، خواب ها، لیاقت و ارزشهای مورد نظرشان توجه داشته و خواستار احترام به این محبوب های همیشگی خود هستند. و اگر با بی حرمتی از سوی دیگران روبرو شوند دچار آسیب پذیری روانی خواهند شد و در نتیجه زندگی آن ها در همه ی موارد- از جمله در روابط جنسی- با مشکل مواجه خواهند شد. برنارد شاو اندیشمند انگلیسی می نویسد: «وقتی برق عشق و علاقه ی زن رانده شود وجود او سرچشمه ی کینه و انتقام می شود و زهر خود را در شراب لذت می ریزد.» ۲ جایگزین شدن تنفر به جای عشق بزرگترین فاجعه ای است که در زندگی -----

----- ۱. همان، ص ۳۱۶. ۲. سیمای زنان، عبادزاده کرمانی، ص ۱۶۶. خانوادگی و اجتماعی رخ می دهد و تنفر این غده ی سرطانی در ابتدا روان شخص را به نابودی کشانده و سپس به خانواده و اجتماع یورش می برد. بدیهی است که برای درمان چنین دردی باید به تفاوت های یکدیگر توجه داشت؛ به ویژه تفاوت در نیازها. جان گری می گوید: «در صورتی که زن مورد احترام قرار نگیرد روابط جنسی مختل می شود و زن شروع به اذیت کردن همسر می نماید و رفتاری سلطه گرانه و پر مدعا به خود می گیرد و احساس نا امنی و نالایقی می کند. زن حتی اگر در محل کارش مورد احترام قرار گیرد ولی همسرش به احساس او احترام نگذارد، باز هم احساس عدم شایستگی می کند.» ۱ توجه عمیق دین اسلام به محبت نسبت به زنان در واقع برای بر آورده کردن نیاز شدید زن به محبت است و ما در کلام معصومان (علیه السلام) مطالب زیادی در این مورد می بینیم. آن جا که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «من اخلاق الانبیاء حُبُّ النساء» ۲ «محبت نسبت به زنان از اخلاق پیامبران است.» در واقع حضرت علی (علیه السلام) با ذکر این عبارت توجه به زن و ابراز محبت و عشق نسبت به او را برای دیگران ارزشمند جلوه می دهد تا افراد دیگر با الگوگیری از پیامبران در برخوردهای خود محبت به زن را سرلوحه زندگی قرار داده و به این وسیله این نیاز طبیعی زنان بر آورده شود. گفتنی است که توجه به نیازهای زنان در سیره ی عملی حضرت علی نیز کلاماً مشهود است زنان نیاز به همدردی و همدلی از سوی همسر خویش دارند و با این همدردی می یابند که زحمتهای فراوان آن ها در حفظ زندگی و گرداندن چرخه ی بزرگ خانواده نادیده گرفته نشده است. در سیره ی عملی حضرت علی (علیه السلام) ----- ۱.

زنان، مردان، روابط، ص ۴۹. ۲. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۴، ص ۹. می خوانیم، حضرت امیر (علیه السلام) نسبت به فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) دلسوزی کرده و با ابراز ناراحتی از سختی هایی که همسرش در زندگی مشترک آن ها می کشد به او پیشنهاد می کند تا با پدر بزرگوار خود صحبت کرده و تقاضای خدمتکار کند و حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز چنین می کند و پیامبر در پاسخ دخت گرامی خود تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به او تعلیم می نماید همان که امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «خداوند در حمد و ستایش به چیزی برتر از تسبیح فاطمه ۳ عبادت نشده است.» ۱ این ابراز احساس همدردی و دلسوزی و توجه از سوی حضرت علی (علیه السلام) به یقین تحمیل بسیاری از سختی های ناشی از فقر در زندگی آن ها را برای همسر بزرگوارش آسان نموده و از سوی دیگر نیاز طبیعی حضرت زهرا را که ویژگی های خاص زنانه و نیازهای درونی متفاوت از مردان

دارد بر آورده می‌سازد. اگر نیازهای درونی زن و مرد ارضاء نشود و یا به خاطر عدم درک تفاوت در نیازها مورد توجه و پاسخگویی قرار نگیرد این نیازها در وجود افراد تثبیت شده و مانع از پیشرفت حقیقی آن‌ها می‌گردد. یکی از راه‌های بر آوردن نیازها شناساندن آن‌ها به طرف مقابل است. برخی این نیازها را چنین بیان می‌کنند: «ویرجینیا سائیر احساسات منفی پنهان شده را به دسته‌ای از سگ‌های گرسنه تشبیه می‌کند که پیوسته چنگال‌های خود را به درهای بسته‌ی انبار می‌کشند. برای بسته نگه داشتن در، انرژی زیادی مورد نیاز است. از سوی دیگر کنار آمدن با احساسات زخم خورده و عواطف سر در گم و پریشان که اغلب در احساس و رفتار ناخود آگاه ما بروز می‌کند امری بس دشوار و به نحوی باور نکردنی و توان فرساست و عارضه‌ی خستگی (ایتولوژی) - که عارضه‌ی بی دلیل ظاهری است و بالاترین مورد شکایت خانم هاست و بدن خانم در این صورت علائم خستگی ناشناخته مثل سردرد، پشت ----- ۱. کافی، ج ۳، ص ۳۴۳. درد و... از خود نشان می‌هد- در آن‌ها ظاهر می‌شود.» اکنون برای رهایی از این آسیب‌های روانی و جسمی باید راه چاره‌ای یافت راهی که به وسیله‌ی آن نیازهای متفاوت زن و مرد از طرف یکدیگر شناخته شده و مورد پاسخگویی قرار گیرد. خانم «بوریس آنکو» راه حل این بحران را بیان کرده و می‌گوید: «زن باید نیازها و احساساتش را به همسرش بشناساند چون مرد قادر به خواندن افکار زن نیست با بیان احساسات هر دو طرف اطمینان خاطر لازم را یافته و وحشت از طرد شدن و ناخواسته بودن را از دست می‌دهند.» ۲. بنابراین شناخت نیازها و درک و پذیرش تفاوت‌های موجود در نیازهای زن و مرد و احترام به نیازهای یکدیگر و بیان کردن احساسات و نیازهای عاطفی از طرف زن و مرد بهترین اقدام برای استحکام بنای مقدس خانواده و حفظ آن است و در سایه‌ی شناخت نیازها و تفاوت‌های زن و مرد در نیازهاست که رفتارهای ارایه شده، منطقی و صحیح خواهد بود و جامعه و افراد آن از ابتلاء به اختلالات روانی در امان خواهند ماند. ----- ۱. جلوه‌های زندگی یک زن، ص ۱۷۰. ۲. همان، ۱۷۱.

## تفاوت‌های عقلی

### تفاوت در عقل عملی و نظری

یکی از تفاوت‌های غیر قابل انکار بین زن و مرد تفاوت از حیث قوای دماغی، عقلانی و عاطفی است. مردان از نظر عقل تجریدی و به عبارت دیگر عقل نظری از زنان قوی‌تر بوده و زنان از نظر عقل عملی بر مردان غلبه دارند. یعنی عقل تئوریک و تحلیل‌گر و فرضیه‌باف و عقل سیاسی - اجتماعی در مردان دامنه‌ی گسترده‌تری نسبت به زنان دارد و این برتری به علت وظیفه طبیعی مردان که تسخیر طبیعت و مبارزه با مشکلات اجتماعی برای ایجاد رفاه خانوادگی است در مردان وجود دارد. لازم به ذکر است که اگرچه دنیای عقلی و شهودی با یکدیگر تفاوت دارند اما هیچ‌یک از این موارد معیاری برای ارزشگذاری افراد نبوده و تنها وسیله‌ای برای جدا کردن راه‌های رسیدن به کمال انسانی است که این کمال نیز برای زن و مرد مساوی است. قیاس و استقراء و حل معادلات ریاضی از یک طرف و کشف و شهود و بینش درونی از طرف دیگر ابزار و یا راه‌هایی برای رسیدن به کمال مطلوب هستند. از آن‌جا که شدت عواطف در زنان بیش‌تر است، ادراکات عقلی زن بیش‌تر از عواطف او جهت و تأثیر می‌پذیرد ولی مردان به جهت آن که کمتر تحت تأثیر ساختار عاطفه‌ی خویش قرار می‌گیرند از جهت عقلانی قوی‌تر از زنان بوده و تصمیمات جدی‌تر و قابل قبول‌تری می‌گیرند. برخی می‌نویسند: «گرچه فعالیت عقلی تجریدی و تعمیمی در مغز مرد بیش‌تر است اما بزرگتر بودن جمجمه و سنگین‌تر بودن مغز مردان و بیش‌تر بودن عقل نظری در آنان به معنای نزدیک بودن به آستان حقیقت متعالی و درک بهتری از واقعیت هستی نیست بلکه اگر مرد به وسیله‌ی حواس و عقل نظری خود به حیات می‌نگرد و به حقیقت نایل می‌شود. زن بیش‌تر نوعی علم حضوری و شهودی دارد. اگر مرد در آیینی عقل به حقایق چشم می‌دوزد ولی زن در آینه‌ی ذات خویش به حقیقت

می نگردد. ۱ از آن جا که در قرآن کریم و روایات، آن چه مایه ی کرامت و بزرگواری انسان می شود تقوا و پرهیزگاری است و به عبارت دیگر ملاک ارزشگذاری بر افراد میزان تقوای آنان است (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ) ۲ و از طرفی تقوا، عملی بوده و در اثر عمل صالح، رشد یافته و در وجود افراد نهادینه می شود و آنگونه که پیش از این گفتیم زنان در عقل عملی نه تنها ضعیف تر از مردان نیستند بلکه مساوی و در برخی امور برتر از مردان هستند از این رو ضعف در عقل تجریدی و نظری هیچ گونه آسیبی در صعود به قله ی کمال از ناحیه زنان وارد نمی کند. در قرآن کریم آمده است که: «و زنهار آن چه را خداوند (به سبب آن) بعضی از شما را بر بعضی (دیگر) برتری داده آرزو نکنید. برای مردان از آن چه به اختیار کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان نیز از آن چه کسب کرده اند بهره ای است.» ۳ برتری مرد در عقل تجریدی فضلی است از سوی خداوند متعال به مردان همان گونه که برتری زنان در عقل عملی و عواطف از الطاف الهی نسبت به زنان است و هیچ یک نباید آرزوی داشتن فضلی چونان دیگری را داشته و از نعمت خویش غافل شود. خداوند به هر انسانی وسیله رسیدن به کمال و ارتقاء معنوی را متناسب با ساختار طبیعی و روانی او اعطاء فرموده و این لازمه خلقت حکیمانه است که با افزایش درک و بینش متعالی می توان به این حقیقت بلند و حکمت آمیز پی برد. ----- ۱. ر. ک: مقاله ی استاد جعفری و شخصیت اسلامی زن، آسیه فیروزه چی، کتاب نقد، ص ۲۵۷. ۲. همانا گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. ۳. سوره ی نساء، آیه ی ۳۲.

### تفاوت زن و مرد در تصمیم گیری

آنگونه که بیان شد زنان و مردان در نوع هشیاری متفاوت هستند. مردان، هشیاری با دید متمرکز دارند و زنان هشیاری با حواس و دید باز. همین مسئله در نوع قضاوت مرد و زن تأثیر می گذارد. مردان در صدور رأی تمام جوانب مخفی را می بینند اما خانم ها به اشد مجازات فکر می کنند زیرا همان گونه که در ابراز محبت سریع هستند در اعمال خشم هم شدید هستند. زنان از هر ۱۰۰ محرکه، ۹۰ محرکه را درک می کنند و ذهن آن ها معمولاً شلوغ تر از مردان است از این رو در تصمیم گیری ها با هم متفاوت هستند. ۱ این متمرکز بودن مردان و گسترده نگری زنان در تصمیم گیری های آن ها نقش بسیار مؤثری را ایفاء می کند. زنان برای حل مشکل چندین راه حل را پیدا می کنند لذا قدرت تمرکز در یک راهکار و تصمیم گیری را ندارند. برای مثال در صورتی که زنان قصد خرید هدیه داشته باشند به علت دید باز و گسترده آنقدر موارد متنوع را مورد توجه قرار می دهند که در تصمیم گیری دچار مشکل شده و گاه باید بارها و بارها به مغازه ای رجوع کنند تا هدیه مورد نظر را انتخاب نمایند. زنان به علت حس تناسب و دمسازی درباره ی شیء مورد نظرشان همه ی جوانب را در نظر گرفته و به تناسب همه جانبه می اندیشند و شاید این یکی از مهمترین دلایل عدم قدرت در تصمیم گیری سریع از سوی آن ها باشد. نکته ی مهم و قابل توجه دیگر این که زنان همیشه خواهان برقراری ارتباط ----- ۱. روان شناسی زن و مرد، ص ۱۰۱. هستند از این رو تمایل به شرکت دادن دیگران در تصمیم گیری های خود دارند و چون سلیقه های افراد گوناگون است. روند انتخاب و تصمیم گیری زنان نسبت به مردان که محور تصمیم گیری های آن ها خودشان و قدرت تعقل آن هاست. کندتر خواهد بود. روان شناسان می گویند: مردان در ابتداء خودشان تصمیم می گیرند و بعد آماده هستند که بر مبنای اطلاعات دیگران تصمیم خویش را تغییر دهند. بارها در زندگی نزدیکان و دوستان خود دیده ایم که مردان بدون در نظر گرفتن نظرهای دیگر افراد خانواده تصمیم به انجام کار می گیرند و آنگاه که در مقام مشورت بر می آیند در صورتی که با دلیل منطقی و عقلانی برای ترک و یا انجام آن کار برخورد کردند تصمیم خود را عوض می کنند. در اینجا نتیجه ی عمل مورد نظر ما نیست بلکه نوع تصمیم گیری و راهها و شیوه هایی که زن و مرد از آن ها استفاده می کنند برای اتخاذ یک تصمیم مهم است. جان گری روان شناس مشهور می گوید: «مرد ابتدا هدف را پیدا می کند بعد حرف می زند و زن حرف می زند و بعد هدف را پیدا می کند.» ۱ در واقع می توان گفت زنان با ایجاد هماهنگی و توازن بین

نظریات دیگران و در نظر گرفتن کلیه سلیقه ها و خواسته های افراد خانواده تصمیم می گیرند و سعی می کنند در تصمیم گیری های خود نظر همه تا حدی تأمین شود و در این صورت با مقاومت روانی هیچ یک از افراد مواجه نشوند. گفتنی است که هوشیاری و درایت مرکزی موجود در مردان باعث مصمم بودن و کارآمدتر بودن آن ها می شود اما این صفت نوعی فراموشی نسبت به نیازهای دیگران ایجاد می کند و باعث می شود که نیازهای همسر و دیگر اعضای خانواده در لیست اولویت اهداف مردان قرار نگیرد و آزرده گی روحی- روانی در همسر و فرزندان او ایجاد شود. برخی از روان شناسان می نویسند: «آنگاه که مردان همه چیز را نادیده گیرند و اگر همسر و فرزندانشان ----- ۱. زنان، مردان روابط جان گیری، ص ۱۴۰. آزرده و ناراحت شدند واکنش آن ها به این صورت باشد که نباید آزرده شوند این بی توجهی ها و انکار کردن ها تأثیر درد آوری روی سایرین می گذارد و یکی از عوامل ویرانگر زن و شوهر خواهد بود. بسیار اتفاق می افتد که وقتی پروژه های مهمی توسط مردی به پایان می رسد روز بعد او مریض می شود زیرا نیازهای بدنش را نادیده گرفته و از نظر احساسی و عاطفی نیز به علت بی توجهی به نیازهای عاطفی خود دچار افسردگی می شود.» ۱ بنابراین آگاهی از تفاوت های زن و مرد در نوع تصمیم گیری ها چه در عرصه ی خانواده و چه در سطح کلان آن یعنی اجتماع باعث مرزبندی توقعات می شود و در سایه ی این آگاهی ها زنان و مردان سعی می کنند به یکدیگر فرصت داده و در نوع تصمیم گیری های یکدیگر اعمال سلیقه نکرده و شرایط را برای اتخاذ تصمیم صحیح و عقلانی فراهم سازند. در واقع زنان با توجه به حالات مردان آن ها را یاری می رسانند و مردان نیز با توجه به آگاهی هایی که از ویژگی زنانه در تصمیم گیری ها دارند زمینه را برای انتخابی آزادانه عاقلانه و صحیح فراهم می سازند و در این صورت به جای این که زن و مرد موجب سایش و فرسودگی روان یکدیگر شوند باعث روان آسایی و آرامش یکدیگر خواهند شد. حضرت علی (علیه السّلام) تفاوت های زن و مرد در تصمیم گیری را با بینشی هوشمندانه چنین بیان می کند: «وَأَيَّاكَ وَمَشَاوِرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَىٰ أَفْنٍ، وَعَزْمُهُنَّ إِلَىٰ وَهْنٍ.» «از مشورت با زنان پرهیز، که رأی آنان زود سُست می شود، و تصمیم آنان ناپایدار است.» ۲ ناپایداری و سستی در تصمیم گیری زنان از یکسو به علت تأثیر عواطف و احساسات بر آنان و از سوی دیگر همانگونه که بیان شد برخاسته از دیدگسترده و باز آن هاست «وهن در عزم» شاید اشاره به کندی در تصمیم گیری آن ها باشد که ----- ۱. همان، ص ۱۰۰. ۲. نهج البلاغه، نامه ی ۳۱/۱۱۶. از نظر روان شناسان نیز مورد تأیید است. سستی در تصمیم گیری ها در نهج البلاغه تنها به زنان نسبت داده نشده است بلکه می بینیم که به صورت عام آنگاه که حضرت امیر (علیه السّلام) به دسته بندی مردم می پردازد می فرماید: «وَزَارِ عَلِيَّ رَأْيَهُ وَرَاجِعِ عَنْ عَزْمِهِ ...» «و برخی از آن ها از تصمیمات خود بازگشته و...» ۱ که این سخن به نوع انسان اشاره دارد نه تنها یک جنس. نمونه ی دیگر این که حضرت علی (علیه السّلام) در پاسخ به نامه ی معاویه می نویسد: «وَإِنَّكَ وَاللَّهِ مَا عَلِمْتُ الْبَاغِلُ الْقَلْبِ، الْمُقَارِبُ الْعَقْلِ؛ وَالْأَوْلَىٰ أَنْ يُقَالَ لَكَ: إِنَّكَ رَقِيتَ سَيْلًا أَطْلَعَكَ مَطْلَعٌ سُوءٌ عَلَيْكَ لَا لَكَ ۲» «به خدا سوگند من می دانم تو مردی بی خرد و پوشیده دل هستی و سزاوار است درباره تو گفته شود: به نردبانی بالا و فته ای که تو را به پرتگاه خطرناکی کشانده که به زیان تو است نه به سود تو.» بنابراین ناپایداری در تصمیمات، ضعف قوای عقلانی و سیاهی دل در کلام امام (علیه السّلام) به کسانی نسبت داده می شود که از استعداد های خود در راه رسیدن به کمال انسانی استفاده نکرده و در گورستان هوا و هوس و شهرت و شهوت مدفون شده اند. به گفته ی فرد ریک پرلز فردی که امکانات و استعدادهایی که به آن نیاز دارد و در درون وی وجود دارد در نیافته و به آن اتکاء نکند نورو تیک است یعنی دچار اختلال روانی شده است. به عقیده ی او افراد باید از قسمت های تکه تکه شده ی خود آگاه شوند و آن ها را قبول نموده و احیاء و متحد کنند و از طریق این اتحاد از وابستگی به خود کفایی رسیده و اعتماد به نفس یابند. ۳ بنابراین چه مرد و چه زن اگر از استعدادها و سرمایه های فکری و عملی استفاده نکنند ضعیف العقل بوده و شایستگی مشاوره را نخواهند داشت. ----- ۱. نهج البلاغه،

توانایی های شناختی را می توان در سه نوع کلامی، فضایی و ریاضیات مورد بررسی قرار داد. یافته های علمی نشان می دهد که زن و مرد در هر سه قسم دارای تفاوت های محسوسی هستند. به طور کلی آزمون های هوش و استعداد به دو صورت انجام می شود: آزمون های کلامی و غیر کلامی. آزمون های کلامی توانایی افراد را در زبان گفتاری و نوشتاری اندازه می گیرند. که در واقع بیش تر درک کلام مورد نظر است نه طرز بیان مثل حافظه عددی، کلمات متشابه متضاد و معانی لغات ولی در آزمون های غیر کلامی توانایی های افراد را در انجام دادن برخی از کارهای عملی اندازه می گیرند مانند تکمیل تصاویر، تنظیم تصاویر، سوار کردن ابزارها و الحاق قطعات و... روان شناسان بهترین آزمون کلامی و غیر کلامی را آزمون هوشی و کسلر ۱ می دانند و در نتیجه این آزمون می خوانیم که: «دختران و پسران از نظر آزمون کلامی تفاوت معنی دار ندارند ولی در آزمون های غیر کلامی تفاوت های چشمگیری نشان می دهند. در استعداد تجسم فضایی، تشخیص جهت و هدف گیری، پسرها بهتر از دختران هستند. از نظر استعداد کلامی دخترها زودتر از پسرها سخن گفتن را می آموزند و بیش تر از پسرهای هم سن خود لغت یاد می گیرند. بهتر می نویسند و بهتر کلمات را بیان می کنند و در گرامر و جمله سازی نیز مهارت دارند. رشد هوشی دختران بیش تر از طریق (زبان آموزی) شروع می شود در صورتی که رشد هوشی پسران از طریق (مهارت های عملی) صورت می گیرد و... پسرها در استعدادهای ریاضی به مراتب بهتر از دخترها هستند اما در کارهای دستی مخصوصا کارهایی که نیاز به چالاکی انگشتان دارد ————— ۱. wechsler دخترها بهترند.» اگرچه در این آزمایش تفاوت معناداری در توانایی های کلامی ذکر نشده است اما ذکر نکته ای ضروری است و آن این که بنابر نظر روان شناسان، دختران از ابتداء از بدو تکلم در قدرت گویایی جلوتر از پسران هستند ۲ و از سوی دیگر روان شناسان بر این باور هستند که: بحث از رشد ذهنی یا شناختی بدون اشاره به رشد و تکامل زبان حتماً ناقص خواهد بود، زیرا هیچ پدیده ای به اندازه زبان، کم و کیف رشد ذهنی را روشن نمی کند.» ۳ بنابراین می توان گفت که رشد ذهنی دختران با قدرت تکلم آنان در ارتباط است چنان که حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: «زبان پاره گوشتی است از پیکر انسان. هرگاه آمادگی در انسان نباشد زبان هم یارای نطق ندارد و به هنگام آمادگی، نطق مهلتش نمی دهد.» ۴ استعداد و آمادگی که حضرت به آن اشاره می فرماید همان رشد عقلی و ذهنی است که مقدمه ی تکلم است و یکی از دلایل تقدم سن بلوغ دختران بر پسران همین بلوغ عقلی آن هاست. برخی از نویسندگان برابرنگر وجود تفاوت های کلامی بین زن و مرد را ناچیز دانسته و با اعتراض به نظریه پردازان گذشته می نویسند: «اگر چه از گذشته القاء کرده اند که توانایی کلامی زنان بیش تر از مردان است اما باید خاطر نشان کرد که این تفاوت دو جنس بسیار جزئی و سطحی است و نمره اختلاف ( $D = -11$ ) است که فاصله ی چندانی با صفر ندارد (هایدولین ۱۹۸۸) با توجه به میزان  $D$ ، زنان ————— ۱. تفاوت های فردی، دکتر حمزه ی گنجی، ص ۲۰۶-۲۰۸. ۲. ر. ک روان شناسی رشد، حسن احدی و جمعی از نویسندگان. ۳. ر. ک مبانی روان شناختی تربیت، علی اکبر شعاری نژاد. ۴. نهج البلاغه، خ ۲۳۳. قدری بیش تر از مردان در این خصوص توانا تر هستند.» ۱ این دیدگاه برابر نگرانه با جزئی شمردن تفاوت ها از آن ها اغماض کرده و توانایی های ویژه ی زنان و مردان را نادیده گرفته و دنیا را به سوی مدینه فاضله ای !! رهنمون می کند که در آن زنان، مردانه بیاندیشند و عمل کنند و قوانین طبیعی و فطری را در زیرگام های سنگین پست مدرنیسم لگد کوب کنند. گفتنی است که حتی اگر تفاوت ناچیزی بین زن و مرد باشد نمی توان آن را نادیده گرفته و نقش اساسی آن در زندگی انسان را بی اهمیت شمرد. توانایی فضایی در سه نوع تجسم فضایی (پیدا کردن شیء پنهان شده در میان اشکال پیچیده) و درک فضایی (تشخیص خط افقی و یا عمودی حقیقی از میان اطلاعات گمراه کننده) و چرخش ذهنی (گرداندن شیء در ذهن تا رسیدن به جواب صحیح) مورد آزمون قرار می گیرد. در هر سه نوع توانایی فضایی، برتری مردان نسبت

به زنان مشهود و قابل بررسی است. اما در نوع سوم یعنی چرخش ذهنی، تفاوت زن و مرد و برتری مردان نسبت به زنان چشم گیرتر است. کاربرد این نوع توانایی فضایی در مهندسی است از این رو حضور زنان در رشته های مهندسی نسبت به مردان بسیار ناچیز است. بارها در دانشگاه های صنعتی در شهرهای مختلف ایران به دختران دانشجو برخورد کرده ایم که در رشته های گوناگون مهندسی مشغول به تحصیل بوده اند و از ترم دوم یا سوم عجز خویش را اظهار می کنند. بسیاری از آن ها به تشویق خانواده این رشته ها را انتخاب کرده و برخی برای مبارزه با سخنان قدیمی و به قول خودشان از مد افتاده و پاره ای دیگر ناخواسته به این رشته ها روی آورده اند، اما اکثراً در یک چیز مشترک هستند و آن اظهار ناتوانی در ادامه ی تحصیل و ابراز بی علاقه گی نسبت به رشته مورد تحصیل آن ها است. یکی دیگر از توانایی های شناختی مرد و زن توانایی درک و دریافت ریاضیات است که یافته های علمی نشان می دهد که توانایی حل مسئله در پسران بهتر از ----- ۱. روان شناسی زن، ژانت ها ید، ص ۱۵۳.

دختران است. بر اساس بررسی های مک کوبی و ژاکلین (۱۹۷۴) پسران و دختران تا پایان دوران کودکی از نظر توانایی های دریافت ریاضیات همانند یکدیگرند. از آغاز ۱۲ سالگی پسران در مقایسه با دختران نمره های بالاتری از درس ریاضی می گیرند اما تفاوت های معنی دار و پایدار آن ها در حدود ۱۵ سالگی آشکار می گردد. ۱ مطالعاتی که بر روی سه میلیون آزمودنی صورت گرفته است با توجه به دیدگاه های برابرنگرانه ی «هاید» و همراهانش در سال ۱۹۹۰ نتایجی را به همراه داشته است که برای آشنایی با تفاوت های زن و مرد در استعداد ریاضیات مفید به نظر می رسد. ژانت هاید می گوید: «در سال های اولیه ی دبستان کودکان دختر در مقایسه با پسران از توانمندی های مطلوبی در ریاضی برخوردار هستند و حتی از جنس مخالف پیشی می گیرند. البته در مقوله ی خاصی چون حل کردن مسایل کودکان پسر در مقطع راهنمایی و دبیرستان برتری خویش را به اثبات رسانده اند و مقدار « مساوی با ۹۹٪ و ۳۲٪ می شود.» ۲ خانم هاید با ابراز نگرانی از این برتری پسران نسبت به دختران در حل مسئله می گوید: «همین امر باید برای برابر نگران هشدار دهنده باشد زیرا توانایی حل مسئله اساسی بوده و انتخاب رشته بر اساس این توانایی صورت می گیرد.» نکته ی قابل توجه این است که برابر نگران هر کجا با تفاوت های ثابت مواجه می شوند آن ها را جزئی انگاشته و با شتاب از آن می گذرند و آنگاه که با تفاوت های جدی و قابل توجه روبرو می شوند مانند تفاوت در چرخش ذهنی، -----

۱. روان شناسی زن، دکتر شکوه نوابی نژاد، ص ۸۹. ۲. روان شناسی زنان، ژانت هاید، ص ۱۵۵. توانایی های ریاضی و تفاوت در رشته های ورزشی و... سعی در مقصر دانستن فرهنگ و جامعه داشته و با ورود به جاده های فرعی از اصل موضوع تفاوت ها می گریزند. اکنون آیا بهتر نیست به جای نادیده گرفتن تفاوت ها و مبارزه ی جدی و بی امان با آن ها به نقش های سازنده ی تفاوت ها بنگریم و نه تنها به دیده ی نقص و کاستی آن ها را نگریده و با بی مهری از تفاوت ها سخن نگویم بلکه به عنوان راهی به سوی کمال، تفاوت ها را بررسی کنیم؟. شرکت نکردن و یا حداقل حضور زنان در رشته های مهندسی مصیبت بزرگی نیست که امروزه مرثیه سرایان برابر نگر تنها برای این مصیبت مرثیه می سرایند! آن چه به عنوان فاجعه و درد روانی و اجتماعی مطرح است خروج جامعه انسانی از مسیرهای طبیعی و فطری آن هاست. مشکلات تربیتی- اخلاقی و نقصهای ارزشی و بی توجهی به نیازهای نهادینه شده در وجود زنان و مردان از مصائب و دردهای جامعه امروز است نه تفاوت های بین زن و مرد. در سال ۱۹۹۲ نتیجه ی تحقیقات «هالپون» این گونه اعلام می شود: «زنان در مقیاس های مربوط به سلامت کلامی در مقایسه با مردان برتری دارند به ویژه در آزمون هایی که آزمودنی نیاز به ایجاد کلمه یا جمله برای مقابله با شرایط معنایی یا شکل آزمون دارد یا در آزمونهایی که مستلزم تولید گفتاری سر و درست است.» ۱ دختران در تقلید آواها از پسران ماهرتر هستند و به طور معمول زودتر از پسران سخن گفتن را می آموزند و لکنت زبان در میان پسران بیش تر دیده می شود و تلفظ زنان درست تر از مردان است. ۲. از طرفی توانایی های شناختی زنان و مردان و تفاوت های موجود در سال ۱۹۹۳ توسط ماسترز و ساندرز مورد بررسی قرار می گیرد و نتیجه ی این تحقیقات ----- ۱. روان شناسی زنان، جمعی از نویسندگان، ص ۹۴. ۲. ر. ک کتاب نقد.

شماره ۱۷، ۳۷۹، ص ۲۳۳. این گونه بیان شده است که: «مردان در مقایسه با زنان در جنبه هایی از توانایی دیداری فضایی برتری دارند به ویژه در آزمون های مربوط به چرخش ذهنی- تصاویر سه بعدی.» از آن جا که توانایی های عقلی به مقدار زیادی با توانایی های شناختی مربوط می شود و چنان که بیان شد زنان و مردان در توانایی های شناختی تفاوت های اساسی و مهمی دارند برای تبیین بحث باید توانایی های شناختی را بیش از پیش مورد بررسی قرار دهیم. در میان نظریه پردازان علم تربیت، طبقه بندی «بلوم و همکارانش» از ارزش ویژه ای برخوردار است. بلوم اولین فردی است که اهداف تعلیم و تربیت و یادگیری را طبقه بندی کرده است و تاکنون کسی توان مقابله با نظرها و طبقه بندی مشهور او را نداشته است. به نظر بلوم اهداف تربیتی را به سه حیطه ی «شناختی»، «عاطفی» و «عملکردی» (روان- حرکتی) می توان تقسیم کرد. حیطه ی عاطفی و عملکردی در بحث تفاوت های روانی و دیگر بخش ها مورد بررسی قرار می گیرد اما در این قسمت به حیطه ی شناختی و سطوح مختلف آن و تفاوت های زنان و مردان در هر سطح می پردازیم. حیطه ی شناختی از نظر بلوم به ۶ طبقه تقسیم می شود که عبارتند از: الف) دانش که شامل یادآوری (بازخوانی- بازشناسی) امور جزئی و کلی است و این سطح مربوط به حافظه است. تحقیقات نشان می دهد که زنان از حافظه ی قدیمی قدرتمندی برخوردار هستند و حافظه ی آن ها دقیق و سریع است. خانم ها تمام جزئیات و ظرایف را درک می کنند و چنان که گفته شد از هر ۱۰۰ محرکه، ۹۰ محرکه را دریافت می کنند و به حافظه می سپارند در حالی که تعداد محرکه هایی که مردان دریافت می کنند کمتر است، از این رو دختران در دروس حفظ کردنی قوی تر و موفق تر از پسران هستند و پسران در دروس ریاضی قوی تر هستند. برخی می نویسند: «زنان در حافظه ی فوری از مردان برترند و در حافظه ی غیرفوری مردان بر زنان برتری دارند.» ۱ بر اساس برخی از گزارشها، دانشجویان دختر بهتر از پسران می توانند اسامی افرادی را که برای لحظه ای ملاقات کرده اند به خاطر آورند. ۲ و این نمایانگر وجود حافظه ی قوی در آنان است. ب) فهم یعنی درک مطالب به گونه ای که هدف اصلی مطب مورد نظر را بیابد و بفهمد. از عوامل مؤثر درک بهتر؛ دانش، گذراندن تحصیلات دانشگاهی، سن و سال و موقعیتهای طبیعی مناسب است. زنان در مقایسه با مردان از نظر فهم سرعت کمتری دارند و شاید علت این که نورات برتر کنکور بیش تر آقایان هستند همین سرعت آنان در فهم است. در تحقیقاتی که نیاز به فهم ژرف و عمیق دارد، خانم ها قوی تر هستند. دلیل دیگر بر فهم بهتر زنان، جزئی گرایي آن هاست. مردان در تمام لحظات زندگی کلی گرایي می کنند ولی زنان جزئیات را می بینند ۳ و کسانی که جزئیات را بیش تر می بینند فهم بهتر و دقیق تری دارند اما با سرعت کمتری به نقطه ی مطلوب فهم می رسند. ج) کاربستن که نسبت به فهم سطحی پیحیده تر است و فرد باید در این قسمت مفاهیم انتزاعی را در زمینه های عینی به کار برد. از آن جا که زنان تفکر انتزاعی گسترده تری نسبت به مردان دارند و اجرای این تفکر بسیار ریز و جزئی است و مردان کلیات هر موضوعی را درک می کنند؛ مردان به وقت کمتری برای پردازش نیاز دارند. پس سرعت تصمیم گیری آن ها سریع تر است. ۴ به هر حال مردان به جهت سرعت در پردازش اطلاعات و درک کلی مطلب از سرعت بیش تری در کاربرد (کاربستن) برخوردار هستند ولی سرعت زنان در این زمینه کمتر و دقتشان ----- ۱. ر. ک کتاب نقد، مقاله ی تفاوت های بیولوژیک زن و مرد، ص ۲۳۰. ۲. زنان از دید مردان، ص ۹۰. ۳. این جزئی گرایي با گسترده نگری که از ویژگی های زنان است هیچ گونه تعارضی ندارد. ۴. روان شناسی زن و مرد، ص ۷۸. بیش تر است. د) تحلیل یا تجزیه که در این مرحله فرد، یک مطلب را شکسته و به اجزاء کوچک یا عناصر تشکیل دهنده ی آن تقسیم می کند. این مرحله نیاز به تمرکز زیاد دارد زیرا هر جزئی باید به نحو منطقی باکل در ارتباط باشد. در مرحله تجزیه و تحلیلی در نگاه اول به نظر می رسد مردان که از دید متمرکز برخوردار هستند قوی تر از زنان باشند زیرا زنان جزئی نگر هستند اما در فرآیند تحلیل کارشناسان بر این باورند که مطالعه جزئیات، بدون در نظر گرفتن رابطه آن ها با هم و باکل، موجب پریشانی فکر خواهد شد در حالی که مطالعه از کل به جزء قدرت تجزیه تحلیل را افزایش می دهد. ۱ با توجه به مطلب فوق شاید بتوان گفت زنان در این مورد از مردان قوی تر هستند. زیرا زنان هوشیاری با حواس باز دارند و مردان



هوشیاری با حواس متمرکز و از این رو کمتر قادر به ایجاد تناسب اجزاء یک کل هستند. ما این بحث را در بخش جلوه های ویژه ی زنان (حسن تناسب و دمسازی) به طور مبسوط بیان می کنیم. (ه) ترکیب یعنی عناصر و اجزاء یک کل یکپارچه را کنار هم گذاشتن و طرح جدیدی را تولید کردن. ترکیب همان فعالیت ذهنی است که به آفرینندگی یا خلاقیت معروف است. قدرت خلاقه زنان به طور قابل ملاحظه ای ضعیف تر و محدودتر از مردان است. ۲. گرچه محیط، آموزش و شیوه ی زندگی و فرهنگ حاکم بر جامعه در بروز خلاقیت نقش دارند اما خلاقیت مردان بیش از زنان است ۳ و در این زمینه مردان استعداد ذاتی دارند. حتی در خلاقیت های ادبی نیز مردان درخشان تر از زنان هستند و شاید بتوان گفت تنها در خلاقیت کلامی، دختران برتر از پسران هستند زیرا دختران از نظر تکلم از پسران جلوتر هستند ۴ و واژه های جدید اختراع می کنند. ----- ۱. مهارت های آموزشی و پرورشی، حسن شعبانی، ص ۲۲. ۲. روان شناسی اختلافی زن و مرد، ص ۹۲. ۳. زنان از دید مردان، ص ۹۴-۹۷. ۴. ک مراحل رشد و تحول انسان، محمدرضا شرفی. (و) ارزشیابی که مرحله ی داوری، نتیجه گیری و قضاوت است. از آن جا که زنان تفکر انتزاعی و جزئی گرا دارند در مرحله ارزشیابی موفقیت کمتری نسبت به مردان دارند. آن ها برای استنتاج نیاز به سرعت انتقال اطلاعات دارند و چون در این زمینه دچار نقص و مشکل هستند در نتیجه گیری نیز با مشکل مواجه خواهند شد. زنان به گونه ای در جزئیات زندگی فرو می روند و به آن ها بها می دهند که کمتر به مرحله تفکر فیلسوفانه می رسند از این رو زن فیلسوف در دنیا کمتر پیدا می شود. یکی از زنان ایرانی که تفکر فیلسوفی قوی داشته و البته آن را با عرفان عجین کرده و در پانزده جلد تفسیر ارزشمند خود را ارائه نموده بانو مجتهده امین (ره) است. شهید مطهری در جریان ملاقات خود با این بانوی بزرگوار، سؤال مشکل فلسفی را مطرح می کند و هنگامی که پاسخ عقلانی و فلسفی بانو را می شنود شگفت زده شده و مدتی بعد در جمع شاگردان خود می فرماید: «از بانو مجتهده امین سؤال کردم. وقتی او شروع به پاسخگویی کرد دیدم که من باید دست و پای خود را جمع کنم.» شهید مطهری می گوید که پیش از دیدار بانو فکر نمی کردم یک زن بتواند مباحث پیچیده و عمیق فلسفی را دریابد و این اصطلاحات و عناوین فلسفی را بدون رسیدن به ژرفای آن مسایل حفظ کرده باشد و چون این هم معرفت و فضیلت در یک بانو را بسیار بعید می دانستم برای تحقیق موضوع عازم اصفهان شدم و به ملاقات ایشان رفتم. این بانوی فرهیخته در کتاب های دیگر خود نیز تفکر علمی- فلسفی و کلی گرای خود را نمایان کرده است اگرچه از جزئیات زندگی نیز غافل نبوده و در دیگر جلوه های زندگی خود رشد قاب توجهی داشته است. ۱ اکنون که با طبقه بندی اهداف تربیت در حیطه شناختی از نظر بلوم و ----- ۱. نگرش فلسفی عمیق بانوی ایرانی را در کتاب های سیر و سلوک، اخلاق و راه سعادت، تفسیر مخزن العرفان و اربعین الهاشمیه (که به زبان عربی نگاشته شده است) و نیز سیره ی عملی ایشان در شاگردپروری می توان مشاهده کرد. ر. ک بانوی ایرانی (زندگینامه ی بانو مجتهده امین)، ناهید طیبی. همکارانش آشنا شدیم و تفاوت های زنان و مردان را در بستر و سطوح گوناگون این طبقه بندی مورد بررسی قرار دادیم، نمودار شناختی بلوم و نیز نمودار تفاوت های زن و مرد که منطبق با سطوح ششگانه بلوم در حیطه شناختی است را از نظر می گذرانیم تا در تفهیم مطلب یاریگر ما باشد. تصویر ۴- طبقات اصلی در حیطه ی شناختی از نظر «بلوم» ارزشیابی: تصمیم گیری، قضاوت یا انتخاب مبتنی بر معیارها و منطق عقلی. ترکیب: ترکیب اجزاء برای تشکیل چیزی نو. تجزیه و تحلیل: تجزیه ی کل به اجزای ترکیبی برای شناخت عناصر تشکیل دهنده ی آن. کاربرد: به کارگیری اطلاعات در موقعیتی متفاوت از آنچه عیناً آموخته و فهمیده شده است. درک و فهم: تفسیرها، ترجمه ها، خلاصه های اطلاعات معین. دانش: بازشناسی و یادآوری آموخته ها. تصویری ۵- نمودار تفاوت های زنان و مردان منطبق بر طبقه بندی شناختی بلوم. بنابراین تفاوت های زن و مرد در توانایی های شناختی با توجه به مطالب فوق در سایه پیشرفت علوم بیش از پیش آشکارا می گردد و انکار آن ها به معنای انکار واقعیت های پذیرفته شده است. روان شناسان می گویند: «هر کدام از زن و مرد فقط آن چه را که با منافع خودشان مربوط شود ضبط کرده و در محفظه ی خاطر محفوظ دارند و... همانطور که زن استعداد و قریحه ی خاصی برای مشاهدات دارد تداعی معانی و حافظه نیز نزد او

### تفاوت در نگرشها

مردان ابتدا بر یک مسئله متمرکز می شوند و بعد دامنه دید خود را وسعت می بخشند ولی زنان هنگام ورود به یک نمایشگاه و یا اتاق و یا مؤسسه ی خاصی در ابتدا تصویر کلی از همه اشیاء موجود در آن را در ذهن نگاه می دارند و سپس منطقه ای که بیش از همه نظر آن ها را جلب کند انتخاب کرده و به طرف آن می روند. برای مثال وقتی یک مرد به نمایشگاه می رود از ابتدای ورود به یک نقطه توجه کرده و به سوی آن می رود ( بدون توجه به اشیاء دیگر که در آن جا موجود است) و سپس به سراغ سوژه ی دیگری می رود و در پایان یک تصویر کلی از موارد دیده شده در ذهن خویش می سازد. بنابراین در یک جمله سیر توجه به مورد خاص در مردان این گونه است که از اهداف جزئی آغاز شده و در پایان با چیدن موارد دیده شده در کنار هم یک تصویر کلی از آن ها در نظر می گیرند ولی زنان در ابتدا تصویر کلی از سوژه و مسایل اطراف آن را پیدا کرده و سپس به سوژه ی مورد نظر جذب می شوند. هر دو به یک مقصد خواهند رسید ولی راه ها متفاوت است مانند این که برای تعریف «مربع» از زوایا و اضلاع آن کمک گرفته و آن را تعریف کنیم و یا بگوییم مربع شکلی است که دارای این زوایا و اضلاع است. در نهایت مربع تعریف می شود اما از دو راه تحلیل و ترکیب. ----- ۱. روان شناسی زن، جینالمبروزو، ج ۲، ص ۲۹ و ۳۰. «جان گری» می گوید: «در یک نمایشگاه مردان خیلی دقیق و با هدف از غرفه ای به غرفه ی دیگر می روند در حالی که یک زن با یک برق نگاه مثل این که همه چیز را دریافته است.»<sup>۱</sup> مرد می خواهد متمرکز شود از این رو قطع حرف او و یا سخن گفتن با او هنگامی که مشغول رانندگی و یا مکالمه تلفنی است تمرکز او را از بین می برد و عصبانی شده و اعتراض می کند. در این حالت اگر زن با ویژگی های مردان آشنا باشد و تفاوت ها را شناخته و بپذیرد و به آن ها احترام گذارد از بروز فاجعه هایی که ممکن است رخ دهد پیشگیری می کند. ----- ۱. زنان، مردان، روابط، ص ۱۱۱.

### تفاوت در شیوه های مدیریتی

شیوه ی کار زن و مرد با هم متفاوت است. اگرچه ممکن است هر دو به یک هدف در یک زمان مشترک برسند ولی راه کارها و نحوه ی کار کاملاً متفاوت است. خانم لمبروزو می گوید: «زن در امور نظری روشهای عملی را به کار می برد در صورتی که مرد بالعکس در عمل قواعد علمی را طرف استفاده قرار می دهد. از آن جا که زن دارای انفعالات عمیق و عالم مشاهدات دقیق و تداعی معانی سریع است قهراً متمایل به این می شود که آن چه را در این صفات مشتق می گردد به کار اندازد و اجباراً از امور غیر انتزاعی به مسایل متوجه شده از عمل به علم برسد. و از جزئیات به کلیات و قواعد کشانیده شود.»<sup>۲</sup> با توجه به نوع عملکرد زنان در امور می توان به این واقعیت پی برد که آن ها برای رسیدن به مقصد حتی در مواردی که عقل نظری راه رسیدن را مشخص کند، از عقل عملی و آگاهی و بینش درونی خویش استمداد می جویند و به نتیجه می رسند. برای مثال در بسیاری از امور بین مجهولات عقلی بیرون و ۲. روان شناسی زن، لمبروزو، ص ۳۳. معلومات عاطفی درون خود ارتباط برقرار کرده و به حل مشکلات می پردازند. الهام های درونی آن ها روشنگر راه آنان است و یاریگر آن ها برای رسیدن به مطلوب. عباراتی مثل «دلم گواهی بد می دهد»، «به دلم افتاده است»، «یک احساس درونی مرا منع یا تشویق می کند به انجام دادن یا ندادن فلان کار» معمولاً از طریق زنان بیان می شود. این احساس درونی و بینش کلی از عوامل موفقیت زنان در کارها بوده است و ما در آینده به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت. در مورد شیوه ی مدیریتی زنان و مردان پژوهشی صورت گرفته است که نتایج جالبی را به همراه داشت. اسکیلسون (۱۹۷۶) در پژوهشی متوجه شد که از نظر درصد زمانی که مدیران زن و مرد صرف می کنند و یا سرعت حل مسایل گروه تفاوت قابل

ملاحظه ای میان آن ها نیست ولی در راهبرد و شیوه ی مدیریت آن ها تفاوت هایی دیده می شود. مدیران مرد وقت بیش تری صرف رفتارهای مدیر مآبانه مانند پند و اندرز دادن می کنند و مدیران زن، وقت بیش تری را صرف بالابردن روحیه ی همدلی میان اعضای گروه و تشویق آنان می کنند. ۱ ایجاد روحیه ی همدلی و اتحاد در بین اعضاء یک مؤسسه به یقین نوعی هم اندیشی و همگرایی برای آن ها ایجاد می کند که باعث سرعت بخشیدن به فعالیتهای آن ها می شود و زنان با استفاده از احساس طبیعی و فطری خویش مؤسسه و مجتمعی را که مدیریت آن را به عهده دارند به همان جایی می رسانند که مدیران مرد با قوه ی تعقل و اندیشه و تدابیر مردانه. پیام قابل توجهی که از نوع مدیریت زن و مرد می توان گرفت این است که زنان با همان ویژگی های زنانه می توانند راهی را طی کنند که مردان با ویژگی های خاص مردانه طی می کنند و اگر ما خواستار ایجاد ویژگی های مردانه در زنان شویم تا به این وسیله راه را مانند مردان طی کنند هرگز به نتیجه نخواهیم رسید زیرا در این صورت مردان با ویژگی های ذاتی خویش حرکت می کنند و زنان با کپی گرفتن از مردان و ویژگی های ساختگی و غیر طبیعی که غالباً از نظر کاربرد از «اصل» ضعیف تر است حرکت می کنند و نتیجه جز عقب ماندن آن ها از مردان نخواهد بود. بنابراین توجه به تفاوت های روحی، روانی زنان و مردان به ما کمک خواهد کرد که در تقسیم کارها بین زن و مرد با دید وسیعتری بنگریم و از هر یک در زمینه ای که مطابق با طبیعت و فطرت آن هاست انتظار داشته باشیم و این تحدید انتظارات موجب تنش زدایی در محیط خانه و جامعه خواهد شد و در سایه این آرامش است که سلامت روانی فردی و اجتماعی تضمین می گردد. ----- ۱. روان شناسی زن، دکتر شکوه نوابی نژاد، ص ۱۰۵.

## تفاوت در دین باوری

### تفاوت در گروهش به دین

بسیاری از روان شناسان به این نکته تأکید دارند که زنان مذهبی تر از مردان هستند آن ها بیش از مردان در مجالس مذهبی و دینی شرکت کرده و از عهده ی فعالیت های دینی به خوبی بر می آیند. وجود احساسات سرشار در شاکله ی طبیعی زنان موجب گرایش خاص آنان نسبت به دین و عرفان و امور ماوراء الطبیعه می شود. «آپورت» می گوید: «علاق دینی و زیبایی طلبی اجتماعی در زنان بیش تر است حال آن که مردان تمایل به امور سیاسی و تئوریک دارند. زنان بیش از مردان به مسایل اخلاقی و مذهبی توجه دارند و نسبت به آداب و رسوم اجتماعی تلقین پذیر هستند ولی مردان بیش تر اهل سیاست هستند.» ۱ حضور گسترده ی زنان مسلمان در مجالس عزاداری اهل بیت (علیهم السّلام) و نیز برپایی ----- ۱. تئوری تکامل روان شناسی، دکتر محمود بهزاد، ص ۱۳۲. جشن ها و اعیاد مذهبی توسط آنان، گریه برای مصائب اهل بیت و ابراز عشق و ارادت به آن هایی که دوستشان دارند از نمونه های بارز این ویژگی زنانه است. زنان از عواطف بیش تری نسبت به مردان برخوردار هستند. صحنه های احساسی و عاطفی زودتر از مردان بر آن ها تأثیر می گذارد. آن ها با نگاهی مادرانه به مسایل می نگرند از این رو سوز و عشق و محبت بیش تری نسبت به وقایع و جریان ها نشان می دهند. از آن جا که نمایش عاطفه در زن قوی تر از مردان است ۱ و پذیرش دین به عنوان یک نیاز عاطفی نیز مطرح می شود، ظهور و بروز حالات عاطفی در آن ها بیش تر دیده می شود و گرایش های آنان به مذهب و امور اخلاقی شفاف تر به نظر می رسد. به هر حال هر کجا بحث از عرفان و معنویت است اشاره به جایگاه زنان شده و نقش سازنده و مؤثر آن ها مورد بررسی قرار گرفته است. پاسکال می گوید: «به وجود خدا، دل گواهی می دهد نه عقل، دل دلایلی دارد که عقل به کلی از آن بی خبر است.» ۲ و راه دل برای زنان بیش از مردان گشوده است زیرا آنان برای درک واقعیت ها از بینش درونی، چشم دل، استفاده کرده و به علت غلبه ی عواطف و احساسات مادرانه در این عرصه حضور قوی تری

دارند. پاره ای از روان شناسان ۳ طرح های قابل توجهی برای درمان معنوی، روانی ارائه داده اند تا به این وسیله با احسان، مذهبی زنان، آنان را از مشکلات ویژه ی دوره ی میان سالی نجات دهند. خانم جو آن بوریس آنکو که طراح مدیتیشن (خودنگری) است در این باره می گوید: «در مملکت آمریکا این نهضت (نهضت درمانی روانی- معنوی) شدیداً مورد توجه واقع شده است به ویژه در دو گروه: آنان که در رأس ----- ۱. روان شناسی زن و مرد، ص ۱۰۹ ۲. تاریخ روان شناسی، فرناندمولر، ج ۱، ص ۲۳۶. ۳. ر.ک «دین و روان» ویلیام جیمز، ترجمه ی مهدی قائمی. دوره بلوغ واقع شده اند و زنان میانسال استقبال خوبی دیده شد. اصول اولیه ی درمان معنوی- روانی بر محور ارتباطات است خصوصاً پدیده خود انطباقی با دیگران و جهان هستی.» ۱ در واقع این روان شناس با ایجاد رابطه بین افراد و درونشان آن ها را به شناخت درونی خود نزدیک تر می کند. او تمرین های ۶ مرحله ای را برای رسیدن به مقصود خویش مطرح کرده و معتقد است که: «از آن جاکه زن ها به طور طبیعی از موهبت هم احساسی و بینش درونی برخوردار هستند جریانات درمانی باعث رشد گسترده تر این خصوصیات می شود.» به نظر می رسد این متخصص روان درمانگر برای رسیدن به هدف خود یعنی درمان بیماری های روانی از طریق معنویات و پیوند به پاکی ها، بیماران خود را با این تمرینات به فطرت اولیة ی آن ها باز می گرداند تا در سایه ی بازگشت به فطرت پاک الهی، عظمت خداوند را درک کنند و آرامش یابند. در متون دین مبین اسلام بدون تمرین های مربوط به دوره ی خاص مثل بلوغ یا میان سالی راه رسیدن به آرامش بیان شده است آن جا که در قرآن کریم می خوانیم: *أَلَا- بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ* «دل ها با یاد خدا آرام می گیرد.» و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در این مورد می فرماید: *لَا يُؤْنِسُكَ إِلَّا الْحَقُّ* ۲ «آرامش خود را تنها در حق جستجو کن.» این تمرین برای همه انسان ها در هر سن و شرایط فرهنگی اجتماعی که باشند بیان شده است. تفاوت عمده ی روان درمانی در دین اسلام و نگره های غیر دینی و غیر مسلمان همین است که اسلام پیش از آن که افراد دچار بیماری های روانی ----- ۱. جلوه های زندگی یک زن، ص ۱۸۱ ۲. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۳۰/۳. شوند با نسخه های آرامش بخش خود همچون یاد خدا و نگاه مجموعه ای به دین و عمل کردن به تمام دستورهای دینی و توجه به نعمتهای او مانع از ایجاد بیماری های روانی می شود و به عبارتی پیشگیری از بیماری را در نظر دارد. اما در مؤسسات روان درمانی غرب، افرادی که بیماری روانی دارند مورد معالجه قرار می گیرند. ضرورت بازنگری به خود و رسیدن به واقعیتی آرامش دهنده یعنی وجود خدا و شناخت او نیز در کلام حضرت علی (علیه السلام) به وفور دیده می شود آن جا که حضرت می فرماید: *مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ* ۱ آن که خود را شناخت (بادرون نگری) خدای خود را خواهد شناخت. حضرت در این سخن آسمانی اشاره به این نکته اساسی دارد که خود نگری موجب خدانگری خواهد شد. اگر انسان ها به درون خود بنگرند و عظمت خلق الهی را دریابند به یقین آرامش روانی یافته و به دریا متصل خواهند شد. آن چه به انسان ها آرامش و قرار می بخشد درک آفریدگار و ربط با اوست. در سایه ی «ربط الی الله» تحمّل مصائب و ناگواری ها آسان بوده و تلخی های زندگانی به کام افراد، نمودی شیرین خواهد داشت. ذکر درمانی از مهمترین عوامل ایجاد آرامش روحی- روانی است. از این رو پیشوایان دینی ما تأکید فراوانی بر تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها) دارند که از سه ذکر تشکیل شده است: الله اکبر که اعتراف است به عظمت و بزرگی خدا و الحمد لله که شکرگزاری از نعمتهای الهی است و سبحان الله که ستایش خدا و منزّه دانستن او از هر چه نقص است. از طرفی تسبیحات اربعه در کلام معصومان ارزش فراوانی داشته و مداومت بر آن به دین باوران توصیه شده است. بیل. های. بیلز روشی برای دستیابی به «خود راستین» پیشنهاد می کند که توجه به آن بسیار مفید است او روش «نیایش صبحگاهی» را ارایه می دهد. و سالهاست که به نگارش دعا و نیایش صبحگاهی خود عادت کرده است. ----- ۱. بحارا لانوار، ج ۲، ص ۳۲. دعای بیلز دارای سه بخش است: ستایش، اعتراف، و شکرگزاری. ۱ با دقت به نیایش صبحگاهی «بیلز» می بینیم روش ابداعی او که برگرفته از درون صادق وی است دقیقاً همان همان روشی است که پیش از او در ادیان گوناگون به ویژه دین اسلام ذکر شده است و ما برای نمونه به تسبیحات حضرت

زهرا (علیه السلام) اشاره کردیم. معنویت و دعا در زندگی انسان نقش مهمی دارد و ما پیش از این گفتیم که زنان از نظر گرایش به مذهب و مسایل معنوی قوی تر از مردان هستند. زیرا عواطف و احساسات آن ها بیش از مردان است. در واقع زنان مسایل روحی و معنوی را با روان خود سازگارتر می بینند و بر اساس تحقیقات، مردان بیش تر از زنان به امور مادی و اقتصادی و مسایل دنیوی گرایش دارند. ۲. مفسّر و حکیم معاصر آیت الله جوادی آملی می نویسد: «زن ها در بخش دل و قلب و گرایش و جذبه موفق تر از مردان هستند لذا مناجات در زن ها بیش از مردان و یا لا اقل همتای آن ها اثر می کند... این که زن زودتر گریه می کند به خاطر آن است که دستگاه پذیرش او عاطفی تر است. مهمترین راه، راه ذکر است که انعطاف پذیری مقدمه آن است.» ۳. دل و ذکر و نیایش راه میانبری برای رسیدن به کمال است که زنان آن را به خوبی طی می کنند. خانم ماربل مورگان در کتاب زن کامل می نویسد: «من همیشه و هر روز صبح قبل از طلوع خورشید بیدار می شوم و کتاب مذهبی خود را می خوانم همان مقدار کمی که در آن زمان می خوانم به من کمک می کند که در تمام مدت روز سر حال باشم و تمام -----

۱. سیری به سوی کمال فردی، کینت بلانکار، ترجمه ی محمّد رضا آل یاسین، ص ۱۱۴ و ۱۱۵. ۲. ر. ک کتاب نقد (فمنیزم)، ص ۲۳۵. ۳. زن در آینه ی جلال و جمال، ص ۱۹۳. کارهایم را به درستی انجام دهم.» ۱ او می گوید که روزی مشغول خواندن کتاب مقدس بوده و غرق در آن شده بود ناگهان متوجه حضور دخترش در نزدیکی خود می شود. دختر از مادر می پرسد: - مادر چه می خوانی؟ و او قسمتی از کتاب را برایش می خواند. دختر کاملاً آن را درک می کند. وقتی خانم مورگان برای درست کردن صبحانه به آشپزخانه می رود دختر با لطافت خاصی می گوید: - مامان عزیزم؛ مادر شیرینم! من دوست دارم. خانم مورگان می گوید: «آن لحظات روحانی که من و دخترم در کنار یکدیگر داشتیم روح او لبریز از عشق و محبت شده بود.» ۲ به راستی که دعا و نیایش و معنویات در ایجاد محبت و عشق بین افراد خانواده چونان اکسیری است که به زندگی ارزشی افزون تر می دهد و هرگز نباید این تأثیر را فراموش کرد. حضرت علی (علیه السلام) درباره ی معنویات و ارتباط با خداوند متعال می فرماید: مَنْ ارْتَفَعَ الْحِجَابَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ تَجَلَّى صُورَةُ الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ فِي قَلْبِهِ. ۳ «اگر حجاب های موجود بین شخص و خدای او برداشته شود صورت ملک و ملکوت بر قلبش تجلی می کند.» به واقع برای رسیدن به حقیقتی بزرگ و نورانی باید پرده های نفس پرستی و خواسته های نفسانی را درید تا به آن حقیقت دست یافته و در آن بالنده شویم. «رو پاک شو پس جمال پری طلعتان طلب» -----

۱. زن کامل، ماربل مورگان، پریسا علی نیا، ص ۱۶۸. ۲. زن کامل، ماربل مورگان، ص ۱۶۸. ۳. محجّه البيضاء، فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۷. حضرت علی (علیه السلام) در روایت فوق می فرماید باکنار زدن پرده ها و موانع موجود بین عبد و معبود تجلیات قلبی افراد زیاد می شود به گونه ای که باطن هستی را آنگونه که به ظاهر می نگرند تماشا می کنند. بنابراین درون نگری و یافتن باورهای آسمانی و نورانی شدن زمینه ی ارتباط با خداوند متعال است. و زنان به علت این درون نگری و ارتباط با خداوند در گرایش به دین سرعتی بیش تر دارند و با نگاهی به گرایش های زنان به دین اسلام و یاری دادن به اهل بیت در تاریخ می توان مطلب فوق را تحلیل کرد. حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ی ۸۰ نهج البلاغه می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ النَّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُطُوطِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ، فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَمَقْعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضَتِهِنَّ وَ...» ای مردم! همانا زنان در مقایسه با مردان، در ایمان، و بهره وری از اموال، و عقل متفاوتند، اما تفاوت ایمان بانوان، برکنار بودن از نماز و روزه در ایام عادت حیض آنان است، آنگونه که در سخنان حضرت امیر (علیه السلام) آمده است علت نقصان ایمان زنان دوران قاعدگی و ترک نماز و روزه توسط آنان است. و این به معنای نقصان ساختار اعتقادی زنان نیست، بلکه به جهت شرایط خاص جسمی و روانی زن در دوران قاعدگی پاره ای از تکالیف و وظایف از عهده ی او ساقط شده و این ترک وظایف، دستور شارع مقدس است که با اندک تأمل می توانیم به حکمت آن پی ببریم. این سقوط وظیفه نه تنها ضعفی برای زنان محسوب نمی گردد بلکه از آن جهت که ترک عبادت به امر شارع نیز اطاعت است و روح عبادات به واقع همان اطاعت از خداوند است خود نوعی

عبادت محسوب می گردد. برخی در این مورد می نویسند: «ایمان دارای قوت و ضعف است و متحد با جوهر نفس و غیر قابل ----- ۱. نهج البلاغه، خ ۸۰. تقسیم. اما اعمال صالحه از قبیل نماز و روزه و به طور کلی تمام عبادات از شرایط ایمان و از آثار خارجی آن محسوب می شوند و ایمان به هیچ وجه قابل اجزاء نیست و با توجه به این که در عبادات کمیت مطرح نبوده و کیفیت و چگونگی حالت درونی مؤمن مطرح است و در شرط قبولی آن ها مؤثر خواهد بود و حتی اگر کمیت هم مطرح باشد زنان ۹ سالگی به تکلیف رسیده و مردان ۱۵ سالگی بنابراین دختران شش سال زودتر از پسران مشغول به نماز می شوند.» ۱ نکته ی دیگر این که ممکن است ترک نماز و روزه در این دوره از نظر اعتقادی و معنوی در روح و روان زنان خلل وارد کند اما برای جبران این نقصان و کمبود در تعالیم و احکام الهی زنان را به برقراری رابطه با خداوند از طریق ذکر و خواندن دعا و تلاوت قرآن سفارش کرده اند. افزون بر این، گرفتن قضای روزه ها بعد از ماه مبارک رمضان خود وسیله ای برای ارتقاء سطح معنوی زنان در همه زمان ها خواهد بود. بنابراین زنان به طور کلی دارای نقص ایمان نبوده و اشاره ی حضرت به این که «تفاوت (نقص) ایمانشان به خاطر ترک نماز و روزه در ایام حیض است» این سخن را تأیید می کند زیرا اگر غیر از این باشد و زنان به طور مطلق ناقص الایمان باشند (بر اساس ظاهر واژه ی نواقص) وعده ی الهی به حیات طیبه برای زن و مرد مؤمن و صالح هرگز تحقق نخواهد یافت و بین سخن حضرت امیر(علیه السلام) و قرآن کریم تعارض دیده می شود. پس سخن حضرت به کمرنگ شدن ارتباط های معنوی زنان در زمان حیض اشاره دارد نه به همه زنان در همه زمان ها. برخی دیگر از تفاوت های زن و مرد در رابطه با زاویه ی دید آن ها عبارتند از: زنان آنگاه که به تحصیل علم می پردازند برای نفس علم و دانستن نمی آموزند بلکه برای این که محبوب آن ها علم را دوست دارد به آن می پردازند. بسیاری از زنان تحصیل کرده در علوم عقلی به خاطر جلب رضایت همسران و یا پدران خود به این رشته ها روی آورده اند اما علم می که برای دیگران مفید باشد برای آنها دوست داشتنی است. -----

۱. شخصیت زن، علویه همایونی، ص ۱۲۴ (ص ۱۱ ضمیمه) مرد به قوانین و عللی که زندگانی مخلوقات را تدوین می کند توجه داشته و زن به رنج و احساسات آن ها می اندیشد. مرد به اساس خلقت و طرز تشکیل و وضعیت موجودات می نگرد ولی زن عالم را با چشم مادری نگریسته و همه موجودات را دارای ادراک و احساس می داند. لمبروزو می گوید: «مردان علاقه به علوم نظری و انتزاعی دارند (حتی مردان بی سواد ساعت ها ستاره ها را می شناسند) ولی زن به امور خانه می پردازد و در پی ایجاد حیات به دور خود و ازدیاد زیندگی و لطافت موجوداتی که او را احاطه کرده اند است. مرد اتاقش را با تابلوهای نفیس ترین می کند و زن با تصاویر کودکان و دوستانش. آن چه خارج از محیط زندگی یا موجودات زنده است در نظر زن پست و حقیر آمده و او حتی اشیاء غیر جاندار را روح مخصوصی بخشیده و در عالمی آن ها را از زنده های حقیقی تشخیص نمی دهد.» او در جای دیگر می گوید: «زنان روح دیگر خواه دارند و از ابتدا تا پایان عمر با همین روحیه و نگرش به اطراف خود می نگرند ولی مرد که مرکز افکار و آرزوهای خود را در نفس خویش قرار می دهد مرکز تمام موضوعات فکری او شخص خودش خواهد بود و به این دلیل به تنظیم افکار خود، استدلال و استنتاج دل بستگی نشان داده و به صنعت و سیاست علاقمند است.» اگر به این تفاوت های روانی با دیده ای ژرف نگر نگاه کنیم می بینیم در هر موضعی که در مرد شدت داشته باشد با مرحله ضعیف تر در زن به کمال می رسد و آن جاکه زنان دارای شدت در ویژگی خود باشند می بینیم که مردان مرحله ضعیف آن را دارا هستند. و هر ضعفی با شدت طرف مقابل جبران می شود و هر شدتی با ضعف طرف مقابل تعدیل می گردد. جان گری تفاوت ارتباطی زن و مرد را این گونه بیان می کند: «مرد حالت درون گرایی دارد و به خودش می اندیشد وزن حالت دیگر خواهی دارد. مرد فردگرا و خود محور است در حالی که زن به معاشرت و توسعه ی ارتباط علاقه دارد. در مکالمه زن برای نتیجه گیری صحبت نمی کند اما مردان می خواهند نتیجه گیری کنند.» حتی نوع دوست یابی و ارتباط با دوستان و نزدیکان از منظر زن و مرد متفاوت است آن چه دو مرد را به عنوان دوست به یکدیگر نزدیک می کند غالباً فعالیت های مشترک آن هاست. بیش تر اوقات مردان دوست دارند با همکاران خود

ارتباط داشته باشند تا با دیگران ولی در رابطه های دوستانه بین دو زن نوعی پشتوانه ی عاطفی و روانی وجود دارد. آن ها یکدیگر را دوست دارند ولی نه به خاطر این که از یکدیگر تجربه می آموزند و یا در محیط شغلی مشترک هستند بلکه نوعی صمیمیت و عشق و همیاری از سوی طرفین آن ها را به یکدیگر نزدیک می کند. تفاوت دیگر این که زنان دو برابر مردان می خندند و البته همیشه این خنده ها ناشی از نشاط و شادمانی نبوده و گاه نمود خشم یا اختلالات روانی است. (را دگان ۱۹۸۲) نکته ی دیگر که روان شناسان به آن اشاره کرده اند توانایی رمزگشایی در زنان است. برخی می نویسند: «توانایی رمزگشایی و خواندن چهره زنان به مراتب بیش از مردان است زنان در قضاوت و استنباط هیجانات و عواطف به ویژه حالات صورت بسیار توانمندتر از مردان هستند این توانایی در دختران از سال های دبستان دیده می شود» ۲ شاید علت عمده در توانایی رمزگشایی زنان وجود بینش درونی و خود آگاهی هایی است که ویژه ی آنان است. زنان در مقایسه با مردان نسبت به خود ----- ۱. زنان، مردان، روابط. ۲. روان شناسی زن، دکتر نوابی نژاد، ص ۹۵. (جسم و روان خود) اطلاعات و آگاهی بیش تری دارند ۱ و زودتر از مردان متوجه بیماری های خود می شوند. این آگاهی از خود در زنان موجب می شود که بیش از مردان به دکتر مراجعه کرده و در پی درمان روان یا جسم خود باشند. آماری که از تعداد مراجعه کنندگان به مراکز درمانی سخن می گوید، مؤید این بصیرت زنان نسبت به خود آن هاست و ما پیش از این اجمالاً در مورد آن صحبت کردیم و در آینده به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت. نوع نگرش مرد و زن به مسایل پیرامون آن ها متفاوت است و توجه به این تفاوت ها برای قضاوت صحیح در مورد یکدیگر بسیار مهم است. شاید از این جهت باشد که روان شناسان امروز می گویند زنان در قضاوت نسبت به فرزندانشان بیش از همسرانشان اشتباه می کنند و علاقه به فرزندشان مانع از قضاوت منصفانه در مورد او می شود. ۲ برخی می نویسند: «زن در پرداختن به امور بیش تر بر جزئیات تأکید می ورزد و هنگامی که احساس کند همسرش به سخنان وی توجهی ندارد به شدت احساس تنهایی می کند. این احساس تنهایی زمینه ای می شود برای عمیق تر پرداختن به جزئیات، جزئیاتی که در گذشته برای او پر اهمیت بوده است.» ۳ این روان شناس در مورد شناخت تفاوت های زن و مرد از سوی زن و شوهر می گوید: «هیچ یک از زوجین نباید انتظار داشته باشند برای شناخت و درک بهتر تفاوت ها و نزدیکی بیش تر، اولین قدم باید از جانب همسرشان باشد. اگر هر یک به تلاش برای فهمیدن و درک بیشتر و عمیق تر همسرش اقدام کند و بر اشتباهات و کاستی های خود و همسرش واقف شود آن موقع سیر زندگی آن ها عوض می شود.» ۴ ----- ۱. روان شناسی زن و مرد، ص ۱۰۵. ۲. همان، ص ۱۰۶. ۳. روان شناسی زناشویی، حسین نجاتی، ص ۸۶. ۴. همان، ص ۸۷. زنان و مردان در نوع علاقه نسبت به یکدیگر متفاوت هستند. به عبارت دیگر در این تجاذب طبیعی هر یک از زن و مرد نقشی را بازی می کنند که در جاذبه آفرینی بسیار مؤثر است. بنابر آفرینش حکیمانه، مرد مظهر طلب و عشق و نیاز است و زن مظهر محبوبیت و ناز. رفتار مرد طالبانه است و رفتار زن مطلوبانه و ناز آمیز. ویل دورانت می گوید: «زن از مرد شکباتر است. گرچه شجاعت مرد در کارهای خطیر و بحرانی زندگی بیش تر است اما تحمل دائمی و روزانه ی زن در مقابل ناراحتی های جزئی بیشتر است از مردان را دوست دارد و از مرد توانا و قدرتمند خوشش می آید.» یکی دیگر از تفاوت های بین زن و مرد این است که زنان بیش از مردان تحت تأثیر عواطف و احساسات ناشی از حوادث قرار می گیرند و از این رو به علت تأثیر پذیری از عواطف بسیاری از صحنه ها را فراموش می کنند زیرا از نظر روان شناسان غلبه هیجان با فراموشی حافظه رابطه مستقیم دارد به عبارت دیگر با وارد شدن شوک عاطفی بر زن، همه قضایایی که دیده است در ذهنش نمی ماند اگرچه زن در حفظ خاطرات قوی تر از مردان است ۱ و علاوه بر این، شرم و حیا که در زنان بیش از مردان است ۲ بر فراموشی آنان تأثیر می گذارد. زنان بیش از مردان خواب می بینند و دیدن رؤیاهای صادقه در زنان بیش تر از مردان است. ۳ «هوسباند» در یک مطالعه به روش مصاحبه به این نتیجه رسیده است که رؤیاهای زنان، بیش تر و زنده تر و هیجانی تر از رؤیاهای مردان است. رؤیاهای زنان اغلب مربوط به سقوط از بلندی، محرومیت و اضطراب است و بیش تر رؤیاهای مردان محتوای جنسی

دارد. آن چه مسلم است این که شناخت تفاوت های زن و مرد در نوع نگرش و زاویه ی دید آن ها نسبت به یکدیگر و مسایل پیرامون آن ها ضروری است زیرا برای زن و مرد این فرصت را ایجاد می کند که با آگاهی بیش تر به ارتباط با یکدیگر پرداخته و خود را از پرتگاه آسیب های روانی ناشی از انتظارات نابجا نجات دهند. ----- ۱. روان شناسی زن و مرد، ص ۱۰۰. ۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۲ \* ص ۲۷۸ (دارالکتب الاسلامیه) و اصول روانکاوی ارنست جونز و دالبی یز، ترجمه هاشم رضی، ص ۲۶۶. ۳. خواب، رؤیا، تعبیر، احمد لقمانی، ص ۴۰۶۳. ۴. روان شناسی اختلافی زن و مرد، ص ۸۵.

## فصل پنجم: جایگاه عقل و عاطفه ی زنان از دیدگاه امام علی (علیه السلام) و روان شناسان

### اشاره

روان شناسان بر این باور هستند که شخصیت انسان ترکیبی از تأثیرات و روابط متقابل عقل و قلب و بدن است و شخصیت هر کس با وحدت این سه بعد، هویت واحدی پیدا می کند. آنان معتقدند که انسان با قوه ی عقل و فکر و به کمک حواس ظاهری خود به جهان خارج از ذهن آگاه و آشنا می شود. نظریه پردازان قلب را که کانون عواطف و انفعالات است ثلث دیگر شخصیت انسان می دانند و برخی از مکاتب روانکاوری نیز عواطف و انفعالات را کلید روان شناسی خوانده اند. ۱ از سوی دیگر معتقدند که بدن بعد فیزیکی و ابزاری شخصیت انسان بوده و کانون غرایز و تمایلات غریزی و نیازهای جسمانی اوست. به هر حال انسان کامل از نظر علم روان شناسی کسی است که خوب می اندیشد و احساس و عواطف قوی داشته و نیازهای جسمانی خود را به خوبی بر آورده ساخته و در عمل موفق باشد. برخی می نویسند: «عقل و تعقل عبارت است از آن فعالیت مغزی که با قوانین و اصول تثبیت شده از قضایای روشن و ساده نتایج مطلوب را به دست آورد و فعالیت عقلانی عبارت است از دقیق اندیشیدن در انتخاب وسایل برای ۱. مقدمه ای بر روان شناسی زن، ص ۱۶. وصول به هدفهای مطلوب.» ۱ البته برای رسیدن به هدف ها از طریق استنتاج یا انتخاب قضایا و بدون توجه به ارزش های موجود در اهداف از عقل نظری استفاده می شود که منطق صوری و ریاضی از جلوه های آن است. در عقل نظری محض، ارزش ها و واقعیات فی نفسه مطرح نبوده و تنها چیدن واحدهایی که صحیح فرض شده است در کنار یکدیگر و نتیجه گیری از آن ها مورد نظر است اما عقل عملی هر یک از نیروهای فعال درون بشری را هماهنگ می سازد تا همه ی آن ها در وصول به واقعیات و بایستگی ها و شایستگی ها حرکت کنند. در عقل عملی آن چه مهم است، ارزش ها و واقعیت های موجود است نه استدلال های خشک. اینک برای روشن تر شدن بحث به معنای لغوی عقل می پردازیم. ۱. زن در نهج البلاغه، استاد علامه محمد تقی جعفری، ص ۹۱.

### مفهوم عقل

عقل در لغت به معنای خرد، دانش و دریافت است و یا دریافت صفات اشیاء از حسن و قبح و کمال و نقصان و خیر و شر با علم به مطلق امور به سبب قولی که ممیز قبیح از حسن است و... در لغت نامه دهخدا حدود ۳۰ نوع عقل ذکر شده است از جمله عقل اول (اعلی)، عقل الهی، عقل انسانی، عقل هیولانی، بالقوه، مستفاد (مضاعف) عقل بالملکه، عقل متأثر و... در میان انواع عقل به تعریف دو مورد که در رابطه با بحث مورد نظر ماست می پردازیم. در کتب لغت عقل نظری را این گونه تعریف می کنند: «عقل نظری؛ قوه ی عالمه است در انسان و آن یکی از دو قوه ی اوست در برابر عقل عملی. و کسانی که نفس را جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء می دانند عقل نظری را به سه مرحله ی عقل هیولانی، و عقل بالملکه و عقل بالفعل تقسیم کرده اند. و مرحله ی دیگری نیز به آن افزوده اند که ۱۲. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۶۰۰۰ (انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۱۳۷۷) عقل بالمستفاد



است و آن مرحله ای است که از مرحله ی هیولانی و بلکه بالفعل گذشته به مرحله ای رسیده باشد که برای حصول و حضور معلومات و استحضار امور نیازی به توجه و التفات نداشته باشد بلکه تمام نظریات بالفعل نزد او حاصل باشد.»<sup>۱</sup> بنابراین عقل نظری عبارت است از قوه ی ادراک و فهم و تدبیر انسانی در امور مختلف. و عقل عملی از نظر علماء لغت عبارت است از: «قوه ی محرّکه ی عمل است در انسان و حیوان. در مقابل عقل نظری عقل عملی دارای مراتبی است که عبارت از تجلیه و تخلیه و فناء فی الله باشد.»<sup>۲</sup> در فرهنگ فارسی «معین» عقل انسانی قوه ای از قوای نفسانی تعریف شده است که فعل انسان و تفکر و تدبیر و نطق و تمییز و ایجاد صنایع را در بر می گیرد. اکنون که با معانی لغوی عقل آشنا شدیم و تفاوت عقل نظری و عملی را دریافتیم به بررسی واژه ی عاطفه می پردازیم و در آینده از بستر عاطفه و عقل در زنان به گونه ای مبسوط سخن خواهیم گفت. ۱. همان، ص ۱۶۰۰۳ (باتلخیص!) ۲. همان، ص ۱۶۰۰۲.

### مفهوم عاطفه (عواطف)

«عاطفت» در لغت به معنای مهربانی، خویشی و قرابت است. در «منتهی الارب» عاطف به معنای «آهوک که گردن کج کند وقت نشستن» و معنای دیگر آن را «چادر» بیان می کند. ۳. بسیاری از رفتار و اعمال انسان و حتی می توان گفت تمامی اعمال انسان ها برخاسته از عواطف و انفعالات آن هاست. اگر انسان ها دارای عقل و ادراک فراوان بودند و مغز آن ها مرکز دریافت های عمیق علمی و نظری بود ولی از عواطف و غرایز بی بهره بودند هرگز فعالیتی از آن ها سر نمی زد. روان شناسان ۳. همان، ص ۱۵۶۶۵. می گویند: «عواطف موتور اصلی حرکت و فعالیت مادام العمر در انسان بوده و نوع و شدت و ضعف آن تأثیر خاصی در زندگی فرد اجتماعی دارد و کلید سعادت و شقاوت انسان را باید در سلامت و عدم سلامت عاطفی او جستجو کرد.»<sup>۱</sup> گفتنی است که عواطف بر قضاوت های عقل تأثیر می گذارند و این تأثیر پذیری هم در مردان و هم در زنان مشاهده می شود ولی چون زنان کانون عواطف و احساسات هستند به طور طبیعی تأثیر پذیری بیش تری نسبت به مردان خواهند داشت. خانم لمبروزو عوامل مختلفی را که در جهت سیر تعقل زن تأثیر گذاشته و نافذ هستند بیان می کند: «عواملی مثل محبت، اسلوب روزانه (مُید)، عزت نفس و فعالیت ممکن است تغییراتی عمیق در سیر تعقل زن ایجاد کنند.»<sup>۲</sup> به عبارت روشن تر این روان شناس معتقد است که اگرچه عشق و علاقه به علوم نظری و انتزاعی در سرشت و طبیعت زن وجود ندارد ولی استعداد کافی برای فراگیری این علوم در وی موجود است و اگر عواملی همچون عشق به دیگران و فضای موجود در جامعه و نیاز اجتماع محرّک او در آموزش این علوم شوند با توجه به تأثیر عواطف و انفعالات در سیر تعقل او به سوی این علوم جلب شده و توفیق نیز خواهد یافت.

### زن در بستر عقل و عاطفه

تأثیر و تأثر در حوزه ی عقل و عاطفه دو سویه است نه یکسویه. از یک طرف حالات عاطفی انسان تحت تأثیر ادراکات عقلی قرار می گیرد و رفتارهای عاطفی افراد برخاسته از ادراک سختی ها و شادکامی هاست. و از طرف دیگر حوزه ی ۱. ر. ک مقدمه ای بر روان شناسی زن. ۲. روان شناسی زن، جیا لمبروزو، ص ۱۲. ادراکی انسان از شدت و ضعف عواطف و انفعالات او تأثیر می پذیرد. این تاثیر گذاری و تأثیر پذیری هم در مردان وجود دارد و هم در زنان که نیمی از پیکره ی اجتماع بشری هستند. نکته قابل توجه این است که شدت و ضعف عاطفی و عقلانی افراد با توجه به تفاوت های فردی و وظایف تکوینی آنان متفاوت است. برای مثال زنان که باید با نگاهی مادرانه به هستی بنگرند و جلوه ی جمال الهی باشند از شدت عاطفی بیش تری برخوردارند و مردان که اداره ی امور اجتماعی و تدبیر منزل را به عهده دارند شدت عقلانی بیش تری دارند تا در «کشاکش دهر» کمر خم نکنند و از ادای تکلیف باز نمانند. روان شناسان این تفاوت در شدت عاطفی و عقلانی را لازمه ی زندگی سعادت مندانه ی زن و مرد «نقصان عقلی

زن به تمامت عقلی مرد و نقصان عاطفی مرد به تمامت عاطفی زن ترمیم و جبران می شود و از آن جا که زندگی انسان و کمال او هم محتاج به زمینه عاطفی تمام و هم نیازمند عقل تمام است در این صورت یک زن و مرد با هم یک واحد تمام انسانی را می سازند. در نتیجه مردان از حیث عاطفی و زنان از حیث عقلانی نسبت به یکدیگر احساس نیاز می کنند.<sup>۱</sup> نکته قابل توجه این است که نقصان عقل در زنان به عنوان نقص ارزشی نیست و به این معناست که زنان در مقایسه با مردان به جهت قدرت عاطفه قوی، کمتر در امور سیاسی- اجتماعی به صورت مدبرانه عمل می کنند. خانم لامبر می گوید: «در زن قدرت عقل ناقص است زیرا عاطفه ی قدرتمندش او را بازی می دهد. ما زنان در عین تیزهوشی و ادراک سریع، افکارمان در مسایل اجتماعی ارتباط و پیوستگی ندارد.»<sup>۲</sup> با توجه به این که زنان و مردان دارای ویژگی های متفاوت بوده و نیازهای آن ها نیز با هم تفاوت دارند، کیفیت استفاده از عقل برای رسیدن به مطلوب نیز ۱. مقدمه ای بر روان شناسی، ص ۶۳. ۲. تئوری تکامل و روان شناسی، دکتر محمود بهزاد، ص ۱۲۸ در آنان متفاوت است و به همین جهت ما از میان انواع عقل دو گونه ی کاملاً متفاوت را گزینش کرده و به تعریف آن پرداختیم. روان شناسان عناصر خاص عاقله ی زن را بینش و تندهوشی تصور و حس دمسازی دانسته و می نویسند: «بینش، تصور و حس دمسازی به نوعی در زن جانشین استدلال و منطق مرد می گردد که این دو طرز فکر و نتیجه ی کار خود را یکسان می پندارند. انفعالات و خصال روحی زن تفاوت ابتدایی و اصلی را که بین هوش مرد و زن وجود دارد تعیین نموده و سبب می شود که هر یک به طرف منظوری خاص سیر نموده و صفاتی مخصوص به خویش به دست آورند.»<sup>۱</sup> البته قابل ذکر است که این قوه ی بینش و تصور و حس دمسازی بر پایه ی مشاهدات داخلی یا خارجی زن استوار گردیده است. و برای تحریک این قوای اختصاصی زنان، استفاده از توجه، تداعی معانی و دقت و انفعالات گوناگون ضروری است. بنابراین پایه تعقل زنان مشاهدات درونی و خارجی آن هاست و میدان فکری آن ها با توجه به مشاهدات گسترده تر، وسعت بیش تری می یابد و این نوع تفکر و تعقل در واقع با استفاده از عقل عملی میسر خواهد شد نه عقل نظری. مفسر معاصر حضرت آیت الله جوادی آملی مرز و تفاوت عقل عملی و نظری را این گونه بیان می نماید: «انسان یک شأنی دارد به نام (عقل نظر) که به واسطه ی آن می اندیشد و یک شأن دیگری دارد به نام (عقل عمل) که به واسطه ی آن شأن می پذیرد. بخش نظر عهده دار بینش و اندیشه و تفکر است و بخش عمل عهده دار پذیرش، کوشش، جذب و مانند آن می باشد و بین این دو شأن حجاب بسیار دقیقی است که نمی گذارد بلافاصله نظر به ۱. روان شناسی زن، جینالمبروزو، ۱۹. عمل منتهی شود.»<sup>۱</sup> کسانی که حجاب های مادی را دریده باشند و به مقامات عالی برسند علم و عملشان با هم همراه بود و حجاب بین عقل نظری و عقل عملی در آن ها دریده می شود و آن وقت دیگر جدایی بین اندیشه و کوشش آن ها نیست چه زن باشند و چه مرد. اما آن ها که به مقام والای انسانیت راه نیافته اند بین نظر و عمل آن ها یک حجاب رقیقی وجود دارد. حاصل کلام این که مردان در عقل نظری قوی تر از زنان هستند و زنان در عقل عملی و این تفاوت هرگز ناشی از اجتماع و فرهنگ نبوده و در طبیعت زن و مرد با توجه به نقش تربیتی و پرورشی آن ها قرار داده شده است و عنوان کمرنگ تر بودن هر یک از عقل نظری و عملی را نباید در مردان و زنان به عنوان ضعف و نقص محسوب کرد. آیت الله جوادی آملی در این زمینه می گوید: «قرآن کریم سعی کرد هم از راه موعظه که ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با قلب و دل دارد با انسان سخن بگوید و هم سعی کرد از راه حکمت که ارتباط غیر مستقیم با دل دارد با او سخن گوید. و اگر کانال عقل و فکر به دلان ورودی ذکر و دل نرسد، سودی ندارد و زنان در بخش دل و قلب و گرایش و جذب موقف تر از مردانند. لذا مناجات در زن هایش از مردها و یا لا اقل همتای مرد اثر می کند و موعظه در زن بیش از مرد و یا همسان مرد اثر می کند. تنها سخن از حجم مغز مرد نیست بلکه سخن از ظرافت گرایش قلب زن هم هست. این که زن زودتر گریه می کند به خاطر آن است که دستگاه پذیرش او عاطفی تر است و مهمترین راه راه ذکر است که انعطاف پذیری مقدمه ی آن است.»<sup>۲</sup> در رابطه با میزان عقل، این عطیه الهی، در زنان مباحثی در محافل علمی و غیر علمی مطرح می شود که به نظر می رسد در این جایگاه پرداختن به آن ۱. زن در آینه ی جلال و جمال، ص

۱۸۵. ۲. همان، ص ۱۹۳. مناسب است. پاره ای از افراد، زن را از نظر عقلی ناقص دانسته و با استناد به خطبه ۸۰ نهج البلاغه که می فرماید: «انَّ النساء نواقص العقول» به سخن خود رنگ و لعاب فرهنگ دینی داده و زن را از بسیاری از حقوق طبیعی و اجتماعی خود محروم کرده اند و ما در این قسمت از کتاب به بحث پیرامون عقل زنان می پردازیم. حضرت امیر(علیه السلام) مشورت با زنان را تا هنگامی که کمال عقل آن ها آزموده و اثبات نشده نهی می فرماید و ما از این عبارت می توانیم مفهوم گیری کرده و بگوییم زنان کمال عقل دارند ولی باید مورد آزمون و امتحان قرار گیرند تا این کمال را به معرض ظهور گذارند. در نتیجه اگر ظاهر خطبه ۸۰ که «زنان ناقص العقل هستند» را بپذیریم با این کلام حضرت تعارض خواهد داشت. بنابراین نقصان عقل به عنوان یک نقص ذاتی مطرح نیست زیرا از سویی خداوند ناقص نمی آفریند و از سوی دیگر اگر ذاتاً زنان ناقص العقل هستند آزمون و اثبات کمال عقل پس از تجربه «سالبه به انتفاء موضوع» خواهد بود و صدور چنین کلامی از حضرت علی(علیه السلام) که در اوج قله ی منطق و استدلال جای دارد ممکن نیست. پس برخی از زنان در شرایط خاصی که احساسات و عواطف بر عقل آن ها غلبه می کند و آن ها را از تصمیم گیری های عقلایی باز می دارد دچار نقصان عقل می شوند و مرجع این کلام در خطبه ۸۰ نیز از نظر تاریخی کاملاً مشخص است زیرا پس از جنگ جمل و تصمیمات غیر عاقلانه افرادی که بر پاکننده ی این جنگ بودند بیان شده است. حضرت امیر(علیه السلام) در مورد کیفیت آزمون عقل چه در مردان و چه در زنان می فرماید: «عقل های مردم را می توان از سخنانی که فوری و بالبداهه می گویند آزمایش نمود.» ۱ و نیز می فرماید: ۱. غررا لحکم، ص ۴۹۰. ظن الانسان میزان عقله ۱ «ظن (نظرها قطعی یا حدس و گمان و یا شک) مردم در موضوعات گوناگون وسیله ی سنجش عقل آن هاست.» در واقع حضرت علی(علیه السلام) برای سنجش افراد به سخنان آن ها اشاره فرموده و در سیره عملی ایشان نیز این نوع رفتار مشاهده می شود که در بحث مشورت با زنان از منظر روان شناسی امام علی(علیه السلام) به آن می پردازیم. اکنون که دانستیم زنان دارای عواطف قوی هستند و تأثیر عواطف بر قضاوت های عاقلانه را بررسی کردیم می توانیم به ژرفای کلام نورانی حضرت علی(علیه السلام) برخاسته از بینش عمیق روان شناسانه حضرت است پی ببریم آن جا که می فرماید: «ای مردم! همانا زنان در مقایسه با مردان در ایمان، و بهره وری از اموال، و عقل کاستی دارند، اما نقص ایمان بانوان، برکنار بودن از نماز و روزه در ایام عادت حیض آنان است، و اما نقص عقلشان با مردان به آن جهت است که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است، و علت نقص در بهره وری از اموال، آن که ارث بانوان نصف ارث مردان است.» سپس حضرت در مقابل بیان علت نقصان عقل در زنان می فرماید: «پس، از زنان بد، پرهیزید و مراقب نیکانشان باشید، در خواسته های نیکو، همواره فرمانبردارشان نباشید تا در انجام منکرات طمع ورزند.» ۲ در رابطه با این خطبه شریف مباحث زیادی مطرح شده است. عده ای آن را از جهت سند ضعیف دانسته و خدشه در سند ایجاد می کنند که در این صورت، بحثی در مورد معنای «نقص» و دلالت روایت نخواهیم داشت. اما اگر صحت سند را بپذیریم آن گونه که بسیاری از حدیث شناسان پذیرفته اند، می توانیم دلالت آن را بررسی کنیم. ۱. همان، ص ۴۷۹. ۲. نهج البلاغه، خطبه ی ۸۰. امیاً در مورد نقص عقل زنان و علت آن که حضرت امیر(علیه السلام) بیان فرموده اند، مباحث اختلافی زیادی مطرح شده است. حضرت امیر(علیه السلام) علت نقص عقل زنان را برابر بودن شهادت دو زن با یک مرد ذکر کرده اند. با توجه به تفاوت های روان شناختی موجود بین زن و مرد که پیش از این گفته شد می توان ریشه اصلی برابری شهادت دو زن با یک مرد را یافت. در اینجا یاد آوری نکات زیر ضروری است: الف) از آن جا که زن نگاهبان طبیعی حیات است خداوند متعال عواطف و احساسات او را خیلی قوی تر و متفاوت از مرد قرار داده است زیرا بقای حیات انسان ها از نظر نیازی که به احساس لذت و درد دارند بیش تر به عواطف و احساسات نیازمند است تا دلیل پردازی های تجریدی. وجود این نعمت الهی در زنان آن ها را از پرداختن به نمودهای خشک زندگی باز می دارد و آن نمودها برای زن در درجه دوم قرار می گیرد. ۱ ب) عواطف زنان بر قضاوت های عقلانی آن ها تأثیر بیش تری نسبت به مردان می گذارد و این شدت عواطف زنان موجب می شود که در برخی از موارد به علل عاطفی از واگویی کردن آن چه دیده اند پرهیزند و یا در

بیان آن با احتیاط عمل کنند. ج) همان گونه که در بحث تفاوت ها گفتیم زنان نسبت به مردان از دید گسترده تر و وسیع تری برخوردار بوده و طبیعتاً نمی توانند روی یک شیء متمرکز شوند از این رو قضاوت که نیاز به یک دید متمرکز دارد و شهادت که نیاز به توجه و تمرکز حواس دارد برای زنان مشکل خواهد بود و اگر دو زن در مورد یک واقعه شهادت دهند با توجه به این که زنان تناسب گرا هستند و اشیاء را با محیط اطراف آن ها می سنجدند اگر یکی از آنان موردی را فراموشی کرد دیگری او را یاد آوری خواهد کرد. ۲ و ما پیش از این در مورد تناسب گرایی زنان و دید متمرکز مردان ۱. زن در نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، ص ۴۰. ۲. آن تفضلً احدیهما فتذکر احدیهما الاخری. تا اگر یکی از آن دو (زن) موضوع شهادت را فراموش کرد، دیگری او را به یاد آورد. (سوره ی بقره، آیه ی ۲۸۲). سخن گفتیم. د) پیش از این در بحث تفاوت ها بیان شد که زنان نسبت به مردان بیش تر دچار فراموشی می شوند و دو علت عمده ی فراموشی از نظر روان شناسان تأثر زیاد زنان از احساسات و هیجانات روحی و شرم و حیاء و عفت موجود در آنان است که به قول برخی از نظریه پردازان اگر این فراموشی در زنان نبود و ناراحتی های مربوط به بارداری را فراموش نمی کردند نسل بشر منقرض می شد ۱ و هر خانواده ای به داشتن بیش از یک فرزند نمی اندیشید. به هر حال بحث روان شناختی فراموشی زنان در نگره ی دینی صراحتاً بیان شده است همان گونه که در آیه ۲۸۲ بقره با لفظ «تضل» و «تذکر» از فراموشی زنان و یاد آوری به آن ها یاد شده است. و مرحوم طبرسی (قدس سره) در تفسیر گرانقدر خود به این نکته اشاره می کند که: «... زیرا فراموشی در زنان بیش از مردان است و بر آن ها غلبه دارد.» (ه) نکته ی دیگر ظاهر خطبه ۸۰ است که در این مورد به نظریه های مختلف اشاره می کنیم. برخی در مورد این خطبه و واژه ی «نقص» می نویسند: «ظاهر این خطبه و کلمه ی «نواقص» مخالف آیات قرآن کریم و عقاید و فلسفه ی اسلامی است... تنها راه جمع آن است که در واژه ی نواقص تصرف کنیم و معنای آن را «تفاوت» و «اختلاف» بدانیم که در لغت و واژه های قرآن نیز به جای یکدیگر استعمال شده اند آنگاه تضاد ظاهری این خطبه با قرآن کریم و مبانی اعتقادی برطرف می شود. کلمه ی «نواقص» در اینجا یعنی «تفاوت» و تفاوت در سوره ی ملک آیه ی ۳ یعنی نقص و کاستی. امام می خواهد بفرماید که مرد و زن هر کدام روحیات و صفات مخصوص خود را دارند و جایگاه هر کدام باید حفظ شود.» ۲ و) آن جا که بحث از نقصان عقل زن به میان می آید منظور از عقل، عقل تئوریک و تجریدی و به عبارتی عقل تحلیل گرا و فرضیه باف و فلسفه پرداز و هم ۱. روان شناسی هوش، ک. پلاتونف، رضا همراه، ص ۱۸۵. ۲. ترجمه ی نهج البلاغه، محمد دشتی، ص ۱۲۹. چنین عقل سیاسی- اجتماعی است نه عقل به معنای قوه ی تعقل و اندیشه و تفکر و همان گونه که مردان از نظر عقل تجریدی و تدبیری میدان فکری گسترده تری دارند زنان نیز در عقل عملی و عرفان و هنر قدرت بیش تری را دارا هستند. با توجه به دلایل یاد شده بحث را می توان در موارد دیگر به اختصار بیان کرد: ۱. وجود احساسات و عواطف قوی در زنان ۲. تأثیر عواطف زنان بر قضاوت ها و شهادت دادن آن ها ۳. زنان از دید باز و گسترده تری برخوردار هستند و نمی توانند در یک امر متمرکز شوند. ۴. فراموشی که ناشی از تأثیر احساسات و عواطف و شرم و حیای زیاد در زنان است موجب می نمود که شهادت دو زن با یک مرد برابر باشد. ۵. خطبه ی ۸۰ علاوه بر شأن صدور خاص آن، از نظر اصول لفظی نیز قابل تأویل می باشد. و لفظ «نواقص» در این خطبه به معنای «تفاوت» است و تفاوت های زن و مرد از نظر عقلانی، اقتصادی و حظ معنوی مورد نظر حضرت امیر (علیه السلام) است. ۶. منظور از نقصان عقل زن، عقل تجریدی و تدبیری اوست نه عقل به معنای قوه ی تعقل و اندیشه و تفکر. نتیجه به نظر می رسد نقص و کاستی که حضرت امیر (علیه السلام) به آن اشاره کرده اند از تفاوت های زنان و مردان نشأت گرفته و هرگز به عنوان عیب و اشکال مطرح نیست. این نقص در مقایسه با مردان که در عقل استدلالی قوی تر از زنان هستند محسوس می شود و همان گونه که ضعف در عاطفه و نمود آن برای مردان به سبب نقش اجتماعی آنان عیب نیست ضعف در عقل هم برای زنان به عنوان عیب محسوب نخواهد شد. مرد و زن دو نقش اجتماعی متفاوت دارند و به تناسب نقش های خود دارای حقوق و وظایف گوناگون هستند. اگرچه هدف مشترک دارند. بنابراین زنان نوعاً با این نقص نسبت به مردان مواجه هستند و راه جبران هم

برای نقص عقل زنان و هم برای نقص عاطفه مردان وجود دارد که در روایات فراوانی به آن‌ها پرداخته اند.

### مشورت با زنان از منظر روان شناختی علی (علیه السلام)

شاید دلیل عمده‌ی منع مشورت با زنان از سوی پیشوایان دینی و به ویژه حضرت علی (علیه السلام) در همین نکات ذکر شده نهفته باشد. بنابر نظر بزرگان، مردان همانگونه که خودشان باید قلمرو عقل و قضاوت‌های خود را از دخالت عواطف و احساسات شخصی و علائق فردی و اجتماعی دور نگاه دارند به طریق اولی باید از نفوذ و دخالت عواطف و احساسات زنان به ویژه زنان ضعیف‌الایمان و بی‌اصالت نیز در تصمیم‌گیری‌های بزرگ و انجام وظایف مردانه به شدت اجتناب نمایند. زیرا زنان آن‌گونه که روان‌شناسان می‌گویند بر اساس احساسات قلبی تصمیم‌گیری می‌کنند نه بر مبنای مقدمات عقلی ۱ و دیگران را در تصمیم‌گیری‌های خود دخالت می‌دهند از این رو تصمیم‌گیری‌های آن‌ها کند صورت می‌گیرد. حضرت امیر (علیه السلام) با اشاره به همین نکته می‌فرماید: **وَإِيَّاكَ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ، وَعَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ**. «از مشورت با زنان بپرهیز، که رأی آنان زود سست می‌شود، و تصمیم آنان ناپایدار است.» ۲ ناپایداری تصمیمات زنان که حضرت امیر (علیه السلام) به آن اشاره می‌کنند ناشی از دخالت احساسات و عواطف در آن‌هاست. در واقع همان‌گونه که احساسات زودگذر و ناپایدار هستند تصمیماتی که بر اساس احساسات گرفته می‌شود نیز ناپایدار خواهد بود. افزون بر این ما در بحث تفاوت زن و مرد در تصمیم‌گیری ثابت کردیم که از نظر علمی زن به علت دیگرخواهی و حس تناسب در تصمیم‌گیری کند است. گفتنی است که پرهیز از مشاوره با زن به همه‌ی اصناف زنان بر نمی‌گردد. آنان که ۱. روح زن، جینا لمبروزو، ج ۱، ص ۱۹. ۲. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱. به کمالات عقلانی رسیده‌اند از این قاعده مستثنی خواهند بود چنان که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: **إِيَّاكَ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ إِلَّا مِنْ جُرْبَتِ بَكْمَالِ عَقْلِ ۱** «از مشورت با زنان بپرهیزید مگر زنانی که کمال عقل آنان آزمایش شده است.» اگر نقصان عقل زنان که در خطبه ۸۰ نهج البلاغه مطرح شده است از ویژگی‌های عمومی زنان بوده و در سرشت و نهاد آن‌ها وجود می‌داشت با این «کمال عقل» که در روایت فوق آمده است منافات خواهد داشت و حتی با سیره عملی حضرت علی (علیه السلام) نیز تعارض می‌یابد چنان‌چه مشهور است که حضرت شهادت زن قابل را قبول فرمود با این که تنها همان یک زن شاهد این قضیه بوده است. در صورتی که هیچ موردی وجود ندارد که شهادت یک مرد مورد قبول واقع شود، اگرچه رؤیت هلال باشد افزون بر این که شهادت مرد آن مقید به محرز بودن عدالت آن‌هاست. ۲. بنابراین با توجه به تفاوت بین عقل نظری و عملی و میزان تفاوت‌های زنان و مردان نسبت به این دو نوع عقل و مطالب ذکر شده‌ی فوق حضرت به صورت مطلق از نقص عقل زنان سخن نگفته و در مقام بیان تفاوت‌های زن و مرد هستند. نکته قابل توجه این است که امام علی (علیه السلام) را تنها به زن نسبت نداده است. حضرت عجب و خودمحوری و اسارت در هواهای نفسانی را از عوامل اصلی برای ایجاد نقصان عقلی می‌دانند نه زن بودن را. از این رو مردان و زنان اگر در دام هواهای نفسانی و عجب گرفتار گردند ناقص‌العقل خواهند بود و آنگاه که این رذایل با تربیت و تهذیب نفس و موعظه از سرزمین وجود انسان زدوده شود کمال عقل او آشکارا می‌گردد و از نقصان عقل دور می‌شود. خلاصه کلام این که زنان تا زمانی که خود را در زیر آوار زینت و خودنمایی و خودمحوری و مُد مدفون می‌کنند نقصان عقل داشته و آنگاه که فرهیختگی را پیشه گیرند به کمال ۱۱ اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۳۲۹. ۲. شخصیت زن، علویه‌ی همایونی. ص ۱۵ ضمیمه. عقل نایل می‌شوند. و شایستگی مورد مشورت قرار گرفتن را می‌یابند. در روایات آمده است که روزی پیامبر در جمع اصحاب فرمودند: چه چیزی برای زنان نیکوست؟ اصحاب و حاضران در مسجد هر کدام پاسخی دادند و جمعیت از هم جدا شدند. حضرت علی (علیه السلام) پس از ورود به منزل با همسر خویش فاطمه زهرا مشورت نموده و نظر ایشان را در مورد پاسخ پیامبر می‌خواهد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌فرماید: «آن چه برای زنان نیکوست این که (بدون ضرورت) مردان نامحرم را نینسند و نامحرمان نیز آنان را ننگرند.» ۱ در جریان فوق می‌

بینیم که حضرت علی (علیه السلام) با همسر خود که زن است و با ویژگی های زنانه به هستی می نگرد مشورت می کند و از این سیره ی عملی حضرت علی (علیه السلام) در می یابیم که مطلق مشورت با زنان مورد نظر حضرت نبوده است بلکه مشورت با زنانی که عقل و بینش و بصیرت آن ها ثابت نشده است نهی شده است. حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: «خودپسندی و بلند پروازی هر انسان (اعم از مرد و زن) دلیل بر ضعف عقل و نارسایی فکر اوست.»<sup>۲</sup> بنابراین ضعف عقل برای مردان نیز مطرح شده است و در صورت اثبات این ضعف مشورت با مردان نیز جایز نمی باشد. چنان که در صورت اثبات کمال عقل زنان مشورت با آنان جایز است و این دو مقدمه یک نتیجه قطعی می دهد و آن این که با ضعیف العقل چه مرد و چه زن مشورت نکنید و کسی را که از نظر عقلی کامل است، چه زن و چه مرد، مورد مشورت قرار دهید. البته از آن جهت که زنان بیش از مردان در معرض غلبه احساسات هستند در روایات منع از مشورت با آنان صریحاً بیان شده است و در روایت دیگر با قید کمال عقل، استثناء خورده ۱. ر. ک نهج ا لِحیاء، محمد دشتی، ص ۱۶۰. (در این کتاب ۲۴ مأخذ و منبع معتبر و قوی برای این روایت ذکر شده است.)<sup>۲</sup> بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۳۲. است. مباحث مربوط به عقل عملی و نظری را پیش از این در بحث «در قلمرو عقل و عاطفه» مطرح کردیم و ثابت شد که مردان در عقل نظری و تجریدی قوی تر از زنان هستند و زنان در عقل عملی قوی تر از مردان بوده و این تفاوت برای هیچ یک به عنوان نقص محسوب نمی گردد و بلکه جلوه ی حقیقی کمال است. و علت موفقیت مردان در اموری که نیاز به عقل نظری دارد قوی تر بودن آن ها در توانایی های شناختی مثل ریاضیات و توانایی قضایی است. برای تبیین بیش تر این بحث خوانندگان می توانند به فصل پیشین رجوع کنند. مشورت با زنان در سیره ی عملی اهل بیت (علیه السلام) وجود داشته و با رجوع به تاریخ زندگانی آن ها میتوان این مسئله را بررسی کرد. در آخرین لحظات زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها) شاهد نمایه ای از مشورت با زنان هستیم آن جا که عمر و ابوبکر برای ملاقات و عیادت حضرت زهر (سلام الله علیها) آمده بودند و حضرت علی (علیه السلام) وارد منزل شده و در مورد ورود آن دو نفر با همسر رنجور خویش مشورت می کند و ایشان با حال ضعف و سستی می گوید: «علی جان! خانه خانه ی توست و من همسر تو هستم، هر آن چه می خواهی انجام ده.»<sup>۱</sup> دقت در سخنان حضرت زهرا (علیه السلام) در تمامی موارد عظمت وجودی آن حضرت و همدلی و همراهی با پدر و همسر و نیز افق بلند ولایی ایشان را بر ما آشکارا می سازد و این زیباترین جلوه ی کمال عقل در پاک بانوی خانه ی علی است. مشورت حضرت رسول در جریان صلح حدیبیه با ام سلمه<sup>۲</sup> و عمل به سخنان وی و نیز توجه به نظر اسماء بنت عمیس بعد از شهادت همسرش جعفر، نیز از این نمونه هاست. در پایان می توان گفت روایت «نواقص العقول» توسط روایت دیگری که از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است یعنی «الا من جربت بکمال العقل» تخصیص خورده و حکایت منطقی این دو روایت حکایت اطلاق و تقیید است و اگر زن کمال عقلی خویش را به ظهور رساند مشورت با او همچون مردان عاقل مانعی ندارد و در سیره ی عملی پیشوایان دینی ما و به ویژه حضرت علی مشورت با زنان عاقله مشاهده می گردد. بنابراین از آن جا که روایات مبین و مفسر یکدیگر هستند و نمی توان یکی روایت را بدون در نظر گرفتن مجموعه مبانی دینی برگزید روایت «نواقص العقول» هم با روایت دیگر که بیان شد معنا می شود نه به تنهایی و اگر کسی کمال عقل خود را ثابت کرد مشورت با او جایز خواهد بود. در آیات قرآن هم چنین قانونی حاکم است. در یک آیه می فرماید: «انسان ظلوم و جاهل» است و در آیات دیگری انسان های برجسته معرفی می شوند، الگوهایی مثل حضرت مریم و آسیه دختر مزاحم برای مؤمنان به صورت عام الگو هستند این گونه آیات به یقین اطلاق آیه قبلی را تخصیص می زنند و حتی وجود مقدس پیامبر اسلام خود، مخصص آیه فوق است. ۱. الاختصاص، شیخ مفید، ص ۱۸۱. ۲. وسایل الشیعه، کتاب الحج، ج ۱۴.

## فصل ششم: پذیرش تفاوت ها و سیر کمال انسانی

### پذیرش تفاوت ها و نقش آن در زندگی

باور داشت انسان ها تأثیر مستقیم در آرامش روحی و جسمی آنان دارد و همواره در سایه سار اعتقادات و باورهای قابل احترام می توان به کامیابی حقیقی دست یافت. در رابطه با بحث تفاوت ها به چند موضوع اصیل بر می خوریم که توجه به آن ها ضروری به نظر می رسد. علم به وجود تفاوت بین زن و مرد و اعتقاد به این که تفاوت ها نه تنها وجود دارند بلکه باید وجود داشته باشند و شناخت و احترام به آن ها از اهمیت شایانی برخوردار است. جان گری می گوید: «زمانی که متوجه شدیم نه تنها اشخاص با هم فرق دارند بلکه فرض بر این است که با هم متفاوت باشند آنگاه موانع مسیر عشق واقعی از سر راه برداشته می شود.»<sup>۱</sup> تفاوت بین زن و مرد همانند تفاوت در دیگر مخلوقات الهی برای پیشبرد جامعه به سوی کمال و تعالی است و درک این تفاوت ها همواره مورد نظر دین و ----- ۱. زنان، مردان، روابط، ص ۱۱. شریعت بوده است. از این رو در قرآن کریم ذیل آیه ی شریفه تفاوت در جهان هستی مطرح شده و در مقام تعلیل، علت اساسی تفاوت ها، فهم عمیق و عاقلانه و ادراک و ایجاد تعادل در عالم و نیز بصیرت اهل بینش و دانش بیان شده است. حضرت علی (علیه السلام)، پدر عدالت، می فرماید: لا یزال الناس بخیر ما تفاوتوا فادا استوا هلكوا. ۱ (انسان ها همواره در راه نیکی و رستگاریند مادام که متفاوت با آن ها برخورد شود و هرگاه مساوی با آن ها برخورد شود، هلاک خواهند شد.) از این رو با توجه به سخن آسمانی مولای متقیان باید اهتمام جدی در پذیرش تفاوت ها داشته و ضمن شناخت و پذیرش، به آن ها احترام نیز بگذاریم. جان گری می نویسد: «باید زن و مرد یاد بگیرند که به تفاوت های یکدیگر احترام گذارند تا با هم نزدیکتر و صمیمی تر شوند.»<sup>۲</sup> با توجه عمیق به نقش وجود تفاوت ها در ابعاد گوناگون زندگی انسان می توان به یکی از عجیب ترین شاهکارهای خلقت پی برد. چراکه طراح بزرگ آفرینش با قرار دادن تفاوت های جسمی و روانی بین زن و مرد، زمینه جذب و انجذاب آن ها را نسبت به یکدیگر فراهم می کند. الکسیس کارل تفاوت ها و نقش آن ها را در زندگی بشر این گونه بیان می کند: «به راستی اگر زن دارای ویژگی های جسمی و روانی و اخلاقی مردانه بود هرگز هنر ایجاد شیفتگی برای وصال در مرد را نمی توانست داشته باشد و اگر مردها همانند زنان بودند ممکن نبود عالی ترین هنر خود که صید و شکار و تسخیر قلب زن است را جلوه دهند.» بنابراین وجود تفاوت ها لازمه ی حیات معنوی و زندگی عاشقانه است. در برخی از کتب روان شناسی می خوانیم: ----- ۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۷، ص ۱۰۷. (چاپ قدیم) ۲. زنان، مردان، روابط، ص ۱۲. «یافته های پژوهشی نشان می دهد که اعتقاد به تفاوت های دو جنس، در میزان و تفاوت آسیب پذیری هر یک از آن دو در برابر برخی از بیماری ها و اختلال های روانی واقعیتی انکارناپذیر است.»<sup>۱</sup> یکی از مهمترین آثار اعتقاد به تفاوت ها و پذیرش آن ها ایجاد آرامش روانی برای زنان و هم چنین بالا بردن عزت نفس و میزان اعتماد به نفس آن هاست. در واقع اگر زنان تفاوت ها را به عنوان نقص و کاستی بنگرند و در پی ایجاد نوعی برابری با مردان بوده و نقشهای متعارض با طبیعت زنان برای خویش برگزینند تا شاید نگاه تحقیرآمیز مردان را خنثی کنند با نوعی بحران روحی، روانی مواجه خواهند شد. در کتاب فمینیستی و زن نگرانه ی «روان شناسی افسردگی زنان» که نویسنده ی آن با نوعی افراط در برابرنگری بین زن و مرد و حتی برتر انگاشتن زنان به مسایل می نگرد می بینیم که عدم پذیرش تفاوت ها و ارائه ندادن تحلیل صحیح و منطقی از سوی زنان یکی از مهمترین عوامل افسردگی شمرده می شود. اگرچه نویسنده در صدد بیان اندیشه های برابر نگری خود بوده است. ولی در سخنان او می توان پاسخی منطقی برای شبهات این نحله ها یافت. دنا کرولی می نویسد: «الیناسیون او (زن) از تمدن مردانه به وسیله ی حضور ظاهری او تعریف می شود به این مفهوم که از منظر خویش و دیگران به عنوان فتیش (یادگار) نگریسته می شود. از خود بیگانگی او ناشی از عدم قدرت و حاشیه نشینی او می شود، گرچه داخل شده لیکن منفعل است زیرا دیگری غریبه و میهمان ناخوانده است. گرچه مشارکت دارد مع الوصف تماشاچی است. بی توجهی به او و بازی ندادنش، استخفاف و

تحقیرش موجب از خود بیگانگی او می شود و این وضعیّت بر روی ادراکات و قضاوت های زن تأثیر تعیین کننده ای می گذارد.»<sup>۲</sup> ما در مباحث آینده ذیل بحث «افسردگی زنان» به گونه ای مبسوط این بحث را پی می گیریم. بنابر مطالب ذکر شده می بینیم که برای رسیدن به رشد و کمال و پویایی و بالندگی، پذیرش تفاوت ها و توجه به نقش آن ها در این بالندگی ضروری و مهم است. زن می تواند با خصلتهای خاص زنانه مدارج کمال را یکی پس از دیگری طی کند و مطابق با طبیعت و فطرت خویش و با استفاده از توانایی های ویژه و گاه منحصر به فرد خود به قلّه کمال راه یابد بدون آن که از وظایف مخصوص مردانه کُپی گرفته و مقلدانه راهی را بپیماید که در هیچ تابلوی حکیمانه ای برای او علامتی نباشد. اکنون نقش تفاوت ها و پذیرش آن ها برای رسیدن به کامیابی را بیان می کنیم: -----<sup>۱</sup>. روان شناسی زن، دکتر شکوه نوایی نژاد، ص ۲۰۱۲۳. روان شناسی افسردگی زنان، دکتر دنا کرولی، ص ۱۸۳.

### پذیرش تفاوت ها و اکسیر عشق

تفاوت ها در ایجاد رابطه های محبت آمیز و عاشقانه بین زن و مرد نقش بسیار مؤثری دارند و از آن جا که عشق و محبت مهمترین و اساسی ترین عامل استحکام بنیان خانواده است و روح سبز حاکم بر زندگی همانا عشق است که شیرازه ی کانون خانواده و وسیله پیوند اجزاء و اعضاء این بنیان عظیم است باید به آن توجه افزون تری داشته و برای ایجاد آن در خانواده حداکثر تلاش را داشته باشیم. جان گری روان شناس شهیر می گوید: «قبول این واقعیت اساسی که زن و مرد با هم تفاوت دارند برای ایجاد روابط مثبت و عاشقانه ضروری است.» او معتقد است که بدون شناخت و قبول تفاوت ها عشق واقعی میسر نیست. در واقع تفاوت های موجود بین زن و مرد مانند آهنربا عمل کرده و آن ها را جذب یکدیگر می کند. مثلاً از نظر روانی یک انسان بیش از حد تهاجمی جذب کسی می شود که خونسرد و ملایم باشد و در اثر معاشرت با چنین شخصی خود او هم خونسردتر و ملایم تر می شود. روان شناسان می گویند: «این تفاوت های مکمل که سبب کشش و جذب به طرف شخص دیگر می شود احساس مرموزی را به نام عشق به وجود می آورد.»<sup>۱</sup> عشق اکسیری است که کانون خانواده را به زیباترین جلوه های هستی تبدیل می کند. قرآن کریم وجود عشق در خانواده و بین زن و شوهر را از آیات الهی ذکر کرده که جای اندیشه بسیار دارد آن جا که می فرماید: «و من آیاته... و جعل بینکم مودّه و رحمه»<sup>۲</sup> «و از نشانه ها و آیات الهی.. و این که بین شما رفت و عشق و مهربانی را برقرار کرد.» به راستی که عشق و محبت بین دو انسان با دو تربیت و دو فرهنگ و دو جنس از نشانه های عظیم قدرت خداست و انسان با عشق ورزیدن زمینه ی خوشبختی و سعادت را برای خویش فراهم می کند. ویکتور هوگو می گوید: «خوشبخت کسی است که خدا به او دلی بخشیده که شایسته ی عشق و سوز و گداز است.»<sup>۳</sup> واژه ی افسونگر عشق و زن دو یار دیرینه بوده اند که در گفتار و نوشتار اندیشمندان جهان تجلی یافته اند. گلوآزه های «مادر» و «همسر نیک» و «دختران مهربان» همواره یا عشق و محبت تفسیر شده اند و گویا این دو واژه دو روی یک سکه اند. شیلر می گوید: «زن یگانه وجودی است که تنها او حقیقت عشق پاک را می شناسد.»<sup>۴</sup> اکنون که به رابطه وجودی «عشق» و «زن» پی بردیم و دانستیم تفاوت های بین زن و مرد و پذیرش و احترام به آن ها بستر مناسبی برای زندگی عاشقانه فراهم می سازد به کلام حضرت امیر(علیه السلام) باز می گردیم تا از او که خود، امام عشق بوده -----<sup>۱</sup>. زنان، مردان، روابط، ص ۵۴. ۲. سوره روم، آیه ی ۲۴. ۳. چکیده ی اندیشه ها، سید یحیی برقی، ج ۱، ص ۲۵۰. ۴. همان، ج ۲، ص ۲۲۴. تعریف جامع تری را برگیریم. حضرت می فرماید: ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي أَصِطَفَاهُ لِنَفْسِهِ، وَأَصِطَفَعَهُ عَلَى عَيْنِهِ، وَأَصْفَاهُ خَيْرَ خَلْقِهِ، وَأَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ. «سپس آگاه باشید که اسلام آیینی است که خداوند برای خویشتن برگزیده و... و پایه های آن را بر محبت قرار داده است.»<sup>۱</sup> بنابراین سخن آسمانی، محبت پایه و اساس باورها و زندگی انسان است و اگر خانواده بر اساس محبت و عشق بنیان نشده باشد مطلوب نیست. و این محبت با پذیرش تفاوت ها بوجود خواهد آمد. -----



## قضاوت های آزادانه در سایه ی پذیرش تفاوت ها

یکی از عوامل مهم در برقراری روابط مثبت و مناسب میان افراد جامعه مسئله قضاوت های عادلانه است. این نکته از حساس ترین و مهم ترین شئون اجتماعی است. افراد جامعه و به ویژه زن و مرد برای این که به مراحل بالایی از رشد و پویایی برسند و بتوانند یکدیگر را پذیرفته و بستر مناسبی برای ایجاد یک جامعه سالم و زندگی سعادت‌مندانه فراهم کنند، باید بدون هر گونه تنگ نظری و خود بینی به صورت عادلانه و آزادانه در مورد یکدیگر قضاوت کنند. این نوع قضاوت انسان ها بستگی به گرایش های آن ها دارد. از نظر روان شناسی و بر اساس یافته های روان شناسان جدید، انسانها دارای سه تفاوت برجسته هستند برخی عقل گرا بوده و پاره ای دیگر احساس گرا و گروهی هم عمل گرا. برای این که افراد جامعه با وجود این تفاوت های عمده بتوانند در تعاملات اجتماعی موفق بوده و یکدیگر را پذیرفته و برای هموعان خود با توجه به تفاوت آرایش ها، احترام قایل شوند باید این تفاوت ها را بپذیرند و ضرورت وجود آن ها را احساس کنند. اگر پذیرش تفاوت ها صورت نگیرد هرگز یک انسان تحلیل گرا قادر نخواهد بود به طور واقعی با یکی شخص احساساتی رابطه ای دوستانه و نزدیک برقرار کند زیرا او نسبت به افراد احساس گرا قضاوت منفی داشته و نمی تواند آن ها را بپذیرد همانگونه که یک فرد احساساتی قادر به برقراری ارتباط با افراد تحلیل گرا نخواهد شد مگر این که تفاوت ها را بپذیرفته و به آن ها احترام گذارد بنابراین هرگاه این واقعیت مورد پذیرش قرار گرفت که انسان ها با هم تفاوت دارند از بروز قضاوت های نابجا و غیر عادلانه جلوگیری خواهد شد. جان گری می گوید: «عفت اصلی قضاوت های منفی، عدم پذیرش و درک تفاوت هاست. شناخت تفاوت ها بین مردم این امکان را برای ما فراهم می کند که بتوانیم آزادانه قضاوت کنیم.»<sup>۱</sup> در واقع یکی از کلیدهای اصلی در برقراری رابطه ی مثبت و ثمر بخش بین زن و مرد کنار گذاشتن قضاوت های منفی و نابجا است که این موضوع نیز محصول پذیرش تفاوت هاست و اینجاست که نقش پذیرش تفاوت ها را می توان به وضوح دریافت. در دنیای امروز اگرچه طبل و دهل برابرنگری نواخته می شود و تفاوت ها نادیده گرفته شده و پیام های شیرین و زیبای احقاق حقوق زنان، نجات زنان از نابسامانی های اجتماعی و... مطرح می شود ولی راهی که برای رسیدن به این شعارهای زیبا ارائه می شود هم خلاف فطرت و طبیعت زن است و هم با اصول اساسی انسانی مخالفت دارد. آنان که دم از «آندروژین» و دنیای دو جنسیتی می زنند و این را تنها راه رسیدن به حقوق بر باد رفته ی زنان می دانند به آثار سوء روانی و جسمی آن توجه نکرده اند و باید بدانند که در واقع این راه به بیراهه ختم خواهد شد. برخی می نویسند: ----- ۱. زنان مردان، رابطه، ص ۱۴. «دیدگاه های سنتی در روان شناسی این بود که جنسی کردن اشخاص موجبات سازگاری بیش تر انسان ها را فراهم می سازد. منظور از جنسی کردن این است که زنان اختصاصات ویژه زنانگی را کسب کنند و مردان اختصاصات مردانگی را خوشبختانه تحقیقات جدید دیدگاه های سنتی را به حاشیه رانده است. زیرا نتایج کسب شده توسط «ساندرا ب» نشان می دهد که مردان و اشخاص دو جنسیتی در قیاس با زنان زنانه در جنسیت نامتمایز از عزت نفس بیش تری برخوردار هستند... شخص آندروژین در آزمونهای «بم» مستقلانه رفتار کرده است.»<sup>۱</sup> از سوی دیگر در کتاب های فمینیستی دیگر می خوانیم که ایجاد از خود بیگانگی در زن و بخشیدن یک تمدن مردانه به او به وسیله ی حضور ظاهری اش باعث می شود که او خود را در معرض و تیر رس نگاه های تحقیرآمیز مردان دیده و به خویشتن به عنوان میهمان ناخوانده در بازی های مردانه بنگرد و: «این استخفاف و تحقیر و بی توجهی مردان به او که از حالا می خواهد مردانه زندگی کند موجب از خود بیگانگی او می شود. و این وضعیت بر روی ادراکات و قضاوت های زن تأثیر تعیین کننده ای می گذارد.»<sup>۲</sup> با توجه به مطلب فوق می بینیم که علت اصلی و اساسی اختلال های روانی در زنان و در نتیجه قضاوت های نا عادلانه و منفی در مورد مردان ناشی از تحمیل این موضوع است که زنان و مردان هیچ تفاوتی با هم ندارند. عدم پذیرش

تفاوت ها و نقش آن ها در زندگی بشر همیشه موجب سوء قضاوت می شده است. از این رو جان گری می گوید: «هرگاه موفق به درک و فهم تفاوت های خود شویم و احساسات و تفکرات و خواسته های خود را با موفقیت به بحث و گفتگو بگذاریم آنگاه ---

----- ۱. روان شناسی زنان، ژانت هاید، ص ۱۰۰ و ۱۰۱. ۲. روان شناسی افسردگی زنان، دناکرولی، ص ۱۸۷ و ۱۸۳. (با تلخیص) می توانیم قضاوت های منفی خود را کنار گذاریم» ۱ دناکرولی که روان شناس و نویسنده ی فمینیست است از مردها با تعبیری مثل، دشمن، متجاوز و... سخن به میان می آورد. به یقین این نگرش منفی در اعمال قضاوت های نابجا و غیر عادلانه در مورد شخصیت مردان تاثیر بسزایی خواهد داشت و طبیعی است زنانی که با نگرش منفی نسبت به مرد قضاوت می کنند در عرصه زندگی خانوادگی و زناشویی موفق نبوده و با مشکلات فراوانی مواجه خواهند شد. نمونه بارز تاثیر نگرش های منفی و در نتیجه قضاوت های نادرست درباره ی مردان و بحران های خانوادگی خانم «هریت تیلور» است که از نظریه پردازان نهضت اجتماعی فمینیست بوده و همسر استوارت میل که خود یکی از حامیان این نهضت است می باشد. خانم هریت تیلور پس از استوارت میل دوبار دیگر ازدواج کرده و در زندگی با شکست مواجه شده و منجر به طلاق گردیده است. بدیهی است که در چنین مواردی قضاوت های منفی نسبت به طرف مقابل، ریشه اولیه اختلافات خانوادگی است. برای تأیید این سخن می توان به قضاوت های برخی از نویسندگان فمینیستی نسبت به مردان توجه کرد. به همین جهت نظریه پردازان و اندیشمندان علم روان شناسی و هم چنین کارشناسان امور خانواده بر این باور هستند که یکی از عوامل آسیب زا در بنای خانواده قضاوت های منفی زن نسبت به شوهر و یا بر عکسی است زیرا همانگونه که رفتارها باعث آزردهی می شوند احساسات و تفکرات و باورهای افراد نیز موجب آزار و اذیت می شوند. آن ها معتقدند هر قدر فرد گرمی تر و عزیزتر باشد به همان اندازه بیش تر تحت تاثیر قضاوت های او قرار می گیریم اگر به کسی خیلی وابستگی داشته باشیم تاثیر ما روی تفکرات و احساسات او افزایش می یابد و مسیر قضاوت های او را تغییر می دهد. ----- ۱. زنان، مردان، روا بط، ص ۵۸ برای مثال وقتی قضاوت زن در مورد همسرش این باشد که شوهرش او را دوست ندارد و به او توجه نمی کند، مرد مهیا می شود که در فرصت کوتاهی این صفات منفی را از خود نشان دهد. اگر زنی به صورت پنهانی احساس کند که شوهرش او را دوست نداشته و به او توجه نمی کند، آنگاه مرد واکنشی شدیدتر نسبت به دوست نداشتن همسرش از خود نشان می دهد. خلاصه آن که واکنش دوست داشتن و یا نداشتن زن از سوی همسرش در سایه قضاوت های مثبت یا منفی خود زن است. از این رو متفکران و اندیشمندان بر نقش پذیرش تفاوت ها در مسئله قضاوت و هم چنین تاثیر قضاوت ها در رفتار تأکید فراوانی دارند. مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) در نامه ای به امام حسن مجتبی، فرزند بزرگوار خویش می نویسد: **وَإِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ، وَالْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ.** «ببرهیز از غیرت نشان دادن بیجا که درستکار را به بیمار دلی. و پاکدامن را به بدگمانی رساند.» ۱ در این سخنان آسمانزاد حضرت امیر (علیه السلام) چه زیبا بر تاثیر تفکرات و احساسات شوهر بر زن اشاره کرده و بیان می کنند که قضاوت و بدگمانی همسر می تواند در زن شایسته و پاکدامن تاثیر منفی گذاشته و اندیشه عمل ناشایست را در او ایجاد کند و سپس حضرت برای رفع این ناهنجاری روانی و رفتاری مردان را از غیرت نابجا و افراطی و هرگونه رفتار غیر متعادل نهی می فرمایند تا زندگی سعادت مندانه و عاشقانه ای. را برای زن و شوهر و همه شیعیان خویش تضمین کنند. به هر روی قضاوت های منفی خواه پنهان و خواه آشکارا، عامل اساسی در بروز اختلافات و ایجاد بی علاقگی بین همسران می شود و برای از بین بردن این قضاوت های منفی باید تفاوت ها را شناخته و بپذیریم. ----- ۱. نهج البلاغه، نامه ی ۳۱/۱۱۹.

## تفاوت ها و شادی آفرینی در زندگی

یکی از آثار مهم تفاوت ها و احترام به آن ها ایجاد شور و هیجان در زندگی مشترک است. شادی و نشاط خانوادگی آنگاه ایجاد

می شود که زن و شوهر تفاوت های یکدیگر را پذیرا بوده و به آن ها احترام گذاشته و مهمتر از همه در صدد شناخت بیش تر آن ها برآیند. گفتنی است که این قاعده در همه گروه های زنان و مردان قابل اجراست از این رو جان گری می گوید: «هنگامی که زنان و مردان خیلی شبیه یکدیگر شوند آن جاذبه ی مرموز را از دست می دهند. زندگی کردن با شخصی که مثل خودمان است بسیار خسته کننده می باشد.»<sup>۱</sup> روان شناسان بر این باور هستند که زنان و مردان دارای دو بخش زنانه و مردانه هستند که بخش زنانه در مردان توسعه نیافته است و بخش مردانه در زنان. یکی از مهمترین دلایل کشش و جاذبه موجود بین زن و مرد وجود بخش های توسعه نیافته در آنان است. به عبارت دیگر مردان با خصلت مردانه ی خود موجب کمال بخش توسعه نیافته مردانه در زنان می شوند و برعکس، آن ها می گویند: «آقای تام» که سرد و کناره گیر است ناخودآگاه به طرف خانم «جین» که گرم و احساساتی است جذب می شود. زیرا جین کیفیت های توسعه نیافته ی بخشی زنانه ی تام را بازتاب می دهد. تام با دوست داشتن جین احساسات و گرمی درونی خود را کشف کرده و سردی و انزواطلبی را متعادل می سازد. تام با پیوند خوردن با جین لذت زیادی از زندگی می برد. او با عشق ورزیدن به همسری که متفاوت با او می باشد ولی بازتاب دهنده بخش از وجود خودش است اکسیر لذت را که فقط در یک رابطه ی زناشویی پر شور و هیجان حاصل می شود به دست می آورد.» قابل توجه است که مردان با پذیرش کیفیت های زنانه و عشق ورزیدن و احترام به آن ها برای زنان دوست داشتنی تر می شوند و اینجاست که زن احساس می کند و حتی در می یابد که همسرش او را تنها برای خودش دوست دارد نه برای این که امور منزل را به عهده دارد و یا فرزندان او را نگاهداری می کند و این احساس موجب نشاط و شادمانی در وجود زن می شود. -----<sup>۱</sup> زنان و مردان. ص ۸۶ نزدیک شدن زن و مرد به یکدیگر باعث می شود که هر یک صفات توسعه نیافته ی خود را دریابند مردان با وجود این که هنوز خشن و قدرتمند و مصمم هستند اما به علت ارتباط با زنان ظریف و لطیف، نوعی ظرافت و لطافت روحی و روانی در آن ها ایجاد می شود. بنابر نظر روان شناسان ویژگی های هر یک دیگری را تعدیل می کند یعنی: «سردی مرد با گرمی زن متعادل می شود و تهاجمی بودنش با کیفیت همسازی همسرش و قاطعیت او با انتقادپذیری زن و قدرتش با عشق زن متوازن می گردد.»<sup>۱</sup> این عشق و شادی و هیجان در زندگی خانوادگی در سایه ی پذیرش تفاوت ها به وجود خواهد آمد و تعادل که آرزوی دیرینه بشر بوده و راهی است به سوی تکامل و بالندگی نیز در پی این زندگی عاشقانه و شادمانی عارفانه به وجود خواهد آمد. حضرت علی (علیه السلام) این نشاط و شادمانی و زندگی پرشور خود و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را اینگونه در قالب شعر بیان می کند: کُنَّا كُرُوجَ حَمَامَةٍ فِي إِيْكَ مُتَمَتِّعِينَ بِصَحَّةٍ وَ شَبَابٍ . «ما (من و تو) همانند دو کبوتر بودیم در یک آشیانه که از نشاط و سلامتی و جوانی بهره می بردیم.»<sup>۲</sup> با اندک توجهی در سیره ی عملی حضرت علی (علیه السلام) در می یابیم که شادی و نشاط در زندگی مشترک آن حضرت و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اندازه ای است که امام علی (علیه السلام) هرگاه وارد خانه می شد و به فاطمه (سلام الله علیها) نگریست با نگاه به او تمامی رنج های خود را از یاد می برد و هرگاه به خانه می آمد و زهرا را نمی یافت غم بر سینه اش سنگینی می کرد و بر او بسیار سخت می گذشت.<sup>۳</sup> -----<sup>۱</sup> زنان، مردان، روا بط، ص ۸۸. <sup>۲</sup> بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷. ر. ک بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴. <sup>۳</sup> همسران، زندگی الگوی بالندگی، احمد لقمانی، ص ۵۵.

### پذیرش تفاوت ها و حل مشکلات

توجه به تفاوت ها و شناخت آن ها و احترام به تفاوت های موجود بین زن و مرد باعث حل بسیاری از مشکلات چه در محدوده ی خانواده و چه در جامعه خواهد شد. بروز بسیاری از مشکلات، ناشی از عدم درک و شناخت تفاوت ها و مهم تر از آن عدم پذیرش آن هاست. به عبارت دیگر اگر افراد نسبت به تفاوت های خود آگاهی نداشته باشند این تفاوت به صورت نواقص و معایب در می

آید. برای مثال مردان اگر به تفاوت های بین زن و مرد توجه نداشته باشند همسران خود را موجوداتی احساساتی دانسته و عواطف و احساسات آن ها که بزرگترین سرمایه ی خدادادی است محترم نشمرده و همین مسئله موجب اختلاف و بروز مشکلات در زمینه ی ارتباط آن ها می شود. عکس این قضیه نیز صادق است یعنی زنان اگر به تفاوت های خود با همسرانشان توجه نداشته و آگاهی لازم را کسب نکنند، همسر خود را موجودی خودخواه مغرور و سرسخت تلقی کرده و این قضاوت های نابجا و منفی موجب سرد شدن کانون خانواده شدن و اختلافهای بسیاری به وجود خواهد آورد. آنگاه که مرد و زن در صدد حل مشکلات و مسایل بر می آیند اگر به وجود تفاوت ها و ضرورت وجود آن ها دقت نکرده و در پی قضاوت های برابر نگرانه باشند نه تنها مشکل آن ها حل نمی شود بلکه شاهد تولد شوم مشکلات جدید نیز خواهند شد. به راستی اگر می دانستیم که عدم شناخت تفاوت های بین زن و مرد چگونه می تواند مشکلات بغرنجی را به وجود آورد و با دانستن و درک این تفاوت ها زنان و مردان می توانند راه حل های جدیدی را در مسایل و جدال های قدیمی خود پیداکنند نسبت به این مسئله اهتمام بیش تری می ورزیدیم. اگر مرد با گوش کردن به حرف های همسرش و شناختن و درک احساسات او، وی را یاری داده و زن نیز تفاوت های موجود بین خود و شوهرش را درک کند و بپذیرد که مردان برای تدبیر در امور خانواده متمرکز شده و نسبت به مشکلات زندگی شیوه ای غیر از زنان دارند که تحت تأثیر واکنش های مردانه شوهرش قرار گرفته و بسیاری از ناکامی های خانوادگی در نطفه خفه می شد. اگر زن می فهمید که مردها آنگاه که تحت فشار و تنش روحی هستند برای سلامتی روانی خانواده و به ویژه همسرشان سکوت اختیار کرده و کناره گیری می کنند، هرگز لبه ی تیز اعتراض خود را به سوی سکوت همسر نشانه نمی گرفت. از طرفی اگر مرد در این مواقع حساس می توانست رفتار و یا گفتار خود به همسرش اطمینان دهد که او را دوست دارد بسیاری از اختلاف ها حل می شد. زن، اگر می دانست که باید بدون آزرده شدن خواسته هایش را مطرح کند تا مرد بفهمد و اگر مرد می فهمید که زن تا مرحله ی فرسودگی از خودمایه می گذارد، دیگر او را پر توقع نمی دانست، بلکه با دلسوزی حرف های او را گوش می کرد و این گفت و شنود رنگ سبز تفاهم و دوستی را به زندگی آن ها می بخشید. جان گری روان شناس مشهور معاصر می گوید: «اگر فقط تفاوت ها را می دانستیم و به آن ها احترام می گذاشتیم در این صورت بسیاری از مسایل و مشکلات ما حل می شد.»<sup>۱</sup> بنابراین با درک تفاوت ها و مثبت دیدن آن ها بسیاری از مشاجره های خانوادگی حل خواهد شد. برخی برای حل مشکلات و مشاجره ها راهکارهایی را ذکر کرده اند که پذیرش تفاوت ها به عنوان اولین راهکار در پیشنهادهای آن ها آورده شده است. خانم سوزان کویلیام می نویسد: «برای حل مشکل مشاجره در درجه ی اول باید خودتان تغییر کنید، در این صورت تفاوت های بین خود و همسرتان را مثبت خواهید دید نه تنش آفرین. چون زوج هایی که با هم تفاوت دارند توانایی بیش تری برای ایثار دارند. به عقاید یکدیگر احترام گذارید و...»<sup>۲</sup>

-----  
۱. زنان، مردان، روابط، جان گری، ص ۴۴. ۲. در پناه یکدیگر: سوزان کرلیام، فرشته صالحی، ص ۳۳۳ نتیجه ی کلام آن چه از مطالب پیش یاد شده نتیجه می گیریم این است که با پذیرش تفاوت ها و احترام به آن ها، حدود و مرزها رفتار افراد مشخص می شود و هرگز زن و مرد انتظار رفتاری شبیه به خود را از دیگری نخواهند داشت و در صورتی که با برخوردی متفاوت با خود مواجه شدند آن را تحقیر خواهند کرد. بسیاری از مشاجرات خانوادگی ناشی از همین انتظارات بی جاست. زمانی که مرد به تفاوت های بین خود و همسرش توجه نداشته باشد در موقعیت های گوناگون انتظار برخوردهایی شبیه خود مثل سکوت، درون نگری، توجه به منافع خود و... را دارد در حالی که این ویژگی های رفتاری اختصاص به مردان دارد و زنان چه در وضعیت شاد و چه در موقعیت های غمگین هرگز میل به سکوت ندارند و به صحبت کردن تمایل بیش تری دارند. در صورتی که این تفاوت در رفتارها پذیرفته نشده باشد مرد یا زن از طرف مقابل خود رفتار غیر منتظره که البته موافق با طبیعت خود شخص هست ولی با انتظار همسرش مخالفت دارد می بیند و برای اعتراض به این رفتار غیر متوقع با او برخوردی تنش زا و مشاجره آمیز خواهد داشت و به این ترتیب مشکلات خانوادگی اوج می گیرد. بنابراین قدم اول برای ایجاد یک خانواده ی سالم و به دور از مشکلات و دعواها و

مشاجرات، آگاهی از تفاوت های بیت زن و مرد است و سپس پذیرش این تفاوت ها و لازم دانستن و احترام به آن ها از قدم های بعدی است.

### پذیرش تفاوت ها و ایجاد جاذبه ی دو سویه

تفاوت های ذاتی بین زن و مرد موجب خلق جاذبه از سوی طرفین می شود. به این معنا که انسان ها بر اساس حس تنوع طلبی خویش همواره به دنبال پدیده های جدید، نو و جذاب هستند. حالت های ویژه ی زنانه برای مردان از پدیده های نو و جذاب است که موجب ایجاد گرایش به سوی او می شود و ویژگی خاص مردانه نیز مورد توجه زنان قرار می گیرد. شهید مطهر متفکر شهید می گوید: «زن از مرد شجاعت و دلیری می خواهد و مرد از زن زیبایی و دلربایی به همان اندازه که برای زن صفتی شایسته و خوب است برای مرد مذموم و نامتناسب است. زنان همواره به شجاعت و بی باکی و قدرت مردان توجه دارند نه دلبری و دلربایی آنان. همانگونه که مردان هرگز از زن شجاعت نمی طلبند. ولتر می نویسد: «تمام استدلال های عقلی مرد با یک عاطفه ی زن برابری نمی کند.»<sup>۲</sup> این سخن بیانگر جاذبه و نیروی سحرآمیزی است که در سایه تفاوت ها ایجاد می شود. مرد که خود مظهر تعقل و استدلال است از عظمت و آثار عاطفه سخن می گوید و این برخاسته از همان جاذبه ای است که زن و مرد نسبت به یکدیگر دارند. ژان کونیسی آدامس آنگاه که از زن می گوید به این تفاوت ها و جاذبه ی حاصل از آن توجه دارد. او می گوید: «در آرزوی همسری مهربان با طبع لطیف هستم که با سر پنجه ی عطف و محبت خویش غبار ملامت زندگی پر از رنج و غم را از لوح دل من بزداید.»<sup>۳</sup> این که یک سوی قضیه فردی عقل گرا باشد و سوی دیگر فردی احساس گرا و هر دو به تفاوت های موجود بین زن و مرد آگاهی داشته و آن ها را پذیرا باشند و به این تفاوت ها احترام گذارند، جاذبه ای ایجاد می کند که تا یک عمر دو انسان را با دو سلیقه و از دو خانواده و با دو نوع تربیت و فرهنگ در کنار یکدیگر نگاه می دارد. -----

--- ۱. نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص ۱۶۲. ۲. لذات فلسفه، ویل دورانت، عباس زریاب، ص ۱۲۷. ۳. زن در عصر جدید، اوریزان مادرن ص ۱۶۴. جاذبه موجود بین زن و مرد را نمی توان به عنوان یک امر قرار دادی و اعتباری تلقی کرد بلکه باید زمینه های آن را در طبیعت و سرشت زن و مرد جستجو کرد. نکته قابل توجه این است که عالم هستی بر اساس جذب و تذابذ خلق شده است. یعنی در تمامی آثار خلقت می توان رد پای جاذبه را دید برای مثال حتی اتم (ATOMS) هم مرکب از دو بخش نا همجنس و متفاوت یعنی الکترون و هسته است. الکترون که دارای بار منفی است روی مدار خاصی به دور هسته مرکزی می چرخد و هسته که بار الکتریکی مثبت دارد و در محیط اطراف خود نیروی جاذبه ایجاد می کند، الکترون را در مدار خود نگاه می دارد و در نتیجه اتم با دو بار الکتریکی مثبت و منفی منشأ اثر می شود. در منظومه ی شمسی شاهد این جذب و انجذاب هستیم و در واقع اصل جاذبه در همه ی مظاهر هستی وجود دارد. زن و مرد نیز با توجه به تفاوت های روحی، روانی و جسمی دارای بارهای متفاوت هستند یکی مایه سکونت است دیگری قیومت دارد یکی آرام است دیگری پرخاشگر یکی متمرکز است و دیگری دارای دید گسترده و باز و... با اذعان می توان گفت: «این که مرد بر مدار خانواده می چرخد و برای آسایش و رفاه زن و فرزندش از هیچ تلاشی دریغ نمی ورزد به خاطر نیروی جاذبه ای است که زن با مهر و محبت و عشق ایجاد می کند. زنان هسته ی مرکزی خانواده و مصداق (لنسکونا الیها) بوده و مردان نیز با این جذب و کشش براساس وظیفه ی (قوامون علی النساء) بر گرد این محور مقدس می چرخند.» برخی می نویسند: «اگر مرد خود را برای به دست آوردن زر به رنج می اندازد فقط برای آن است که آن را به پای زن بریزد یا فدای کودکانی سازد که او برایش می آورد.»<sup>۱</sup> پیش از این گفتیم که جذب و انجذاب در زن و مرد که یکی از نقش های ----- ۱. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۵، ص ۶۱۵. حساس در زندگی را دارد و حاصل پذیرش تفاوت ها و احترام به آن هاست ریشه در طبیعت زن و مرد دارد. روان شناسان با توجه به این جاذبه طبیعی در پی یافتن علت زیستی

آن بر آمدند و نتایج بسیار جالبی را بدست آورده اند. آن ها می نویسند: «فشر ردپای زیستی- بیولوژی عشق را دنبال می کند و آغاز آن را با تجربه ی مجذوب کننده ای در رایحه ی زیربغل یک مرد می بیند. محققان از داوطلبین مرد تقاضا می کنند که عرق گیرهایی را در زیر بغل خود جای دهند و بعد به جمع آوری آن ها پرداختند. سپس با استفاده از الکل عرق بالشتک های عرق گیرها را استخراج نمودند و اکسیر باقیمانده بدون بو را آهسته به زیر بینی داوطلبان زن بردند. این اکسیر مردانه چرخش عادت ماهیانه را در زنانی که از حد متعارف طولانی تر یا کوتاهتر بود منظم می سازد. درست مانند آمیب هایی که در جهت منابع غذایی کشانده می شوند، زنان نیز احتمالاً ناخودآگاه به دلیل نیاز فیزیکی در جهت داشتن عادت ماهیانه ی طبیعی به طرف مردان جذب می شوند.»<sup>۱</sup> محققان بر این باور هستند. که بوی تن یک مرد نقش مهمی در پیدا کردن جفت بازی می کند و در واقع عامل بوی خاص و صدا برای جذب جنس مخالف بسیار مؤثر است. بنابراین تفاوت زن و مرد و جاذبه ی حاصل از آن در خصوصیات فیزیولوژیکی بدن زن و مرد نهاده شده است و این از اسرار شگفت انگیز خلقت است. این حالت جذب و انجذاب در حیوانات نیز وجود دارد و جفتگیری ها بر اساس همین جاذبه ی طبیعی و فطری صورت می گیرد. در این مورد می نویسند: «صدای خوش آهنگ و بوی دلپذیر علائم قوی جفت گیری را به سیستم لیمبیک می فرستد، جایی که یک فرستنده عصبی به نام (فنی لی تی لامین) یا (پی-ای-۱) به فعالیت می پردازد و احساس شیفتگی جان می گیرد. در این لحظه دختر تمام قوای منطقی و عقلانی خود را ----- ۱. ر. ک جلوه های زندگی یک زن، ص ۱۰۵. نادیده می گیرد و عشق تو به سراغش می آید.»<sup>۱</sup> در این حالت است که زن و مرد تلخی ها و شیرینی های روزگار را و درد و غم آن را با هم به دوش کشیده و نسبت به یکدیگر تا سر حد جان ایثار و فداکاری می کنند. نکته قابل ذکر این است که جاذبه ناشی از تفاوت ها امری انکارناپذیر است. اما اگر خانواده های نا موفق دیده می شوند که در انتها به طلاق و جدایی و یا تحمل زندگی بدون عشق محکوم می شوند هرگونه خدشه ای به این اصل طبیعی وارد نمی شود زیرا با اندک تحقیق و بررسی می بینیم که آن ها تفاوت ها را نپذیرفته اند و یا پذیرفته اند ولی آن ها را نشناخته و به آن ها احترام نمی گذارند از این رو هر فردی دوست دارد و انتظار دارد که طرف دیگر چنان او بیاندیشد و احساس همانند وی داشته باشد. این خانواده ها از سرمایه الهی جاذبه بین زن و مرد به علت وجود تفاوت ها استفاده نکرده و به بن بست روانی می رسند. خانم کویلیام می گوید: «تفاوت ها در قلب مشکلات زناشویی قرار دارند اما اغلب همین تفاوت ها بودند که اولین بار باعث آشنایی شما شدند.»<sup>۲</sup> وجود جاذبه ها تحمل مشکلات زندگی را آسان می کند و انسان می تواند در سخت ترین موقعیت ها پایه های زندگی مشترک خود را محکم نگاه دارد و پیشوایان دینی ما زیباترین تصویر را از این نقش جاذبه ی الهی در زندگی رسم می کنند. آن جا که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در پاسخ پدر که می پرسد فاطمه جان در چه حالی به سر میبری؟ می گوید: *حَالُنَا كَمَا تَرَى فِي كِسَاءٍ نَضِيفُهُ تَحْتَنَا وَنَضِيفُهُ فَوْقَنَا* <sup>۳</sup> «حال و وضع ما همین است که می نگرید. با عبائی زندگی می کنیم که نصف آن فرش زیر ماست و بر روی آن می نشینیم و (هم روانداز ما است که) نصف آن را بر روی خود می کشیم.»<sup>۴</sup> به یقین آنگاه که جاذبه ای طبیعی در خانواده موجود باشد در عین حال که مشکلات مادی، بیماری و... وجود داشته باشد امیا گوارایی و آرامش روانی در زندگی احساس می شود. ----- ۱. جلوه های زندگی یک زن، ص ۱۵۵. ۲. در پناه یکدیگر، ص ۱۷۱. ۳. علی بن شبلی عن ظفر حمدون عن ابراهیم بن اسحاق عن عبدالله ابن حماد عن صباح المزنی عن الحازث بن حصیره عن الأصبع بن نباته عن علی (علیه السلام) قال... ۴. نهج الحیاء، حدیث ۱۸۵.

### پذیرش تفاوت ها و آرامش روانی

یکی از مهمترین دستاوردهای پذیرش تفاوت ها ایجاد آرامش روانی بین زن و مرد است. آرامش روحی و روانی یکی از اید آل های بشر از ابتدای خلقت تا کنون بوده است. حتی کسانی که برای رسیدن به مظاهر مادی از ارزش ها گذشته و دچار فساد اخلاقی

و عملی می شوند در پاسخ به این پرسش که چرا چنین یا چنان کردید؟ می گویند: «برای رسیدن به آرامش و راحتی.» زن مایه ی آرامش مرد است و مرد نیز آرامش دهنده ی زن است در صورتی که تفاوت های یکدیگر در خلقت و روان را پذیرفته و با توجه به آن ها به یکدیگر بنگرند. حضرت آیت الله جوادی آملی می فرماید: «راز اصیل آفرینش زن چیزی غیر از گرایش غریزی و اطفاء نائره شهوت خواهد بود که خداوند از آن خبر می دهد. قرآن کریم در سوره ی روم آیه ی ۳۱ و سوره اعراف آیه ی ۱۸۹ آرامش زن و مرد را بیان کرده و اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده است و او را در این امر روانی اصل دانسته و مرد را مجذوب مهر زن معرفی می کند. ضمن آن که حقیقت هر دو را یک گوهر دانسته و هیچ امتیازی از لحاظ مبدأ قابل آفرینش بین آن ها قائل نیست. هُوَالذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکن الیها.» ۲ مرد نیاز به انیس و همدل و همراه دارد و زن بهترین انیس اوست که می تواند با مهر و عشق و عاطفه مرد را در مدار محبت خویش حفظ کند و او را از نظر روانی آرام و قرار دهد. این آرامش که ودیعه ای است الهی در زندگانی اولیاء دین مشاهده می شود به گونه ای که می بینیم حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «زهرا (علیها السلام) مایه ی آرامش من بود.» و این آرامش در سایه عمل به وظایف شخصی آن دو بزرگوار بوده است و این که هر یک در صدد انجام اموری بوده که با طبیعت و سرشت او سازگاری داشته است. -----  
 ۲. زن در آینه ی جلال و جمال، ص ۳۸.

### نقش تفاوت ها و ایجاد تعادل

می دانیم که یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در تنظیم زندگی بشر به سوی رشد و تعالی، اصل تعادل است. جوامعی که از جاده ی تعادل خارج می شوند در پرتگاه افراط یا تفریط خواهند افتاد. متأسفانه امروزه در جامعه مدرن، ما شاهد کم رنگ و یا بی رنگ شدن این اصل در جامعه هستیم. از این رو ریشه بسیاری از اختلالات روانی را می توان در عدم رعایت اصل تعادل جویا شد و مهم تر این که در طول تاریخ مشکلات و نابسامانی هایی که دامنگیر زنان می شده است ریشه در همین مطلب داشته است یعنی عدم تعادل و ناهماهنگی در عناصر فکری و رفتاری. نظریه های روان شناختی و روان شناسی خانواده گویای این واقعیت هستند که برای رسیدن به تعادل روانی چه در عرصه خانوادگی و چه اجتماع کلان و برای گریز از حالات افراطی، مردان نیاز دارند که در کنار زنان قرار گیرند و خود را متعادل سازند و زنان نیز برای ایجاد تعادل نیاز به وجود مردان دارند، زیرا بدون ترکیب دو نیروی زنانه و مردانه امکان دسترسی به شخصیت حقیقی وجود ندارد در واقع انسان کامل در سایه ایجاد تعادل به وجود خواهد آمد و تعادل نیز مرهون پیوند دو نیروی متفاوت بزرگ انسانی، زن و مرد، است. آن ها بر این باور هستند که مرد در حالت مردانه مغرور خود محور و خودخواه به نظر می رسد و متمرکز به نیازمندی های دیگران نیست، اما زن در حالت زنانه بیش از حد به فکر دیگران است و عموماً خود را فراموش کرده و به دیگران می اندیشد و نسبت به آن ها احساس مسئولیت می کند. اینگونه افراط و تفریط ها در سراسر وجود زن و مرد بوده و هست و تنها راه گریز از این پرتگاه افراط و تفریط رسیدن به تعادل روانی است. به تعبیر دیگر جذب کیفیت روانی مردانه- به صورت طبیعی و فطری- به سوی کیفیت های زنانه عامل ایجاد تعادل است و این یکی از اسرار آمیزترین شاهکارهای خلقت به حساب می آید که جذب و انجذاب مرد و زن موجب تعدیل رفتار و روان و خواسته ها و واکنش های آن ها می شود. نگرش ها، گرایش ها، و کنش های افراد با هم ارتباطی عمیق دارند و زن و مرد اگرچه در این سه بعد تفاوت های مبنایی دارند ولی با پیوند و جذب بین آن دو در هر سه حالت نوعی تعدیل ایجاد خواهد شد و این تعادل نیز با توجه به پذیرش تفاوت ها و باورداشت نقش آن ها در زندگی انسان ها میسر خواهد شد. اگر این اصل مهم و اساسی نادیده انگاشته شود به یقین جامعه انسانی به سوی هلاکت پیش خواهد رفت. جان گری می گوید: «با عشق و ورزی و احترام گذاشتن به تفاوت های طبیعی خودمان متعادل می شویم.» ۱ او در این رابطه می نویسد: «در مجموع باید گفت سردی وجود مرد یا گرمی زن متعادل می شود و حالت

تهاجمی او با کیفیت همسازی زن و قاطعیتش با انتقاد پذیری او و قدرت مرد با عشق زن متوازن و متعادل می گردد. در واقع وجود همین تفاوت های بین زن و مرد آنان را به سوی یکدیگر جذب می کند و در آن ها تعادل روانی ایجاد می کند. بدون وجود این تفاوت ها نه پیوندی ایجاد می گردد و نه یکدلی و صمیمیت و انتهای ----- ۱. زنان، مردان. روابط، ص ۸۵. این جاده سخت و ناهموار نیز یا پرتگاه افراط است و یا تفریط. «در نهج البلاغه به اصل تعادل اهمیت زیادی داده شده است و نه تنها در سخنان و نامه های سراسر نورانی حضرت که در سیره و عمل ایشان می توان جای پای تعادل را مشاهده کرد. حضرت، عدم برقراری تعادل را نشانه جهل دانسته و شیعیان را از افراط و تفریط بر حذر می دارد. زنان و مردان دارای بخش های زنانه و مردانه هستند که تأمین کننده ی رفتار آن ها نسبت به خودشان و دیگران است. با شناخت تفاوت ها در بخش های دوگانه که در وجود زن و مرد قرار داده شده است حالت تعادل برقرار خواهد شد. جان گری می گوید: «صرف نظر از این که مرد یا زن باشید در روابط زندگی خود جهت دستیابی به عشق و علاقه و مهر و محبت و در نتیجه یک زندگی خوشبخت باید بخش زنانه و مردانه ی خود را به حالت تعادل در آورید. زمانی که هر دو جنس بتوانند درایت و هوشیاری متمرکز و درایت و هوشیاری باز و گسترده خود را متعادل سازند موفق خواهند بود.» ۱ روان شناسان بر این باور هستند که برای ایجاد تعادل مرد و زن باید هر دو بخش زنانگی و مردانگی خود را درک کرده و بپذیرند و به آن ها احترام گذارند. بازتاب توازن و تعادل بین نیروهای مردانه و زنانه زن و مرد در جنبه های گوناگون زندگی آن ها مشاهده می شود و بسیاری از مشکلات تربیتی اخلاقی و روانی به این وسیله حل می گردد و در حقیقت بدون ترکیب نیروهای زنانه و مردانه زندگی بشر مختل خواهد شد. برای مثال مردان درون گرا هستند و به سکوت گرایش بیش تری دارند و این خصلت مردانه آنان است. از طرفی در وجود آن ها بخش زنانه ای وجود دارد که توسعه نیافته است و به شکل اولیه خود باقی مانده است. حضور یک زن با ویژگی های زنانه که عبارت است از دید گسترده و باز و گرایش به سخن گفتن که ----- ۱. زنان، مردان، روابط، ص ۲۶۵. در واقع بازتاب بخشهای توسعه نیافته مرد خواهد بود بین بخش توسعه یافته مردانه ی مرد و بخش توسعه نیافته زنانه ی او تعدیل ایجاد خواهد کرد و این تعادل و توازن در رفتار مرد تأثیر گذاشته و در ابتدای کار، او را از درون گرایی محض خارج کرده و متوجه مسایل پیرامونش می کند و یا در کنار دید متمرکز تا حدودی هرچند ناچیز باعث گسترده نگری او می گردد. امروزه اندیشه گران به این سخن اذعان دارند که افراط و تفریط در امور فردی، اجتماعی، روانی، اخلاقی، و سیاسی و... چونان دو ویروس خطرناکی است که قدرت تعقل و اندیشه صحیح را از بشر گرفته و موجب سوگیری های غیر منطقی از طرف وی می شود. زیانبار بودن افراط و تفریط با گلوآزه های آسمانی حضرت علی (علیه السلام) بسیار زیبا و منطقی متجلی می شود آن جا که حضرت حالات روانی انسان را کارشناسانه مورد بررسی قرار داده و می فرماید: لَقَدْ عَلِقَ بِنِيَابِ هَذَا الْإِنْسَانِ بَضْعَةٌ هِيَ أَعْجَبُ مِافِيهِ: وَذَلِكَ الْقَلْبُ. وَذَلِكَ أَنَّ لَهُ مَوَادَّ مِنَ الْحِكْمَةِ وَأَضْدَادًا مِنْ خِلَافِهَا؛ فَإِنْ سَنَّحَ لَهُ الرَّجَاءَ أَذَلَّهُ الطَّمَعُ، وَإِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ، وَإِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ قَتَلَهُ الْأَسْفُ، وَإِنْ عَرَضَ لَهُ الْغَضَبُ اشْتَدَّ بِهِ الْغَيْظُ، وَإِنْ اسْعَدَهُ الرَّضَى نَسِيَ التَّحْفُظَ وَ إِنْ غَالَهُ الْخَوْفُ شَغَلَهُ الْحَذَرُ وَإِنْ اتَّسَعَ لَهُ الْأَمْرُ اشْتَلَبَتْهُ الْعِرَّةُ، وَإِنْ أَفَادَ مَالًا أَطْعَاهُ الْعِنَى، وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَّحَهُ الْجَزَعُ، وَإِنْ عَصَّتْهُ الْقَاقِمَةُ شَغَلَهُ الْبَلَاءُ، وَإِنْ جَهْدَهُ الْجُوعُ قَعِدَ بِهِ الضَّعْفُ، وَإِنْ أَفْرَطَ بِهِ الشَّبَعُ كَطَلَّتْهُ الْبَطْنَةُ. فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهِ مُضَرٌّ، وَكُلُّ إِفْرَاطٍ لَهُ مُفْسِدٌ. «به رگ های درونی انسان پاره گوشتی آویخته که شگرف ترین اعضا درونی اوست، و آن قلب است، چیزهایی از حکمت، و چیزهایی متفاوت با آن، در او وجود دارد. پس اگر در دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند، و اگر طمع بر آن هجوم آورد حرص آن را تباه سازد، و اگر نومیدی بر آن چیره شود، تأسف خوردن آن را از پای در آورد، اگر خشمناک شود کینه توزی آن فزونی یابد و آرام نگیرد، اگر به خشنودی دست یابد، خویشتن داری را از یاد برد، و اگر ترس آن فرا گیرد پرهیز کردن آن را مشغول سازد. و اگر به گشایشی برسد، دچار غفلت زدگی شود، و اگر مالی به دست آورد، بی نیازی آن را به سرکشی کشاند، و اگر مصیبت ناگواری به آن رسد، بی صبری رسوایش کند، و اگر به تهیدستی



مبتلا گردد، بلاها او را مشغول سازد، و اگر گرسنگی بی تابش کند، ناتوانی آن را از پای درآورد، و اگر زیادی سیر شود، سیری آن را زیان رساند، پس هر گونه کُندروی برای آن زیانبار، و هر گونه تندروی برای آن فساد آفرین است.»<sup>۱</sup> در این سخنان عبارت روان شناختی زیبایی به چشم می خورد که برای تفسیر و تبیین آن نیاز به وقت های بسیار و امکانات بیش تری هست و ما به شرح مختصری با توجه به بضاعت ناچیز خویش می پردازیم. حضرت می فرماید: فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِمَضْرُوءٍ وَكُلُّ افْرَاطٍ لَهْ مَفْسَدٌ «و هر گونه کمبود و تفریطی او را زیان می رساند و هر گونه زیادی و افراطی او را فاسد می سازد.» ابن ابی الحدید شارح نهج البلاغه در مورد این حکمت می گوید: «آنگاه (حضرت علی (علیه السّلام)) صفات اخلاقی و غیر آن را می شمارد تا پایان سخن که آن را با جمله ی (پس هر کمبودی (تفریط) مضر است و هر فزونی (افراط) فساد آور است) و ما پیش از این در مورد عدالت سخن گفتیم که درجه ی میانی بین دو رذیله را عدالت (اعتدال) گویند و آن عدالت ----- ۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۰۸. فضیلت است مثل جود و کرم که بین دو رذیله ی اسراف و بخل قرار دارد.»<sup>۱</sup> بنابراین اعتدال و ایجاد تعادل بین نیروها فضیلت است و هر گونه افراط یا تفریط رذیله به شمار می آید و این اعتدال هم در روان آدمی پسندیده است و هم در اجتماع. طبیعی است که امور ایجاد کننده ی تعادل در هستی فراوان است زیرا نظام خلقت یک نظام متعادل بوده و حرکت آن هم در سمت و سوی تعادل بخشی است ولی مهمترین امور برای ایجاد تعادل بین زن و مرد، تفاوت ها و قبول آن ها است که نقش اصلی را به عهده دارند و اگرچه در نگاه اول تهدیدآمیز به نظر می رسند ولی با دقت در عمق تفاوت ها می بینیم که گذرگاه اولیه و اصلی برای رسیدن به تعادل است و شاید به همین علت است که حضرت امیر در نامه خود به امام مجتبی (علیه السّلام) آن حضرت را دعوت به رعایت اعتدال کرده و ایشان را (در واقع مخاطبان عام را) به اجتناب از هر گونه زیاده روی و سختگیری نابجا توصیه می کند. از نظر متخصصان و اندیشمندان روان پژوه، افراط کاری موجب افسردگی می شود و در روابط زناشویی اثرات ناخوشایندی می گذارد. تحقیقات و یافته های علمی نشان می دهد که شیوع افسردگی در زنان بیش تر است یک محقق بزرگ به نام «مایراویزمن» و همکارانش تحقیقی در زمینه ی افسردگی انجام داده اند بنابر تحقیق آن ها زنان ۲۰ تا ۲۶٪ طول عمر خود را در معرض خطر ابتلاء به افسردگی می بینند و میزان بستری شدن زنان افسرده در بیمارستان ۶٪ است در حالی که مردان ۸ تا ۱۲٪ عمرشان در معرض خطر افسردگی است. میزان بستری شدن آن ها هم ۳٪ است. در واقع احتمال ابتلاء به افسردگی در زنان دو برابر مردان است. ۲ علت افزایش میزان افسردگی در زنان را در بحث های آینده خواهیم داشت و اینک به اختصار برخی از نظرها در مورد عدم تعادل و افسردگی و چگونگی آن را ----- ۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۱۸، باب ۱۰۵، ص ۲۷۲. ۲. علل افسردگی، لوئیس فرانکل، شکوه سادات خوانساری نژاد، ص ۱۹-۲۱. پی می گیریم: آنگاه که زن تمام وقت خود را در طول یک روز و روزهای متمادی به گونه ای افراطی صرف انجام کارهای منزل می کند و همیشه احساس قربانی شدن را دارد و مرد این احساسات را بی ارزش دانسته و از فداکاری زن سخنی به میان نمی آورد او را در مقابل خدمت های خالصانه خود سپاسگزار نمی بیند و همین موجب افسردگی او می شود. جان گری می گوید: «زن با انجام خدمات بیش تر و دلسوزی برای همسر و خانواده فکر می کند که موجبات خوشحالی همسر را فراهم می کند از این رو تمام وقت خود را به کار در منزل اختصاص می دهد در حالی که مردها به وسیله ی عشق آرام می شوند و محبت آرامشگر آن ها است نه کار زاید در خانه. در واقع مرد راضی نیست که زن تمام کارهای منزل را انجام دهد و چون زن در قبال تمام فداکاری هایی که برای خشنودی همسر انجام می دهد، او را قدردان این همه زحمات نمی داند افسرده می شود.»<sup>۱</sup> به هر حال افراط در گذران تمام اوقات و صرف آن ها در پرداختن به امور منزل موجب افسردگی می شود زیرا احساس قربانی شدن به زنان دست می دهد. گفتنی است که اینگونه افراط گری ها اگر از سوی مرد هم صورت گیرد و در پایان با قدردانی خانواده مواجه نشود او نیز دچار اختلال روانی و نوعی افسردگی خواهد شد. از این رو حضرت علی (علیه السّلام) در راستای ایجاد تعادل روحی و روانی به یکی از یاران خویش

می فرماید: وَقَالَ (عليه السلام) لبعض اصحابه: لِمَا تَجْعَلُنَّ أَكْثَرَ شَغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَوَلَدِكَ «به برخی از یاران خود فرمود: بیش ترین اوقات زندگی را به زن و فرزندان اختصاص مده». ۲ با تطبیق این سخن نورانی حضرت، افزون بر این که پیام اصلی این حکمت ---  
 ۱. زنان، مردان، روا بط، ص ۵۲. ۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۵۲. توکل به خدا و اتصال و پیوند حقیقی با اوست و دیگر سخنان ایشان که بر خانواده و تعلیم و تربیت تأکید فراوان داشته اند می یابیم که اصل خدمت به خانواده بسیار محترم است اما افراط در صرف عمر و مال و امکانات مورد مذمت قرار می گیرد زیرا همانگونه که در صفحات پیشین ذکر شد افراط فسادآور است. به تعبیر دیگر بیان حکیمانه ی امام (علیه السلام) حکایت از این مسئله دارد که افراط در صرف اوقات برای امور خانه و عدم توجه به نیازها و تمایلات شخصی انسان موجب اختلال روانی می شود، و ارمغان این افراط کسالت و خستگی روحی- روانی است، زیرا انسان موجودی است کمال طلب که همواره در پی رشد و پویایی و تعالی است و اگر تمامی اوقات و سرمایه های خود را برای تدبیر امور منزل به کارگیرد و رشد و تعالی خویشتن را رها سازد دچار نوعی افسردگی و واپس زدگی روانی می شود. حتی در مسایل عبادی نیز که یکی از تجلیات دین باوری است افراط و تفریط می تواند زیان های جبران ناپذیری را برای انسان به دنبال داشته باشد به همین جهت حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: أَلَا وَإِنَّ شَرَّ رِجَالِ الدِّينِ وَاحِدَهُ وَشُبْلَهُ قَاصِدُهُ. مَنْ أَخَذَ بِهَا لِحَقٍّ وَغَيْمٍ، وَمَنْ وَقَفَ عَنْهَا ضَلَّ وَنَدِمَ «آگاه باشید که آبخشورهای دین یکی است و راه های آن هم معتدل و مستقیم و نزدیک است». ۱ و در معرفتی روش و شیوه ی خود در زندگی از اعتدال سخن گفته و می فرماید روش ما اعتدال است. (و طریقتنا القصد) روان شناس ها بر این باور هستند که اگر نیازهای انسان بدون پاسخ بماند آن نیاز در او «تثبیت» می شود و لذا امکان پرداختن به نیازهای دیگر برایش فراهم نمی گردد. حضرت در این توصیه ی حکیمانه خود تأکید دارند که انسان ها به گونه ای اوقات خود را تنظیم کنند که ضمن پرداختن به امور خانواده و اهل خانه، به نیازهای --- ۱. نهج ا البلاغه، خطبه ی ۱۲۰/۲. متعالی خویشتن نیز پرداخته و از ورطه افسردگی و کسالت روانی رهایی یابند. در جای دیگر حضرت امیر (علیه السلام) اهل افراط و تفریط را در زمره ی ستمکاران بر شمرده و می فرماید: «همیشه معتدل و مقتصد باش زیرا آنان که طریق افراط و تفریط را می پیمایند از ستمکاران باشند». ۱ تعادل روانی همواره مورد نظر روان شناسان قدیم و جدید بوده است و در ادبیات و فرهنگ ملی جوامع به ویژه جامعه اسلامی ما سرلوحه مباحث اخلاقی و معرفتی محسوب شده است. همه اخلاق نیکو در «میانه» است که از افراط و تفریطش کرانه است میانه چون صراط مستقیم است زهر دو جانبش قهر جهیم است ظهور نیکویی در اعتدال است عدالت جسم را اقصی الکمال است. ۲ از این رو توصیه می شود که زنان ضمن توجه به نیازهای دیگران به نیازهای خویش نیز توجه داشته باشند و از افراط در دیگرخواهی پرهیزند تا اینگونه سلامت روانی خود را حفظ کنند. خروج از جاده ی اعتدال و میانه روی نمودی از جهل و نادانی است که حضرت علی (علیه السلام) صراحتاً به آن پرداخته و می فرماید: لا تری الجاهل الا مفراطاً او مفرطاً ۳ «همیشه جاهل یا افراط گر است و یا تفریط کننده». برای این که از افراط و تفریط پرهیزیم باید ساعاتی را برای خویشتن قرار داده و به نیازهای شخصی خود پردازیم. --- ۱. چکیده اندیشه ها. ۲. مرحوم شبستری. ۳. نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

## نقش های اجتماعی زنان و تعادل

«نقش اجتماعی» ۴ به معنای برآورده کردن انتظارات اعضاء گروه اجتماعی و یا در واقع به معنی چگونگی عمل کردن به قواعد و هنجارها در یک موقعیت اجتماعی است. کارشناسان علوم اجتماعی نقش را چنین تعریف می کنند: «یک مجموعه از رفتارهای انتظاری مبتنی بر یک مجموعه از هنجارها نمایانگر «نقش اجتماعی» فرد است». ۱ بدیهی است که هر جامعه ای به سوی تقسیم کار پیش رود، نقش ها و موقعیت ها در آن بیشتر تجزیه و تخصصی می شود و این عامل گرچه موجب پیشرفت اقتصادی است اما انسان

ها شخصیتی تک بعدی و تک ساحتی می یابند و به گفته متخصصان جامعه به یک «انبوه تنها» تبدیل می گردند و خوشبختی فردی که عنصر مهم آن احساس موفقیت است با خطر جدی روبرو می گردد. ۲. پس برای جلوگیری از بیماری های روانی اجتماعی و برای تقویت احساس موفقیت، باید از یک انسان تک ساحتی به سوی یک انسان چند ساحتی و دارای نقش های مختلف حرکت کرد. شاید راز این که دختران و پسران با ازدواج به سوی تکامل پیش می روند و کامل می شوند همین تعدد نقش ها مثل نقش همسری، نقش مادری و پدری است. البته نکته ی مهم این است که این نقش ها باید ساده بوده و نیازمند رفتارهای متفاوت زیادی نباشند و متناسب با طبیعت و سرشت فرد هم باشند برای مثال یک زن اگر از سویی نقش همسر و مادر را دارا باشد و از سوی دیگر نقش محصل و دانشجو در یک مجتمع آموزشی و معلم در مجتمع دیگر و برخی اوقات هم به عنوان فروشنده در یک فروشگاه کار کند، دچار مشکل می شود. فرد در چنین شرایطی به علت داشتن نقش های متفاوت و عدم تعادل بین آن ها با فشار روانی ناشی از نقش های گوناگون مواجه می شود. اینجاست که فسادانگیزی افراط و تفریط در امور که حضرت امیر(علیه السلام) می فرماید خود را می نمایاند. در واقع هم تک ساحتی بودن و هم چند ساحتی بودن و چند بعد متفاوت- که ملازم رفتارهای بسیار متفاوت است- داشتن فسادآور خواهد بود. خانم ماربل مورگان می گوید: «زن کامل زنی است که در برنامه ریزی روزانه ی خود ساعتی را **Social role** ۱.۴. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، ص ۴۱۴. ۲. مفاهیم و کاربرهای جامعه شناسی، جانانان، اچ. ترنر، محمد فولادی، ص ۱۰۶. اختصاص به پرداختن به نیازهای خود مثل استراحت، ورزش، مطالعه ی روزنامه و خواندن دعا و کتاب مقدس و... دهد.» ۱. بحث تعادل و دوری از افراط و تفریط همواره مورد نظر اندیشه گران بوده است و در سخنان گهربار امامان نیز تأکید فراوانی در این مورد دیده می شود در دیوان منسوب به حضرت علی (علیه السلام) شعر بسیار زیبایی را که برخاسته از شعور والای انسانی حضرت است می خوانیم که: *نحنُ توئم النمط الاوسطلنا کمن قصر او افراطا* «ما شیوه ی میانه را می جوییم و از آنان نیستیم که کوتاهی یا فروتنی در کار نماییم.» ۱. بنابر مطالب ذکر شده تعادل در زندگی بشر جایگاه بسیار بلندی دارد که برای ایجاد آن باید بستر مناسبی از نظر باور داشت ها و اعتقادات وجود داشته باشد. پذیرش تفاوت ها و احترام به آن ها می تواند بهترین زمینه برای ایجاد تعادل در خانواده و جامعه باشد که در سایه این تعادل متقابلاً می توان به اعتدال روانی فردی نیز دست یافت. دانستیم که پذیرش تفاوت ها نقش بسیار مهمی در زندگی بشر دارد و زن و مرد می توانند با شناخت تفاوت ها و پذیرش آن ها زندگی سعادت مندانه ای برای خود و دیگران فراهم سازند. اینکه به برخی دیگر از نقشهای پذیرش تفاوت ها در زندگی زن و مرد پرداخته آن ها را به اختصار و فهرست گونه بیان می کنیم: - پذیرش تفاوت ها ما را برای ایجاد اتحاد باطنی در برقراری روابط زن و شوهر یاری می رساند. - تفاوت ها و پذیرش آن ها از سوی زن و مرد باعث تکامل شخصیت آن دو می شود. شخصیت افراد وقتی به کمال واقعی خواهد رسید که در احساسات عواطف) و عمل شخص تعادل و توازن برقرار شود. برخی از روان شناسان در این زمینه ۱. زن کامل، ص ۵۲. ۲. دیوان امام علی (علیه السلام)، ص ۳۳۲. می نویسند: «تنظیم و تعادل عواطف اساس تکامل شخصیت است و شخصیت هر فرد عموماً از قوت و ضعف عواطف او متاثر است.» ۱. بنابراین برای ایجاد تعادل در عواطف و در نتیجه تکامل شخصیت باید تفاوت زن و مرد در کیفیت عواطف و احساسات آن ها را پذیرا بوده و به آن ها احترام گذاریم. - پذیرش تفاوت ها در ایجاد تفاهم و همدلی بین اعضای خانواده بسیار مؤثر است. برای مثال اگر خواهر و برادر به تفاوت های یکدیگر آگاه بوده و آنرا بپذیرند هرگز انتظارات مشابه از یکدیگر نخواهند داشت و هیچ یک دیگری را برای رفتار ویژه مردانه یا زنانه اش ملامت نخواهد کرد. دو همکار در محیط شغلی نیز با پذیرش تفاوت ها می توانند به پیشبرد اهداف و مقاصد مؤسسه ی خویش کمک کنند و... - پذیرش تفاوت ها مانع سرکوب کردن خود واقعی در زن و مرد می شود و هر یک تلاش می کنند آنگونه که هستند و می اندیشند خود را نشان دهند. و هرگز برای تغییر دادن طرف مقابل کوشش نمی کنند و هرکس را با اختصاصات و ویژگی های طبیعی او می پذیرند. اکنون پس از بررسی نقش پذیرش تفاوت ها در طرح تکاملی آفرینش و بیان نقش آفرینی سازنده ی آن ها به

رابطه ی تکامل و وجود تفاوت ها می پردازیم. دانستن این ارتباط ما را یاری می کند که هنگام برخورد با تفاوت های زنان و مردان با نگرشی وسیع تر موضوع را پی گرفته و به خلقت حکیمانه ی خداوند پی ببریم. ۱. مقام زن در آفرینش، آموزگار، ص ۱۲۷.

## فصل هفتم: تفاوت زن و مرد، راز تکامل

### الف- تفاوت زن و مرد، راز تکامل

تفاوت و تمایز مردان و زنان آنگونه که بیان شد به زمان لقاح بر می گردد تفاوت های جنسیتی را کروموزم های X و Y ایجاد می کنند که سبب رفتارهای جنسیتی نیز خواهند شد. پیش از این گفته شد که هورمون جنسی مردانه (testosteron) است که به گروه آندروژن ها تعلق دارد و توسط بیضه ها تولید می شود و هورمون جنسی زنا نه «پروژسترون» و «استروژن» (estrojen) است که توسط تخمدان ها تولید می شود. هر دو هورمون مردانه و زنانه بر روی رفتارهای شخص اثر گذاشته و موجب بروز رفتارهای جنسیتی از سوی او می شوند. محققان بر این باور هستند که هر دو نوع هورمون در زنان و مردان یافت می شود ولی در یکی توسعه یافته و در دیگری توسعه نیافته است. به عبارت دیگر زنان نیز دارای هورمون مردانه «تستوسترون» هستند که به وسیله غده فوق کلیوی آن ها تولید می شود و حجم آن یک ششم حجم این هورمون مردانه در مردان است. و این تفاوت حجم سبب تفاوت رفتار جنسیتی می شود. از سوی دیگر هورمون های زنانه «استروژن و پروژسترون» هم در خون مردان یافت می شود ولی در حجمی پایین تر. «موریس دبس» روان شناس مشهور فرانسوی در این مورد می گوید: «باید دانست که تمام جانوران نر، هورمون ماده و تمام جانوران ماده هورمون نر ترشح می کنند و اهمیت این هورمون ها به اندازه ای است که موجب تغییرات جنسی در حیوان و انسان می شود.»<sup>۱</sup> وجود این بخشهای توسعه نیافته ی زنانه در مردان و بخش های توسعه نیافته ی مردانه در زنان باعث ایجاد کشش و جاذبه بین زن و مرد می شود و آن ها را از نظر روانی به تعادل می رساند. به یقین این تعادل و جاذبه اسرارآمیز بین زن و مرد آن ها را به سوی کمال حقیقی پیش می برد. جان گری می گوید: «وقتی زن و مرد با هم زندگی می کنند کامل می شوند. آنگاه که توانایی های شخصی مرد رشد می کند و بالغ می گردد در آغاز طبیعت مراقبت و مهرورزی، ادراک و احترامش پرورش و توسعه می یابد. او از حالت سرد حسابگر و خود محور و متزوی به حالتی کاملاً گرم و انسانی تبدیل می شود.» او در مورد زنان و رشد آن ها می گوید: «وقتی که زن رشد کرده و با تجربه شد و به توانایی های خود دسترسی پیدا کرد بیش تر سرشت پذیرش، قدردانی و اعتماد کنندگی خود را آشکارا می سازد.» در مورد کیفیت تکامل در روابط زن و مرد که ناشی از تفاوت های آن هاست می گوید: «زمانی که مردی سرشت مراقبت، ادراک و احترام خود را پرورش می دهد خود به خود نیازهای عاطفی اصلی زن خویش را تأمین می نماید و وقتی زن سرشت های طبیعی خود را که عبارتند از پذیرش، ----- ۱. به نقل از مقدمه ای بر روان شناسی زن، ص ۳۸ و ۳۹. قدردانی و اعتماد، پرورش می دهد خود به خود نیازهای عاطفی اصلی مرد بر آورده می شود.»<sup>۱</sup> برای درک بهتر مطلب فوق باید گفت که نیازهای طبیعی مرد از نظر این روان شناس عبارتند از: پذیرش، قدردانی و اعتماد، و نیازهای طبیعی زنان، مراقبت ادراک و احترام است. به عبارت دیگر مردان نیازمند به قدردانی از سوی زنان هستند و از سوی دیگر خواستار جلب اعتماد همسرشان بوده و همواره دغدغه این را دارند که آیا مورد پذیرش همسرشان هستند یا نه. این نیازها در مردان از هر نژاد و فرهنگ مشترک است. از سوی دیگر زنان نیاز به مراقبت همسر دارند و می خواهند از حمایت و پشتیبانی آن ها بهره مند شوند. آن ها دوست دارند مورد احترام همسر خود قرار گرفته و احساسات آنان از سوی همسرشان درک شود. زیباترین جلوه ی زندگی برای یک زن وقتی آشکار می گردد که شوهرش احساسات او را درک کند و نه تنها وجود

احساسات را نقطه ضعف زنان ندانسته بلکه او را درک کرده و به احساساتش احترام گذارد. حال زنان و مردان با پرورش سرشت های طبیعی خود در واقع به صورت ناخودآگاه نیازهای طبیعی طرف مقابل را پاسخ می دهند و اینگونه هیچ نیازی بدون پاسخ نمی ماند که تثبیت شود و موجب رکود روانی افراد گردد. نیازهای طبیعی زنان؟؟ نیازهای طبیعی مردان توضیح بیش تر: الف- هرچه مردان بیش تر به توجه و مراقبت نسبت به زنان پردازند اعتماد بیش تری را از ناحیه ی آنان کسب می کنند. در واقع با ارضای نیاز طبیعی زن که مراقبت است، نیاز طبیعی مرد که اعتماد از سوی همسر است ارضا می شود. از سوی دیگر اگر زنان به مردها اعتماد کرده و آن ها را قهرمان زندگی خود ----- ۱. زنان، مردان، روابط، ص ۵۱ و ۵۲. بدانند مردان انرژی گرفته و بیش از پیش به مراقبت از همسری که نیاز او را برآورده می کند، می پردازند. پس اعتماد زن به مرد موجب مراقبت از سوی مرد و در نتیجه ارضای نیاز طبیعی زن می شود و مراقبت زیاد مرد از زن باعث جلب اعتماد زن نسبت به مرد و در نتیجه ارضای نیاز درونی او می شود و این رفتارها به صورت طبیعی تکرار می شود. در یک جمله می توان گفت: مرد با زن و زن با مرد به تکامل می رسد و این از اسرار زیبای خلقت است. ب- اگر مردان درک بیش تری نسبت به نیازها و احساسات همسران خود نشان دهند زنان احساس می کنند که بیش تر درک شده اند و به همان اندازه بیش تر می توانند پذیرای مردان باشند و از آن ها سپاسگزاری کنند. بدیهی است که در اینجا کمک های مردان به زنان به گونه ای مستقیم به خود آن ها باز می گردد. از سوی دیگر وقتی زنان حالت پذیرش را در خود تقویت کرده و پذیرای همسر خود باشند مردان نیز در صدد درک بیش تر زنان بر می آیند و این رفتارها به صورت کنش و واکنش و عمل و عکس العمل تکرار می شود و در نتیجه یک زندگی سعادتمندانه و متعادل برای زن و شوهر ایجاد می شود. اینجاست که در بازتاب رفتارهای زن و مرد نسبت به یکدیگر تکامل روانی مشاهده می گردد. ج- آنگاه که مرد احساسات و نیازهای زن را محترم بشمارد و به انتخاب های او احترام گذارد، یا قدردانی و سپاسگزاری زن روبرو خواهد شد. به عبارت دیگر زنان در مقابل احترامی که از سوی مردان می بینند به قدردانی از آن ها می پردازند و چون قدردانی از نیازهای طبیعی مردان است آن ها مستقیماً با احترام به زنان این نیاز خود را ارضاء می کنند. از سوی دیگر زنان نیاز به احترام دارند و آنگاه که به قدردانی از همسر می پردازند در مقابل با احترام آن ها مواجه شده و این تعامل و ترابط در طول زندگی ادامه خواهد داشت. گفتنی است که این رفتارها بدون توجه به نیاز شخصی خود فرد صورت می گیرد زیرا در غیر این صورت عشق جای خود را به خودخواهی می دهد. خانم «سوزان کویلیام» پس از ذکر تفاوت های بین زنان و مردان می نویسد: «حال که به طور قطع نسبت به تفاوت هایتان آگاهی دارید به جای این که احساس تنفر کنید به آن ها بها دهید. به خاطر داشته باشید که این تفاوت های شماست که باعث می شود با هم سازگاری پیدا کنید. اگر هر دوی شما به طور مطلق مثل هم بودید آسیب پذیری شما هم شبیه به هم بود و رؤیاهای و تخیلاتی مانند هم داشتید بنابراین وقتی با مشکلات روبه رو می شدید چون سعی می کردید به یک طریق از پس آن ها بر آید الزاماً راه حل های درستی هم پیدا نمی کردید.»<sup>۱</sup> بنابراین تفاوت های موجود بین زن و مرد باعث می شود که در برخورد با مسایل گوناگون از راه حل های متفاوت استفاده کنند. بدیهی است که برخی از مسایل از طریق عقلانی قابل حل است ولی در برخی دیگر عقل کارآرایی نداشته و باید از راه های عاطفی وارد شد و زنان در این دو مورد با مردان تفاوت دارند. این روان شناس در پایان سخنش می گوید: «هرچه در مورد نقش تفاوت هایتان بیش تر بدانید، آن ها به نظرتان با ارزش تر خواهند آمد و بیش تر می توانید به آن ها احترام بگذارید.» ----- ۱. در پناه یکدیگر، ص ۲۰۱.

## ب- جلوه های ویژه روانی زنان

اینک که با تفاوت های جسمی و روانی بین زن و مرد آشنا شدیم دانستیم که اکسیر تفاوت ها برای تبدیل مس افراط و تفریط به طلای تعادل ضروری است و جاذبه های موجود بین زن و مرد محصول تفاوت های آن هاست و به گونه اختصار بحث تفاوت ها را پی گرفتیم به جلوه های ویژه ی روانی و رفتاری در زنان می پردازیم. جلوه هایی که در جنس زنان اعم از هر ملیت و قومیت و نژاد وجود دارد. این جلوه های ویژه در واقع فرا مکانی و فرا زمانی است و حتی با اذعان می توان گفت که فرا فرهنگی است. یعنی هر زن در هر زمان و مکان که باشد و تحت سیطره ی هر فرهنگ زندگی کند، این ویژگی ها را داراست و برای رسیدن به قلّه ی کمال باید از طریق این جلوه های ویژه وارد شود. نکته قابل توجه پیش از ورود به بحث جلوه ها، این است که ویژگی های مذکور اگر چه در زنان به صورت ویژه ای نهادینه شده است ولی به این معنا نیست که در مردان نباشد. به عبارت دیگر این خصلتها در زنان به صورت توسعه یافته و در مردان به گونه توسعه نیافته وجود دارد و از شاهکارهای آفرینش این است که با ازدواج و درکنار هم قرار گرفتن زن و مرد این ویژگی های توسعه نیافته زنانه، که در مردان وجود دارد اما رشد نیافته است، توسعه می یابد. از این رو است که کارشناسان خانواده ازدواج را وسیله ی تکامل انسان، دانسته اند و شاید راز تکمیل دین توسط ازدواج در همین نکته نهفته باشد. ویژگی هایی که ذکر می شود در مردان نیز یافت شده است ولی به صورت مغلوب و کمرنگ به گونه ای که عملاً برای رسیدن به مقاصد خویش از آن ها استفاده نمی کنند از این رو به عفت این که زنان غالباً با این جلوه های ویژه شناخته شده و فعالیت می کنند به آن ها می پردازیم.

## ۱- بینش درونی

شناخت یکی از مهمترین امتیازهای اعطا شده به بشر است. در مفاهیم دینی می بینیم که هدف اساسی در آفرینش انسان معرفت و شناخت است و انسانهای آگاه و عارف همواره مورد نظر پیشوایان دینی بوده اند. شناخت خود، اطرافیان و جهان هستی به انسان کمک می کند تا مجهولات نظری را حل کرده و از سر درگمی فلسفی خارج شود. ابزار شناخت و راه های آن متفاوت است و افراد با توجه به استعدادها و توانایی های ویژه ی خود به معرفت می رسند. یکی از راه های شناخت خود در هستی، عقل است. انسان با قوه عقل و تفکر و با استفاده از حواس ظاهری خود می تواند با جهان خارج از ذهنش آشنا شده و جایگاه خویش را در جهان هستی بیابد. حرکت از مجهولات ذهنی به معلومات و استفاده از بدیهیات برای حل مجهولات یکی از راه های ایجاد معرفت از طریق عقل است. راه و ابزار دیگر برای شناخت بشری قلب و دل است. قلب انسان کانون عواطف و انفعالات است که در پس احساس و ادراک ذهنی به وجود می آیند. حالاتی مثل حزن و شادی و رضایت و ترس از انفعالاتی است که توسط محرک های گوناگون ایجاد شده و انگیزه ای برای انجام اعمال می شود. البته راه «فطرت» که اولین و فراگیرترین راه برای شناخت است وجود دارد که به علت گواه درونی انسانها بر آن از توضیح بیش تر می گذریم. گفتیم که یکی از راه های شناخت، قلب و دل است که بنا بر نظر عرفا «کشف و شهود» نامیده می شود. در واقع انسان ها بدون هیچ گونه برهان عقلی و گواه نقلی، تنها و تنها با مشاهده ی حقیقی و توجه عمیق قلبی به عالم هستی می توانند به رمز و رازهای آن پی ببرند. این راه برای شناخت حقیقتها و واقعیت های بزرگ مثل وجود خدا، عالم غیب و... نقش بسزایی دارد چنان که حضرت علی (علیه السلام) در پاسخ ذعلب یمانی که می پرسد: خدا را چگونه دیده ای؟ می فرماید: لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعَيْنِ، وَلَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ. قَرِيبٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ غَيْرِ مُلَابِسٍ، بَعِيدٌ مِنْهَا غَيْرِ مُبَايِنٍ، مُتَكَلِّمٌ لَأَبْرَوِيَّةٍ، مُرِيدٌ لَأَبْهَمَةٍ، صَانِعٌ لَأَبْجَارِ حَيْهٍ. لَطِيفٌ لَأَبْوَصْفٍ بِالْخَفَاءِ، كَبِيرٌ لَأَبْوَصْفٍ بِالْجَفَاءِ، بَصِيرٌ لَأَبْوَصْفٍ بِالْحَاسَةِ، رَحِيمٌ لَأَبْوَصْفٍ بِالرَّقَةِ. تَعْنُو الْوُجُوهُ لِعَظَمَتِهِ، وَتَجِبُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِهِ. «دیده ها هرگز او را آشکار نمی بینند، اما دلها با ایمان درست او را در می یابند، خدا به همه چیز نزدیک است نه آن که به اشیاء چسبیده باشد، و از همه چیز دور است نه آن که از آن ها بیگانه باشد، گوینده است نه با اندیشه و فکر، اراده کننده است نه از روی آرزو و خواهش، سازنده است

نه با دست و پا، لطافت دارد نه آن که پوشیده و مخفی باشد، بزرگ است نه با ستمکاری، بیناست نه با حواس ظاهری، مهربان است نه با نازک دلی، سرها و چهره ها در برابر عظمت او بخاک افتاده، و دلها از ترس او بی قرارند.»<sup>۱</sup> درک عظمت الهی با دیده ی دل زیباترین جلوه ی معرفت و شناخت است که حضرت امیر(علیه السلام) به آن اشاره می فرماید. روان شناسان در مباحث زنان به این دیده ی درونی پرداخته و بر این باور هستند که زنان دارای بینش درونی بوده و از طریق الهام ها و آگاهی های درونی خویش می توانند به شناخت نایل شوند. خانم لمبروزو در این باره می نویسد: «بینش، قوه ی باصره درونی زن است و این دیده ی پنهانی می تواند قبل از وقوع واقعه نتیجه ی آن را مشاهده نموده و به زن الهام دارد. بینش زن قطب نمایی است که او را از گمراهی نجات بخشیده و در جاده زندگی رهبری می نماید. این نیرو وابسته به موجودیت و از خصائص زن است که به جای منطق و تدبیر به کار رفته و زن می تواند با اعتماد تام بدون بیم و هراس سر رشته ی افکار خود را به دست او بسپارد.»<sup>۲</sup> این بینش درونی باعث می شود که نگرش زن به حیات و جهان هستی بدون واسطه صورت گیرد به عبارت ساده تر، در علم حصولی که برخاسته از عقل نظری و قیاس های فلسفی است همواره واسطه ای وجود دارد، واسطه ای همچون برهان، صغری، کبری، و اشکال گوناگون قیاس اما در علم حضوری یعنی عالم شهود این واسطه ها برداشته می شوند. برای مثال از طریق علم حصولی و از منظر عقل نظری، شخص عاقل با دیدن فضای سبز و درختان و موجودات زنده پی به وجود آب در آن ناحیه می برد. او برای درک این واقعیت که «در این مکان آب وجود دارد» ازدو واسطه (صغری و کبری) استفاده کرده و به نتیجه می رسد. در حالی که برای رسیدن به چنین نتیجه ای از طریق علم حضوری و کشف و شهود واسطه ها حذف می شوند. شاهد یعنی آن که بینشی وسیع دارد بدون واسطه آب را می بیند و از آن سخن ----- ۱. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۷۹. ۲. روان شناسی زن، حینا لمبروزو، ص ۲۰ می گوید. در همین زمینه برخی می نویسند: «در روان شناسی معرفت، تقریباً مسلم شده است که نگاه مرد و زن به واقعیت حیات از جهاتی کاملاً متفاوت است. اگر مرد به وسیله ی حواس و عقل نظری به واقعیت حیات می نگرد گویی زن با نیروی خود حیات، به حیات می نگرد. مردان با عقل نظری به عکس و انعکاس واقعیت توجه می یابند اما زنان، مستقیم به حیات می نگرند. ممکن است مرد، معلومات و معقولات بیش تری از واقعیت داشته باشد اما این زنانند که راحت تر و بیش تر، طعم حیات را در ذات خود می چشند.»<sup>۱</sup> بینش درونی زنان به عنوان شاخصه ای قابل توجه مورد بحث و بررسی است. در مطالعات میدانی به راحتی می توان نقش بینش درونی زنان در استحکام بنیان خانواده را مشاهده کرد. بسیاری از زنان با استفاده از این نیروی اختصاصی می توانند منشأ اختلاف ها و مشکلات خانوادگی را یافته و با استفاده از شیوه های گوناگون عاطفی و عقلی در صدد حل آن بر آیند. زنان به «گواهی دل» خویش اهمیت می دهند و در زندگی روی آن حساب می کنند. در آزمون و کسلر<sup>۲</sup> که در مورد هزاران دختر و پسر صورت گرفته است می بینیم که: «دخترها از دوران ابتدایی تا دانشگاه و آن هم تا سطح لیسانس در مجموع بهتر از پسرها درس می خوانند و موفقیت بهتری را نیز به دست می آورند.»<sup>۳</sup> در واقع بینش ویژه ی جنس زن او را نسبت به استفاده از فرصتها، انجام مسئولیت ها و ادای وظایف و تکالیف حساس می کند. بالا بودن آمار دختران ----- ۱. کتاب نقد (حقوق زن) ض ۱۲ (پائیز ۷۸) ر. ک مقاله ی «استاد جعفری و شخصیت زن اسلامی» آسیه فیروزه چی، ص ۲۴۸. ۲. wechsler. روان شناسی تفاوت های فردی ۲۰۹. پذیرفته شده در دانشگاه های کشور ما یکی از مؤیدهای همین مطلب است. در مورد تفاوت بینش مرد و زن روان شناسان می نویسند: «اساس فراست مرد بینش او نیست بلکه منطق و تدبیر و خرد و استدلال پایه ی فراست وی را تشکیل می دهد. و در حقیقت بینش، فقط راهنمایی است که برای قوه عاقله ی او لزوم حتمی نداشته، بلکه زودتر وی را به هدف می رساند. برعکس نزد زن بینش عنصر خاص هوش او بشمار رفته و نه فقط در عمل از آن استمداد می جوید بلکه در علوم نظری نیز به یاری آن نیازمند است و آن چه را به حدس و بینش در خود نیابد به وسایل دیگر نیز نخواهد یافت.»<sup>۱</sup> با دقت در زندگی زنان اعم از تحصیل کرده و بی سواد و روستایی و شهری و شرقی و غربی و بررسی رفتارهای روانی آن ها می توان به راحتی بینش و

تندھوشی آن‌ها را دریافت. زنان روستایی و عشایری با امکانات اندک و بدون هرگونه آموزش به ابداع و اختراع روشی‌هایی می‌پردازند که بتوانند از وسایل زندگی استفاده‌ی بهینه داشته باشند و به اقتصاد خانواده کمک کنند. این ابداع‌ها و خلاقیت‌ها ناشی از همان بینش درونی آن‌هاست که به این صورت جلوه‌گر شده است و بانوان ساکن شهرها نیز با استفاده از طبیعت زیبا و گل‌های رنگارنگ به تقلید از آفرینه‌های الهی پرداخته و زیباترین گل‌های مصنوعی را می‌سازند. آنان با استفاده از روح لطیف و نگرش عمیق به پیرامون خود آثاری را در زمینه‌های نقاشی، خط و نوشتار می‌آفرینند که چشم‌ها را بیننده‌ای را خیره می‌کند. به یقین هر هنری برخاسته از یک بینش ژرف و فلسفه عمیق در هستی‌شناسی است و ما شاهد درخشش بانوان در زمینه هنر و خلاقیت بوده‌ایم. لمبروزو می‌گوید: «این که زنان می‌توانند بدانند بدون آن که بخوانند موهبتی است که ویژه جنس آنان است و به این جهت تمام عزت نفس خود را در ابراز این ----- ۱. روان‌شناسی زن، جینالمبروزو، ص ۲۰ و ۲۱. صفت قرار داده و سعی می‌کنند که کار انجام شده را طوری جلوه‌گر نمایند که پیرو هیچ قانونی نباشد.» استعداد خاص زنان در مشاهدات و حفظ آن‌ها باعث می‌شود که در عرصه‌ی تاریخ درخششی ویژه داشته باشند. برای نمونه در تاریخ اسلام می‌خوانیم که امام سجاد آنگاه که خطبه‌های حضرت زینب (علیه‌السلام) را شنیده و نقش‌آفرینی ایشان در کربلا و بعد از آن را مشاهده کرد فرمود: يَا عَمَّتِي أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٌ ۱ «عمه جان! شما با سپاس الهی، دانای تعلیم‌نדיده هستید.» نکته‌ی قابل توجه این است که این بینش در زمان یائسگی به مرحله ظهور و بروز می‌رسد از این رو روان‌شناسان دوره‌ی میانسالی را برای زنان دوره‌ی تحوّل خردمندی نامیده‌اند. زیرا زنان در این دوره دارای بینش درونی ویژه‌ای می‌شوند که در زندگی آن‌ها بسیار مؤثر است. سوزان ویه که متخصص گیاهان دارویی است به این نکته اشاره کرده و می‌گوید: «در سراسر دنیا مردان از طریق تفکر درون‌گرایانه سعی در رسیدن به بینش درونی ارتباطات می‌نمایند و حال آن‌که زن یائسه به طور طبیعی در این مرحله قرار می‌گیرد.» ۲ در دوران یائسگی همانند دوره‌ی بلوغ تغییرات زیادی از نظر جسمی و مغزی و روانی حاصل می‌شود ۳ که مورد نظر اندیشمندان بوده است. حاصل این تغییرات می‌تواند ایجاد یک بینش وسیع و همه‌سونگر درونی در زنان باشد. این بینش درونی به آن کمک می‌کند تا پیش از وقوع حادثه به کمک احساس درونی خود به آن پی‌ببرند و یا از آن پیشگیری کرده و یا در صورت وقوع به درمان زود هنگام ----- ۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴، روایت ۷، باب ۳۹. ۲. جلوه‌های زندگی یک زن، ص ۲۰۳. ۳. بیماری‌های زنان، دکتر تبریزی، ص ۶۱. پردازند. ممکن است برخی، این بینش را با تجربه‌های شخصی افراد برابر دانسته و در این صورت وجود تجربه‌های گوناگون برای مردان را در مقابل این تجربه‌های زنان مطرح کرده و این ویژگی خاص را مورد انتقاد قرار دهند. باید گفت بینش درونی با تجربه‌های حاصله از یک عمر متفاوت است و البته با حس ششم نیز قابل تطبیق نیست. گویی چراغی است که به دست مربیان جامعه داده شده است تا هم خود به بیراهه نروند و هم مانع حرکت گمراهانه جامعه‌ای که در آن عهده‌دار تربیت هستند، شوند. برخی از روان‌شناسان می‌نویسند: «دکتر هربرت نسون که مطالعات زیادی برای دسترسی به فیزیولوژی تمرینات مختلف (تفکر) انجام داده است آنگاه که به هند شمالی تبعید می‌شود و در آن‌جا به تحقیق و پژوهش می‌پردازد، نتیجه می‌گیرد که افراد از طریق تمرینات فکری خود قادر هستند حرارت بدن خویش را تا ۱۰ درجه فارنهایت افزایش دهند. شاید نیازی به این سفر طولانی نبود و دکتر به سادگی می‌توانست زنانی را که بعد از یائسگی دچار عارضه‌ی گرگرفتن می‌شوند مورد مطالعه قرار دهد.» ۱ در واقع آن‌ها بر این باور هستند که بالا رفتن دمای بدن زنان در هنگام یائسگی نشانگر وجود یک قدرت فکری در آن‌هاست. تفاوت این دو گروه در این است که فرقه اول با اختیار و تمرین خود را به این درجه از تفکر و تمرکز می‌رسانند تا تزکیه‌ی نفس و تهذیب روح داشته و این بهونه با حقیقت هستی مرتبط شوند یعنی ساختن نوعی بینش با ممارست ولی گروه دوم، زنان یائسه، به طور طبیعی و در اثر تغییرات کاملاً طبیعی و فیزیکی در بدنشان به این مرحله یعنی بینش درونی می‌رسند. از این رو می‌توان بیز افزایش دمای بدن و وجود نیروی تفکر و بینش درونی در زنان ارتباط



برقرار کرد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه میتوان به کتاب ----- ۱. جلوه های زندگی، ص ۲۱۰.

یائسگی خلّاق نوشته فریداشارن رجوع کرد. از نظر روان شناسی، هوشیاری متمرکز مرد و هوشیاری با حواس و دید باز زن باعث ایجاد تعادل شده و جامعه بشری را به سوی اعتدال منطقی پیش می برد. جان گری می گوید: «هوشیاری یک زن همانند نیروی گریز از مرکز از درون او به بیرون در حرکت است و طینتش این است که از خود خارج شده و به دیگران متصل شود و پیوندی همیشگی داشته باشد. او وقتی که عاشق می شود خیلی سریع خود را فراموش می کند. از سوی دیگر مردان در برقراری روابط، تمایل به کشش به طرف درون خود دارند. آن ها تمایل به تمرکز کردن در خواسته ها و نیازهای خود داشته و به نیازهای دیگران توجهی ندارند کمتر خود را رها می کنند و بیش تر در خود فرو می روند و متمرکز می شوند.»<sup>۱</sup> این درون نگری و درون گرایی که اغلب روان شناسان به بحث پیرامون آن پرداخته اند مبحث عمیق و قابل بررسی است. پاره ای از محققان اعتقاد دارند که این حالت موجب ایجاد بینش درونی می شود و برای رسیدن به آن باید در طول روز ساعتی را به خود اختصاص دهیم. خانم جوآن بوریس آنکو برای ایجاد تعادل روانی به خودنگری یا مدیتیشن<sup>۲</sup> توصیه کرده و می گوید: «با کنار گذاشتن زمانی برای دعا و یا خودنگری می توانیم از لذات لحظه ها بهره مند گردیم. با انجام این کار به نظرم می رسد که زمان وسعت یافته است و ما قادر خواهیم بود که با قلبی با صفا و فکری روشن و واکنش های مملو از آرامش به انجام وظایف خود پردازیم.»<sup>۳</sup> -----

۱. زنان، مردان، روابط، جان گری ص ۷۳ و ۷۴. ۲. ۳. Meditation. جلوه های زندگی یک زن، جوآن بوریس آنکو.

منیزه بهزاد، ص ۱۹۰. او در ادامه ی سخن به درون خود پرداخته و یافته های شخصی خویش را چنین بیان می کند: «من به چنین لحظاتی در حین خواندن دعا دست می یابم، هر روز صبح زمانی که خواندن دعا را آغاز می کنم وارد لحظات بی انتهای می گردم که در آن هیچ حد و مرزی میان من و جهان هستی و گذشته و آینده وجود ندارد حتّی زمانی که غرق در کار هستم باز چند لحظه ای را وقف دعا خواندن می کنم. این عمل به من کمک می کند که در طول روز، آگاهانه به هدایت هماهنگ و آراسته ی امور پردازم و در این راه از بینش درونی و خردی گسترده بهره مند گردم.»<sup>۱</sup> و چه زیبا حضرت علی (علیه السلام) به نقش موعظه گر درونی اشاره کرده و می فرماید: مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ، وَمَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ أَخْرَجَتْهُ اللَّهُ لَهُ أَمْرٌ دُنْيَاهُ، وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظَ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ. «کسی که میان خود و خدا اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد، و کسی که از درون جان، واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است.»<sup>۲</sup> بنابراین با توجّه به سخن حضرت امیر (علیه السلام) که موعظه گر درونی را مطرح کرده و نقش آن در سعادت و سلامت روانی و اجتماعی را مهمتر از پیام آوران بیرونی می داند، همانطور که بیان شد و گفتیم روان شناسان بر این باور هستند که زنان از بینش درونی قوی برخوردار بوده و بسیاری از امور زندگی خویش را نه از طریق استدلالات عقلی که با استمداد از همین ندای درونی خود می گذرانند، می توانیم به عظمت این نعمت الهی که در وجود زنان از هر قشر و نژادی نهادینه شده است پی ببریم. پاره ای از زنان با تأثیری که از القاءات برابر نگران می گیرند سعی در فراموش کردن این عطیه الهی داشته و تمام همّت خویش را در استفاده از عقل نظری و تجربیدی مشابه مردان به کار می برند این چنین زنان منفعل به یقین هم، راه بینش درونی را مسدود کرده و از این فانوس برای شناختن راه استفاده ننموده و هم در استفاده از عقل و استدلالات آن و توانایی های قضایی و ریاضیات با توجه به سرشت و طبیعت خود موقّف نخواهند بود و این سرخوردگی در روح و روان آنان تأثیر بسیار منفی گذشته و نهایت این جاده چیزی جز هلاکت و افسردگی و اختلال های شدید روانی نخواهد بود. به نظر می رسد بهترین راه برای نجات از این بحران هویت و جنسیت، باور داشت استعدادهای درونی و خدا داده باشد و نیز استفاده از این استعدادها برای رسیدن به سلامت و تعالی. ----- ۱. همان، ص ۲۱۵. ۲. نهج البلاغه، حکمت ۸۹.

یکی از ویژگی های خاص زنان که در نگرش آن ها نسبت به مسایل و قضاوت ها و داوری های آنان بسیار مؤثر است حالت تناسب گرایی است. زنان هر چیزی را با توجه به تناسب آن با محیط اطراف می نگرند و می سنجدند و هرگز به یک پدیده جدای از دیگر پدیده های مربوط به آن نظر نمی کنند. این که زنان خواستار ایجاد تناسب و دمسازی بین اشیاء و پدیده های گوناگون هستند به آن ها کمک می کند که با استفاده از سلیقه و ذوق خاص خود محیط خانه را متناسب و زیبا و دوست داشتنی جلوه دهند تا جاذبه موجود بین افراد خانواده بیش از پیش گردد. روان شناسان در این مورد می گویند: «از آن جا که زن مجبور است علوم را با تمایلات اشخاص مختلف توافق دهد همواره حس دمسازی بر وجود او فرمانروایی می کند و این حس توسط غریزه گران بهای تصور قوت می گیرد. زن، هماهنگی کلیات را طالب است یعنی تابلوی مورد نظر او باید در مکانی قرار گیرد که با سایر چیزها دمساز باشد.»<sup>۱</sup> زنان روی یک شیء، متمرکز نمی شوند و برای سنجش آن را با اشیاء اطراف می سنجدند ولی مردان می توانند ساعت ها روی یک شیء متمرکز شده و بدون توجه به تناسب آن با پدیده های اطراف در مورد آن نظر داده و قضاوت کنند. شاید یکی از دلایل عدم پذیرش گواهی یک زن در دین اسلام همین عدم توانایی او در تمرکز بر چیزی باشد. او نمی تواند متمرکز شود و در پی تناسب اشیاء است از این رو پاره ای از جزئیات آن شیء را نمی تواند به ذهن بسپارد. در احکام فقهی اسلام می خوانیم همانگونه که در قرآن آمده است باید شهادت دو زن در مورد یک پدیده و جریان همراه باشد که اگر یکی فراموش کرد دیگری او را یاد آور شود. *وَإِمْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى* این نکته ی فقهی برخاسته از روان شناسی زنان است و دین که مبتنی بر فطرت و طبیعت بشری است قانونی را تشریح می کند که دقیقاً مطابق با طبیعت و روان افراد است. آن گونه که گفتیم روان شناسان بر تناسب گرایی زنان توجه خاصی داشته اند. جان گری روان شناس آمریکائی می نویسد: «زنان دید و حواسی باز و مردان دید و حواسی متمرکز دارند.»<sup>۲</sup> به یقین این گستردگی دید زنان در تصمیم ها و قضاوت های آن ها تأثیر فراوانی خواهد داشت. مردان با نگاه مردانه به اطراف خود می نگرند آن ها روی هدف خود متمرکز شده و به افراد و یا اشیاء که در محیط اطراف آن ها وجود داشته- اما با هدف ارتباط مستقیم ندارند- بیگانه هستند. آن ها به فاصله بین خود و هدفشان می اندیشند و روی یک نقطه متمرکز می شوند. برای مثال مردان آنگاه که یک مسابقه یا فیلم تلویزیونی را مشاهده می کنند از گفتگوهای افراد خانواده و اتفاق های نامربوط به فیلم بی خبر هستند و با تمرکز تمام به تماشا می پردازند، اما زنان در حالی که همان مسابقه یا فیلم را می بینند مشغول بافتنی هم هستند و گاه توجه به غذایی که برای شب تهیه می کنند داشته و حتی در حال بافتن و دیدن فیلم می توانند مکالمه تلفنی هم داشته باشند. و در عین حال به وضعیت و خواسته های بچه ها هم توجه دارند. زنان هرگز به صورت صد در صد روی یک موضوع متمرکز نمی شوند. می توان گفت که زنان هوشیاری با حواس باز و گسترده دارند و مردان هوشیاری با حواس متمرکز. شاید دلیل این که اختراعات مهم در طول تاریخ به دست مردان صورت گرفته است همین تمرکز شدید آن ها روی هدف خاصشان باشد. از پیوند یک روح متمرکز و یک روحیه تناسب گرا، زیباترین تصویر از انسان کمال یافته را می توان رسم کرد و این یکی از اسرار شگفت انگیز آفرینش است. روحیه دمسازی زنان و حس تناسب گرایی باعث می شود که آنان در امور تربیتی مشکلات کمتری داشته باشند. به عبارت ساده تر یک مادر آنگاه که به امور خانه می پردازد و یا مشغول کارهای هنری و فرهنگی و یا اقتصادی است اگر متمرکز شود و به محیط اطراف خود توجهی نداشته باشد و فرزندانش را فراموش کند با خطرهای جانی و مالی فراوان روبرو خواهد شد، در حالیکه به وفور دیده ایم مادرانی در اوج اشتغال به کارهای ظریف و دقیق و یا سنگین از نوع بازی های فرزندانشان و سخنان و کارهای آنان غفلت نورزید و آن ها را زیر نظر دارند. -----

۱. روان شناسی زن، جینالمبروزو، ص ۲۴ و ۲۵. (با اندک تلخیص) ۲. زنان، مردان، روابط، ص ۱۶.

یکی از ویژگی‌های زنانه، هم‌احساسی و همدلی است. بر اساس این که زنان موجودی ارتباط‌گر بوده و غیرمستقلانه عمل می‌کنند همواره از این ویژگی خود برای رفع مشکلات و ارضاء نیازهای روانی خویش یاری می‌جویند. در مواقع بروز بحران‌های عصبی و اختلال‌های روانی، هم‌احساسی زنان موثرترین وسیله برای رفع بحران خواهد بود. این همدلی و هم‌احساسی باعث بروز واکنش‌های طبیعی از سوی شخص بیمار می‌شود. بسیاری از عوارض روانی ناشی از سکوت زنان است. آن‌ها هنگام مواجهه با بحران به یک روابط همدلانه نیاز دارند تا نیازها در آنان تثبیت نشده و مانع حرکت نشاط آمیز در زندگی آن‌ها نشود. روان‌شناسان می‌گویند: «یک مربی وقتی رفتار و حالات کودک را آینه وار در خود منعکس می‌کند- مثلاً وقتی فرزند می‌خندد او هم لبخند می‌زند کودک در گذرگاه‌های ما بین دالان مغز پیشین و «سیستم لیمبیک» خود به غلاف سازی می‌پردازد. بعد زمانی که پدر یا مادر غمگین باشد او هم به سهم خود احساسات وی را در دوران خود منعکس نموده و متأثر می‌گردد و سعی می‌کند پدرش را آرام کند همانگونه که قبلاً پدرش این کار را می‌کرده است. او همدلی را یاد می‌گیرد. کودکی که در شرایط مناسب پرورش یافته است، قدرت همدلی و هم‌احساسی را به دست می‌آورد.»<sup>۱</sup> بنابر مطالب ذکر شده همدلی و هم‌احساسی از طریق عملکرد والدین در کودکان ایجاد شده و در واقع محصول «هماند سازی» کودکان با والدین آن‌هاست. اما نکته قابل توجه در این بحث وجود این ویژگی به صورت غالبی و بنیادین شده در زنان است. برخی می‌نویسند: «بررسی‌های انجام گرفته در کودکان در کشورها نشان می‌دهد که دختران بیش‌تر از پسران به تازه واردها توجه می‌کنند. آن‌ها توجه مادرانه از خود نشان می‌دهند. در برخورد با بچه‌های تازه وارد لحن آرام بخش همراه با تسلی دادن دارند. طرف مقابل را لمس می‌کنند، دست‌های او را در دست خود می‌گیرند و او را در آغوش می‌کشند. دست‌های خود را بر پشت او ----- ۱. جلوه‌های زندگی یک زن، ص ۳۵. می‌گذارند او را نوازش می‌کنند و می‌بوسند اما پسران در مقابل یک فرد تازه وارد غالباً بی‌تفاوتی نشان می‌دهند.»<sup>۱</sup> این احساس نسبت به کسی که او را نمی‌شناسند در ابتدای آشنایی، ویژه‌ی دختران و زنان است و حکایت از همدلی زنان با دیگران دارد. نکته قابل توجه این است که حالات ذکر شده از جامعه و فرهنگی که کودکان در آن بزرگ شده اند ناشی نمی‌شود. «وایتینک در سال ۱۹۶۳ در ۶ فرهنگ متفاوت مثل هندوستان، اُکیناوا، فیلیپین، مکزیک، کینیا و نواینگلند بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که الگوهای رفتاری پسران از سویی و دختران از سوی دیگر در این ۶ فرهنگ متفاوت، مشابه بوده است.»<sup>۲</sup> گفتنی است که بی‌توجهی بزرگ‌ترها نسبت به کودکان و عدم همدلی با آن‌ها باعث می‌شود که این احساس در آن‌ها کم‌رنگ شده و تبدیل به انزوا گردد. این کودکان دچار اختلالات روانی شده و اغلب در رشد بدنی نیز با مشکل مواجه خواهند بود و فاقد عمل غلاف سازی خواهند شد، زیرا هم‌دیگران از آن‌ها تقلید نکرده‌اند و هم به احساس درونی آنان یعنی نیاز به همدلی پاسخ داده نشده است. اگر چه احساس همدلی در زنان و بالا بودن سطح آن نسبت به مردان از طریق‌های گوناگون ثابت شده است و محققان بر این باور هستند که این احساس در سرشت و طبیعت کودکان مؤنث نهادینه شده است، اما برخی از برابر نگرهای قرون اخیر (فمینیست‌ها) در حالی که ناچار به پذیرش این واقعیت علمی هستند، آن را اختلافی کوچک دانسته و می‌نویسند: «با این حال که مطالعات انجام شده در مورد نوزادان حاکی از این است که چنانچه نوزاد مؤنث در تیررس صدای گریه‌ی ضبط شده‌ی کودکی قرار گیرد بیش‌تر از جنس مخالفش از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد. ----- ۱. روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، دکتر حمزه گنجی، ص ۲۱۱. ۲. همان. جان کلام این که اگرچه میزان همدلی و عاطفی بودن زنان بیش‌تر از مردان است لیکن این اختلاف کوچک بوده و نباید به باورهای کلیشه‌ای در این راستا دلخوش داشت.»<sup>۱</sup> به راستی آیا جزئی و ناچیز جلوه دادن تفاوت‌های زن و مرد می‌تواند این حقیقت طبیعی را بی‌اثر کند؟ و آیا اگر ما تفاوت‌ها را باور نکنیم و یا اگر پذیرفتیم آن‌ها را جزئی تلقی نماییم، نقش تفاوت‌ها در زندگی کم‌رنگ خواهد شد؟ یا این که این واقعیت در جهان هستی ساری و جاری خواهد بود و تأثیرگذاری خود را در زمینه‌های گوناگون خواهد داشت. زنان تنها با رجوع منصفانه و به دور از غرض به

ثرفای وجود خود می توانند این احساس را دریابند و آنگاه که نقش آن را در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی مشاهده کردند و آن را به عنوان یکی از ابزارهای برنده در تربیت نسل ها یافتند به وجود این احساس افتخار کرده، و آن را محترم می شمارند نه این که به انکار این موهبت الهی پرداخته و به دنبال همانند سازی با مردان ویژگی های آنان را در صحن و سرای دل خویش به گونه ای تصنعی جای دهند. «کنت بلانکار» پس از ارائه الگوی برقراری روابط مناسب با مشتریان و بیان سه اصل تحقیق، تصدیق و پاسخ می گوید: «برای ایجاد حس همدلی و محکم کردن ریشه های صمیمیت با مردم، باید به پرس و جو از عقاید و اوضاع و احوال آنان پردازید. آنگاه به آنان حق دهید و حرف هایشان را تأیید کنید برای مثال وقتی کسی می گوید (من از دست فلانی ناراحتم) اگر منظورش را می فهمید حق را به او دهید و مثلاً بگویید (واقعاً کارهای او ناراحت کننده است). اما اگر منظورش را نمی فهمید کند و کاو کنید. پس از یافتن علت ناراحتی او از اصل دوم الگو استفاده کنید و سخنانش را تأیید کنید و از بحث و جدل تا آنجا که ممکن است خودداری کنید.» ۲ ----- ۱. روان شناسی زنان، ژانت هاید، بهزاد رحمتی، ص ۹۳. ۲. سیری در کمال فردی، کنت بلانکار، ص ۱۲۷. زنان با توجه به روحیه همدلی و هم احساسی در امر مشاوره بیش از مردان موفقیت کسب می کنند زیرا یکی از اصول مشاوره همدلی است که ما پیش از این در مورد وجود این ویژگی در زنان سخن گفتیم. در نظریه های مشاوره و روان درمانی می بینیم که چهار اصل «خوب شنیدن»، «همدلی» و «توجه بدون شرط» و «صمیمیت» به عنوان اصول اساسی مشاوره مطرح می شوند. «اصل همدلی» یعنی این که مشاور سعی کند از نگاه و احساس و عاطفه دیگری به مسئله او بنگرد و خود را جای آن شخص گذاشته و با این جایگزینی و از طریق هم احساسی مشکل او را حل کند. مشاوران زن به طور طبیعی و بدون این که دوره ای ببینند این چهار اصل را به کار می بندند زیرا کانون عواطف و احساسات بوده و به خاطر حس دیگر خواهی بدون چشم داشت و شرطی به حل مشکلات دیگران می پردازند. زیباترین جلوه ی همدلی و هم احساسی را در خانه علی (علیه السلام) فاطمه (سلام الله علیها) می توان مشاهده کرد در واقع سراسر زندگی آن دو بزرگوار با همدلی و همراهی آمیخته بود. به ویژه زیباترین تجلی همدلی را در این کلام حضرت زهرا (سلام الله علیها) می بینیم که خطاب به علی (علیه السلام) می فرماید: رُوْحِي لِرُوْحِكَ الْفِدَاءُ، وَ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَقَاءُ يَا اَبَا الْحَسَنِ! اِنْ كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَاِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ «علی جان، جانم فدای جان تو، و جان و روح من سپر بلاهای جان تو، یا ابا الحسن! همواره با تو خواهم بود، اگر تو در خیر و نیکی بسر میبری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم بود.» ۱ و از این روست که حضرت علی (علیه السلام) عشق و محبت خویش را نسبت به همدلی و ایثار فاطمه (سلام الله علیها) در قالب شعر بیان می نماید که: ولی الفخر بفاطم و ایها ثم فخری برسول الله اذ زوّجناها ۲ «من به فاطمه و پدرش مباحث می کنم و آنگاه به رسول خدا افتخار می کنم آن هنگام که فاطمه را به همسری من درآورد.» به راستی همدلی، جلوه ی ویژه ی زنان است که در ارتباط های آنان نقش بسیار اساسی را دارد. ----- ۱. کوب الدری، ج ۱، ص ۱۹۶. ۲. شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله)، احمد رحمانی همدانی، ص ۱۸۱.

#### ۴- ارتباط گرایی

یکی از مباحث مهم در علم روان شناسی ارتباط است. نقش ارتباط در روان افراد از مسلمات علمی به حساب می آید. یکی از شاخه های روان شناسی روان شناسی ارتباط است که در آن از کیفیت برقراری ارتباط با افراد به گونه ای که در روح و روان آن ها تأثیر گذاریم بحث می شود. زن و مرد از نظر کیفیت برقراری روابط با یکدیگر متفاوت هستند و این تفاوت ها از همان کودکی در رفتار آن ها تأثیر می گذارد. برخی می نویسند: «بررسی های انجام گرفته در کودکان نشان می دهد که دختران به معاشرت با دیگران و ایجاد روابط اجتماعی علاقه ی زیادی دارند، حال آن که پسران خود را بیش تر به فعالیت های بدنی، از جمله بازی با

چوب دویدن و دنبال کردن یکدیگر و هُل دادن اسباب بازی ها و کشیدن آن ها مشغول می کنند.» ۲ گفتنی است که حتی آنان که دارای نگرش برابرگرایانه هستند به قدرت ارتباطی قوی تر در زنان اشاره کرده و برای مقاصد خود از این ویژگی زنانه استفاده می کنند و می گویند: «زنان رابطه جوتر از مردان هستند و چون اولویت عمومشان ارتباط ----- ۲. روان شناسی تفاوت های فردی، دکتر حمزه گنجی، ص ۲۱۱. جویی است پس جهت روشن ساختن ماهیت واقعی ارتباطات انسانی خویش باید چگونگی (پیوند) را مورد بررسی قرار دهند.» ۱ هنر برقراری ارتباط برای انجام کارهای گروهی بسیار اهمیت دارد. اگر فردی نتواند با دیگران ارتباط صحیح و سالم برقرار کند هرگز تفاهم لازم برای کارهای گروهی را نیافته و به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. اگرچه این هنر در مردان هم وجود دارد اما زنان به شکل وسیع تری در رفتار خود این شاخصه را نشان می دهند. روان شناسان بر این باور هستند که: «همکاری و تعاون در دختران به مراتب بیش تر از پسران است. دختران بیش تر از پسران دو سه نفری دور هم جمع می شوند و به فعالیت دو جانبه یا مبادله ی اشیاء و اسباب بازی ها اقدام می کنند.» ۲ تفاوت زن و مرد در نحوه ی برقراری ارتباط همواره مورد نظر روان شناسان و نیز جامعه شناسان بوده است. در واقع روابط، اساس زندگی را تشکیل می دهند. چنان که پیش از این گفتیم مردان استقلال گرا هستند و در مقابل آن ها زنان ارتباط گرا بوده و در رفتار دختران کوچک به وضوح می توان این گرایش را دید. دختران کوچک در جهت تعلیم خصوصیات مادرانه مثل هم احساسی و ملاحظت بر می آیند و این نمایانگر قدرت ارتباط قوی در آن هاست. برخی از روان شناسان می نویسند: «پیوستگی و ارتباط منشأ ظهور رشد فردی است. از این رو تحقیقات نشان می دهد که دختران به فعالیت های دسته جمعی و ارتباط گرایش بیش تری نشان می دهند و این ناشی از اختلاف آموزشی دختران و پسران در زمینه های عاطفی است. (گُل مَن) در تحقیقات خود یافته است که مادران هنگام بازی با دختران احساسات بیش تری را از خود نشان می دهند و از کلمات عاطفی بیش تری استفاده می کنند. دختران احساسات خود را بیش تر بیان می کنند آن ها می توانند به ----- ۱. روان شناسی افسردگی زنان دنا کرولی، ص ۲۲۵. ۲. روان شناسی تفاوت های فردی، ص ۲۱۱. والدین خود اطلاع دهند که غمگین خوشحال، آرام یا تنها... هستند لذا بیش تر مورد هم احساسی و همدلی از سوی آن ها قرار می گیرند.» ۱ اکنون این سؤال مطرح می شود که روحیه ی ارتباط گرایی در زنان از چه زمانی آغاز می شود یا اصولاً آیا زیستی و وراثتی است و یا محصول محیط است؟ در پاسخ به این سؤال محققان می گویند: «زیربنای زیستی، روانی و روحی یک زن در انتهای دوران کودکی کاملاً شکل می گیرد و از موهبت های احساسی، ایجاد روابط، همبستگی و بینش درونی بهره مند می گردند.» ۲ بنابراین روحیه ارتباط گرایانه در زنان از دوران کودکی در وجود آن ها شکل گرفته و در اثر ترابط ها و تعاملات اجتماعی تقویت می شود. اریک فروم ۳ روان شناس و جامعه شناس مشهور آلمانی (۱۹۲۲) درباره ی ارتباط می گوید: «حیوانات را طبیعت به وسایلی مجهز کرده است که بتوانند به کمک آن ها به زندگی طبیعی خود ادامه دهند. آدمی که از طبیعت دوری جسته و آن وسایل را ندارد یا اگر وقتی داشته است از دست داده نیازمند است که به جای آن ها پیوندها و بستگی هایی به وجود بیاورد. دلپذیرترین این بستگی ها، نزدیکی و محبت نسبت به دیگران و یگانه شدن با آنان است و این امر مستلزم مراقبت و مسئولیت و احترام و حُسن تفاهم است.» ۴ به عبارت دیگر ارتباط یکی از نیازهای ضروری بشر است برای ادامه زندگی طبیعی او. البته این روان شناس آلمانی پنج نوع نیاز اختصاصی برای انسان ها ذکر می کند که یکی از آن ها نیاز به پیوند و همبستگی افراد بشر با یکدیگر است. او بر این باور است که: ----- ۱. جلوه های زندگی یک زن، ص ۸۹-۹۰. همان، ص ۹۰. ۲. Erichfromm ۴.۳. ۹۰. نظریه های شخصیت، دکتر علی اکبر سیاسی، ص ۱۵۱. «نیازهای اختصاصی انسان به نیازهای پنجگانه توسط اجتماع به وجود نیامده اند بلکه در ضمن تحول و تکامل تاریخ زندگی بشر پدیدار گشته اند. امّا چگونگی بروز و ظهور آن ها و چگونگی بر آوردن آن ها کاملاً ناشی از اجتماع است.» ۱ در مقابل ویژگی ارتباط که برای رشد و تکامل انسانها بسیار مفید و مؤثر است؟ حالت انزوا وجود دارد که موجب اختلال های روانی می گردد.

نقش وجود روابط اجتماعی در جسم و روان انسان توسط محققان زیست شناسی و روان شناسی بررسی شده است. روان شناسان می گویند: «انزوا و تنهایی دردی است وحشتناک که عوارض وخیمی را به دنبال دارد. به عنوان مثال نیروی دفاعی بدن تقلیل می یابد. قلب دچار اختلال می شود و کلاً عمر انسان به کوتاهی می گراید. افرادی که در انزوا به سر می برند مقدار لیمفوسایت ها بدنشان به طور قابل توجهی رو به کاهش می رود. لیمفوسایت ها سلول های دفاعی کشنده ای هستند که میکروب های ویروسی و سرطان را نابود می سازند. زنان از چنین عوارضی مصون هستند و این امر به علت وجود روابط اجتماعی گسترده آن هاست.»<sup>۲</sup> با توجه به این که زنان طبیعتاً رابطه جو هستند و از انزوا و تنهایی گریزانند در صورتی که از ارتباط با افراد دیگر محروم شوند دچار اضطراب های شدید و نگران کننده ای می شوند و بیش از مردان آسیب می بینند زیرا این امر (انزوا) با طبیعت آنان بیگانه است. یافته های علمی نشان می دهد که: «زنانی که نقش های مختلفی را در زندگی به عهده می گیرند و از روابط اجتماعی گسترده ای برخوردار هستند نسبت به گروه زنان دیگر از ----- ۱. نظریه های شخصیت، دکتر علی اکبر سیاسی، ص ۱۵۲. ۲. جلوه های زندگی یک زن، ۱۰-۱۲ (با تلخیص) سلامتی بیش تری برخوردار بوده و عمر طولانی تری خواهند داشت. روابط اجتماعی گسترده نه تنها عامل تنهایی و انزوا را که از عوامل تهدید کننده سلامتی است، نابود می کند بلکه میزان اعتماد به نفس فرد را بالا می برد و برای سلامتی بسیار مؤثر است.»<sup>۱</sup> برابر نگران بدون توجه به تفاوت های زن و مرد در برقراری روابط اجتماعی توصیه می کنند که زنان و مردان از موضعی برابر با یکدیگر وارد تعامل شوند<sup>۲</sup> و زنان به هر طریقی که شده است راه های نوین ارتباط با مردان را خلق کرده و از زوال جامعه زنان جلوگیری به عمل آورند. بدیهی است که نادیده گرفتن تفاوت ها و پیچیدن نسخه های مشابه برای افراد با حالتها و نیازها و دردهای گوناگون نتیجه مطلوبی نخواهد داد و منجر به نمایش طنزآمیزی خواهد شد که حاصل بی تناسبی بازیگران است. برقراری روابط محبت آمیز در زنان بیش از مردان مشاهده می شود که این روابط هم از نظر روانی موجب آرامش درونی آن ها می شود و هم تأثیرات محسوسی در جسم و سلامت بدنی آن ها دارد. خانم بوریس آنکو روان شناس آمریکائی می نویسد: «جریان ارتباطی ملایمی که بین دو نفر برقرار می شود برای هر دو مفید است و این حقیقت نه از منظر روان شناسی بلکه بیولوژیکی نیز به اثبات رسیده است. روان شناس دیوید مک کلانه که در دانشگاه هاروارد تدریس می نمود مطالعه ای در مورد (مادر ترزا) به عمل آورد. فرضیه ی او بر این بود که (مادر ترزا) به معرفی اصل جدیدی در روان شناسی که مشابه محبت بدون قید و شرط است پرداخت. که این روان شناس آن را (اعتماد پیوند جویی) می نامد. در این پدیده گرایش انسان به سوی گشودن قلب خویش و اعتقاد به اهمیت والای ایثار و محبت و دریافت -----

۱- حاصل مطالعه ی ۳۰ ساله ی، فیلیس موان (fhyllis moen) بر روی ۴۲۷ زن و مادر از منطقه ی خاص نیویورک در دانشگاه کُرنل. ۲. روان شناسی افسردگی زنان، دنا کرولی، ص ۲۲۵. آن است.»<sup>۱</sup> این روان شناس بر طبق مطالعه ای که بر روی تعدادی از تماشاگران فیلم مستندی از زندگی (مادر ترزا) به عمل آورد دریافت که این گروه تماشاگران نه تنها پس از تماشای فیلم گرایش بیش تری به پیوند جویی یافتند بلکه میزان ماده (آنتی بادی) که در بزاق انسان بوده و معروف به (اس. آی. چی. ا) است و از اولین خطوط دفاعی بدن در مقابل میکرب هایی است که از طریق دهان و بینی وارد بدن می شوند در این گروه به شدت بالا رفت. این ماده که در بزاق است عامل دفاعی بدن در مقابل امراض مسری و کرم خوردگی دندان ها و بیماری های لته است. تأثیر ارتباط و پیوند جویی در زندگی زنان بسیار محسوس و قابل بررسی است. اگر به سرای سالمندان مراجعه کنیم، پیر زنان را می بینیم که برای از دست دادن ارتباط و پیوند عاطفی خانوادگی در ابتدای ورود به آسایشگاه مشکلات جسمی و روانی فراوانی پیدا کرده و گاه در مدت کوتاهی پس از ورود به آن جا از دنیا می روند. نقش ارتباط در موفقیت و کامیابی بشر غیر قابل انکار است. «رابی کوشنر مؤلف کتاب (خواسته هایتان تا کنون کافی نبوده اند) معتقد است که برای دستیابی به موفقیت همه جانبه در زندگی به دو چیز ضروری و حیاتی باید دست یافت: الف) توفیق در کار و حرفه که همه برای آن اهمیت خاصی قائل هستند زیرا

انسان به طور غریزی طالب پیشرفت و موفقیت است. ب) رابطه‌ی عادلانه و معقول با خود، خانواده، مردم و پروردگار. ۲) رمز موفقیت بسیاری از افراد در حرفه و شغل آن‌ها صرفاً تخصص و فن آوری آن‌ها نیست بلکه کیفیت ارتباط با دیگران و نوع نگرش آن‌ها به هستی و مردم در موفقیت آن‌ها مؤثرتر بوده است. کینت بلانکارد پس از بررسی علت موفقیت ۵۰۰ شرکت به نتیجه بسیار

----- ۱. جلوه‌های زندگی یک زن، ص ۲۶۰. سیری در کمال فردی، ص ۱۸-۲۰. ارزشمندی دست یافته است. او حاصل تحقیقات خویش را چنین بیان می‌کند: «عوامل موفقیت در این شرکت‌ها با اصل توازن روابط و پیشرفت که از (رابی کوشنر) آموخته بودیم کاملاً مطابقت داشت. شرکت‌های موفق گرچه به رقابت با یکدیگر و افزایش در آمد و گسترش شرکت توجه داشتند اما مبنای کارشان ایجاد روابط مناسب و عادلانه با مشتریان و کارکنانشان بود.» ۱) پیش از این گفتیم که زنان در ایجاد این ارتباط و همدلی نبوغ ویژه‌ای دارند از این رو مدیریت آن‌ها در مجتمع‌ها به ویژه مؤسسات تربیتی همراه با موفقیت زیادی بوده است. البته این در صورتی است که از حالت‌های زنانه خود خارج نشده و سعی در مردانه اندیشیدن و عمل کردن نداشته باشند. زیرا در این صورت نه در شیوه‌های مدیریتی زنانه‌ی خویش موفق خواهند شد زیرا به صورت کامل و متناسب با طبیعت خود طرح‌ها را به اجرا در نیاورده‌اند و نه در شیوه‌ی تقلیدی از مردان، زیرا خارج از محدوده‌ی توانش و نیروی خویشتن و از مجرای غیر طبیعی به مدیریت شبه مردانه پرداخته‌اند. نکته‌ی جالب توجه در بحث ارتباط این است که در صورتی ارتباط‌های افراد مؤثر و مفید خواهد بود که در جهت اهداف عالی بوده و انسان را به مقام والای انسانی خود نزدیکتر کند. در نظریه‌ی روانکاو جین بیکر میلر بنیانگذار مطالعات زنان در ولسلی کالج استون به این نکته اشاره شده است که: «زنان در تمام روابط در جهت تعالی رساندن خویش و دیگران قدم بر می‌دارند. حتی زنانی که تجربیات سوء رفتار و خشونت در گذشته‌ی خود داشته‌اند هنوز هم در جهت رشد خصوصیات روانی ارزشمند قدم بر می‌دارند زیرا که مصمم هستند تا به خلق کنش‌های متقابل رشد دهنده بین خود، خانواده و دیگران بپردازند.» ۲) بنابراین روح کلی روابط زنان با خانواده و جامعه برای رساندن خود و آن‌ها به -----

----- ۱. همان، ص ۲۰-۲۳. جلوه‌های زندگی یک زن، ص ۱۷۳. تعالی روانی است. آنان بیش‌ترین گام را برای حفظ ارزشها و تعلیم آن‌ها به نسل‌های آینده بر می‌دارند از این رو روابط نادرست، آن‌ها را آزار می‌دهد و به افسردگی شدید و اختلال روحی گرفتار می‌شوند. خانم بوریس آنکو در این مورد می‌نویسد: «اما هرچه زن پخته‌تر می‌شود و از لحاظ عاطفی تیزهوش‌تر می‌گردد؛ تحمل وی در مقابل روابط نادرست کمتر می‌شود. جوهره‌ی اصلی وجود یک زن در ایجاد ارتباط و خصوصاً در مفهوم (خود انطباقی) خلاصه شده است.» اریک فروم روان‌شناس مشهور معاصر پنج نیاز و ویژگی برای انسان برجسته و کامل بر می‌شمرد که عبارتند از: «نیاز به نظام جهت‌گیری، نیاز به پیوند و وابستگی، نیاز به تعالی، نیاز به رجوع به اصل یا ریشه دار بودن و نیاز به هویت.» در این پنج نیاز مورد دوم ارتباط تنگاتنگ با بحث ما دارد یعنی نیاز به پیوند و وابستگی. او بر این باور است که فقط رابطه‌ای که بر اساس عشق بنا شده باشد می‌تواند شخصیت و فردیت انسان را حفظ کند. سلامت روان‌شناسان بستگی به رابطه با دیگران دارد. از نظر فروم جامعه‌ی امروز ما از آن‌جا که نتوانسته است انگاره‌های اجتماعی و مذهبی لازم را برای ارضای این نیاز به وابستگی انسان ایجاد کند موجبات آشفستگی روح و روان افراد انسانی را فراهم آورده است. او می‌گوید: «آن نوع وابستگی و دلبستگی قابل پذیرش است که انسان به وسیله‌ی آن هم آسودگی خیالی داشته باشد و بر احساس تنهایی خود غلبه کند و هم نیروهای انسانی خود را توسعه داده و این پیوند تنها پیوند برادرانه و انسان دوستانه است که هم موجب رشد استعداد انسانی می‌شود و هم آزادی و استقلال او را حفظ می‌کند.» ۱) ----- ۱. سیمای انسان کامل، ص ۲، ۳۱۰-۳۱۲.

همانگونه که پیش از این بیان کردیم زنان رابطه‌ی جو و ارتباط‌گرا هستند و مردان استقلال‌گرا و این تفاوت و تأثیر آن در زندگی مشترک خانوادگی و حتی در محیط کار و فعالیت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. اینک با توجه به این خصیصه زنانه پای سخن حضرت امیر(علیه السلام) می‌نشینیم و از خرمن معارف علوی خوشه‌ای بر می‌چینیم تا شمیم جان را با عطر کلام حضرتش

طراوت بخشیم. حضرت علی (علیه السلام) در فرآیند ارتباط برای بهره‌وری بهینه از ارتباطات اهمیت زیادی قایل شده و افراد را از ایجاد رابطه با انسان‌های ضعیف نهی کرده و می‌فرماید: **وَاحْذَرْ صِجَابَةَ مَنْ يَفِيلُ رَأْيَهُ، وَيُنْكَرُ عَمَلَهُ، فَإِنَّ الصَّاحِبَ مَعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ ۱.** «از یارانی که در فکر و نظر ضعیف هستند و عمل آن‌ها ناشایسته است بو حذر باش! زیرا مقیاس سنجش شخصیت هر کس را یارانش تشکیل می‌دهند.» و نیز حضرت به ارتقاء سطح فکر و تعالی توسط ارتباطات عمومی توجه عمیق داشته و در برخی از موارد افراد را از ارتباط‌های غیر متعالی نهی کرده و می‌فرماید: **وَاحْذَرْ مَنَازِلَ الْغُلَمَةِ وَالْجَفَاءِ وَقَلَّةَ الْأَعْوَانِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ. وَأَقْصِرْ رَأْيَكَ عَلَى مَا يَعْنِيكَ. وَإِيَّاكَ وَمَقَاعِدَ الْأَسْوَاقِ، فَإِنَّهَا مَحَاضِرُ الشَّيْطَانِ، وَمَعَارِضُ الْفِتَنِ.** «و از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافلند، و به یکدیگر ستم روا می‌دارند، و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی‌کنند، بپرهیز. در چیزی اندیشه کن که یاریت دهد، از نشستن در گذرگاه‌های عمومی، و بازار پرهیز کن که جای حاضر شدن ----- ۱. نهج البلاغه،

نامه ۶۹/۹. شیطان، و بر انگیزته شدن فتنه‌هاست.» ۱ در مقابل موارد فوق و موارد دیگری که به علت اختصار از ذکر آن‌ها معذوریم، حضرت امیر (علیه السلام) به ایجاد ارتباط با پاره‌ای از افراد تأکید فراوان داشته و در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: **قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصِيحَتُهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِإِمَامِكَ، وَأَنْقَاهُمْ جِنًّا، وَأَفْضَلَهُمْ حِلْمًا، مِمَّنْ يُبْطِئُ عَنِ الْغَضَبِ، وَيَسْتَرِيحُ إِلَى الْعُدْرِ، وَيَزْأَفُ بِالضَّعْفَاءِ، وَيَتَّبِعُ عَلَى الْأَقْوِيَاءِ، وَمِمَّنْ لَا يُثِيرُهُ الْعُنْفُ، وَلَا يَقْعُدُ بِهِ الضَّعْفُ.** «برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که دیر خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام تو بیش تر، و دامن او پاک تر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذرپذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با قدرت برخورد نماید، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد.» ۲ به یقین ارتباط با چنین افرادی تأثیرات فراوانی در روش و منش زندگی هر فردی که طالب تعالی و کمال است گذاشته و او را از حضيض ذلت به اوج عزت و بالندگی خواهد آورد. و از سویی پیوستگی و ارتباط با انسان‌های ضعیف و شرور در روح و روان تأثیر منفی گذاشته و بر اساس اصل «همانند سازی» هر فردی با همراه و یار همیشگی خود سنخیت یافته و شکل‌پذیری می‌کند. و این اصل اساسی روان‌شناسی در نگره‌های روان‌شناختی حضرت علی (علیه السلام) به زیباترین بیان مطرح شده است. آن‌جا که می‌فرماید: **قَارِنُ أَهْلِ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ، وَبَايِنُ أَهْلِ الشَّرِّ تَبِنْ عَنْهُمْ. بَسَسَ الطَّعَامُ الْحَرَامَ! وَظَلَمَ الضَّعِيفَ أَفْحَشُ الظُّلْمِ! إِذَا كَانَ الرَّفِيقُ حُرْقًا كَانَ أَخْرَقُ رِفْقًا.** ----- ۱. نهج البلاغه، نامه‌ی

۶۹/۱۰. همان، نامه ۵۳/۵۲. «با نیکان نزدیک شو و از آنان باش، و با بدان دور شو و از آنان دوری کن، بدترین غذاها، لقمه‌ی حرام، و بدترین ستم‌ها، ستمکاری به ناتوان است، جایی که مداوا کردن درشتی به حساب آید بجای مدارا درشتی کن.» ۱ شاید به همین جهت است که حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خویش به امام حسن (علیه السلام) بر لزوم تحدید و کنترل ارتباطات زنان در منزل و غیر آن تأکید ورزیده اند. ۲ **وَكَفَّضْتُ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ، وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَعَهُنَّ لَمَّا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ، وَإِنْ أَسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ.** «در پرده‌ی حجاب نگاهشان دار، تا نامحرمان را ننگرند، زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است، بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری، و اگر بتوانی بگونه‌ای زندگی کنی که غیر تو را نشناسند چنین کن.» ۴ اکنون که باید‌ها و نبایدهای ارتباط و پیوستگی‌ها از نظر حضرت امیر (علیه السلام) روان‌شناسان معاصر را شناختیم به یک نکته ظریف و دقیق که در رابط با جلوه‌ی ویژه‌ی زنانه، ارتباط متعالی، است می‌رسیم و آن این که زنان آنگونه که بیان شد بستر ارتباط‌هایشان و انتخاب دوستان از سوی آن‌ها بر اساس عاطفه و پیوند قلبی است و چون رابطه متعالی را می‌پسندند همواره در صدد انتخاب همراه و دوست بالاتر از خود هستند و از این رو در پیوندهای آن‌ها استمرار و تداوم مشاهده می‌شود، اگر زنان پیش از انتخاب دوست خود به نگره‌های پیشوایان دینی و به ویژه توصیه‌های حضرت علی (علیه السلام) توجه داشته و با ملاک‌ها و معیارهای منطقی و عقلانی به انتخاب دوست پردازند هرگز در پیوندها و ارتباطات با شکست مواجه نشده و زمینه افسردگی و آسیب‌زایی روانی را



برای خویشتن فراهم نمی سازند زیرا قطع ارتباط با کسی که دوست دارند برای آنان شکست روانی محسوب می شود. -----  
 ۱. نهج البلاغه، نامه ی ۳۱. ۲. همان ۳. همان

## ۵- خود آرای، جلوه ای اختصاصی

یکی از ویژگی های مهم در زنان خود آرایی و خودنمایی است. در ادبیات دین مبین اسلام از این ویژگی با واژه ی «تبرج» یاد می شود که با توجه به معنای لغوی این واژه بهتر می توان به تعریف خود آرایی پرداخت. در فرهنگنامه ها برای تبرج معانی زیر آورده شده است: الف) جلوه گری و عرضه ی زیبایی ها. ۱ ب) خودنمایی در مقابل مردان. ۲ ج) تبرج از ماده ی بُرج به معنای ظهور و آشکار ساختن است و بر زنی که زیبایی هایش را در مقابل نامحرم ظاهر می سازد اطلاق می شود. ۳ بنابراین خود آرایی، خود نمایی و نمایاندن زیبایی ها مترادف بوده و معنای تبرج را می رسانند. از نظر روان شناختی، خود آرایی یکی از نیازهای اصیل و فطری زن به حساب می رود. و باید مورد احترام و توجه مرد قرار گیرد تا به علت عدم پاسخگویی به این نیاز فطری، آسیب های روحی- روانی بر زن وارد شود. زنان از نظر روانی دارای خصلت «دیگر خواهی» هستند و همین موجب خود آرایی در آنان می شود. در واقع زنان به ارائه ی زیبایی خود نزد دیگران بیش از خود زیبایی علاقه نشان می دهند از این رو در محیط خانه کمتر به زیبایی های خود توجه دارند، اما هنگامی که در مجالس و محافل عمومی شرکت می کنند -----

۱. مصباح المنیر، احمد المقری الفیومی، ج ۱، ص ۴۲۰. ۲. ترتیب القاموس المحيط، طاهر احمد زادی، ج ۱، ص ۲۴۰. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ج ۱، ص ۲۲۷. نسبت به زیبایی و آراستگی اهتمام بیش تری می ورزند. برخی می نویسند: «تجربه نشان داده است که اگر این حس تبرج و خود آرایی زنان در محیط زندگی خود و هم جنس های آن ها با آزادی کافی همراه باشد آن ها گذشته از آن که خود را از خود آرایی در مناظر عمومی و محضر بیگانگان بی نیاز می یابند در رفتار و پوشاک و خوراک هم به شدت مراقب بهداشت، نظافت و نظم و انسجام می باشند.» ۱ یکی از نیازهای اصیل و فطری زن خود آرایی است که باید مورد احترام و پذیرش مرد قرار گیرد و با توجه به چهارچوب های اخلاقی، فرهنگی پاسخ داده شود. مردان باید به نیاز زیبا پسندانه زنان اهمیت داده و آن را سرکوب نکنند تا به صورت یک ناهنجاری روانی ظاهر نشود. اگر زنان برای بر آوردن این نیاز فطری در محدوده خانواده آزاد باشند خود آرایی به صورت یک رفتار منفی به جامعه سرایت نخواهد کرد. از طرفی توجه دادن زنان به بآرایه های باطنی و ایجاد آراستگی نفسانی در آن ها برای تحدید خود آرایی بسیار مفید و مؤثر است. حضرت امیر(علیه السلام) در این زمینه می فرماید: زینَةُ الْبُاطِنِ أَجْمَلُ مِنْ زِينَةِ الظَّوَاهِرِ ۲ آراستگی و زینت های باطنی زیباتر از آراستگی و زینت های ظاهری است. توجه دادن دختران و زنان جامعه به زینت باطنی، کمال انسانی، برای جلوگیری از مفسده های اجتماعی ناشی از خود آرایی بدون حد و مرز آن ها بسیار مؤثر است. از نظر روان شناختی در رفتارهای انسان عوامل گوناگونی دخالت دارند از جمله:

الف- عامل بیولوژیکی یا غریزه که باعث گرایش دختر یا پسر به سوی جنس ۶۶۶ ----- ۱. مقدمه ای بر روان شناسی زن، ص ۱۱۳. ۲. غررال حکم آمدی، ص ۷۲. مخالف می شود و این کشش و گرایش بر اثر تغییرات فیزیولوژیک (جسمی) و پسیکولوژیک (روانی) صورت می گیرد. در واقع ترشح غدد و وجود هورمون های جنسی مردانه و زنانه در افراد و نیز ویژگی های روانی متفاوت در آن ها موجب این گرایش به سوی جنس مخالف می شود. البته این کشش در حیوانات نیز وجود دارد ولی با کیفیت های متفاوت، مثلاً حرکات نمایشی در پرندگان و رقص ها و نوع آوا و صدایی که از حیوانات گوناگون شنیده می شود برای جلب توجه جنس مخالف است که در فصل های خاصی به عنوان مقدمه ی جفت گیری صورت می گیرد. در جوامع انسانی که قانونمند و متمدن است این کشش و گرایش به صورت پیشرفته تری خواهد بود که یکی از راه های آن خود آرایی و خود نمایی توسط دختران و زنان است. ب- اجتماع و عامل یادگیری: بسیاری از زنان که با خود آرایی و

خودنمایی در جامعه ظاهر می شوند از محیط پیرامون خود همانند سازی کرده و برای جلب احترام و توجه عمومی این رفتار را از خود نشان نمی دهند. در واقع آنان برای هماهنگی با اجتماع و گاه برای ارضاء خواسته دیگران- آن ها که دوستشان دارند- دست به چنین عملی می زنند که این ریشه روانی هم دارد. زنان، دیگر خواه، هستند و گاهی برای رضایت دیگران هر گونه رفتاری را از خود نشان می دهند. ج- بخش ناهوشیار: برخی از رفتارهای افراد برخاسته از ناخودآگاه و ناهوشیار آن هاست. گاهی خود آرایی زمینه در انتقام جویی از افراد خاصی دارد برای مثال دختر و پسری که در آستانه ازدواج با یکدیگر بودند و به عللی این ازدواج منتفی می شود و دختر خود را شکست خورده می بیند، به خود آرایی می پردازد، انتقام از وضعیت موجود و آزار جنس مخالف، و هر عقده ی روانی دیگر در دختران می تواند موجب بروز خود آرایی در آنان شود. گفتنی است که اگر بخواهیم خود آرایی را به عنوان یک بیماری بررسی کنیم باید به ریشه یابی پردازیم ولی خود آرایی به عنوان یک ویژگی فطری موجود در زنان بیماری نیست بلکه نیاز طبیعی است که باید از طریق صحیح برآورده شود و در ایجاد یک شورانگیز و دوست داشتنی و بنانهادن کانون گرم خانواده نقش مؤثری دارد. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «وَأَنَّ النِّسَاءَ هَمَّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا؛ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكْبِحُونَ. إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ. إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ.» «و زنان بی ایمان تمام همتشان آرایش زندگی و فسادانگیزی در آن است، اما مؤمنان فروتنند، همانا مؤمنان مهربانند، همانا مؤمنان از آینده ترسانند.» ۱ روان شناسان می گویند: «از نظر روان شناسی جنسی ثابت شده است که تحریک پذیری مرد در برابر محرک های بصری بسیار بیش تر از سایر محرکات است در صورتی که زن در برابر محرکات لمسی حساسیت بیش تری دارد. خصلت مرد چشم چرانی و خصلت زن خود آرایی است. تبرج از ویژگی های عاطفی هر زن است و کمتر اتفاق افتاده که مردان با لباس های بدن نما خارج شوند.» ۲ اکنون که به فطری بودن این خصلت در زنان پی بردیم لازم است که به تحدید و تعدیل آن پردازیم. تبرج و خود آرایی به شکل افراطی در واقع نوعی بیماری است که با عشوہ گری و طنبازی و دلربایی از آن تعبیر می شود و مورد تأیید نبوده و ناشی از فشارهای روانی فرد است. خانم لمبروزو روان شناس معروف می گوید: «وقتی که زن، مرد را نسبت به خود علاقمند دید و به سوی او متمایل شد منظور اصلی او در عشوہ گری و خودنمایی از بین می رود. چنان که مشاهده می شود زنانی که به شوهر و کودکان خود علاقه دارند به کلی از این عالم (عشوہ گری و دلبری افراطی و مدموم) بر کنار ----- ۱. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۵۳ / ۱۲. ۲. روانشناسی زن سید مجتبی هاشمی رکاوندی، ص ۲۲۲. می باشند و اگر زنی دیده شود که شیوه ی خودنمایی را پیشه کرده فقط به این دلیل است که پاسخ عواطف درونی خویش را نزد شوهرش نیافته است.» ۱ بارها در مجامع زنانه مشاهده شده است که سرخوردگی های عاطفی و بی توجهی مردان به هنر، زیبایی و استعداد و سلیقه زنان باعث بروز خودنمایی بیمارگونه در زنان شده است، اما خود آرایی متعادل و منطقی که لازمه زندگی سعادت مندانه است ریشه روانی نداشته و محصول فطرت و نهاد و سرشت زنان است و قابل احترام و تحدید و برنامه ریزی نیز می باشد. در دین اسلام تأکید فراوانی بر آرایش زن برای مرد شده است و این به یقین وسیله ای است برای برآوردن نیاز زن به خود آرایی که موجب پاسخ به این نیاز طبیعی و تحدید و مرزبندی آن می گردد. یکی دیگر از راه های تعدیل و تحدید نیاز فطری زنان به خود آرایی انتخاب پوشش مناسب و در واقع حجاب است. این که نسخه ی حجاب برای زنان پیچیده می شود و ادیان الهی بر آن تأکید فراوان دارند به علت وجود غرایز و نیازهای ویژه ی زنان است. اگر برای زنان که خصلت خود آرایی در فطرت آن هاست و همین خصلت باعث نشان دادن رفتار عشوہ گرانه در آن ها می شود؛ حکم حجاب ارائه نشود زنان با غرایز کنترل نشده و نامتعادل و تحت تأثیر شرایط ویژه ی اجتماعی، به تخریب بهداشت روانی کمک خواهند کرد. ولی با حجاب و پوشش مناسب چهارچوب مشخصی برای استفاده از این ویژگی ذاتی تعیین می گردد و مانع فساد اجتماعی و روانی می شود. از نظر روان شناختی نداشتن پوشش زنان، جوانان اجتماع را نسبت به جنس زن بی اعتماد می کند و رغبت و گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده در آن ها ایجاد نمی شود. از طرفی حس انتقام جویی و کینه توزی مرد نسبت به مردان دیگری که بی

شرمانه همسر یا خواهر او را نظاره می کنند برانگیخته شده و آسیب های روانی را موجب می گردد. حجاب اگرچه برای تعدیل و کنترل غریزه ی فطری خودآرایی سفارش شده است اما از منظر روان شناسی انگیزه یگرایش به حجاب وجود غریزه ی شرم و حیا در زنان است. در واقع یک احساس فطری مثل شرم، انگیزه می شود برای رفتار روانی زن یعنی گرایش به سوی حجاب و پوشش. بینش درونی و الهام غریزی زن به او می فهماند که برای بهتر زیستن باید به احساسات فطری خود احترام گذارد و یکی از این احساس ها شرم و حیاست و باید غرایز فطری خود را جهت دهد و کنترل کند و برای کنترل آن ها حجاب، بهترین ابزار است. از سوی دیگر ویژگی «دیگر خواهی» زنان انگیزه ی دیگری است که آن ها را به سوی حجاب و گزینش آن سوق می دهد. مردان غیرت دارند و زنان به آن ها اعتماد داشته و برای جلب نظر آن ها و پاسخگویی به حس «دیگر خواهی» خود به غیرت همسرشان احترام می گذارند. ----- ۱. روح زن، جینا لمبروزو، پری حسام شهرئیس، ج ۱، ص ۴۸.

## فصل هشتم: آسیب های روانی زنان

### اشاره

?آسیب های روانی زنان اینک که روان شناسی زن از دیدگاه امام علی (علیه السلام) با بضاعت اندک ما در وقت و صفحات- مورد بررسی قرار گرفت به آسیب های روانی زنان می پردازیم. حضرت علی (علیه السلام) با در نظر گرفتن توانش روانی و تحمّل و ظرفیت افراد می فرماید: فَكُلُّ فَيْسِرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ ۱ «به اندازه توان و استعداد هر کسی از او انتظار داشته باشید بیش ترین میزان آسیب روانی، زمانی بر زنان وارد می شود که بیش از تحمّل و طاقت جسمی و روانی آنان توقع و انتظار از آن ها داشته باشند. در پژوهشی که راجع به خوشبختی با همکاری بیش از ۱۴۰ دانشگاه و در ۱۰۰ کشور جهان در مدّت ۲۵ سال انجام گرفته است نتایجی به دست آمده که قسمتی از آن را بیان می کنیم پژوهشگران می نویسند: «بی حوصلگی و بدبختی زمانی صورت می گیرد که انسان کاری ----- ۱. بحار، ج ۵، ص ۵. انجام دهد که بسیار بالاتر و پائین تر از توانش باشد. چنان چه فرد کاری را شروع کند که نیرو و توان انجام آن کار را نداشته باشد و یا هدفی را برگزیند که مطابق با نیرو و توان خودش نباشد، دچار اضطراب می شود و اگر کاری را انجام دهد که بسیار کوچکتر و کمتر از نیرو و توانش باشد باعث خواهد شد که فرد، بی حوصله شود و به افسردگی دچار گردد. پس هدف و کار باید با نیرو هماهنگی داشته باشد.» ۱ افسردگی و اضطراب در این سخنان اگرچه عمومی است و زن و مرد را شامل می شود ولی در زنان موقعیتی حسّاس تر دارد. آن چه در نتیجه پژوهش فوق به چشم می خورد توجّه به توان و قدرت افراد و هماهنگی آن با هدف هاست. این نتیجه در طول ۲۵ سال و با فعالیت مستمر تعداد زیادی پژوهشگر بدست آمده است و ما می بینیم که در ۱۲ قرن پیش بدون کارگاه های روانکاو و مؤسّسات روان شناسی دانشگاهی، حضرت علی (علیه السلام) با نگرش امامتی خود این نکته را بیان فرموده و در مورد زنان سفارش بیش تری می کند که: وَلَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ، وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَلَا تَعُدُّ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا، وَلَا تَطْمَعُهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لِعَیْرِهَا. «کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار، که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش، مبادا در گرمی داشتن زن زیاده روی کنی که او را به طمع ورزی کشانده برای دیگران شفاعت نماید.» ۱ و نیز می فرماید: وَلَا تَحْمَلُوا النِّسَاءَ اِتْقَالِكُمْ وَاسْتَغْنُوا عَنْهُنَّ ۲ «بارهای سنگین را بر زنان تحمیل نکنید و خود را از آنان ----- ۱. بر گرفته از سخنرانی دکتر هلا-کوبی درانجمن روانشناسی کمال (۱۹۹۸). ۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱ / ۱۱۷ / ۲. غرالحکم، ص ۸۲۶. (۱ استفاده بیش از توانشان) بی نیاز کنید.» این عدم تحمیل بارهای سنگین و امور مشکل بر زنان زمینه ی آرامش روانی را برای آنان فراهم می سازد. زیرا طبق نظام هماهنگ آفرینش وظیفه اصلی آنان تربیت نسل ها در محیط خانواده و جامعه است و وظیفه دیگر آنان ایجاد ارتباطات انسانی و متعالی برای خود و

دیگران و در واقع با چشم مادرانه به هستی نگرستن و غمخوارانه و تیمارگرانه با قضایا برخورد کردن است که البته منافاتی با تعلیم و تعلّم دانش اندوزی و خدمت به دیگران ندارد. گفتنی است که بیماری های روانی یا ناهنجاری های شخصیت از نظر شدت و ضعف به دو دسته ی نوروها ۱ و پسیکوزها ۲ تقسیم می شوند. نورو عبارت است از یک اختلال روانی که عمل کردهای اصلی شخصیت را در بر نمی گیرد و فرد نسبت به آن اختلال آگاهی دارد. اضطراب، وسواس، هیستری ۳ و ترس های مرضی از انواع رایج و شناخته شده ی نوروها هستند. ۴ در یک نگاه کلی افسردگی و اضطراب و وسواس از انواع بسیار مهم اختلال های روانی هستند که به علت غلبه بروز حالات افسردگی در زنان، ما از انواع نوروها، افسردگی را به عنوان آسیب روانی زنان انتخاب کرده و به بررسی آن می پردازیم. تفاوت نورو و پسیکوز بر درجه آگاهی شخص از حالت خود مبتنی است. در این نوع اختلال روانی ارتباط بیمار با واقعیت قطع می شود و با انسان های دیگر نیز نمی تواند ارتباط مناسب داشته باشد و به علت شدت این بیماری و ناسازگاری اجتماعی بیمار باید بستری شود آن ها برای خود دنیایی می سازند که در آن قدرت مطلق دارند. پسیکوزهای مهم از نظر روان شناسان عبارتند از: «اسیکزوفرنی که به از خود بیگانگی بیمار تعبیر می شود و عملاً نمی توان با این بیمار ارتباط برقرار کرد. (خودفراموشی) مانیک- دپرسیو ۴ که از بیماری های ادواری به شمار می آید. این بیمار در دوره ی «مانی» کاملاً سرخوش، سرحال و برانگیخته است و به طور دایم شوخی می کند و در دوره ی دپرسیو کاملاً افسرده، بی حال، بی علاقه به همه چیز و در خود فرو رفته است.» ۵ با دقت و تأمل در سخنان حضرت امیر(علیه السلام) برای انواع نوروها و پسیکوزها درمان های روانی می یابیم. بحث و بررسی پیرامون اختلال های روانی علل و عوامل بروز آن ها و درمان هر یک را به زمانی دیگر وا می گذاریم و با توجه به این که موضوع بحث روان شناسی زنان است، از میان انواع اختلال ها به افسردگی که بین زنان شیوع دارد می پردازیم و درمان آن را از دیدگاه حضرت امیر(علیه السلام) بررسی می کنیم.

Neuros ۲.Psychosis.۱ -----  
 ۵ Hysteria ۴.manic - depressive ۳.روان شناسی عمومی، دکتر حمزه گنجی، ص ۳۹۵.

### آسیب شناسی روانی زنان

یکی از آسیب های روانی که امروزه دامن گیر بشر شده است و اختلالات روانی فراوانی را به همراه دارد سردرگمی در رفتارهای جنسیتی است. به عبارت دیگر وقتی به فردی تکلیف خارج از فطرت و طبیعت او تحمیل شود و با القاءهای گوناگون از شاکله ی حقیقی خود خارج شود و نتواند در شمار افراد جنس مخالف هم قرار گیرد دچار تحیر در رفتارهای جنسیتی می گردد و این ابتدای آسیب روانی است. با نگاهی گذرا به طرح های نظریه پردازان برابرنگر می بینیم که تمامی سعی و تلاش آن ها برای ایجاد برابری بین زن و مرد و نادیده گرفتن تفاوت های جسمی، روانی توانایی های شناختی آن هاست. در کشورهای پیشرفته جهان به وضوح می توان شاهد افزایش مشکلات روانی در زنان و مردان بود. زیرا زنان حالات زنانه خود را کنار گذاشته و توانایی ها و ویژگی های مردانه را به گونه ای تقلیدی در خود ایجاد کرده اند و برای رسیدن به حالات مردانه جلوه های زنانه خویش را به فراموشی سپرده اند. از سوی دیگر مردان مشخصه ها و ویژگی های مردانه را کنار گذاشته و به توسعه ی بخش زنانه خویش پرداخته اند تا آموز زنانه را به خوبی انجام دهند. این ویژگی های طبیعی زنانه که در وجودشان نهادینه شده است و آنگونه که پیش از این گفتیم از زمان لقاح اسپرم و اوول این مادینگی در آن ها ایجاد شده است به صورت غیر منطقی و تهاجمی در برابر تبلیغات ویژگی های مردانه قرار می گیرند. از یک سو نهاد و سرشت آن ها پیام طبیعی برای آنان می فرستد که «زنانه بیاندیش، زنانه بنگر، مادرانه دوست داشته باش، و زنانه عمل کن» از سوی دیگر پیام های فمینیستی و تبلیغات پُست مدرن (Postmodern) برای او پیک می فرستد که: «زنان و مردان برابرند، مردانه بیاندیش، در وادی های مردانه وارد شو، از کیفیت های زنانه دوری گزین و حق خود را اینگونه از مردانی که در طول تاریخ به تو ستم کردند بگیر.» تضاد و تعارض بین پیام درونی و درخواست بیرونی موجب درگیری

روانی در افراد می شود که حتی اگر آن را انکار کنند و نقش یک انسان سالم، مصمم و موفق را اجرا کنند، باز دوگانگی در شخصیت و رفتار آن ها به چشم می خورد و در برخوردهای آن ها اختلال روانی مشاهده می شود. جان گری روان شناس مشهور آمریکایی می گوید: «به یقین توسعه ی توانایی ذاتی هر جنسی نشانه ی رشد او است. جهت جلوگیری از مشکلات بیش تر باید یاد بگیریم که در توسعه ی توانایی های جنسیتی خصائل و مشخصه های اصلی جنسیتی خود را همیشه مد نظر داشته باشیم.» ۱ -----  
۱. زنان، مردان، روا بط. ص ۷۲.

## افسردگی ارمغان برا برنگری

امروزه بسیاری از سر درگمی های افراد و اختلال ها و تعارضات روانی در آن ها ناشی از عدم قبول تفاوت های بین زن و مرد است. اگر این تفاوت ها به عنوان اسرار و رموز خلقت به عنوان اصل اولیّه پذیرفته شوند هرگز زنان به فکر تشابه با مردان نمی افتادند و حتی فکر کردن در مورد آن را نوعی بی حرمتی به خود می دانستند. از سوی دیگر مردان نه تنها در صدد انجام رفتارهای زنانه نمی بودند بلکه همانگونه که در نگرشهای سنتی و مذهبی هست، این تشابه را برای خود عیب و ننگ می دانستند. روان شناسان می گویند: «نظریه های تساوی حقوق زن و مرد نه فقط سبب نگردیده که زنان توانایی ذاتی خود را کشف کنند و شبیه مردان شوند بلکه به خطا مسیر غلطی را ارائه نموده که می گوید زنان باید مثل مردان باشند. نتیجه آن شد که زنان به مقدار زیادی حالت اصلی طبیعت زنانه ی خود را فراموش کرده اند.» ۱ در ادامه می نویسند: «با پذیرش این واقعیت که چه کسی هستید و پذیرش تفاوت های دیگری، آنگاه می توانید یاد بگیرید که توانایی ها و شایستگی های خود را بدون تسلیم خود واقعی توسعه دهید.» این که انسان آنگونه که نیست خود را نشان دهد و صحنه زندگی او از مجرای طبیعی خارج شده و به صحنه نمایش حرکات و نیازها و جلوه های مردانه تبدیل شود بسیار دردناک است. زیرا در این صورت فرد مجبور است احساسات درونی و نیازهایش را به بند کشد و رفتارهای خود را بر اساس تعالیم عاریه ای به تصویر بکشد. در این حالت احساسات پاک درونی به کجا خواهند رفت؟! به یقین انکار احساسات و یا مخفی نگاه داشتن در جهان امروز همین ----- ۱. همان، ص ۷۳. واژگونی جنسیت است که حتی برابر نگران به آن اشاره می کنند ولی برای حل این مشکل روانی باز هم نسخه کلیشه ای برابری و تساوی را می پیچند غافل از این که اگر چیزی به عنوان علت درد شناخته شد نمی تواند درمان همان درد باشد! در صد افسردگی در میان زنان تقریباً دو برابر مردان است و این بیماری روانی در قرن حاضر به این میزان بالا رسیده است. در قرنی که ادعای تساوی زن و مرد مطرح شده است. آیا دلیل افسردگی زنان این نیست که با نادیده گرفتن تفاوت های بین زن و مرد خود را با مردان مقایسه می کنند وقتی می بیند که آن ها در عقل نظری و عقل اجتماعی و سیاست و توانایی های قضایی و ریاضیات و چرخش ذهنی از زنان قوی تر هستند از این رو احساس حقارت کرده و بدون توجه به بینش درونی خود و حس تناسب و دمسازی و خصلت پیوند جویی و عقل عملی و عواطف و... که قوی تر از مردان است دچار خود کم بینی و افسردگی ناشی از احساس تبعیض می شوند؟! به یقین افسردگی زنان در عصر حاضر عارضه ای ناشی از تبلیغات سوء است. تحقیقات نشان می دهد که شیوع افسردگی در زنان بیش از مردان است. به عبارت دیگر زنان، دو یا سه برابر مردان به افسردگی مبتلا می شوند. آماری که از درصد بیماران مبتلا به افسردگی که در بیمارستان های روان درمانی بستری شده اند و یا به صورت سرپایی درمان شده اند، ارایه گردیده گویای این حقیقت است و تفاوت عمده ی بین زنان و مردان در این پژوهش آماری قابل تأمل است. ۱ ----- ۱. مأخذ این آمار و نمودار: وینر. بی، ۱۹۸۲، آسیب شناسی روانی از نوزادی تا نوجوانی، نیویورک، ویلی. تحقیقات نشان می دهد که سه گروه زنان، نوجوانان و افراد مسن بیش از دیگران دچار افسردگی می شوند، اگرچه محققان برابر نگر احتمال می دهند که علت افزایش میزان افسردگی در این سه دسته به خاطر این است که کنترل هر سه گروه در دست دیگران است و خواسته ها و امیال

دیگران بر آن‌ها تحمیل می‌شود در حالی که می‌خواهند مستقل باشند ولی در واقع باید گفت تا به حال هیچ‌گونه عفت بیولوژیکی برای افسردگی بیان نشده و احتمالات و فرضیات ارائه شده در این رابطه قطعی نیست. به نظر ما احتمال دارد دلیل افسردگی نوجوانان و افراد مُسن رخداد تغییرات روحی و جسمی در آن‌ها باشد. نوجوانان که در مرحله بلوغ هستند با ترشح هورمون‌ها و تغییرات فیزیکی بدن در معرض تحولات ویژه قرار می‌گیرند و عوارضی همچون حالت تردید و دو دلی، نگرانی نسبت به آینده، عدم ثبات عواطف، فشار غریزه‌ی جنسی، خودخواهی خیال پردازی و بحران هویت و... را به دنبال خواهند داشت. و اگر با برخورد مناسب از سوی والدین و مربیان مجتمع‌های آموزشی رو به رو نشوند دچار افسردگی و پرخاشگری و روان پریشی خواهند شد. از سوی دیگر افراد مُسن به علت از دست دادن قوای بدنی و تضعیف ارتباطات و از دست دادن شغل مورد علاقه و یا پراکندگی افراد خانواده و تنهایی و... دچار افسردگی می‌شوند که اگر با تعلیمات مذهبی و اخلاقی آشنایی داشته باشند از افسردگی و پژمردگی آن‌ها کاسته می‌شود. در این میان قشر زنان با توجه به ویژگی‌های خاصی که دارند، ویژگی‌هایی مثل ارتباط گرایبی و پیوندجویی، همدلی و هم‌احساسی با دیگران که در درجه اول برای خود آن‌ها احساس رضایت می‌آورد، بینش درونی و الهام‌های راستین و معنویت‌گرایی و دیگرخواهی، از نظر روانی نباید دچار مشکل قرن اخیر، افسردگی، شوند و علت‌ها را باید در بیرون از سرزمین وجود آنان جستجو کرد. برای بررسی علت افسردگی زنان می‌توان به نظرها احتمالی گوناگون که درباره‌ی علت‌های افسردگی زنان بیان شده است توجه کرد: الف) علل اجتماعی: از نظر اجتماعی ابراز خشم و پرخاشگری مردان پذیرفته‌تر است در حالی که زنان آموخته‌اند که احساسات پرخاشگرانه خود را در اجتماع کنترل کنند در نتیجه خشم خود را به درون ریخته و نسبت به خود با دید انتقادی می‌نگرند. ۱. ابراز خشم راه درمان این گروه از زنان افسرده است. روانشناسان بر این باور هستند که مردان خشم خود را از طریق اعمالی مثل جنگ و ورزش‌های رزمی، فریاد کشیدن به شکل‌های عملی یا کلامی ابراز می‌کنند. اما زنان به جهت این که مرتب گفته شده است «زنان احساساتی هستند» از این رو سعی می‌کنند احساسات خود را بپوشانند و خشم خود را پنهان کنند. افسردگی نتیجه دفن احساسات و هیجان‌انگیزی است که بسیار شدید و خروشان بوده‌اند ولی ابراز نشده‌اند. ۲. ----- ۱. روان‌شناسی زن، شکوه نوایی نژاد، ص ۱۲۵. ۲. روان‌شناسی زنان (علل افسردگی و...)، لوئیس فرانکل، ص ۵۵ و ۵۴. این روانشناسان می‌گویند: «زنان، استادانکار احساسات خود هستند.» ولی به راستی چرا زنان احساسات طبیعی و نیاز فطری خویش را انکار می‌کنند؟! آیا این به دلیل تحقیر جامعه نیست؟ اگر احساساتی بودن به عنوان یک خصلت طبیعی و پسندیده‌ی زنانه مطرح می‌شد و اندیشه‌گران و درپی آنان مردم عوام به مذمت این خصیصه نمی‌پرداختند آیا بازهم جایی برای انکار این احساسات وجود می‌داشت؟ فروکش کردن خشم هم برای مرد و هم برای زن از صفت‌های برجسته است همانگونه که عفو و احسان و تعاون و دهها صفت دیگر برای زن و مرد به عنوان فضیلت مطرح می‌شود و اگر زنان خشم خود را ابراز نمی‌کنند به علت این است که آن‌ها در ارتباط‌های خود در پی ارزش‌ها هستند. اما انکار احساسات از سوی زنان پیامد تحقیر برابرنگران است که در طرح‌های خود ویژگی‌های زنانه را تحقیر کرده و تغییر حالت زنانه به مردانه را مورد تمجید قرار می‌دهند. این تحقیرها موجب ضعف نفس و احساس حقارت نسبت به زن بودن در زنان شده و افسردگی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. ب) درماندگی به علت عدم دریافت پاسخ مناسب برای تلاش و کوشش خود در منزل: زنان به خاطر حس دیگرخواهی تمامی وقت خود را به شیوه‌ای افراطی صرف امور خانه می‌کنند ولی در مقابل با سپاسگزاری از سوی همسر مواجه نمی‌شوند و احساس می‌کنند که تلاش آن‌ها از طرف خانواده نادیده گرفته می‌شود و از این رو افسرده می‌شوند. توجه به موقع همسر و تشکر از زحمات او و ابراز عشق و علاقه این افسردگی را درمان می‌کند. ج) ارزشگذاری‌های غیر واقعی: زمانی که در جامعه برای افراد تحصیل کرده و آن‌ها که در موقعیت‌های مناسب اجتماعی قرار گرفته‌اند بیش از حد معمول احترام قایل شوند و حضور زن در خانه را با دیده‌ی حقارت نگریسته و ارزشی برای تربیت نسل‌های آینده در نظر گرفته نشود، زنان، فاصله خود

واقعی و خود ایده آل- که ساخته و پرداخته ی القاءات اجتماعی است- را زیاد دیده و عزت نفس خود را از دست می دهند. و این مسئله عزت نفس زمینه مناسبی برای بیماری افسردگی فراهم می سازد. در این راستا به توصیه های حضرت علی (علیه السلام) در مورد اهمیت دادن به کار زنان در منزل بر می خوریم آن جا که حضرت می فرماید: **جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ** ۱ «جهاد زن خوب شوهرداری کردن است.» ۱ در این سخن آسمانزاد، ارزش گذاری کار زن در منزل و همسررداری او در حد جهاد در راه خدا بیان شده است. به عبارت دیگر که همانگونه که جهاد مایه حیات اجتماعی و حفظ حدود و ثغور سرزمین ها می شود تلاش زن در خانه نیز باعث حفظ بنیاد خانوادگی به عنوان یکی از مهمترین نهادهای جامعه و در نتیجه حیات اجتماعی و سلامت روانی خواهد شد. افراط در همه امور زندگی و از جمله اختصاص تمامی اوقات در پرداختن به همه نیازهای خانواده و عدم توجه به نیازهای خود می تواند یکی از عوامل مهم آسیب زا برای روان زنان باشد و زمینه افسردگی در آنان را فراهم سازد از این رو به جاست که به سفارش حضرت علی (علیه السلام) در مورد اعتدال در پرداختن به امور خانه توجه شود تا نیازهای شخصی زن قربانی خانواده نگردد و در عین حال نیازهای خانواده نیز در نظر گرفته شود. حضرت می فرماید: «بیش ترین همت و دلمشغولی خود را صرف خانواده و اولاد نکنید.» ۲ یعنی وقتی را برای خویشتن بگذارید. پیش از این گفتیم که یکی از نیازهای اساسی هر انسانی از جمله زن، رشد و تعالی و پویایی است و اگر زن از این نیاز ----- ۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۴۳۹. ۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۵۲. خود غافل شده و تنها به نیازهای خانواده بپردازد دچار افسردگی و آسیب پذیری روانی می گردد. یکی دیگر از عوامل آسیب زی روانی؛ انجام کار و داشتن هدفی است که خارج از توانش و نیروی طبیعی زنان است و یا برعکس کمتر از حد و شایستگی آن هاست و ما در جای خود مفضل به این بحث پرداختیم. دلایل دیگری نیز ممکن است باشد که برخی از آن ها را فهرست گونه بیان می کنیم: - با توجه به ویژگی خاص زنان که ارتباط گرای است، قطع یا کم رنگ شدن ارتباط با دیگران موجب افسردگی و آسیب روانی در زنان می گردد در حالی که مردان با این مسئله به راحتی کنار می آیند. - حساسیت زیاد بانوان در مقابل حوادث و رخدادهای موجود، فرسودگی روانی را به همراه دارد. - عدم رضایت نسبت به وضعیت موجود و احساس حقارت و بی ثمری می تواند عامل افسردگی شود... - عدم شناخت دوران های مختلف زندگی زنان به ویژه خصوصیات دوران یائسگی و اهمیت آن که آن را پی می گیریم.

### یائسگی و افسردگی از دیدگاه روانی.

یائسگی دوره ای ویژه برای زنان است که از پیامدهای تفاوت های جنسی در زنان و مردان به شمار می رود. دوره ی عادت ماهیانه یا گشن خواهی در زنان تا حدود پنجاه سالگی به طول می انجامد و در پی قطع این دوره مرحله جدیدی در زندگی زنان آغاز می شود. مرحله ای که با توجه به نوع نگرشهای بانوان احساس آن ها نسبت به این مرحله متفاوت است. «یأس» از نظر لغوی به معنای «قطع امید» است. چنان چه در معجم مقابیس اللغة آمده است: «الیأس: قطع الرجاء» و بر اساس این معنا یائسه یعنی کسی که قبلاً خون حیض می دیده است و الان دیگر نمی بیند و از دیدن آن در آینده هم نا امید است. ۱ زنان در این مرحله از زندگی خود با تنش های روانی فراوانی روبرو خواهند شد زیرا تفسیر صحیحی از این دوران نداشته و به یک دوره ی تعریف نشده پا گذاشته اند. برخی از روان شناسان می نویسند: «دوران یائسگی بسیار حساس و استثنایی است یائسگی یک زن، بلوغ مجدد اوست. آشنایی او با دوره ای از زندگی است که می تواند هیجان انگیزترین، ارضاء کننده ترین و پر اقتدارترین نیمه ی زندگی او محسوب شود.» ۲ به نظر این روان شناس هر زنی دارای دو بلوغ است. در بلوغ اول زنان قدرت بارداری و بهره مند شدن از موهبت مادری را می یابند و از نظر فیزیولوژیکی موفقیت هایی را حاصل می کنند، ولی در بلوغ دوم، یائسگی، آنان از عقل و درایت ویژه ای برخوردار می شوند که پیش از این بهره ناچیزی از آن داشتند. برخی از زنان در دوران یائسگی روابط جنسی بهتری با همسران خود برقرار می

کنند. زیر از وحشت باردار شدن رهایی یافته اند و برخی دیگر به دلیل دادن قدرت باروری خود را فاقد جذابیت های جنسی و جوانی می پندارند و به افسردگی مبتلا می شوند. گفتنی است که نوع برخورد با یائسگی ارتباط مستقیم با فرهنگ و اجتماع دارد. و بینش و بصیرت زنان و مردان در این موضوع نقش تعیین کننده ای را داراست. بدیهی است در جوامع غیر ارزشی که شخصیت افراد با ظاهر آن ها سنجیده شده و به کمالات نفسانی توجه نمی شود، زنان در آستانه دوره ی یائسگی به افسردگی و ناامیدی مفرطی دچار می شوند. برخی از روان شناس ها چگونگی برخورد با این مسئله در جوامع را اینگونه -----

----- ۱. نگرشی نو بر شرایط یائسگی، سید هدایت الله طالقانی، ص ۴۳ و ۴۲. ۲. جلوه های زندگی یک زن، ص ۲۱۰. بیان می کنند: «اکثریت زنان در حدود چهل سالگی در دام افسردگی و افکار منفی و سیاه اسیر می شوند و با واکنش های خاصی چون خرید زر و زیورهای نامعقول، جستجوی روابط عاشقانه، خرید غیر ارادی بلیط های مسافرت و یا اتومبیل های جوان پسند قرمز رنگ به جنگ واقعیت می روند.» ۱ و نیز می نویسند: «زنان در دوره یائسگی برای اجتناب از افسردگی دیوانه وار به جراحان پلاستیک پناه می برند و از آن ها برای کشیدن پوست صورت و یا کوچک کردن شکم کمک می خواهند و به استفاده از درمان های هورمونی می پردازند.» ۲ از سویی دیگر در جوامع ارزشی آن جا که به کمالات روحی روانی و به اندیشه و بینش، بیش تر از ظاهر و چهره و قالب توجه می شود ورود به چهل سالگی و دوره ی یائسگی به عنوان یک مرحله کمالیه تلقی می شود؛ مرحله ای که در آن زنان با توجه به تجربیات حاصل از یک عمر و بینش خاص این دوره و آشنایی با سیر تکاملی به سوی کمال مطلق با آغوش باز آن را پذیرا شده و به استقبال از آن می شتابند. یافته های علمی، اهمیت این دوره را بسیار زیبا بیان می دارد: «وانیل لونیسون اعتقاد دارد که در زندگی انسان مراحل فرا می رسد که در آن فرد به کاوش عمیق و نافذ زندگی خود می پردازد. این که بر او چه گذشته است و چه پیش رو دارد و بالاخره در پرتو چنین تحلیلی مسیر زندگی اش را عوض می کند. این حالت در سنین ۴۰ تا ۴۵ سالگی اتفاق می افتد این دوره تحوّل که نیازمند تفکرات عمیق و اساسی است ضرورتاً دوره بحرانی نیست و زنی که از سلامتی روانی برخوردار است خود را در سرآشویی ----- ۱. همان، ص ۲۰۱. ۲. همان، ص ۲۱۲. سقوط احساس نمی کند، بلکه آن را دورانی سازنده می یابد که از تصمیم گیری های عجولانه و پرداختن به اعمال دیوانه وار فرسنگ ها فاصله دارد.» ۱ زنان در دوره ی یائسگی به یک آرامش روانی نسبی می رسند که آن را با هیچ چیز معامله نخواهند کرد آنان برای زندگی که دوست دارند سال ها تلاش کرده اند و تجربیات گران بهایی را در زمینه های گوناگون به دست آورده اند و مشتاقانه در انتظار ارائه این تجربه ها به نسل های بعد هستند و اگرچه دوره های تحصیلی جهت مشاوره ندیده اند ولی با بینش عمیقی که اکنون یافته اند می توانند در موارد گوناگونی مشاور مناسبی برای فرزندان، نوه ها و بستگان خود باشند. زنان شاغل آنگاه که به دوره ی یائسگی می رسند نگاه آن ها در ارتباط با حرفه همیشگی شان تغییر می کند. آنان بیش تر به مفهوم یابی می پردازند تا شکل صوری کار. با خود می اندیشند و از خویش می پرسند که آیا در این حرفه موفق بوده ام؟ آیا ابتکارهایی خاص برای حرفه ام داشته ام؟ و سؤال های گوناگون دیگری که به محتوا و مفهوم کار بر می گردد و نه قالب شغلی آن ها. یکی از حالات ویژه ی یائسگی، گر گرفتن است که پیش از این در مورد آن سخن گفتیم. «دانشمند گیاه شناس و طبیعی دان، فریداشارن در کتاب ارزنده ی خود به نام یائسگی خلاق مشاهدات خود را در مورد یک دوره شش ماهه توأم با عارضه ی گر گرفتگی شرح می دهد او ظهور این انرژی را زیبا و شگفت انگیز می یابد؟». زنان، افسردگی و مذهب همان گونه که بیان شد افسردگی در زنان بیش از مردان است و علل آن نیز هنوز به صورت قطعی بیان نشده است. سالیانی است که تیغ تیز جمعی از منادیان احیای حقوق زن و مخالفان مذهب و دین باوری متوجه نقش مذهب در افسردگی زنان شده است. این گروه معتقدند که افسردگی در زنان مسلمان و محجبه که پایبند به ارزش های والای انسانی و الهی هستند بیش از دیگران است. ----- ۱. همان. آن ها علاوه بر هجوم به تفکر دینی به ارزش های بلند انسانی زنان مثل حجاب یورش برده و به تاخت و تاز پرداخته اند. در



حالی که آمارها سخنی غیر از این را می گویند. خانم جو آن بوریس آنکو می گوید: «چهل مطالعه ی مختلف غلبه ی افسردگی را در زنان ۳۰ کشور گوناگون نشان می دهد. آن گونه که نتایج تحقیقات نشان می دهد کشورهای مذکور اغلب غیر مسلمان بوده اند و حجاب و پوشش در آن ها مطرح نبوده است که منشأ افسردگی و فرسودگی روانی زنان را به اعتقادات آنان نسبت دهند. گفتنی است که علاوه بر آمارهای موجود افسردگی شدید در زنان غیر مسلمان و غیر محجبه نکته ی قابل توجهی در رابطه با روابط درمانی معنوی وجود دارد. بسیاری از روان درمانگران امروزه از طریق مذهب و معنویت به روان درمانی می پردازند و حتی از مذهب به عنوان درمان افسردگی استفاده می کنند. چگونه می توان از یک امر که خود، درمان است با تعبیر عامل بیماری سخن گفت؟! به عبارت دیگر وقتی امروز، برای روان درمانی از معنویت و مذهب استفاده می شود چگونه می توان مذهب را عامل بیماری روانی مثل افسردگی دانست؟ کارل یونگ روانکار مشهور سوئیسی می گوید: «در طول ۳۰ سال گذشته افراد زیادی از ملیت های مختلف جهان متمدّن با من مشورت کردند و من صدها تن از بیماران را معالجه و درمان کرده ام اما از میان بیمارانی که در نیمه ی دوم عمر خود به سر می بردند. حتی یک بیمار را نیز ندیدم که اساساً مشکلش نیاز به یک گرایش دینی در زندگی نباشد. به جرئت می توانم بگویم که تک تک آن ها به این دلیل قربانی بیماری روانی شده بودند که فاقد آن چیزی بودند که ادیان موجود در هر زمانی به پیروان خود می دهند و تک تک آن ها فقط وقتی به دیدگاه های دینی بازگشته بودند به طور کامل درمان شدند.»<sup>۱</sup> بنابراین می بینم که این روانکاو مشهور برای درمان بیماران روانی از دین و مذهب استفاده کرده و عامل اصلی اختلال های روانی را دوری جامعه از یک جلوه ی متعالی یعنی دین باوری می داند. از سویی دیگر هنری لینک روان شناس آمریکایی در کتاب خود، بازگشت به ایمان، درد عصر جدید را دوری از ایمان می داند و با اذعان و اطمینان می گوید: «افراد متدین و آن ها که به معابد رفت و آمد می کنند دارای شخصیتی قوی تر و بهتر از بی دین ها و یا کسانی که هیچ وقت به عبادت خداوند نمی پردازند، هستند.»<sup>۲</sup> باورداشت این مسئله که خلأهای درونی بشر و سختی های روزگار و فقدان ها اگر با یک نگاه دینی مورد توجه قرار گیرند قابل توجه و تحفل هستند و به دور از یک نگره ی آسمانی دینی تحمل هر یک از این چالش ها و مشکلات طاقت فرسا خواهد بود. زمینه ی آرامش روانی را فراهم می سازد. در سایه ی بندگی خدا و ایجاد پیوندی عارفانه و عاشقانه، هر بلا و سختی نیز هدیه الهی و به عبارت بهتر هدیه دوست محسوب می شود و «هرچه از دوست رسد نیکوست.» آیا برای آرامش روانی و آسایش جسم و روح انسان به سخنی بالاتر از این می توان تمسک کرد؟! از سویی دیگر امید به مصلح جهانی و آینده ای روشن که در سایه ظهور او خواهیم داشت آرامش دهنده ی دیگری از ناحیه تعالیم دینی است. تفاوت عمده ای در روان درمانی دین باوران و غیر متدینان وجود دارد که توجه به آن ضروری است. در نگره های روان شناختی دینی می بینیم که پیش از آن که فرد دچار بیماری روانی گردد، راه های ایجاد آرامش روانی را به او می نمایانند تا در آینده دچار آسیب روانی نگردد. در حالی که روان درمانی امروز پس از این که شخص دچار بیماری روانی شد به روان درمانی یا دارو درمانی -----<sup>۱</sup>.

ر. ک روان شناسی در قرآن، ص ۳۶۶. ۲. همان روانی می پردازد. دین اسلام به ذکر خدا امر می کند که: الا- بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ۱ «آگاه باشید که با یاد خدا دلها آرام می گیرد.»<sup>۱</sup> و این عظمت و بلند مرتبگی مذهب و نقش آن در سعادت جسمی و روانی بشر را می رساند. بنابراین دریافتیم که تفکر و اندیشه دینی مایه آرامش است. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَلِقَهُ وَسَلِيمًا لِمَنْ دَخَلَهُ «ستایش مخصوص خدایی است که «اسلام» را تشریح کرد و... و آن را برای کسانی که دست به دانش زنند پناهگاه امنی قرار داد و برای آن ها که به حریمش گام نهند وسیله صلح و سلامت ساخت.»<sup>۲</sup> به راستی که مذهب و دین برای کسانی که به سوی آن قدم برداشته و دستورهای آسمانی آن را عمل کنند مایه آرامش روانی و امتیّت خواهد بود و اگر مسلمانانی دیده شوند که دارای اختلال های روانی همچون افسردگی، وسواس، اضطراب و روان پریشی و... شده اند به یقین دستورهای اسلام را بتمامه عمل نکرده اند. ا. ا. بریل نیز می گوید: «انسان متدین واقعی هرگز دچار بیماری روانی نخواهد

شد. ۳ «بنابراین ضامن حفظ انسان از بیماری های روانی توسط مذهب، انجام تعالیم و دستورهای دینی است و یکی از این تعالیم حجاب است که ما به بعد روانی آن می پردازیم. ----- ۱. سوره ی رعد، آیه ی ۲۸. ۲. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۰۶/۱. ۳. روان شناسی در قرآن؛ ص ۳۶۷

## حجاب و آسیب های روانی

حجاب، به عنوان عامل بازدارنده ی انسان از خود آرایی های غیرمنطقی و بی حد و مرز، یکی از دستورهای دین مبین اسلام است که حکم آن پس از اتمام کلیه ی احکام اعتقادی و بنیادی دین در مدینه بر پیامبر گرامی اسلام نازل شد. نزول حکم حجاب پس از ریشه دار شدن اعتقادات نمود تکاملی بودن این فرمان است. اگر پایه ها و بنیادهای اعتقادی بر سنگ بنای محکمی نهاده شده باشد، درک و به کار بردن حجاب بسیار راحت و سریع صورت خواهد گرفت. حجاب موجب بهداشت روانی جامعه می باشد. اساساً سلامت جامعه بر روی اعتماد متقابل بین دو پیکره ی اجتماعی استوار است. پوشش زنان باعث می شود که جوانان اجتماع نسبت به زن و احساسات درونی او اعتماد کرده و او را شایسته ی تشکیل کانون به ظاهر کوچک آرامش گسترده ی خانواده بدانند. از سوی دیگر دختران و زنان جامعه با پوشش صحیح، خویشتن را از آماج نگاه های هرزه حفظ کرده و آرامش و آسایش روانی برای آن ها به وجود خواهد آمد. گزارش هایی که از بی بند و باری های موجود در غرب و آثار سوء روانی حاصل از آن به گوش می رسد تأییدگر همین نکته است که پوشش توصیه شده از سوی اسلام ضامن آرامش روانی، فردی و اجتماعی است. دیاناراسل ۱ جامعه شناس مشهور، با ۹۰۰ زن که به طور تصادفی انتخاب کرده بود در مورد تجارب تلخ سوء رفتار و خشونت های خانوادگی مصاحبه نمود نتایج این مصاحبه بسیار تکان دهنده بوده و جهت تبیین نقش حجاب و پوشش اسلامی که مبتنی بر اندیشه ی دینی است مؤثر است. این نتایج عبارتند از: «از هر چهار زن، یک نفر آن ها تحت تجاوز جنسی واقع شده و از هر سه زن یک نفر در دوران کودکی تجربه ی سوء رفتار جنسی را کسب نموده است.» ----- ۱. جلوه های زندگی یک زن، ص ۲۶۳، و ۲۶۴. گفتنی است که بسیاری از این گونه وقایع به دو دلیل گزارش نمی شوند: الف) چون یک راز است و زن ها از ابراز رازهای شخصی احتراز می جویند. ب) تجربیاتی این چنین تلخ در ناخود آگاه انسان منکوب شده و به ضمیر ناخود آگاه رانده می شود و افراد تا دهه ی ۳۰ یا اوایل ۴۰ سالگی فرصتی برای ظهور آن ها به دست نمی آورند. خانم جو آن بوریس آنکو می گوید: «در اوایل سال ۱۹۷۰ در بیمارستان شهر بُستن (در آمریکا) تحقیقاتی به عمل آمد که اختلالات ذیل به عنوان «سندرم زخم های روحی تجاوزات جنسی» شناسایی شده اند: شکایت از ناراحتی های جسمی توسط زنان، اضطراب، افسردگی، ترس های فویبایی و اختلالات خواب از جمله کابوس که نه تنها در زنان جوانی که مورد تجاوز جنسی واقع شده اند، بلکه در آن دسته از زنان که تجارب تلخ تجاوزات جنسی در دوران کودکی وارد ضمیر آگاهشان شده است به چشم می خورد.» ۱ اکنون با توجه به آثار شوم بی بند و باری و نداشتن حجاب در کشورهای غیر دینی می توان بیش از پیش به نقش اساسی دین و حجاب به عنوان یک حکم دینی در آرامش روانی افراد پی برد، زیرا بی بند و باری و عدم تقییدات ارزشی از سوی زنان یکی از عوامل مهم سوء رفتار نسبت به آنان است. و چه زیبا حضرت علی (علیه السلام) با آشنایی کامل با این آثار شوم ناشی از عدم پوشش برای حفظ روانی افراد و جامعه، خطاب به امام حسن (علیه السلام) می فرماید: وَ أَكْفَفُ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ، وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ، وَإِنْ أَسِيَّتْ عَلَيْنَّ، وَ لَأَتَمَلِّكَ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ، وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ «در پرده ی حجاب نگاهشان دار، تا نامحرمان را ننگرند، ----- ۱. همان، ص ۱۷۴. زیرا که سخت گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است، بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیرصالح را در میانشان آوری، و اگر بتوانی بگونه ای زندگی کنی که غیر تو را نشناسند چنین کن. کاری که

برتر از توانایی زن است به او وامگذار، که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش.<sup>۱</sup> در واقع حضرت برای ایجاد سلامت روانی زنان و حفظ آن‌ها از افسردگی، اضطراب و کابوس‌ها که ناشی از سوء رفتاری‌های پاره‌ای از مردان نسبت به آنان است توصیه به پیشگیری فرموده و حجاب را به عنوان عامل مهم کنترل روانی جامعه مطرح می‌فرماید. جالب‌تر این که در همین نامه به فرزند بزرگوار خویش می‌فرماید: تنها خارج شدن آن‌ها از خانه نباید همراه با حفظ مسایل ایمنی باشد بلکه حضورشان در خانه و ورود نامحرمان نیز باید قانونمند باشد تا فاجعه آفریده نشود. حضرت می‌فرماید: «خارج شدن و بیرون رفتن آن‌ها از خانه بدتر از این نیست که افراد غیر مطمئن را در بین آنان راه دهی.» این جامع‌نگری و توجه به تمامی زوایای یک مسئله از یک انسان برجسته آسمانی چون علی بن ابیطالب (علیه السلام) امری اعجاب‌انگیز نیست که او فراتر از زمان و مرزها می‌اندیشد و نسخه‌هایی که او برای بشر می‌پیچد هرگز بدون جواب نبوده و در آینده چشم دنیا، دستان بلند اندیشه‌ی او را خواهد بوسید. بنابراین حجاب و پوشش زنان نه تنها عامل افسردگی - آنگونه که برخی مغرضان می‌گویند - نیست بلکه پیام آور آرامش روانی هم برای خود زنان محجبه و هم در نگاه کلان برای جامعه اسلامی خواهد بود و درمان یا بهتر بگوییم پیشگیری از بسیاری از بیماری‌های هولناک جنسی قرن بیستم و بیست و یکم در سایه چنین نظام دینی و راهکارهایی خواهد بود. ----- ۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱/۱۱۷. شاید رویکرد جدید دختران جوان امروز به حجاب نشانه خستگی روحی آنان از بی بندوباری موجود در جامعه و هتک حرمت‌ها باشد. چنانچه در روزنامه‌ها می‌خوانیم که علت عمده‌ی خودکشی بسیاری از دختران در کشورهای غربی حکایت از آزرده‌گی آنان از این همه سوء رفتار ناشی از بی بندوباری‌ها و نبودن هیچ گونه حریمی بین زن و مرد و شکسته شدن تمامی مرزهای امتیاتی حتی از سوی پدرانشان دارد. اینجاست که سخن حضرت امیر (علیه السلام) در مورد کنترل و تحدید ارتباطات و ضرورت پوشش برای زنان نمود و جلوه‌ی بیش‌تری می‌یابد. شرکت‌کنندگان در سمینار ایدز حتماً عبارت زیبایی که از سوی یک خانم دکتر انگلیسی در پایان سمینار مطرح شد به خاطر دارند او می‌گفت: «برای این که جهان امروز از بیماری ایدز رهایی یابد و یا با آن به مبارزه برخیزد، باید مرزهایی که دین اسلام بین زن و مرد قرار داده است مراعات کند و از آمیختگی بدون حدّ و مرز زنان و مردان جلوگیری به عمل آید. ۴- علی (علیه السلام) و راهکارها و راهبردهای درمان افسردگی زنان پیش از این بیان شد که زنان دو برابر و به قولی سه برابر مردان دچار افسردگی می‌شوند و نیز بیان کردیم که دین اسلام و قرآن و نیز با بیان شیوای حضرت علی (علیه السلام) جهت پیشگیری از افسردگی راهکارهای بلند ذکر کرده اند که عبارت است از یاد خد. و متصل شدن به دریای رحمت الهی، اما برای آن گروه از زنانی که دچار افسردگی شده اند نیز راهبردهایی از درمان گر همیشه‌گی تاریخ، علی (علیه السلام) بیان می‌کنیم که بسیار عمیق و ژرف است. الف) گرایش عملی بیش‌تر به مذهب و ارتباط با خدا و بهره‌گیری عملی بیش‌تر از تعالیم و دستوره‌های دینی: در این زمینه حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: لَا يُؤْنِسُكَ إِلَّا الْحَقُّ «چیزی جز خدا تو را آرامش نمی‌بخشد.» و نیز می‌فرماید: «خداوند عهد و پیمانی که با نام او منعقد می‌شود با رحمت خودمایه‌ی آسایش و آرامش بندگان و حریم امنی برایشان قرار داده تا به آن پناه برند.» ۱ ب) جلب رضایت الهی که در سایه رضایت خداوند آرامش روانی برای فرد فراهم خواهد شد ۰ حضرت می‌فرماید: وَرِضَاؤُهُ أَمَانٌ وَرَحْمَةٌ ۲ «و رضایت خداوند مایه‌ی آرامش و رحمت است.» در واقع با انجام وظایف و تکالیف و استفاده از استعدادها و نیروهای خدادادی رضایت خدا حاصل می‌شود. و رضایت خدا از بنده، رضایت بنده را به همراه داشته و موجب آرامش او می‌گردد. ج) ایجاد زمینه و بستر مناسب برای برقراری ارتباط‌های صحیح و متعالی که از نیازهای اساسی زنان است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «روابط خود را با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه برقرار ساز و پس از آن با مردمان شجاع و سخاوتمند و افراد بزرگوار. چرا که آن‌ها کانون کرم و مراکز نیکی هستند.» ۳ د) توجه کردن به سخنان آرامش بخش و موعظه‌های روان‌آسا. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ، فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ. «همانا این دل‌ها همانند بدن‌ها افسرده می‌شوند، پس برای شادابی دل

ها، سخنان زیبای حکمت آمیز را بجویید» ۴) صبر و استقامت در برابر ناملايمات به خاطر عشق به خدا موجب آرامش روانی می شود. ----- ۱. نهج البلاغه. نامه ی ۵۳/۱۳۷. ۲. همان، خطبه ی ۱۶۰/۱. ۳. همان، نامه ی ۵۳/۵۲. ۴. همان.

حکمت ۹۱ و حکمت ۱۹۷. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: آنگاه که خداوند جدیت و استقامت و صبر در برابر ناملايمات به خاطر محبتش و تحمل ناراحتی ها از خوف و خشیتش را در آن ها یافت، از درون حلقه های تنگ بلا راه نجاتی بر ایشان گشود و ذلت را به عزت و ترس را به امنیت و آرامش تبدیل کرد. ۱. بنابراین یکی از راه های درمان افسردگی و ایجاد آرامش روانی، صبر و شکیبایی در برابر ناملايمات است. (و عشق ورزیدن به دیگران و دوست داشتن انسانهای وارسته آرامشگر روح انسان است. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: الْمُؤْمِنُ مَأْلُوفٌ وَ لَا خَيْرَ لِمَنْ يَأْلَفُ وَ لَا يُؤْلَفُ ۲ «انسان با ایمان وابسته ی دوستی و الفت است کسی که خود با مردم دوستی نمی کند و مردم نیز او را لایق دوستی نمی دانند در وجودش خیر و خوبی یافت نمی شود.» (ز) استفاده صحیح از فرصت های طلایی در زندگی موجب آرامش روانی و نشاط انسان می شود و از دست دادن فرصت ها نیز غصه آور است. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: اضاعَةُ الْفُرْصَةِ غَضَّةٌ ۳ «از دست دادن فرصت ها غصه آفرین است و در مقابل استفاده از آن ها آرام بخشی روح و روان خواهد بود.» (ح) و گذاری نتیجه ی امور به خداوند که مهمترین عامل برای رفع اضطراب و افسردگی است. به عبارتی ما مأمور به وظیفه هستیم نه اسیر نتیجه و آن چه خداوند برای ما به عنوان نتیجه مقرر فرماید با حکمت و عدالت او آمیخته خواهد بود. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: -----

۱. همان، خطبه ی ۱۹۲/۸۷. ۲. کافی، ج ۲، ص ۱۰۰. ۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۸ «در تمام کارها خویشتن را به خدا بسپار که خود را به پناهگاهی مطمئن و نیرومند سپرده ای.» ۱ به واقع تکیه کردن به یک قدرت متعالی آرامش بخش بشر است و چه قدرتی بالاتر از خداوند متعال. درمان بیماری های روانی در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آن چه گفته شد منحصر نشده و دایره ی آن بسیار وسیع تر است. و ما برای نمونه موارد فوق را ذکر کردیم و علاقمندان را به تبع بیش تر در نهج البلاغه فرا می خوانیم. -----

----- ۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱/۱۷.

## نتیجه

دانستیم که مباحث زنان از مهمترین مباحث در طول تاریخ بوده است که همواره مورد هجوم نظریه های افراط گرایانه و تفریطی قرار گرفته است. پاره ای، زنان را ضعیف، ناکارآمد و موجود فرعی دانسته و برخی او را میوه ی اصلی خلقت برشمرده و به تضعیف و تحقیر جنس مرد پرداخته اند و ساز فمینیستی می نوازند. در این میان دین به عنوان هدایتگر واقعی بشر و مربی او به این مسئله نگاهی همه سویه و دقیق داشته و زن را با ویژگی های زنانه جلوه ای از جمال الهی و مظهر و خلیفه خدا و مرد را خلیفه ای دیگر که مظهر جلال خداوندی است می داند. حضرت امیر (علیه السلام) به عنوان پدر امت اسلامی در نهج البلاغه سخنانی در مورد زنان می فرماید که در طول تاریخ با شباهت و چراهای گوناگونی همراه بوده است و ما در این کتاب بر آن شدیم تا این سخنان آسمانی امیر کلام، علی (علیه السلام) را بررسی کرده و هماهنگی آن ها با طبیعت و فطرت بشری را نمایان سازیم. از این رو تفاوت های زنان و مردان را که عمده ترین بحث روان شناسی زنان است از نظر علمی تجزیه و تحلیل کرده و نظریه های کارشناسان را در این مورد بیان کردیم که خلاصه ی آن چنین است: «زن و مرد از نظر جسمی از آغاز پیدایش سلول اولیه تفاوت های اساسی دارند و از نظر حواس پنجگانه، کیفیت بلوغ جسمی و اعضاء و اندام تفاوت هایی غیر قابل انکاری در آن ها دیده می شود. زنان از جهت حس شنوایی، بویایی و چشایی برتر از مردان بوده و مردان از نظر بینایی قوی تر از زنان هستند و در حس لامسه نیز با هم تفاوت های اساسی دارند. از نظر روانی و بُعد عاطفی، زنان از جهت نمود (نمایش) عاطفه (محبت، خشم، دوستی، دشمنی، شادی، غم و...) قوی تر از مردان هستند ولی عاطفه مردان عمیق تر از زنان است. از نظر جنسی، تفاوت هورمون های مردانه (تستوسترون) و

هورمون های زنانه (استروژن و پروژسترون) موجب تفاوت رفتارهای جنسی زن و مرد می شوند. تفاوت در توانایی های شناختی و هوش و حافظه و فراشناخت و امور گوناگون انتزاعی و غیر انتزاعی جلوه های دیگر تفاوت های زنان و مردان است که در مجموع، این تفاوت ها موجب متفاوت شدن وظایف، حقوق و احکام خاص آنان می گردد. در یک نگاه کلی تفاوت در وظایف بر اساس طبیعت متفاوت و وظیفه اصلی این دو پیکره ی جهان هستی تعیین شده است و تکامل و تعالی با در نظر گرفتن این تفاوت ها و شناخت و احترام به آن ها به وجود خواهد آمد. از آن جا که قانون آفرینش اقتضاء می کند زن و مرد مکمل یکدیگر بوده و با همزیستی و همگرایی، بخش توسعه نیافته وجود خویش را رشد دهند و در وادی کمال قدم نهند؛ نمی توان تفاوت ها را کم رنگ یا نادیده تلقی کرد و یا به عنوان نقص و کاستی و عیب برای هر یک از زن و مرد مطرح نمود. از مجموعه بررسی هایی که در زمینه خطبه ۸۰ نهج البلاغه (نواقص العقول و نواقص الایمان و... بودن زنان) صورت گرفت می توان گفت که: الف) نهج البلاغه را باید در کنار قرآن تفسیر کرد و به تبیین آن پرداخت. همانگونه که فرازهای مختلف آن هم باید با سخنان دیگر حضرت امیر در همان کتاب و یا کتب دیگر مورد بررسی قرار گیرد و نگاه مجموعی به آیات و روایات مشکل تحلیلی و بررسی را حل خواهد کرد. حضرت در این خطبه شریف به تعلیل و تبیین آیات قرآن پرداخته و در واقع آیات شهادت (بقره/۲۸۳) و ارث (نساء/۱۲) و آیات مربوط به عبادات زنان را تفسیر و تبیین می کند. ب) «نواقص العقول» تنها در نهج البلاغه مطرح نشده و لااقل در پنج روایت مستند دیگر از قول رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و دیگر ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است که مجموعاً حکایت از نوعی نقصان در عقل و ایمان زنان دارد. البته این نقص نسبی است و نسبت به مرد سنجیده می شود همان گونه که عاطفه مرد و نمایش آن نسبت به زن دارای نقصان و کاستی است. آنگاه که این دو نیروی حیات در کنار یکدیگر قرار می گیرند کاستی هر دو به زیادتی دیگری جبران می شود و همدیگر را کامل می کنند. ج) جذب و انجذاب و تعالی و تکامل در سایه همین نقصان های دو طرف است و در عالم خلقت هر گونه نقصی قابل جبران است. نقص عقلی زن توسط توانایی غلبه بر عواطف و احساسات و توجه به کلیه مسایل که حیات و رشد عقلانی را فراهم می سازد قابل جبران است (الْأَجْرِيَّةُ بِكَمَالِ عَقْلِهَا) و نقص عاطفی مرد با تعلیمات و احکام دینی. برای نمونه تاکید روایات بر این که مرد به همسر بگوید: «من تو را دوست دارم» در واقع وسیله ای است برای جبران نقصان مرد در نمود و نمایش عاطفه، در حالی که در هیچ یک از روایات به زنان چنین توصیه ای نشده است زیرا آنان طبیعتاً در این مسأله یعنی نمایش و بروز عشق و عاطفه به کمال رسیده اند. از سوی دیگر نقصان ایمان زنان که علت آن ویژگی های خاص زنانه مثل حیض و نفاس و... است با این روایت که پیامبر فرمود: «شما زنان سعی کنید خود را به خدا نزدیک کنید» و انجام قضای عبادات مثل روزه و نشستن بر سجاده و به اندازه ی یک نماز متعارف ذکر گفتن و تقدم ورود دختران به وادی بلوغ و تکلیف شرعی (۶ سال پیش از پسران) و... جبران می شود. افزون بر این که اصل در عبادات، اطاعت از معبود است و انجام و یا ترک افعالی در هنگام حیض مظهر کامل اطاعت از پروردگار و در نتیجه «عبادت آگاهان» است. د) عام بودن این خطبه که مرجع آن را عموم زنان بدانیم با روایت دیگر حضرت که می فرماید: «اگر کمال عقل زنان بر شما ثابت شد با آنان مشورت کنید.» و هم چنین وجود زنان برجسته ای چونان حضرت زهرا (سلام الله علیها) حضرت خدیجه و فاطمه بنت اسد و بانوان برجسته تاریخ صدر اسلام (قراین حالیه) که رشد عقلانی و بصیرت و بینش آنان به مراتب بیش از بسیاری از مردان زمان آن ها بود تخصیص می خورد. ه) اگرچه این روایت و بسیاری دیگر از روایات در بستر تاریخی و زمانی خود تبیین می شوند ولی می توان گفت جنگ جمل و وجود زنانی که تنها اسیر عواطف بوده و از حیطة عقلانیت خارج شده اند تنها مصداقی است برای بیان یک حقیقت و آن این است که زنان نوعاً و در موارد متعدد تحت تأثیر عواطف خود قرار گرفته و تصمیم ها و قضاوت های ناپایدار و دور از منطق قرار می گیرند و امام در مقام آسیب زدایی از جامعه بوده است. انسان «جهول»، «ظلوم»، «حریص» و... است و اشخاصی چون پیامبر گرامی اسلام و حضرت امیر و مردان عالم و عادل و متعادل از این حکم کلی خارج می شوند و این تخصیص هم توسط آیات دیگری چون «أَنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ» و

«فلا- اقسام بالنفس اللوامه» ایجاد می شود و هم حضور وجود مبارک پیامبر و علی و... مخصص این حکم است. (و نکته مهم و قابل توجه این است که «سیره» و «سخن» معصوم در مقایسه با یکدیگر بررسی می شود. در سیره و روش علمی و عملی حضرت امیر(علیه السلام) هرگز هرج و مرج وجود نداشته و از نظر رفتاری نیز منش آن حضرت کاملاً قانونمند و اصولی است. برخورد امام که برگرفته از نگرش علمی و فلسفی حضرت به مسایل گوناگون است نمایانگر این است که زنان در تفکر و اندیشه ی حضرت جایگاه والایی دارند. رفتار حضرت علی(علیه السلام) با همسر بزرگواری و سخنانی که در مورد مادر خویش می گوید و عبارت «المرأه ریحانه» روشنگر این حقیقت است که زنان رشد یافته در مهد شریعت و آنان که عقلشان امیر است و هوی و هوس هایشان اسیر، مورد احترام حضرت امیر(علیه السلام) بوده و هستند. امید آن که پندار، گفتار و رفتار علوی در زندگی ما تجلی بیش تری یابد و امروز و فردایی روشن و روشنگر نصیب خویش سازیم. و السلام تابستان ۱۳۸۵

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴۰۲۳۵) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های

علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت : ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا : ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه  
مجلس شورای اسلامی

اصفهان

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

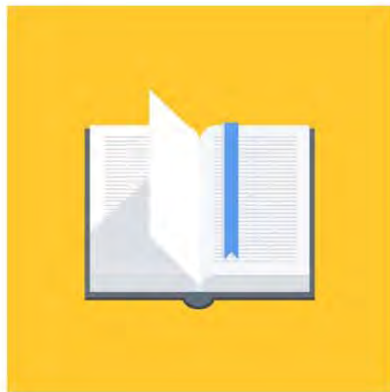
[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹







آیا می دونستید لذت مطالعه و درصد یادگیری با کتاب های چاپی بیشتره؟  
کارنیل (محبوب ترین شبکه موفقیت ایران) بهترین کتاب های موفقیت فردی  
رو برای همه ایرانیان تهیه کرده

از طریق لینک زیر به کتاب ها دسترسی خواهید داشت

[www.karnil.com](http://www.karnil.com)

با کارنیل موفقیت سادست، منتظر شما هستیم

 Karnil  [Karnil.com](http://Karnil.com)

